



روز ورت

حجت الاسلام و المسلمين محبوب شفائي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موجود حق

محبوب شفائی

شفائی، محبوب، ۱۳۴۶ -

موعود حق / نویسنده محبوب شفائی. قم: نشر سنابل، ۱۳۹۰. ۲۴۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۲۹-۹۷-۶ ۳۹۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. [۲۲۹] - ۲۴۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. مهدویت. ۲. مهدویت - انتظار. ۳. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق.
- الف، عنوان.

۲۹۷/۴۶۲

۸ م ۷ ش / ۴/۲۲۴ BP

۴۵۵۵۹۱۲



مرکز نشر سنابل

شناسنامه کتاب

نام کتاب موعود حق
نویسنده محبوب شفائی
ناشر سنابل
چاپخانه نگارش
شمارگان ۱۰۰۰ نسخه
قیمت ۳۹/۰۰۰ ریال
نوبت چاپ اول - بهار ۹۰
تعداد صفحه و قطع ۲۴۸ صفحه - وزیری

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۲۹-۹۷-۶

مرکز پخش:

تهران - شهرک ولیعصر (عج) - کوچه اسلامی دوم - پلاک ۲۴ -

واحد یک ۰۹۱۲۳۱۵۱۷۸۰

فهرست مطالب

مقدمه	۱۵
فصل اول: مهدویت از دیدگاه ائمه اطهار	۲۵
فصل دوم: انتظار چیست؟ منتظر کیست؟	۴۵
اشاراتی به لغت انتظار	۴۵
انتظار واقعی	۴۹
خواص معنوی انتظار	۶۷
فضائل شیعیان در انتظار	۶۸
فصل سوم: انتظار از منظر اصول اعتقادی	۷۹
انتظار از منظر اصول اعتقادی	۷۹
انتظار از منظر علم	۸۴
فصل چهارم: مبادرت و مبانی انتظار	۸۹

۹۰	۱. توپنه‌ها
۹۱	۲. معنویت بشر و جهان غرب
۹۳	۳. عجز و ناتوانی سیاست های غرب
۹۵	۴. راه گشایی در حضور
۹۶	۵. بشارت‌ها
۹۹	فصل پنجم: نقش آفرینی فوائد انتظار
۹۹	آثار و فوائد سازنده انتظار
۱۰۲	فلسفه انتظار
۱۰۸	عامل حرکت و مقاومت
۱۱۰	انتظار برای عدالت
۱۲۳	انتظار برای وصال امام زمان (عج)
۱۲۳	«چهار مرحله رسیدن به امام زمان (عج)»
۱۲۴	مرحله اول
۱۲۶	مرحله دوم
۱۲۷	مرحله سوم
۱۳۱	فصل ششم: دیدگاه اسلام درباره ی ظهور حضرت مهدی (عج)
۱۳۶	انتظار مهدویت از دیدگاه قرآن کریم و احادیث قدس
۱۴۹	۱. انتظار ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) در احادیث قدس

۲. انتظار مهدویت در احادیث معصومین ۱۵۰
۳. انتظار مهدویت از دیدگاه تشیع ۱۵۷
۴. انتظار ظهور حضرت مهدی «عج» از دیدگاه اهل تسنن ۱۵۸
- ۵ - انتظار مهدویت از دیدگاه ادیان و مکاتب ۱۶۷
- در کتابهای زرتشتیان ۱۷۲
- نظر یهودیان و مطالبی از تورات و ملحقات آن ۱۷۴
- مهمترین ویژگی های مشترک منجی موعود در ادیان ۱۷۹
- ۶ - تفاوت در انتظار ظهور مصلح بین شیعه و سایر ادیان ۱۷۹
- ۷ - رد انجمن حجّتیّه مهدویه از دیدگاه امام خمینی (ره) ۱۸۰
- فصل هفتم: دیدگاه اسلام شناسان در ظهور حضرت مهدی (عج) ۱۸۳
- دیدگاه دین پژوهان و اسلام شناسان غربی در انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام ۱۸۳
- «مارگلی یوت» اسلام شناس اروپایی ۱۸۶
- رد نظریه «مارگلی یوت» ۱۸۷
- انتظار در ظهور از زبان «سید امیر علی» دانشمند اسلامی هندوستان ۱۹۰
- مهدویت و انتظار از زبان «جیمز دارمستر» ۱۹۲
۲. دیدگاه مستشرقان در انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام ۱۹۴
- فیلم سازان آمریکایی مساله مهدویت و انتظار را نشانه گرفته اند ۲۰۱
- توطئه ها و تهاجم های سیاست مداران آمریکایی و اسرائیل به مساله مهدی باوری ۲۰۳

- نظریه و تبلیغات منفی صهیونیست ها در زمینه ی آخر الزمان ۲۰۴
۳. اعتراف مخالفان شرقی و غربی اسلام به ظهور حضرت مهدی «عج» ۲۰۷
- فصل هشتم: وظایف شیعیان در دوران غیبت کبری ۲۱۱
- انتظار ظهور مصلح بزرگ آسمانی ۲۱۱
- شناخت و آگاهی نسبت به حضرت ولی عصر (عج) ۲۱۸
- تمسک به ریسمان ولایت اهل بیت علیهم السلام ۲۱۹
- انتظار در ظهور منجی از واجبات ۲۲۰
- اصلاح فردی و اجتماعی در دوران غیبت ۲۲۰
- آمادگی جانی و مالی در ظهور حضرت مهدی (عج) ۲۲۲
- محبت به حضرت مهدی (عج) ۲۲۴
- محزون بودن از فراق حضرت ۲۲۵
- چگونگی دعا برای فرج و سلامتی امام زمان (عج) ۲۲۵
- رعایت حقوق و پرداخت خمس ۲۲۷
- منابع و ماخذ ۲۲۹
- دعای کامل ۲۳۷
- دعای عهد ۲۴۴
- دعای فرج ۲۴۷

تقدیم :

ببینگاه حضرت تقی الله الاعظم، آخرین حوزید و روحانی هدایت،
محمد بن الحسن العسكري علیه السلام که کرک های چوپان ناو کمران مادی غار از ریشه برکنده،

انسانیت را از تیرگی کمرابی برماند

زما داران سنگر و استلبار جهانی و جاهلان عناد کر را نابود سازد،

زمین را پر از عدل و داد کند، بعد از آن که پر از ظلم و ستم شده است.

تقدیم به حامل مواریث پیامبران:

که زبان من و حر کوینده دیگر از وصف او ناتوان است و شنا گویمان

هر چه گویند، بامین تر از انسان او گفته اند

تقدیر و تشکر:

حمد و سپاس بی حد خدای را سزااست که به این ذره ی بی مقدار توفیق داد که دست به قلم برم، و درباره ی فرزند خیرالبشر، سر ناموس خدای اکبر، امام عصر روحی و روح العالمین له الفداء، قلم فرسایی کرده و سپاس و ستایش از آن خداوندی است که با وجود حجت باهره ای بر بندگان منت نهاد که رمز بقای جهان هستی است و اگر لحظه ای در روی زمین نباشد، زمین ساکنان خود را در کاش فرو می برد. و صلوات و سلام بر افضل پیامبران و اشرف سفیران الهی، سید و سرور ما حضرت محمد (صل الله علیه و آله وسلم) و عترت و اهل بیت او باد. و درود بر آخرین وصی و بر پا دارنده عدالت از ایشان ولی عصر و صاحب الزمان (عج)، که در انتظار امر حق نشسته و دولت کریمه اش آرزوی بشریت است.



زفرمه ای عاشقانه با محبوب

از رسول گرامی اسلام ﷺ نقل شده که فرمود:

«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَغْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ.»

« هر که بمیرد و امام زمانش را نشناسد، همانند مردن جاهلیت مرده است.»

مهدی جان! ای جان جانان! ای آنکه همه ی هستی چشم به راه تواند و عزت و عدالت، در آمدنت بی قرار است! و ای محبوب خدا و همه ی اولیاء از عنایت و لطف شرمنده و شاکریم که یک ذره از اقیانوس بی کران «انتظار» را به ما چشاندی و دریچهی فهمان را گشودی! و توفیق الهی نصیبمان شد که از تو، مرکز دایره ای جهان، دم زنیم و از تو سخن گوئیم.

از تو می خواهیم که با یک نظر کیمیایی دیگر، ما را در مقام عمل قرار دهی تا نعمت، بر ما تمام شود؛ «و اتم نعمتك بتقدیمک ایاه امامنا...» و انظر الینا نظره رحیمه نستكمل بها الکرامه عندک»^۱

۱. عباس، قمی، ((مفاتیح الجنان)) (دو فراز از دعای ندبه)، ص ۱۰۴۵

«خدایا با پیشوا کردن مهدی نعمت را بر ما تمام کن..... و با دیده ی رحمت به ما بنگر تا بزرگی و کرامت نزد تو را، برای خود کاملاً بدست آوریم»

قال علی بن موسی الرضا (علیهما السلام والثناء) :- «ما احسن الصبر و انتظار الفرج»^۱

چقدر شکیبایی و بردباری و چشم به راه گشایش و کامیابی بودن، خوب و زیباست!
شکیبایی، خود نیکوست و هنگامی که در کنار انتظار و آماده باش آمدن مهدی موعود(عج) قرار می گیرد، خوب تر است و نیکو تر!

راستی زیبایی در کنار هم بودن این دو، در چیست که قبله ی هفتم، امام هشتم علیه السلام با چنین تعجب و تحسینی از آن یاد می کند؟! چگونه است که خداوند متعال، همه ی پیامبران را در «مقام انتظار» نشانده و همراهی خود را هم با آنان اعلان فرموده^۲ و همه کتابهای آسمانی را به این مژده، زیور و زینت داده؟! «ولقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون»^۳

«و در حقیقت در زبور، پس از یاد کرد (در تورات) نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ی من به ارث خواهند برد».

کسی که نوید رهایی بخش دل مظلوم و ستم کشیده و مستضعف است.

کسی که دغل بازان و منافقان و حيله گران با طوفان قیامت از صحنه خارج و رسوا

کننده ی مدعیان باطل و دروغین حقوق بشر و دادرس ستمدیدگان و مظلومان است.

و چطور حضرت قائم - روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء - را در مرکز دایره ی

امامت و رسالت نشانده است؟!^۴ به برخی از رازهای زیباترین انتظار - که انتظار مهدی

است، اشاره می کنیم:

۱. عبدعلی، المروسی العویزی، «نور الثقلین»، ج ۲ ص ۲۹۷. ۳ - محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۳۷۹.

۲. یونس / ۲۰ و ۱۰۲، فانظرو! انی معکم من المنتظرین

۳. انبیاء / ۱۰۵

۴. محمد باقر، مجلسی، «بحار الانوار»، ج ۲۷، ص ۲۰۰

« همه ی اصول دین، در انتظار وجود دارد. منتظر، خدای منتظر را پذیرفته که از او، آمدن امام زمان را می خواهد. همچنین رسالت و امامت را هم باور کرده که اکنون، چشم به راه موعود است.

و همین طور وعده ی الهی نیز در انتظار، باور شده و گرنه منتظر بودن، معنی نمی دهد. پس همه ی اصول دین و معارف، در انتظار است.^۱

انتظار فرج، یعنی چشم به راه همه ی کمالات بودن، چرا که با آمدن او (عج) - هدف خلقت که عبودیت است، محقق می شود (این جامع الكلمه علی التقوی؟)^۲ «کجاست گرد آورنده مردم بر محور تقوا؟» و ولایت تجلی کامل دارد و فرج همه پیامبران و اولیاء در گرو فرج اما زمان است. ۳- انتظار انسان را در دو جبهه به مجاهده و می دارد؛ در جهاد نفس و جهاد با دشمن خارجی که فرمودند:

«والدعاه الی دین الله سرا و جهرا.....»^۳ و «یجاهدون فی سبیل الله ولا یخافون لومه لائم»^۴

دعوت کنندگان به سوی دین خدا در نهان و آشکار.....» «در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی ترسند»

منتظر، خود را با اهداف منتظر هماهنگ می کند و هدف مهدی معلوم است:

«این المنتظر لاقامه الامت والعوج؟»^۵ «کجاست آن منتظری که کجی ها و نادرستی راسامان می دهد.» پس منتظر در خود سازی تلاش می کند و هیچ عاملی به اندازه ی انتظار، سازندگی ندارد: «من سره ان یكون من اصحاب القائم فلینظر ولیعمل بالورع و محاسن الاخلاق.»^۶

۱. حجت الاسلام والمسلمین حسین، گنجی، «آماده باش باران امام زمان (عج)»، ص ۱۴.

۲. عباس، قمی، «مفاتیح الجنان»، فرازی از دعای ندبه، ص ۱۰۴۱.

۳. احمد، طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۵۰.

۴. مانده / ۵۴

۵. عباس، قمی، «مفاتیح الجنان» افزای از دعای ندبه، ص ۱۰۴۰.

۶. محمد باقر، مجلسی فعال «بحار الانوار» ج ۵۲، ص ۱۴۰.

«هر کس خوشحال می شود و دوست دارد که در شمار یاران حضرت مهدی باشد، باید سه ویژگی داشته باشد: یکی منتظر بودن، دومی با ورع بودن و سومی اخلاق کریمانه و بزرگوارانه داشتن.»
و به برترین جایگاه می رسد: «..... افضل من اهل کل زمان»؛ «برتر از مردم هر زمانی هستند.»

انتظار، خود را ندیدن و پیوسته به حضرت دوست، نگاه گردن است. منتظر، حتی یک لحظه هم از یاری خبر نیست و چه عالیست که انسان همواره به «طاووس اهل بهشت» بنگرد و آنی از او، به غیر متوجه نشود.

پس چه زیباست صبر در این مسیر، همراه انتظار؛ که این دو، برکت های فراوان و ارزشمندی خواهد داشت.

۱. محمد باقر، مجلسی فعال «بحارالانوار» ج ۵۱، ص ۹۱؛ حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مهدی عجل الله فرجه، «طاووس بهشتیان است.»



« السلام علی معزّ الألیاء و مذلّ الأعداء »

بالاترین هدف از تدوین و نگارش این کتاب جلب رضایت پروردگار و انبیای الهی و ائمه معصومین علیهم السلام و با الاخص جلب رضایت و محبت حضرت ولی عصر (روحی و ارواح العالمین له الفداء) می باشد، چرا که این کتاب به نام او و برای او است؛ پی بردن به این حقیقت که فرج و آسایش همه مومنین و مستضعفین، به دست توانمند آن سرور است و تمام درد و رنج انسان فقط با ظهور با برکت او پایان خواهد پذیرفت؛ طولانی بودن دوران رنج و درد و محنت آن صبور، و غفلت اکثر مسلمانان، مخصوصاً جامعه شیعه از آن وجود مقدس گرامی؛ به کار بردن توصیه آن حضرت در امر دعا برای تعجیل در امر فرج و ظهور و توجه به حقیقت نهفته در آن؛ طولانی شدن امر غیبت و بالا گرفتن موج فتنه و بلا و آشوب و جنگ و لبریز شدن کاسه صبر مشتاقان و منتظران حضرت؛ ادای جزئی از حقوق بیکران آن حضرت؛ غربت قرآن و خاندان رسالت و امامت و متروک ماندن قوانین حیات بخش اسلام در عصر حاضر و عدم توجه جهانیان به این امر؛ ایمان به حقانیت آن و دفاع از آن؛ تبلیغات زهرآگین دشمنان علیه آن حضرت و جهالت جاهلان و توانا نمودن دوستان در برابر آنان؛ از بین بردن هم و غم و اندوه آن حضرت و به کاربردن سفارشات موکد رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اهل

بیت گرامیش و درباره زنده نگه داشتن امر آن حضرت؛ رستگاری به شفاعت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و دخت گرامی او فاطمه الزهرا علیها السلام - و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام انشاءالله؛ ایجاد علاقه ای وافر در نسل دانسته، در دوران غیبت به آن فرمان داده اند.^۱ «پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شهادت امیر المومنین علیه السلام و سید والشهداء علیه السلام تا امروز، ریشه تمام حرکت ها و نهضت های شیعی علیه باطل و استثمارگران، همین فلسفه اجتماعی انتظار و عقیده به ادامه مبارزه تا پیروزی حق بوده است.»^۲ «این امر چنان مورد توجه بزرگان دین قرار گرفته تا آنجا که یکی از معیارهای پذیرش اعمال نامیده شده است.»^۳

واژه «انتظار» را نمی توان بهانه سستی و خمودی خویش قرار داد، و وجدان مذهبی خود را به نام آن و از کوشش و پیکار در راه دین شانه خالی کرد؛ انتظار در خود سازهایی فردی، خود یاریهای اجتماعی و حل نشدن در مفاصل محیط تاثیر بسزایی دارد، که از فلسفه مهم انتظار به شمار می آیند؛ رابطه تشابه در میان مساله «انتظار» و «جهاد» و مبارزه با دشمن وجود دارد، منتظر؛ همانند شمشیرزنی در راه خداست»^۴ «انتظار حکومتی والا داشتن به عنوان بالاترین عبادت معرفی شده است.»^۵؛ انتظار برای عدالت و امری واجب و ضرورت دارد، علم به اینکه عقیده به ظهور حضرت مهدی (عج) اختصاص به اسلام ندارد بلکه سایر ادیان و مکاتب را نیز شامل می شود؛ از همه مهم تر دشمنان اسلام اعتراف خود را به سازندگی انتظار اعلام نموده اند، منتظران و هر یک از سازمانها و نهادها برای ترویج فرهنگ انتظار وظایفی را بر عهده دارند، من جمله از خویشتن باید افرادی مسلمان و بیدار بسازیم تا بتوانیم با بالابردن آگاهی عقیدتی و پایبند بودن به اخلاق نیکو و پسندیده اسلامی، جلوی تهدیدهای دشمنان را بگیریم؛ آماده کردن نفس و تربیت و تهذیب آن در راه فداکاری و ایثار

۱. لطف الله، صافی گلپایگانی، «منتخب الاثر»، ص ۲۲۳.

۲. مجید، حیدری نیک «نگاهی دوباره به انتظار» ص ۲۸.

۳. ابن ابی زینب، نعمانی، «غیبت نعمانی»، مترجم: جواد، غفاری، ص ۲۰۰.

۴. سید اسدالله، هاشمی شهیدی، «ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان» ص ۲۰۵.

۵. همان، ص ۲۱۱.

و جهاد در راه خدا؛ فراهم نمودن زمینه برای ظهور امام مهدی (عج)؛ پاسداری دین و حفظ حقوق مردم و سلامت و نظم جامعه اسلامی، این موضوع در متون دینی به نام امر به معروف و نهی از منکر یاد شده است که این از وظایف خطیر منتظران است؛ انسان منتظر از حق دفاع و ناحق و باطل را خواهد کوبید.

به امید اینکه همه مومنین و دوستداران حضرت ولی عصر (عج) در آزمون الهی سربلند و پیروز بیرون آمده و همگی یکصدا با هم یوسف ناپیدای فاطمه زهرا علیها السلام را صدا بزنیم و او را به یاری بطلبیم تا به خواست حضرت حق یاور مستضعفان و مظلومان، دوای درد بشریت محروم از حقوق خود، مرهم دل و نور دیده رنج دیدگان مشتاق، خورشید تابان هدایتگر و زنده کننده احکام قرآن مجید منتقم خون سرور شهیدان کربلا حضرت ابا عبدالله حسین بن علی علیه السلام میوه دل نبی اکرم و فاطمه زهرا و نور دیدگان ائمه هدی علیهم السلام و آخرین ذخیره پروردگار با شمشیر و تیغ بران ذوالفقار از راه برسد و دولت حق را بر پا نماید و پرونده سیاه قدرتهای استکباری شرق و غرب و عوامل محرک جنگ و فتنه آشوب و ویرانگری و نابودی را، بسته به زندگی ننگین و نکبت بار آن لثیمان خاتمه داده، آلام درونی مومنان مشتاق، مبارز، متحد و دلسوز و فداکار و رنجیده را التیام بخشیده، غبار غم از دیدگان غم بار مستضعفان پاک کرده، آری؛ همگی به امید آن روز، روز موعود، روز سربلندی و افتخار و عزت مومنین، چشم به راه موعود می دوزیم، منتظر به راهش گام می گذاریم و مشتاق اهداف الهی اش را دنبال میکنیم، که پیروزی آن عزیز، پیروزی اسلام و مسلمین است و نابودی کفر جهانی.

انتظار و عقیده به آینده مسأله ای جدید و از پدیده های قرن ما و هزاره ما نیست. امری نیست که با ظهور اسلام و تشیع رخ نموده باشد؛ بلکه سابقه ای دارد بس دراز و شاید نزد به پیدایش دومین نسل انسان در کره زمین. ما این سابقه را نزد اقوام گوناگون، فرهنگها، مکاتب و مذاهب، از زرتشتی و یهودی و مسیحیت و جوامع و ادیان و اسلام به عیان و به صورت فراوان می بینیم. اما اسلام به عنوان دین خاتم با نظری وسیع تر و عمیق تر به این مسأله نگریسته و ابعاد و جوانب آن را نیکوتر مورد بررسی قرار داده است. از همان آغاز اسلام و حتی از همان سالهای اول ظهور پیامبر صلی الله علیه و آله درباره انتظار سخن گفته شده و رسول

خدا مردم را متوجه آن کرده است. مسأله «انتظار» و امید به آینده، و حاکمیت مطلق حق در تمام جهان در آخر زمان، یکی از مسائل حیاتی اسلام است، و قرآن کریم با قاطعیت هر چه تمامتر این مسأله را به عنوان یک وعده تخلف ناپذیر الهی مطرح نموده، و در کمال صراحت، پیروزی نهایی ایمان اسلامی و آینده درخشان آیین پاک محمدی صلی الله علیه و آله را به مسلمانان نوید داده، و جای هیچ گونه شک و تردید و ابهام برای احدی باقی نگذارده است. در این زمینه، آیات بسیاری در قرآن کریم وارد شده که برای نمونه آیاتی را در اینجا می آوریم:

« هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون. »^۱
 « او کسی است که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا دین حق بر تمام ادیان غالب و پیروز گرداند اگر چه مشرکان کراهت داشته باشند. »

آیه در مورد جهانی شدن آیین اسلام و غلبه این دین مبین بر همه ادیان جهان آمده است.
 « انا لنصر رسلنا والذین آمنوا فی الحیوه الدنیا و یوم یقوم الاشهاد. »^۲

به طور قطع و یقین، ما پیامبرانمان و کسانی را که ایمان آوردند در زندگی دنیا و روزی که شاهدان (حضرات معصومین) علیهم السلام پیاخیزند، یاری می نمائیم. آیه در مورد اینکه خداوند قطعا فرستادگان خود را یاری نمود آمده است. همچنین، روایاتی از ائمه معصومین علیهم السلام که در این زمینه آمده است اشاره می کنیم: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

« لا تنقضی الساعه حتی یملک الارض رجل من اهل بیتی، یملا الارض عدلا کما ملئت جورا. »^۳

« دنیا به آخر نمی رسد مگر اینکه مردی از اهل بیت من، تمام جهان را مالک شود؛ او سراسر روی زمین را پر از عدل کند همچنان که پر از ستم شده باشد. »
 امیر المومنان علی می فرماید:

۱. توبه / ۳۳.

۲. غافر / ۵۱.

۳. محمد باقر، مجلسی، «بحارالانوار»، ج ۵۱، ص ۷۸.

«المهدی منا فی آخرالزمان، لم یکن فی امه من الامم مهدی ینتظر غیره.»^۱

«مهدی مردی از دودمان ماست که در آخرالزمان ظاهر می شود. در همه عالم شخصی به نام مهدی منتظر که مردم انتظارش را می کشند جز او وجود ندارد «را و یک تن بیشتر نیست.»

از مجموعه آیات و روایات یاد شده به خوبی استفاده می شود که جهان روزی را در پیش دارد که حکومت مطلق دنیا به دست پاکان و صالحان و افراد با ایمان خواهد افتاد، و طبق روایات و نویدهای تمام انبیای الهی، آن عصر درخشان و روزگار طلایی که مورد انتظار بشر و همه مسلمانان و شیعیان جهان است، همان روز قیام منجی عالم بشر، و دوران پر شکوه ظهور مبارک مهدی موعود علیه السلام خواهد بود.

در تفسیر سوره قدر، امام خمینی (ره) می فرماید: «با این سوره شما با مخالفان امامت بحث کنید.»^۲ این امری که ملائکه و روح نازل می کنند و این ارتباطی که پس از رسول میان آسمان و زمین هست، برای کیست؟ ولی امر کسی است که در شب قدر امر را به او می سپارند.

پس نه در حکم نه در موضوع دچار اشتباه نمی شوند، همان گونه که اعمال ما به آنها عرضه می شود و از وضع و کارما با خبر هستند؛ و حتی می بیند «سیری الله عملکم و رسوله والمؤمنون.»^۳

افزون بر این، عنصر دیگری در درک انتظار به ما می تواند کمک کند، بازگشت دوباره به خویشتن خویش است. چون انسان بیش از هر چیز به خودش آگاهی دارد. به عنوان مثال: «اگر ابوذرها در یک برخورد این گونه شوریده می شوند و راه می افتند، از همین جاست که او را به برداشت از خویش دعوت کرده اند.»^۴

۱. لطف الله، صافی گلپایگانی، «منتخب الاثر»، ص ۱۷۱، ح ۹۰.

۲. محمد باقر، مجلسی، «بحار الانوار»، ج ۲۵، ص ۷۱، ح ۶۲.

۳. توبه / ۱۰۵.

۴. مجید، حیدری نیک، «نگاهی دوباره به انتظار»، ص ۱۷.

با مراجعه به متون روایی، مشاهده می شود که معصومان علیهم السلام خیلی روشن و صریح با ارائه تصویری مناسب از انتظار، روی برداشت نخست، خط بطلان کشیده اند و برای این که هرگز آن معنا به ذهن مخاطب خطور نکند، انتظار را عمل نامیده اند، آن هم برترین اعمال یا آن را عبادت خوانده اند، آن هم محبوب ترین عبادت.^۱

«اساساً این یک قاعده عقلی و منطقی است؛ آن کس که وضعیت موجود را نمی پذیرد و تحمل نمی کند، در انتظار گشایش است و برایش آماده می شود؛ من انتظار امرا تهیا»^۲ «هر کس منتظر امر ما است برای ظهورش آمادگی پیدا کند.»^۳

ظهور یک نجات بخش بزرگ، داشتن رهبری پاک، حاکمیت قانون، تشکیل حکومت جهانی واحد، برقراری عدالت، مرهم گدای بر زخمهای جان گاه بشریت، نابودی ظلم، اصلاح جامعه بشری - همه و همه - مطالبی است که از دوران کهن تا کنون آرزوی فلاسفه، مصلحان، انقلابیون و همه اقوام و ملل دینی و غیر دینی بوده است.

«این اعتقاد و آرزو حتی منحصر به مذاهب شرقی و اسلامی نیست، بلکه اسناد و مدارک، نشان می دهد که این یک اعتقاد عمومی و قدیمی در میان همه اقوام و مذاهب شرق و غرب است؛ اگر چه در دین اسلام تاکید بیشتری روی آن شده است؛ همه اقوام - هر کدام - او را به نام خاصی می شناسند، ولی همگی در اوصاف کلی و اصول اعتقادی برنامه های انقلابی او اتفاق نظر دارند.»^۴ این موعود در بین مسلمین، مهدی قائم، منتظر، صاحب الزمان و بقیه الله خوانده شده است. در کتاب نجم الثاقب بیش از یکصد و هشتاد اسم و لقب برای آن حضرت ذکر شده است. در کتب اقوام و ادیان دیگر مثل کتابهای دید، باسک، پاتیکل،

۱. محمد، شیخ صدوق، ((کمال الدین))، ج ۲، باب ۵۵، ح ۱؛ محمد باقر، مجلسی، «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۲. همان (ص) ۵۲

۳. مجید، حیدری نیک، «نگاهی دوباره به انتظار»، ص ۲۰.

۴. ناصر، مکارم شیرازی، «مهدی انقلابی بزرگ»، ص ۱۰۵ و ۱۰۹.

۵. سید حسین، تقوی، «حضرت مهدی (عج) از ظهور تا پیروزی»، ص ۸۳.

دداتک، صفیاه نبی، اشعیاء نبی، زند، جاماسب، شاکمونی، وشن جوک، حگی نبی، مکاشفات، یوحنا ی لاهوتی، دانیال، انجیل متی، انجیل لوقا و انجیل مرقس، بشارت به آمدن منجی و عدالت گستر و مصلح آمده است که از آن عبادات و مضامین، اصالت اعتقاد به «مهدویت» تأیید می شود.

و این موضوع به عنوان یک اصل عام مورد قبول همه ملل و اقوام و انبیاء و ادیان، معرفی می شود.

مؤید این مطالب، خداوند متعال فرموده: «و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون»^۱

«و ما بعد از تورات در زبور (داوود) نوشتیم (و در کتب انبیاء سلف وعده دادیم) که البته بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و منصرف خواهند شد.»

(الارض) می رساند که مراد، همه زمین است. مراد از زبور که در آن، این بشارت نوشته شده، کتاب آسمانی نازل شده بر حضرت داود علیه السلام است. نه عهد یا که در آن صورت، مطلق کتابهای آسمانی پیش از زبور را شامل می شود.

مراد از ذکر - به قول مفسرین قرآن - کتاب تورات است؛ ممکن است «ال» در «الذکر» برای جنس باشد

در هر صورت، در این دو کتاب عهد قدیم (تورات و زبور) این وعده مطرح شده است.

«نهان زیستن امام زمان علیه السلام هرگز به معنای وانهادگی کامل انسانها، تعطیل گشتن احکام و تکالیف الهی، و بی رهبر و پیشوا ماندن مسلمانان و شیعیان نیست.»^۲

۱. انبیاء / ۱۰۵

۲. واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران، «وظایف منتظران»، ص ۵۰

امام در غیبت هم، آثار وجودی فراوان در نظام تکوین و تشریح دارد. «امام غائب چنان خورشیدی است که در پس پرده ابر مانده باشد»^۱، فیض وجود او سبب استقرار زمین و استمرار حیات زمینیان است.

امیر المومنین علی علیه السلام می فرمایند:

«... لو خلت الارض ساعه واحده من حجه لله، لساخت باهلها.»^۲

«اگر زمین حتی یک ساعت از حجت خدا خالی بماند، اهلش را در خود فرو می برد.»

امام زمان (عج) می فرمایند:

«... انی لامان لاهل الارض کما ان النجوم امان لاهل السماء...»^۳ «من موجب امنیت اهل

زمین هستم، همچنانکه ستارگان سبب امنیت اهل آسمان هستند»

آثار هدایت و جلوه های عنایت امام زمان در همه جای زمین و زمان پیدا است.

«به برکت او است که آفریدگان روزی داده می شوند و به وجود اوست که زمین و آسمان

ثابت و پایدار می ماند.»

با چنین باور داشتی آنان که در دوران غیبت حضرت مهدی علیه السلام به سر می برند، و از تابش

مستقیم نور جمال او بر ساحت زندگی فردی و اجتماعی خویش محرومند، نه تنها تکالیفی

را که در زمان حضور هر یک از امامان علیهم السلام بر دوش همگان بوده، بلکه وظایفی ویژه را

نیز بر عهده دارند.

«انسان های بیدار دل و کسانی که در وجودشان ذره ای محبت و عشق مولایشان امام زمان

علیه السلام قرار دارد، زمانی که مصادر غربت و مظلومیت مولای خود را مشاهده می کنند، یقیناً به

دنبال راه چاره و نجات خواهند گشت و همچون تشنه ای که در وسط بیابان قرار گرفته به

۱. محمد، شیخ صدوق، «کمال الدین» ج ۲، ص ۴۸۵.

۲. محمد باقر، مجلسی، «بحارالانور»، ج ۵۱، ص ۱۱۳.

۳. محمد، شیخ صدوق، «کمال الدین» ج ۲، ص ۴۸۵؛ لطف الله، صافی گلپایگانی، «منتخب لائمه» ص ۲۶۷.

دنبال جرعه ای از مایع حیات و مولای خویش خواهند بود.» و تکالیف مهمی را که در دوران غیبت و وظیفه هر مسلمانی عمل به آن است کوتاهی نخواهند نمود.

در مورد فلسفه انتظار حضرت مهدی علیه السلام و وظایف مردم در دوران غیبت، انتظار فرج است؛ بدیهی است که انتظار فرج - که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آن را افضل عبادات شمرده تنها یک امر ذهنی نیست؛ بلکه اضافه بر آمادگی ذهنی، باید در کتابها و جامعه نیز مطرح باشد؛ این کتاب در پی طرح مسائلی است که جملگی، حکایت از انتظار علمی و عملی می نماید. «عقیده به ظهور مصلح و آمادگی برای انقلاب جهانی، چنان حیاتی و لازم بوده است که پیشوایان دینی انتظار را راهبرد مهم این برهه ای تاریخی.»

شایان تذکر است که سعی کرده ام تمامی مطالب این کتاب مستند به دلایل عقلی و نقلی و در عین حال ساده و روان باشد، و از مباحثی که قابل فهم همگان نیست و اثبات آنها دشوار است، پرهیز نموده ام. از درگاه خداوند عاجزانه مسئلت دارم که این کمترین خدمت را از بنده حقیر سرا پا تقصیر خود بپذیرد و آنرا ذخیره آخرتم قرار دهد، و خوانندگان عزیز را مشمول نظر و عنایت خاص حضرت ولی عصر (عج) سازد، و همه ما را در شمار یاران خدمتگزاران حضرتش مقرر بدارد و به سعادت دیدار آن چهره تابناک نایل فرماید.
امام صادق علیه السلام می فرماید:

«مِن دینِ الأئمةِ الوَرَعُ وَالْعِفَّةُ وَالصَّلَاحُ، وَانْتِظَارُ الفَرَجِ بِالصَّبْرِ»

عروسِ حضرت قرآن نقابِ آنکه براندازد

که دارالملک ایمان را مجرد بیند از غوغا

عجب نبود از قرآن نصیبت نیست جز نقشی

که از خورشید جز (گرمی) نه بیند چشم (نابینا)



فصل اول: مهدویت از دیدگاه ائمه اطهار

عقیده به مهدی علیه السلام از آغاز اسلام در بین مسلمین شایع بود. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نه یک بار بلکه بارها از آن وجود شریف خبر می داد و گاه و بیگاه از دولت مهدی (عج) و علائم و آثار و نام و کنیه اش گفتگو می کرده است.

« احادیثی که از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره صادر شده و از طریق شیعه و سنی به ما رسیده از حد تواتر متجاوز است. »

که به تعدادی از آنها به شرح ذیل اشاره می شود

عبدالله بن مسعود از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: « دنیا تمام نخواهد شد تا اینکه مردی از اهل بیت من که مهدی علیه السلام نامیده می شود بر مردم حکومت کند. »

ابوالحجاف روایت کرده که پیغمبر صلی الله علیه و آله سه مرتبه فرمودند: « بشارت باد شما را به مهدی علیه السلام که در هنگام پراکندگی مردم و وقوع گرفتاریهای سخت ظاهر می شود و زمین پر از

ظلم و ستم را از عدل و داد پر می کند دل‌های پیروانش را سرشار از عبادت نموده عدلش همه را فرا می گیرد.^۱

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «رستاخیز بر پا نمی شود تا قائم بر حق ما قیام کند. هنگامی نهضت می کند که خدا اذنش دهد. پس هر که از وی پیروی کند نجات یابد و هر که تخلف نماید هلاک گردد. ای بندگان خدا، خدا را در نظر داشته باشید و هنگامی که مهدی (عج) ظاهر گشت به هر طور ممکن شد به سویش بشتابید. اگر چه بر روی برف حرکت نمایید زیرا خلیفه خدا و جانشین من است.»^۲

راجع به حضرت مهدی موعود (عج) احادیث زیادی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله صادر شده که سنی و شیعه آنها را نقل کرده اند. هر کس در آنها دقت کند برایش روشن می شود که: موضوع مهدی علیه السلام و قائم در زمان پیغمبر اسلام امر مسلمی بوده است. مردم در انتظار شخصی بوده اند که برای اقامه حق و ترویج و بسط خدا پرستی و اصلاح عالم و دادخواهی قیام کند. به طوری که این عقیده در بین مردم شایع بود که اصلش را مسلم دانسته از فروع آن بحث می کردند.

گاهی می پرسیدند: مهدی موعود علیه السلام از چه نسلی به وجود خواهد آمد؟ گاهی از نام و کنیه اش سؤال می نمودند. گاهی می پرسیدند چرا مهدی (عج) نامیده شده است. گاهی زمان نهضت و علائم ظهورش را می پرسیدند. گاهی می گفتند: آیا مهدی علیه السلام و قائم یکی است یا نه؟ گاهی از علت غیبت و وظایف آن ایام جویا می شدند. پیغمبر صلی الله علیه و آله هم گاه و بیگاه از آن وجود مقدس خبر می داد. می فرمود: مهدی موعود از نسل من و از فرزندان فاطمه و حسین به وجود خواهد آمد. گاهی نام و کنیه اش را بیان می داشت و گاهی علائم و مشخصات دیگرش را بیان می کرد.

۱. محمد باقر، مجلسی، «بحارالانوار» مترجم: علی دوانی، ج ۵۱، ص ۷۴.

۲. همان، ج ۵۱، ص ۷۴.

«بعد از رحلت رسول اکرم نیز موضوع مهدویت در بین مسلمین و اصحاب ائمه اطهار و تابعین مورد بحث بوده است. اهل بیت پیغمبر و حاملین علوم و اسرار نبوت که از همه کس به اخبار و احادیث پیغمبر آشناتر بودند درباره مهدی سخن می گفتند و به سئوالات مردم پاسخ می دادند.»^۱ از باب نمونه اسامی تعدادی از آنان را یادآور می شویم:

امام علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود: «مهدی موعود علیه السلام از ما به وجود خواهد آمد و در آخر الزمان ظهور می نماید. در بین هیچ ملتی، مهدی منتظری جز او وجود ندارد.»^۲ حضرت فاطمه علیها السلام به حسین علیه السلام فرمود: هنگامی که تو را بزادم، رسول خدا بر من وارد شد و تو را در بغل گرفت سپس فرمود: ای فاطمه، حسینت را بگیر و بدان که او پدر نه امام است و از نسلش امام های صالحی به وجود خواهند آمد که نهی آنان قائم است.»^۳

از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله ابوهریره می گوید: «در بین رکن و مقام با مهدی بیعت می شود.»^۴ ابن طاووس می گفت: آرزو دارم زنده بمانم تا مهدی را درک کنم.»^۵ محمد بن جعفر می گوید: شرح گرفتاری های خودمان را برای مالک بن انس نقل نمودم. گفت: صبر کنید تا تأویل آیه:

« وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ »^۶ آشنا گردد.

عقیده به وجود مهدی علیه السلام طوری در مردم رسوخ و نفوذ نموده بود که از همان صدر اسلام در انتظار ظهورش روز شماری می نمودند. پیروزی و تاسیس دولت حق را برایش حتمی می دانستند. این انتظار در ایام هرج و مرج و بحرانهای موحش و حوادث ناگوار تاریخ

۱. ابراهیم، امینی، «دادگستر جهان» ص ۵۵.

۲. محمد بن الحسن، حر عاملی، «انباء الهداه» ج ۷، ص ۱۴۸.

۳. همان، ج ۲، ص ۵۲۲.

۴. علی، ابن طاووس، «الملاحم والفتن»، ص ۳۵۹.

۵. همان، ص ۳۵۹.

۶. سوره قصص، ۵/.

شدت می یافت و در هر لحظه ای در انتظار تحقق مصداقش بودند و بسا اوقات افرادی را اشتباهاً مصداق واقعی می پنداشتند.

احادیث پیامبر را سنی، شیعه، اشعری، معتزلی، نقل کرده در بین روّات؛ عرب و عجم، مکی و مدنی هست. کوفی، بغدادی، بصری، قمی، کرخی، خراسانی و نیشابوری و ... هست آیا با وجود این همه احادیث که مسلماً از هزار هم متجاوز خواهد بود، هیچ شخص با انصافی می تواند در امر مهدی موعود تشکیک نموده بگوید: این احادیث را شیعیان جعل نموده به پیغمبر نسبت داده اند؟

برای شناخت حضرت مهدی (عج) و ویژگی های شخصی و کیفیت غیبت و ظهور او هیچ وسیله ای بهتر از آیات شریفه قرآن و روایات معصومین علیهم السلام نیست. با اینکه در این زمینه و با استفاده به همین روایات بیش از هزار کتاب و رساله نوشته شده است باز هم به طور یقین می توان گفت که در تمامی آنها جز بخش کوچکی از معارف مربوط به آخرین ذخیره الهی تبیین شده است زیرا ابعاد وجودی او را - همچنان که درباره امیرالمومنین علیه السلام فرموده اند - کسی جز خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله به تمام و کمال نشناسند و باز کلام خدا و پیامبر و اهل بیت را هر کسی به درستی تفهیم نتواند کرد.

«علاوه بر این، خاصیت دوران غیبت این است که نمی توان مطمئن بود که همه فرمایشات آنان به ما رسیده.»^۱ با این همه آنچه در ذیل می آید تنها مروری بر پاره ای عناوین و ذکر نمونه هایی در هر باب است بسان برگرفتن قطره هایی از دریای بیکران.

مطابق بسیاری از آیات قرآن و روایات فراوانی که از ائمه معصومین علیهم السلام رسیده است بشر در طول دوران زندگی فردی و اجتماعی خود، مرهون نعمت انتظار است، و اگر از حالت انتظار خارج شود و امیدی به آینده نداشته باشد، زندگی برایش مفهومی نخواهد داشت. آنچه انسان را به زندگی امیدوار می سازد و نگرانی ها و ناراحتی ها را برای او آسان می نماید،

انتظار و امید به آینده است. آدمی در پرتو همین انتظار، رنجها و گرفتاریها را تحمل می کند و با کشتی امید و آرزو در دریای متلاطم و طوفانی زندگی به سیر خود ادامه می دهد. اگر آرزو نبود، هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی داد و هیچ باغبانی درختی در زمین نمی کاشت و هیچ صاحب خانه ای تشکیل خانواده نمی داد و هیچ پدری به تربیت فرزندان خود همت نمی گماشت و هیچ کشاورزی بیل نمی زد و هیچ تاجری تجارت نمی کرد و هیچ زمامداری اداره امور کشوری را به دست نمی گرفت. بنابراین، اگر آرزو از انسان گرفته شود و انتظار از میان جامعه رخت بربندد، ادامه حیات و زندگی برای بشر بی روح و بی لذت و بی معنا خواهد بود. این انتظار است که به زندگی صفا و جلا می بخشد و زندگی را برای آدمی لذت بخش می کند و او را به حرکت و جنبش وادار می دارد و دلش را به ادامه زندگی، علاقه مند می سازد.

قرآن کریم در مورد امید و انتظار به مطالب زیادی اشاره می کند، از جمله:

« خدای بزرگ در قرآن کریم همواره روح امید و اطمینان و انتظار را به مومنین می بخشد و یأس را از کفر می داند^۱؛ امید را برای مومنین رقم زده است^۲؛ و بهبودی شرایط و اوضاع^۳؛ و ایجاد محیط سالم و برقراری عدالت را در گرو سعی و کوشش مردم می داند^۴؛ پیروزی نهایی از آن حق است و در این میان، آنچه نابود شدنی خواهد بود، باطل است^۵؛ و در چندین آیه، آینده درخشان پیروزی مومنین^۶ و حاکمیت مستضعفین بر زمین^۷ و برقراری حکومت جهانی اسلام و پیروزی دین اسلام بر سایر ادیان را نوید می دهد.^۸»

۱. سوره یوسف / ۸۷.

۲. سوره نساء / ۱۰۴.

۳. سوره رعد / ۱۱.

۴. سوره نجم / ۳۸.

۵. سوره اسراء / ۸۱.

۶. سوره روم / ۴۷.

۷. قصص / ۵.

۸. فتح / ۲۸.

در این روزگار آشفته و بی سامان که تمام امکانات مادی جهان در دست ابرقدرتها و زمامداران خودسر و سیاستمداران فریب کار و مسئولان بی اعتقاد تمرکز یافته است، و عقاید، آرا و اندیشه های غلط و ضد مذهبی آنها به عناوین مختلف، به زور تبلیغات عمومی و به وسیله ارتباطات جمعی جهان، بر پیروان مکاتب و مذاهب دنیا تحمیل می گردد بر هر فرد مسلمان و هر کس که بخواهد با روح تعالیم عالیه اسلام و حقیقت برنامه های تربیتی این مکتب انسان ساز آشنا شود، قبل از هر چیز، درک صحیح و شناخت درست مفاهیم واقعی واژه ها و اصطلاحات اسلامی لازم و ضروری است.

زیرا در این دوران پر غوغای مسلکها که همه نظامها و گروهها، در جهت ضدیت با خدا و مذهب و بخصوص در جهت مخالفت با اسلام و تشیع شکل گرفته است و باطل گرایان و نظامهای فاسد و مفسد کنونی جهان نیز، با اعمال رویه های ضد انسانی به تبلیغ افکار و اندیشه های ضد دین پرداخته و سخت می کوشند تا با انواع دسیسه ها، تحریف واقعیت ها و قلب مفاهیم واقعی اصطلاحات اسلامی، مرام های باطل خود را با طرح شعارهای زیبا و دلپذیر و الفاظ فریبنده، به عنوان تنها فلسفه علمی و جهان بینی مرفقی به خورد مردم دنیا بدهد و مسلمانان را از آگاهی های کافی درباره اصطلاحات و شعار دینی محروم نمایند و آیین پاک محمدی صلی الله علیه و آله را به سرنوشت آیین های وابسته به «تورات» و «انجیل» دچار سازند، اگر مفاهیم واقعی واژه های اسلامی و معانی حقیقی آنها به درستی درک شود، برداشت های غلط که برای گروهی از راه گمگشتگان در شناخت واقعی دین و مذهب پیش آمده است، مرتفع می گردد.

«واگر مفاهیم واقعی اصطلاحات اسلامی به گونه ای که هست، معرفی نشود و سیاست بازان کهنه کار، افراد مغرض و دزدان عقیده، آنها را به صورت دیگری جلوه دهند، زیان و ضرر آن برای مسلمانان کمتر از گمراهی صریح، نخواهد بود.»^۱ بنابراین، در چنین هنگامه ای، بر

۱. سید اسدالله، هاشمی شهیدی، «ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) از دیدگاه اسلام و مذاهب، ملل جهان»، ص ۱۹۰.

یکایک ما مسلمانان واجب است که برای حفظ آثار اصیل اسلامی، به پاسداری از میراث کهن اسلامی خود برخیزیم و در نگهداری فرهنگ غنی اسلامی خویش، بیش از پیش سعی و کوشا باشیم و نگذاریم که هویت تاریخی، و اصالت ملی و میراث فرهنگی مان دستخوش آفت تحریف، و مورد دست برد دزدان عقیده قرار گیرد.

به هر حال، در آیین مقدس اسلام واژه های فراوانی یافت می شوند که مفاهیمی مخصوص به خود دارند و انحراف از درک معانی حقیقی آنها، مساوی با گمراهی در اصل دین و یا یکی از رشته ها و پایه های اساسی دین است.

از جمله این واژه ها، واژه «انتظار» است که مربوط به ظهور آخرین حجت خداوند و مصلح آخرالزمان حضرت مهدی علیه السلام است که بیگانگان با تلقینات و تبلیغات سوء و غرض آلود، کوشیده اند تا آن را عامل انحطاط و عقب ماندگی معرفی نمایند؛ در حالی که «انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام» یکی از حساس ترین و تاریخ ساز ترین فرازهای عقیدتی اسلام است. چنان که امام خمینی (ره) فرمود:

«انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است؛ ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور - ان شاء الله - تهیه شود.»

مروری بر زندگی و غیبت حضرت مهدی (عج)؛

«هدایت و رهبری مردم از راههای گمراهی به راه سعادت همیشه در تاریخ انسانها بوده و با وجود آمدن انسانها خداوند پیامبرانی را برای هدایت آنها گسیل داشت، تا حدی که در این راه صد و بیست و چهار هزار پیامبر صلوات الله علیهم آمدند که اولین آنها حضرت آدم علیه السلام و آخرین آنها پیامبر اسلام حضرت محمد صلوات الله علیه بود.»^۱

اینها تمام توان و تلاش خود را برای هدایت و رهبری مردم صرف کردند. ولی در زمان خود به نتیجه نهایی و مطلوب حکومت دلخواه نرسیدند. و نوعاً قلمرو و رهبری آنها در نقطه محدودی بود و موفق به تشکیل حکومت جهانی نشدند و با توجه به اینکه اصلاح کامل در

۱. محمد، اشتهازی، «حضرت مهدی (عج) فروغ تابان ولایت»، همان، ص ۱۴ و ۱۵.

سایه حکومت جهانی قائم (عج) برقرار گردد. تا همه پیامبران و مستضعفان به آرزو و امید خود که یک حکومت درخشان پر از صفا و صمیمیت است نایل گردند.

این امید همچنان ادامه دارد. و پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام هیچ یک با آن همه تلاش به حکومت دلخواه اسلامی نرسیدند، و همواره و کراراً فرمودند: «اگر دنیا یک روز هم باقی بماند خداوند آن روز را طولانی می کند تا حکومت قائم (عج) برقرار شود.»^۱

آن حضرت مهدی موعود علیه السلام است که به این امر مهم جامه عمل می پوشاند و به تعبیر رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی (ره): «من نمی توانم اسم رهبر روی ایشان (قائم) «عج» بگذارم. بزرگتر از این است، نمی توانم بگویم که اولین شخص است برای اینکه دومی در کار نیست. ایشان را ما نمی توانیم با هیچ تعبیری، تعبیر کنیم الا همین که (مهدی موعود «عج») است. آن کسی که خدا او را ذخیره کرده است برای بشر.»^۲

جمله (بقیه الله) که از القاب معروف آن حضرت است حاکی از این است که خداوند او را ذخیره کرده تا همه مظلومان و پیامبران و طرفداران توحید و حق را در کل جهان به آرزو و امیدشان برساند.

یکی از یاران امام صادق علیه السلام می گوید: به محضر مبارک حضرت امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم: آیا شما صاحب ما هستید؟ پس پوست بازوی خود را گرفت و کشید فرمود: «من پیرمرد سالخورده ام، اما صاحب شما جوان است.»^۳

تعبیر صاحب در مورد امام قائم علیه السلام حکایت از حکومت سراسری و همه جانبه او می کند که مسلمانان جهان باید در انتظارش باشند. و برای بدست آوردن آن بکوشند.

به نقل امام صادق علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: قائم علیه السلام از فرزندان من، همنام و هم کیش من است و سیمایش، سیمای من و روشش روش من است، مردم را بر اطاعت از من، اسلام و

۱. محمد ابن الحسن، حر عاملی، «انباه الهداه»، ج ۷، ص ۵۱.
 ۲. امام خمینی، (رحمه الله علیه)، نیمه شعبان ۱۳۶۰، حسینیه جماران.
 ۳. محمد باقر، مجلسی، «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۸۰.

خدا بخواند و وا دارد، و آنها را به کتاب خدا (قرآن) دعوت نماید، کسی که از فرمان او سرپیچی کند از من سرپیچی نموده است و کسی که او را غیبت نماید و انکار کند مرا انکار کرده است و کسی که او را دروغ پندارد مرا دروغ پنداشته است. و کسی که او را تصدیق کند مرا تصدیق کرده است شکایت آنها را که در مورد او مرا تکذیب کند و سخن مرا در مورد او رد نمایند و امت مرا گمراه کنند به سوی خدا می برم و به زودی ستمکاران بدانند که به کجا بازگشت می کنند.»^۱

با توجه به گفتار بعضی از پیامبران که در کتب آسمانی تورات و انجیل و... آمده و از گفتار ائمه علیهم السلام چنین بدست می آوریم که امام قائم علیه السلام امید همه در تمام تاریخ و تمام جهان است البته باید توجه کرد که انسانها به چنین امید بزرگی دست نخواهند یافت مگر با کوشش و تلاش و جهاد و آگاهی و مبارزه و امر به معروف و نهی از منکر، چنانکه خود امامان علیهم السلام بارها این مطالب را تذکر داده اند و گرنه با دست روی گذاشتن کاری ساخته نیست.

«پدر بزرگوار امام زمان (عج) حضرت امام حسن عسکری علیه السلام امام یازدهم شیعیان است، که از طرف پدر، دختر (یشوعا) فرزند امپراطور روم شرقی بود و از طرف مادر، نوه شمعون از یاران مخصوص حضرت عیسی علیه السلام و وصی او به نقل شیخ مفید، امام عسکری علیه السلام در مدینه در ۲۴ ربیع الاول سال ۲۳۲ متولد شد و در سال ۲۶۰ در سن ۲۸ سالگی در منزل شخصی خود در سامرا به شهادت رسید.»^۲

مادر بزرگوار امام زمان علیه السلام «ملیکه» است شمار می رفت.

او با اینکه در کاخ می زیست و با خاندان امپراطوری زندگی می کرد اما آنچنان پاک و با عفت بود که گویی شباهت به خانواده خود ندارد بلکه به مادر و خانواده مادری کشیده و زندگیش همچون زندگی شمعون و عیسی و مریم علیهم السلام از صفا و معنویت و پاکی خاصی

۱. محمدابن الحسن، حر عاملی، «اثبای الهداه»، ج ۷، ص ۵۲.

۲. محمد ابن محمد، شیخ مفید، «ارشاد»، ج ۱، ص ۳۰۶.

برخوردار بود از این رو دوست داشت با یک خانواده پاک و خدا پرست وصلت کند و به توحیدیان پیوندد.

خداوند او را در این هدف کمک کرد و او را به طور عجیب به خواسته و هدفش رسانید. البته داستان ماجرای اسارت او و خریداری از جانب امام هادی برای امام حسن عسکری علیه السلام در تاریخ آمده است.

ملیکه با نرجس خاتون به خانه امام حسن عسکری علیه السلام وارد شد امام هادی علیه السلام به خواهرش حکیمه فرمود: «او را به خانه ببر و دستورات اسلامی را به او بیاموز، او همسر فرزندانم حسن علیه السلام و مادر مهدی (عج) آل محمد صلی الله علیه و آله خواهد بود.»^۱ آنگاه به نرجس رو کرد و فرمود: «مژده باد تو را به فرزندی که سراسر جهان را با نور حکومتش پر از عدالت و دادگری کند پس از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد.»

آری، این چنین یک دختر پاک و دانا، آلودگی کاخ شاهان را رها کرده و در خط جد مادریش (شمعون) قرار گرفت و سرانجام به سعادت عظمای همسری حضرت امام حسن عسکری علیه السلام درآمد و لیاقت پرافتخار مادری حضرت قائم (عج) را پیدا کرد.^۲

«این بانوی با سعادت در سال ۲۶۱ هجری و روایتی قبل از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام از دنیا رفت و قبر شریفش در سامرا کنار قبر امام حسن عسکری علیه السلام قرار گرفته است.»^۳ اما قائم (عج) از همین خاندان متولد شد و هنگام شهادت پدر پنج ساله بود.

تولد آن حضرت را جز عده ای خاص نمی دانستند و برای نوع مردم مخفی بود تا مبادا مورد گزند طاغوتیان غاصب و ستمگر زمان قرار گیرد. حکیمه خاتون عمه امام حسن عسکری علیه السلام می گوید: روز پنج شنبه نیمه شعبان به منزل برادرم رفتم هنگام مراجعت امام عسکری علیه السلام فرمود: «امشب را نزد ما باش امشب فرزندی که خداوند زمین را به علم و

۱. محمد، محمد اشتهاردی، «حضرت مهدی (علیه السلام) فروغ تابان ولایت»، ص ۲۱.

۲. همان، ص ۲۲.

۳. محمد ابن الحسن، حر عاملی، «اثبای الهداه»، ج ۷، ص ۱۳۷.

ایمان و هدایت او زنده گرداند متولد می شود. بالاخره ماندم، صبح صادق حالت اضطراب در نرجس خاتون علیها السلام پدید آمد او را در بر گرفتم. امام علیه السلام فرمود: سوره قدر را بر او بخوان مشغول خواندن سوره قدر شدم آن کودک در رحم مادر در خواندن سوره با من همراهی کرد. در این موقع برده ای بین من و آنها افکنده شد دیگر نرجس را نمی دیدم از آنجا سراسیمه دور شدم امام عسکری علیه السلام فرمود: برگرد، برگشتم در نرجس نوری را مشاهده کردم که دیده ام را خیره کرد و امام زمان را دیدم رو به قبله به سجده افتاده سپس دستش را بلند کرد و می گفت: گواهی می دهم به یکتایی خدا و اینکه جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله است و پدرم امیر مومنان علی علیه السلام وصی رسول خدا است بعد یک یک امامان را شمرده تا به خود رسید.»^۱

او را به نزد پدر بردم امام عسکری علیه السلام او را دید به دست گرفت و پس از خواندن آیاتی از قرآن و انجیل و تورات و زبور این آیه را تلاوت فرمود:

«بسم الله الرحمن الرحيم، و نريد ان نمّن على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثين و نمکن لهم في الارض و نرى فرعون و همن و جنودهما منهم ما كانوا يحذرون.»

اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین نعمت بخشیم و آنها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم حکومتشان را پا برجا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریان آنها آنچه را بیم داشتند از این گروه نشان دهیم.»^۲

نمونه کامل و گسترده مفهوم آیه مذکور ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین به وسیله امام قائم (عج) است. در دوران امامت (عسکرین) در میان حکام بنی عباس نگرانی عمیقی به وجود آمده بود؛ این نگرانی مربوط به اخبار و احادیث فراوانی بود که توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام بشارت به تولد فرزندی از امام حسن عسکری علیه السلام می داد که برهم

۱. محمد، محمد اشتهاردی، «حضرت مهدی (علیه السلام) فروغ تابان ولایت»، ص ۲۳ و ۲۴.

۲. قصص ۶۱.

زنده اساس حکومت‌های باطل و واژگون کننده تاج و تخت‌ها است و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد. از این رو آن دو بزرگوار به ویژه امام حسن عسکری علیه السلام سخت تحت نظر بوده و دستگاه خلافت تلاش می کرد تا از تولد چنین فرزندی جلوگیری کند.^۱ به همین دلیل بود که دوران حمل و تولد امام مهدی (عج) از مردم پنهان داشته می شود. حکیمه خاتون می گوید: چون چهل روز گذشت به خدمت آن حضرت رفتم، پس از داخل شدن دیدم طفل در خانه راه می‌رود، گفتم ای سید من، این طفل دو ساله از کیست؟ حضرت تبسمی کرده و فرمود:

اولاد پیامبران و اوصیاء ایشان هرگاه امام باشند، به خلاف اطفال دیگران نشو و نما می کنند و یک ماهه ایشان مانند یک ساله ی دیگران است، و ایشان در شکم مادر سخن می گویند و قرآن می خوانند و عبادت پروردگار می نمایند.

و در هنگام شیر خوردن، ملائکه فرمان ایشان می برند و هر صبح و شام برایشان نازل می شوند.

در بسیاری از احادیث گفته شده است که مهدی علیه السلام شباهت هایی به حضرت ابراهیم و حضرت موسی علیه السلام دارد.^۲

پس از ولادت نیز جز اصحاب و یاران خاص امام عسکری علیه السلام کسی فرزندش مهدی (عج) را نمی دید آن هم به صورت پراکنده. نام حضرت، (محمد) همان نام جدش رسول الله صلی الله علیه و آله است. تمامی مورخان و محدثان معتقدند که پیامبر صلی الله علیه و آله خود این نام را بر او نهاده بود. این همنامی بی دلیل نیست بلکه گویای این حقیقت است که همچنان که پیامبر صلی الله علیه و آله با طلوع خود جهانیان را از گمراهی و جهل نجات داد دوازدهمین فرزندش نیز با ظهور خود بشریت را از تاریکی و ضلالت خواهد رهانید.

۱. لطف الله، صافی گلپایگانی، «منتخب الاثر»، ص ۲۸۶.

۲. همان، ص ۲۹۱.

« القاب مشهور آن حضرت عبارتند از: مهدی، قائم، منتظر، حجت، خلف صالح، بقیه الله، منصور، صاحب الامر، ولی عصر، صاحب الزمان و معروفترین آنها (مهدی) می باشد»^۱ هر یک از القاب را وجه یا جوهری است؛ مثلاً آن حضرت را (مهدی) می گویند؛ از آن جهت که هدایت به حق می کند و قائم می گویند چون قیام به حق می کند و منتظرش گویند؛ چون مومنان در انتظار قدم اویند و حجتش نامند؛ از آن رو که حجت و گواه خدا بر خلق است. در نگین انگشتر حضرت نیز همین لقب نقش شده به نقل کفعمی عبارت انگشتری حضرت این گونه است: «انا حجه الله و خاصته»^۲ «محدثان و مورخان بر اساس روایات بسیاری که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام رسیده شمایل و اوصاف حضرت مهدی (عج) در کتابهای خویش را این گونه آورده اند که: حضرت مهدی علیه السلام چهره اش جوان و گندم گون، ابروانش هلالی و کشیده، چشمانش سیاه و درشت، شانه اش پهن، دندانهایش براق و گشاده، بینی اش کشیده و زیبا، پیشانی اش بلند و تابنده، استخوان بندیش استوار، دستان و انگشتانش درشت، گونه هایش کم گوشت و اندکی متمایل به زردی - که از شب زنده داری عارض شده - به گونه راستش خالی مشکین، عضلاتش پیچیده و محکم، موی سرش بر لاله گوشش ریخته، اندامش متناسب و زیبا، هیئتش خوش منظر و رباینده و در میان شانه اش اثری است چون اثر نبوت و از خصوصیات آن حضرت این است که او فرزند پیامبر و از اولاد بانوی گرامی اسلام حضرت فاطمه الزهرا علیها السلام و نهمین پیشوا از نسل امام حسین علیه السلام و خاتم اوصیاء و منجی نهایی و قائد جهانی است. وی دارای دو غیبت است که یکی کوتاه مدت و دیگری بلند مدت است. او جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد؛ پس از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد»^۳

۱. سید محسن امین، عاملی، «اعیان الشیعه»، ج ۲، ص ۴۵.

۲. همان، ج ۲، ص ۴۶.

۳. لطف الله، صافی گلپایگانی، «منتخب الاثر»، باب ۴، ص ۲۷ و ۲۸.

«این است مهدی (عج) با این مشخصات و با این ویژگیها و دهها نشانه و علامت دیگر، که پیش از ظهور و مقارن با ظهور و پس از ظهور مهدی (عج) محقق می شود. اینهاست واقعیت این امر و مهدی علیه السلام این امام معین و منصوص است دیگر هر چه بگویند و هر کس را پیش اندازند یاوه است و قبول آن حماقت. مهدی علیه السلام اکنون غایب است. او خلیفه حق و ولی مطلق است. او خاتم اولیاء و اوصیاء، منجی نهایی، قائد جهانی انقلابی اکبر، و مصلح اعظم است. چون درآید به کعبه تکیه کند و پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله را در دست گیرد و دین خدا را زنده سازد و احکام خدا را در سراسر گیتی جاری کند. او با شمشیر درآید و زمین پر شده از جور و بیداد را پر از مهربانی و داد گرداند.»^۱

«او اهل قیام و جهاد، عبادت و تجهد، خشوع و خضوع، زهد و ساده زیستی، صبر و بردباری، عدالت و احسان و ... است او سرآمد همگان در علم و دانش، و سرایا عدل و برکت و پاکی است.»^۲

دوره های زندگی حضرت را می توان به سه دوره «اختفا، غیبت صغری و غیبت کبری» تقسیم کرد. عصر ظهور و بعد از ظهور نیز می تواند از دوره های زندگی امام (عج) محسوب شود.

«دوره اختفا از هنگام تولد حضرت (۲۵۵) تا رحلت امام عسکری علیه السلام (۲۶۰) است. در مدت این پنج سال حضرت در دوران پدر بزرگوار خود زندگی می کرد. امام عسکری علیه السلام در آن دوره دو وظیفه اساسی و حساس را عهده دار بود: یکی حفظ فرزندش از گزند خلفای عباسی و دیگر اثبات وجود او و اعلام امامتش به عنوان امام دوازدهم و آن حضرت از عهده هر دو به بهترین شکل برآمد؛ هم فرزندش را حفظ کرد و هم در فرصتهای مناسب به یاران و دوستان خود او را معرفی نمود. اما به خاطر اجتناق شدید عباسیان تنها تعداد اندکی از یاران صدیق امام عسکری علیه السلام مانند ابوهاشم احمد بن اسحاق و حکیمه و خدیجه عمه های

۱. محمد رضا حکیمی، «خورشید مغرب»، ص ۲۹.

۲. محمد تقی، موسوی اصفهانی، «مکیال المکارم»، ج ۱، ص ۱۲۲.

امام یازدهم علیه السلام از ولایت آن حضرت آگاه بودند.^۱ «معاویه بن حکیم» و «محمد بن ایوب نوح» و «محمد بن عثمان» نقل می کنند چهل تن از شیعیان نزد امام عسکری علیه السلام گرد آمدیم. آن حضرت فرزندش را به ما نشان داد و فرمود: «این امام شما پس از من و جانشین من است از او پیروی کنید و از گرد او پراکنده نگردید که هلاک می شوید و دینتان تباه می گردد. این را هم بدانید که پس از امروز او را نخواهید دید.»^۲

«امام عسکری علیه السلام تصمیم گرفت تا برای حفظ جان فرزندش او را به جای مطمئن تری بفرستد، مدارک تاریخی حکایت از آن دارد که امان نخست فرزند خود را در سامرا و سپس در مدینه پنهان نمود. امام دوازدهم (عج) در مدینه تحت سرپرستی مادر بزرگ پدری خود زندگی می کرد.»^۳

«بنا به نقل صدوق امام عسکری علیه السلام چهل روز پس از تولد فرزندش او را به مکان نامعلومی فرستاد و آنگاه به مادرش بازگردانده شد.»^۴

«بنا به روایت مسعودی، امام عسکری علیه السلام در سال (۲۵۹ هجری) از حدیث مادر خود درخواست کرد تا به حج مشرف شود.» از آن پس حدیث و نواده اش تحت حفاظت احمد بن مطهر یار صمیمی و نزدیک امام عسکری علیه السلام به مکه رفتند. به نظر می رسد آنان پس از برگزاری مناسک حج به مدینه عزیمت کرده باشند و آنجا را محل اختفای امام دوازدهم علیه السلام قرار داده باشند. برخی از روایات نیز می تواند موید همین نکته باشد. چنان که زمانی ابوهاشم جعفری از امام عسکری علیه السلام پرسید: پس از وفات شما سراغ جانشینان را در کجا باید گرفت؟ امام پاسخ داد: مدینه.^۵

۱. حسین، جاسم، «تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)»، مترجم: سید محمد تقی آیت اللهی، ص ۱۲۳.

۲. محمد، شیخ صدوق، «کمال الدین»، ص ۴۳۵.

۳. حسین، جاسم، «تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (علیه السلام)»، مترجم: سید محمد تقی آیت اللهی، ص ۱۲۴.

۴. محمد شیخ صدوق، «کمال الدین»، ص ۴۲۹.

۵. علی بن الحسین، مسعودی، «اثبائه الوصیه»، ص ۲۲۷ و ۲۵۳.

«به گفته برخی از محققان بیشترین احتمال این است که امام دوازدهم (عج) بخش عمده دوران کودکی خود را در مدینه گذرانده باشد زیرا امام عسکری علیه السلام خطری را که در صورت اقامت فرزندش در عراق با آن مواجه می شد را تشخیص داده بود.»^۱

غیبت صغری امام عصر علیه السلام با شهادت امام عسکری در سال (۲۶۰) مرحله غیبت کوتاه مدت امام دوازدهم (عج) آغاز شد و تا سال (۳۲۹) یعنی هفتاد سال به طول انجامید. این غیبت به لحاظ این که از جهت زمانی محدود است به آن غیبت صغری می گویند. این دوره نقش بسیار مهمی در ایجاد آمادگی شیعه برای پذیرش غیبت کبری داشت.

در طول غیبت صغری گرچه امام از نظرها پنهان بود، اما کسانی بودند که با آن حضرت در تماس بودند و سمت (نواب خاص) امام را داشتند. هر یک از شیعیان می توانستند به وسیله نواب مشکلات و مسائل خود را به عرض آن حضرت برسانند و توسط آنان پاسخ خود را دریافت کنند.

گاهی نیز گروهی از مردم به وسیله آن نایبان خاص به دیدار امام می رسیدند. این نایبان چهار نفرند و به «نواب اربعه» مشهورند.

اسامی اینها که همگی از علما زهاد و بزرگان شیعه هستند و به ترتیب عبارتند از:

«ابو عمر عثمان بن سعید عمری»، سال (۲۶۰ هجری) تا هنگام وفات که ظاهراً قبل از سال (۲۶۷ هجری) بوده. برخی وفات او را در سال (۲۶۵ هجری) ذکر کرده اند. یعنی ۷ سال مدت نیابت ایشان بوده است.

«ابو جعفر محمد بن عثمان عمری» از هنگام وفات سفیر اول، سال (۲۶۵ تا ۳۰۵ هجری). یعنی ۴۰ سال مدت نیابت ایشان بوده است.

«ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی» از سال (۳۰۵ هجری تا ۳۲۶ هجری). یعنی ۲۱ سال مدت نیابت ایشان بوده است.

۱. حسین، پورسید آقایی و دیگران، «درسنامه تاریخ عصر غیبت»، ص ۲۰.

«ابوالحسن علی بن محمد سمری» از سال (۳۲۶ هجری تا ۳۲۹ هجری) یعنی ۳ سال مدت نیابت ایشان بوده است.

این چهار بزرگوار تلاشها و فعالیتهای زیادی را در زمینه نقش آنان در سازمان مخفی وکالت و ایجاد آمادگی در شیعیان برای پذیرش «غیبت کبری» داشتند.

«غیبت کبری امام عصر (عج) سومی مرحله زندگی امام مهدی علیه السلام می باشد و زمان آن طولانی و دراز مدت است. این دوره پس از سپری شدن «غیبت صغری» آغاز شد و تا کنون ادامه یافته و به امر خداوند تا هنگام حصول اقتصادی تام یعنی آن زمان که زمینه پذیرش رهبری و حکومت جهانی آن حضرت از نظر عده و عده فراهم شود ادامه خواهد یافت.»^۱

این مرحله میدان بزرگ ترین آزمایش انسانها و غربال مومنان و سنجش ایمان و عمل قرار گرفته است. در این مدت طولانی حجت خدا در پشت پرده غیبت خورشید گونه از پس ابرها نور افشانی می کند.

«همان گونه که غیبت به دو مرحله تقسیم می شد و به دو گونه بود نیابت نیز همین گونه است یعنی دارای دو مرحله است و دو گونه نیابت خاصه در زمان «غیبت صغری» و نیابت عامه در زمان «غیبت کبری.»^۲

در نیابت خاصه امام علیه السلام اشخاص معین را نایب خود قرار داده بود که به اسم و رسم آنها را معرفی نموده و هر کدام را به وسیله نایب پیش از خود به مردم شناسانده بود. در نیابت عامه بر اساس یک ضابطه کلی و معینی که امام خود به دست داده بود هر فردی که آن ضابطه را از همه جهت و در همه ابعاد دارا باشد، نایب امام شناخته می شود و به نیابت از امام ولی جامعه در امر دین و دنیا خواهد بود. این مقام و این نیابت به وسیله خود حضرت مهدی علیه السلام به عالمان واجد شرایط تفویض شده است.

۱. محمد باقر، مجلسی، «بحارالانوار»، مترجم: علی دوانی، ج ۵۲، ص ۹۳.

۲. احمد طبرسی، «الاحتجاج» ص ۲۸.

«شیخ طوسی» و «شیخ صدوق» و «شیخ طبرسی» از «اسحاق بن عمار» نقل کرده اند که گفت: مولای ما حضرت مهدی علیه السلام در مورد وظیفه شیعیان در زمان غیبت فرموده است: «در حوادث و پیشامدهایی که واقع می شود به روایت کنندگان حدیث ما رجوع کنید آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آنانم.»^۱

طبرسی در کتاب الاحتجاج نیز از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت ضمن حدیثی فرمود: «هر یک از فقها که مراقب نفسش، نگهبان دینش، مخالف هوی و هوسش و مطیع فرمان مولایش (یعنی ائمه «علیهم السلام») باشد بر عوام لازم است که از او تقلید کنند.»^۲

«بدین ترتیب امور مسلمین در زمان غیبت کبری به دست ولی فقیه قرار گرفت که با نظر او باید انجام و جریان یابد اگر چه منصب فتوی و قضاوت و حکم برای فقیهان از پیش توسط ائمه معصومین علیهم السلام جعل شده بود ولی رسمیت مرجعیت و رهبری فقهای اسلام از این تاریخ پدید آمد و تا ظهور آن حضرت ادامه خواهد داشت. پس از ظهور مهدی علیه السلام دولت ایام، پیوسته از آن اولیای خدا خواهد بود.»^۳

مردم عصر غیبت مقرب ترین مردم اعصار و قرون هستند.

«هشام ابن سالم از عمار سابطی از امام صادق علیه السلام نقل می کند که به حضرت عرض کردم، کدامیک با فضیلت ترند.

آیا عبادت در سر با امام شما مهدی علیه السلام موعود که غائب است و در زمان دولت باطل زندگی کردن، با فضیلت تر است.

و یا عبادت در زمان دولت حق و ظهور امام بر حق و امام از شما که ظاهر باشد؟ حضرت فرمودند: یا عمار، صدقه دادن در پنهانی والله با ارزش تر است از صدقه آشکار و همچنین عبادت شما در پنهانی و سری با امامی که غائب باشد در زمان دولت باطل و در

۱. احمد طبرسی، «الاحتجاج»، ص ۲۸.

۲. همان، ص ۲۸.

۳. حسین، پور سید آقایی و «دیگران»، «درسنامه تاریخ عصر غیبت»، ص ۳۸.

حال ترس از دشمن با فضیلت تر و ارزشمند تر است از کسی که خدای عزوجل را عبادت می کند در زمان ظهور حق با امام بر حق که ظاهر است در دولت حق زیرا عبادت با ترس در دولت باطل مانند عبادت در امنیت و در زمان دولت حق نیست. پس امام فرمودند: بخدا قسم ای عمار نمی میرد کسی از شما با این حال که وصف کردم عبادت در دولت باطل با ترس مگر آنکه با فضیلت تر است در پیشگاه خدا عزوجل از بسیاری از شهدا بدر و اُحد پس بر شما بشارت باد.^۱

از حدیث شریف استنباط می گردد که مردم عصر غیبت کبری با فضیلت ترین مردم عصرها و نسل ها هستند و از مردم عصرائمه هدی به مراتب بالاتر و حتی از شهداء رکاب رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ان هم شهداء بدر و اُحد با فضیلت ترند. امام جواد عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید:

« برترین عمل شیعیان ما انتظار فرج است، هر کس این امر را بداند و آنرا بشناسد، خداوند با همین انتظار برای آن ها فرج عطا می فرماید.»^۲

بر یاد مهر روی تو ای شهریار صبح
تا کاروان بشارتی آرد ز یار صبح

شب ها ستاره می شمارم ز انتظار صبح
با ماه و اختران شب هجران نشسته ایسم

۱. محمد بن یعقوب، کلینی، «کافی»، ج ۱، ص ۱۲۹ و ۱۳۰.

۲. الزام الناصب صفحه ۶۸

فصل دوم: انتظار چیست؟ شکر چیست؟

اشاراتی به لغت انتظار:

«انتظار در لغت، به معنای درنگ در امور، نگهبانی، چشم به راه بودن و نوعی امید داشتن به آینده است.»^۱ با مطالعه فرهنگ های لغت درمی یابیم که انتظار یک حالت روانی به همراه درنگ و تأمل است؛ اما از این معنا دو نوع برداشت می توان کرد یکی این حالت روانی چشم به راهی، انسان را به اعتزال و انزوا بکشانند و منتظر، دست روی دست بگذارد، وضعیت موجود را تحمل کند و به امید آینده ای مطلوب، بدون هیچ گونه تلاشی فقط انتظار بکشد.

دیگر این که چشم به راهی و انتظار سبب حرکت، پویایی و عمل و آمادگی وسیع تر گردد. با توجه به این دو معنا، مراد و مقصود بزرگان و رهبران دینی با مراجعه به متون روایی، مشاهده می شود که معصومان علیهم السلام خیلی روشن و صریح با ارائه تصویری مناسب از انتظار، روی برداشت نخست، خط بطلان کشیده اند و برای این که هرگز آن معنا به ذهن مخاطب

۱. حسن، مصطفوی، «التحقیق فی کمال القرآن»، ج ۱۲، ص ۱۶۶.

خطور نکند، «انتظار را عمل نامیده اند، آن هم برترین اعمال»^۱ «یا آن را عبادت خوانده اند، آن هم محبوب ترین اعمال.»^۲

اساساً این یک قاعده عقلی و منطقی است؛ آن کسی که وضعیت موجود را نمی پذیرد و تحمل می کند، در انتظار گشایش است و برایش آماده می شود.

انتظار چیست؟ چرا این قدر به آن سفارش و درباره اش گفت و گو شده است؟ «پیام انتظار نه تنها از لایه لای امواج بلند کلام مهربان رسول خدا ﷺ و نسیم رسای سخنان بی همتای علی علیه السلام شنیده می شود.»^۳ کلام هر یک از معصومان علیهم السلام ضمیر انسان را با ضرورت و اهمیت آن آشنا می کند. زمانی می توانیم معنای انتظار و حقیقت آن را بیابیم که بدانیم و لمس کنیم امام زمان (عج) را برای چه می خواهیم. پیش از این معرفت به مهدی موعود علیه السلام پیدا کنیم پیش فرض لازم آن است که او را برای چه می خواهیم و اصلاً چه ضرورتی به وجود اوست؟ تا نسب به این مسئله تشنه نشویم، به حقایق آن دسترسی نخواهیم داشت. تازمانی که این عطش انتظار و این احساس نیاز و به تعبیر زیبای معصومان علیهم السلام اضطرار و افتخار به حجت و امام عصر علیه السلام شکل نگیرد به دنبال حضرتش نخواهیم رفت و در انتظار ظهورش حرکتی نخواهیم داشت؛

خدا در این رابطه در قرآن کریم می فرماید:

«و کیف تکفرون و انتم تتلى علیکم آیات الله و فیکم رسوله.»^۴

و چگونه کافر خواهید شد در صورتی که برای شما آیات خدا تلاوت می شود و پیامبر خدا میان شما است.»

بعضی که انتظار را خاموشی و گوشه گیری و اعتزال و مذهب احتراز پنداشته اند و بدین وسیله، آن را مورد هجوم قرار داده اند، به خطا رفته اند؛ چون حقیقت انتظار را درک نکرده

۱. محمد باقر. مجلس، «بهارالانوار»، مترجم: علی دوانی، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۲. همان، ج ۶۱، ص ۶۵، ح ۵۱.

۳. هاشم، بحرانی، «تفسیر برهان»، ج ۱، ص ۳۶۹.

۴. آل عمران / ۱۰۱.

اند و تیری در تاریکی انداخته اند. مانند آنان که انتظار را مذهب اعتراض خیال کرده اند، آن هم اعتراضی که از سقیفه و از زبان علی علیه السلام آغاز شد به بی راهه رفته اند. در برابر این نگاه، دو پرسش مطرح است:

۱- دامنه این اعتراض تا کجاست؟ تا رفاه، تا عدالت، تا عرفان، تا آزادی، تا شکوفایی و تکامل یا...؟

۲- پی آمد این اعتراض چیست و چه باری بردوش منتظر می گذارد و این نفی با چه اثباتی همراه می شود؟

در مورد پرسش نخست باید گفت: آرمانهای دینی از تکامل و شکوفایی استعداد آدمی، بالاتر است؛ چون زمانی که انسان به تکامل هم برسد، باز مساله این است که در چه جهتی می خواهد مصرف شود، رشد یا خُسْر؟ این دو مساله ای اساسی بعد از تکامل و شکوفایی است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند:

«الناسُ معادنُ كمعادن الذهب والفضة»^۱

«مردم گنجینه هایی هستند، چون معادن طلا و نقره.»

استفاده از معادن، سه مرحله دارد: کشف؛ استخراج؛ شکل دادن. تا این جا مرحله کمال و شکوفایی است، اما مرحله ای دیگر نیاز دارد تا جهت پیدا کند و مورد استفاده قرار گیرد و این مرحله چهارم است، که در مورد انسان جهت یابی انسان بسوی شدن می باشد. جهت به سوی کیست؟ به سوی پایین تر از خود و رضایت به زندگی حیوانی و همین حیات دنیوی؟ این تنزل است. انسان با کم ترین مقایسه درمی یابد که از حیوانات بالاتر است. در نتیجه، هدفی برتر می یابد؛ حرکت به سوی بالاتر از خودمان. این تحرک است، رشد است. بالاتر از من کیست؟ آفریننده انسان که حاکم و خالق هستی است.

امامت، هدایتگر حرکت و سیر صعودی است که پس از مقام رسالت، به این مهم می پردازد و اکنون عَلم این حرکت را در دستان پر مهر مهدی موعود علیه السلام جست و جو باید کرد. در مورد پرسش دوم هم باید گفت: منتظر مهدی، آماده است و برای حکومت حضرت مهدی علیه السلام زمینه سازی می کند، چنانچه در حدیث آمده است: «وُ يَوْطِئُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ.»^۱

اهمیت این آمادگی و زمینه سازی را در پیام صادقانه ای امام صادق علیه السلام می توان جست و جو کرد که در آن، از کم ترین آمادگی، سخن رفته است:

«لِيُعَدَّنَ أَحَدَكُمْ لَخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَهْمًا؛ فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نِيَّةِ رَجُلٍ لَأَنْ يُنْسَى فِي عَمْرِهِ حَتَّى يُدْرِكَهُ وَ يَكُونَ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ.»^۲؛ هر یک از شما برای خروج قائم، باید آماده باشد، گرچه با فراهم کردن یک تیر باشد؛ چون وقتی خداوند ببیند کسی به نیت یاری مهدی علیه السلام مسلح شده است، امید است که عمر او را دراز کند، تا ظهور او را درک کند و از یاوران آن حضرت باشد.

از طرفی مهمترین لقب پیشوای منتظر، «قائم» است که برای احترام هنگام شنیدن آن، قیام لازم است، لیکن حکمت اجتماعی این احترام نیز ما را به معنای حقیقی انتظار رهنمون می سازد. انسان منتظر با این حرکت خود می خواهد نشان دهد که در حال آمادگی برای مبارزه و قیام و جهاد است. بعضی به اشتباه فکر می کنند که همه کارها خود به خود و بدون زمینه سازی و آمادگی درست می شود! در حالی که هیچ گاه بنای عالم بر این استوار نبوده که بدون هیچ رنجی و جهادی، مشکلات بشر حل شود. سخنان حکیمانه امام باقر علیه السلام در این مورد، بسیار خواندنی است:

«.. قَلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام؛ أَنَهُمْ يَقُولُونَ:

۱. محمد، محمدی ری شهری، «میزان الحکمه»، ج ۲، ص ۵۶۸.
 ۲. ابن ابی زینبی، نعمایی، «الغیبه»، مترجم، جواد غفاری، ص ۳۶۶.

ان المهدي لوقام، لاستقامت له الأمور عفواً و لا يهريق محجه دم. فقال: كلا، والذي نفسي بيده، لو استقامت لاحد عفواً لاستقامت لرسول الله ﷺ حين ادميت رباعيته و شبح في وجهه، كلا والذي نفسي بيده حتى نمسح نحن و انتم العرق و العلق؛ ثم مسح بجبهه.^۱

«... به خدمت امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم: مردم می گویند چون مهدی علیه السلام قیام کند، کارها خود به خود درست می شود و به اندازه یک حجامت خون نمی ریزد.

حضرت در پاسخ فرمود: هرگز، به خدای جان آفرین سوگند! اگر قرار بود کار برای کسی، خود به خود درست شود، برای پیامبر صلی الله علیه و آله می شد، هنگامی که دندانش شکست و صورتش شکافت. هرگز چنین نیست که کار خود به خود درست شود. به خدای جان بخش سوگند! کار درست نخواهد شد تا اینکه ما و شما در عرق و خون غرق شویم. آنگاه به پیشانی خود دست کشید.»

انتظار واقعی:

اکنون با توجه به معنای لغوی و روایات انتظار و اقوال و دیدگاهها در این زمینه می توان گفت: انتظار نه احتراز است و گوشه نشینی، نه اعتراض و نفی طاغوتها. در واقع، این ها حالت روحی و روانی محض هستند، بلکه انتظار، عمل و اقدام، پویایی و حرکت است. از این رو در روایات، انتظار بهترین و محبوبترین عمل خوانده شده است.

حقیقت انتظار بسیار بالاتر از این محدوده هاست. انتظار جنبه اثباتی دارد؛ یعنی آمادگی و اقدام. منتظر فرزند محبوب و دلدار عزیز، در خود و در محیط اطراف، نشان و اثر می گذارد. منتظر مهدی و قائم آل محمد صلی الله علیه و آله چگونه می تواند آماده نشود و زمینه سازی نکند، در حالی که به شمشیر زدن در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله بر فرق دشمن^۲ تشبیه شده است.

اساساً انتظار خشک و خالی، به عبارت دیگر امید ذهنی بی آنکه در جامعه تحقق یابد و آثارش آشکار شود، هیچ گاه بهترین عمل نخواهد بود و این معانی، حاکی از حضور در

۱. محمد باقر، مجلسی، «بحار الانوار» مترجم: علی دوانی، ج ۵۲، ص ۳۵۸.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۱۲۶.

صحنه فعالیت‌های علمی و کار و کوشش و زمینه سازی عینی است، نه نیت بدون عمل و امید ذهنی بدون آثار عملی.

پس انتظار به معنای آینده نگری، دگرگونی است و این دگرگونی به زمینه سازی، نیاز دارد.^۱

مرحوم مظفر در اعیان الشیعه می گوید: «انتظار مصلح جهان و نجات دهنده همگان، مهدی علیه السلام به آن معنی نیست که درباره اجرای حقایق دین، دست روی دست گذاشته و کاری انجام ندهند. به خصوص درباره واجبات دینی چون جهاد در راه اجرای قوانین دین، و امر به معروف و نهی از منکر نمی توان از خود سلب مسئولیت کرد. چرا که مسلمان، در هر حال، موظف است به احکام خدایی عمل کند. و در راه شناخت آنها گام بردارد. و تا در توان دارد، امر به معروف و نهی از منکر کند. روا نیست، به بهانه انتظار مصلح، از عمل به واجبات سر باز زد. انتظار هیچگونه تکلیفی را از مسلمانان ساقط نمی کند. و هیچگونه عملی را به تاخیر نمی اندازد. و افراد را چون چهارپایان به حال خود وا نمی گذارد.»^۲

آیت الله صافی گلپایگانی می فرماید: «انتظار رها کردن کفار و شریران به حال خود و تسلیم امور به آنها و تملق گویی ایشان نیست. و هیچگاه از آن ترک اقدامات اصلاحی و امر به معروف و نهی از منکر فهمیده نمی شود. چگونه هنگامی که باز داشتن تبهکاران از اعمالشان ممکن است رها کردن آنها جایز باشد... چگونه ممکن است ترک امر به معروف و نهی از منکر و نهی از گناهانی که همگان، بر گناه بودن آنها گواهی می دهند جایز و روا باشد. آری... آیات و روایات، برخلاف این موضوع گواهی داده و زمان غیبت به انجام واجبات و سعی در عمل به وظایف دینی، سفارش های فراوان نموده اند.

بنابراین، تصور اینکه، غیبت، زمانه دست روی دست گذاشتن و عملی انجام ندادن است خیالی واهی است که تنها کوه نظران و نا آگاهان به احادیث آنرا توهم می نمایند.»^۳

۱. مجید، حیدری نیک، «نگاهی دوباره به انتظار»، ص ۲۴.

۲. سید محسن امین، عاملی، «اعیان الشیعه»، ص ۵۴؛ دکتر علی، قانمی، «نگاهی به مسأله انتظار»، ص ۵۴.

۳. لطف الله، صافی گلپایگانی، «منتخب الاثر»، ص ۱۲۲.

انتظار دعوت به حماسه و اقدام است و نباید پنداشت که انتظار ظهور، و چشم براه «مهدی موعود علیه السلام» بودن، به گونه ای، موجب از دست رفتن حرکت‌های اصلاحی، و حماسه های دینی و اجتماعی است. هرگز اینگونه نیست. انتظار، دعوت به «پذیرفتن» است، نه «پذیرفتن» پذیرفتن باطل، پذیرفتن بردگی و ذلت.

- انتظار، درفش بنیادگر مقاومت است، در برابر هر ناحقی، و هر ستمی، و هر ستمگری. «مجاهدات خستگی ناپذیر و «فورانهای خونین» شیعه، در طول تاریخ، گواه این مطلب است که در این مکتب، هیچ سازشی و سستی راه ندارد. شیعه با حضور در حوزه «انتظار» یعنی، انتظار غلبه حق بر باطل، و غلبه داد بر بیداد، و غلبه علم بر جهل، و غلبه تقوی بر گناه، و غلبه آگاهی بر کوربینی، همواره، آمادگی خود را برای مشارکت در نهضت‌های پاک و مقدس تجدید می نماید، و با یاد تاریخ سراسر خون و حماسه سربازان فداکار تشیع، مشعل خونین مبارزات را بر سر دست حمل می کند. و به شیعه، به عنوان منتظر، دستور داده شده است، که سلاح خود را همیشه آماده داشته باشد. و چنین هم باشد. انسان اگر منتظر است که کسی بیاید، و عدالت و داد را بگستراند، معلوم می شود به عدالت و داد عقیده دارد. و هر کسی نسبت به هر چه عقیده دارد، تعهد نیز دارد. بنابراین، چگونه انسان مومن و معتقد به عدالت و داد، و متعهد نسبت به اجرای عدالت و داد، خود، در سالهای سال دوران عمر خویش، ساکت می نشیند، و هر ظلم و ناحقی را تحمل می کند، و آرمان اعتقادی و تعهدی خویش را به کناری می نهد، تا پس از سالها و سده ها، ظهور تحقق یابد، و مصلح موعود بیاید، و عقاید و تعهدات او را تحقق بخشد. انسان متعهد چنین خواهد کرد؟ و چگونه جامعه مومن و متعهد چنین خواهد زیست؟ آنچه مصلح موعود و یاران او انجام می دهند، تکلیف خود آنان است در روزگار ظهور. تکلیف امروز ما چه خواهد شد؟ و اگر انجام ندهیم چگونه خواهد بود؟ نه، سستی و سکوت پذیرفته نیست. انتظار دعوت به حماسه و اقدام است، و هدایت به حرکت و قیام.»^۱

انتظار، نام «قائم» و قیام است. چگونه کسانی به خود اجازه می دهند، یاره ای از تعالیم والای تشیع مقاوم را، نامتعهدانه تفسیر کنند، و از تشعشع الهی این مکتب خون و قیام بکاهند. آنها که مرد میدان حماسه و مبارزه نیستند، خوب است بگویند: «ما اهل این اقدامات نیستیم»، نه اینکه بگویند: «اینها تکلیف نیست». کجا و کی تکلیف مسلمان قعود و ذلت بوده است! کجا تکلیف مسلمان این بوده است که بنشیند تا همه چیزش بر باد برود، حتی دین و ناموسش؟

کجا تکلیف مسلمان بوده است که زیر سلطه کافران و از خدا بی خبران درآید، با وجود اینکه قرآن کریم، فریاد می زند:

«وَأَن يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»^۱

«خداوند هرگز نخواسته است که کافران بر مومنان سلطه داشته باشند.»

ملتی که منتظر پیشوایی است که بیاید و ستمگران را بر اندازد، و یکی از القاب این پیشوا، «قائم» است، و انسان منتظر هر گاه این نام را می شنود، قیام می کند، اینگونه ملتی وامتی را چگونه برخی به قعود و ذلت پذیری سوق داده بودند؟ و اکنون نیز برخی چگونه می خواهند به قعود و ذلت پذیری سوق دهند؟ چگونه؟!...

«در مورد قیام، به هنگام ذکر نام «قائم» مطالبی ارئه می شود، از جمله اینکه این احترام موجب توجه خاص آن امام به قیام کننده می شود. لکن حکمت اجتماعی و اقدامی آن نیز نباید مورد غفلت قرار گیرد. آمادگی افراد، در هر آن، برای «قیام» و مبارزه و جهاد، در راه تحکیم عدالت جهانی، و حفظ حقوق انسانها واجد اهمیتی بسزاست. شیعه منتظر - بلکه هر مسلمان - در عصر غیبت، باید مدام دارای چنین هدفی باشد، و در راه تحقق، تا آنجا این آمادگی را داشته باشد و ابراز دارد، که هر گاه نام پیشوای قیام «قائم» ذکر می شود، به پا خیزد، و آمادگی همه جانبه خویش را نشان دهد، و این آمادگی را به خود و دیگران تلقین و تحکیم کند»^۲ در اینجا لازم است به سخنان آیت الله سید محمد طالقانی (ره) توجه کنیم:

۱. سوره نساء / ۱۴۱.

۲. محمد رضا، حکیمی، «خورشید مغرب»، ص ۲۳۷.

این دستور قیام، شاید برای احترام نباشد، والا باید برای خدا و رسول و اولیای مکرم دیگر هم به قیام احترام کرد، بلکه دستور آمادگی و فراهم کردن مقدمات نهضت جهانی، و در صف ایستادن، برای پشتیبانی این حقیقت است»

کوچکترین اثر بدینی، بی رغبتی به خدمات اجتماعی، و دلسردی از اقدام به کارهای عام المنفعه و نیکوست. پس توجه دادن مردم به آینده درخشان، و دولت حق، و نوید دادن به اجرای کامل عدالت اجتماعی، و تاسیس حکومت اسلام، و ظهور یک شخصیت خدا ساخته و بارز، که موسس و سرپرست آن حکومت و دولت است، از تعالیم موسسین ادیان است، و در مکتب تشیع، که مکتب حق اسلام و حافظ اصلی معنویات آن است، جزء عقیده قرار داده شده، درباره خصوصیات چنین دولتی توضیحات بیشتری داده اند، و پیروان خود را به انتظار چنین روزی ترغیب نموده، و حتی انتظار ظهور را از عبادات دانسته اند، تا مسلمانان حق پرست، در اثر ظلم و تعدی زمامداران خودپرست، و تسلط دولتهای باطل، و تحولات اجتماعی بزرگ، و حکومت ملل ماده پرست، اعم از شرقی و غربی، خود را نیازند، و دل را قوی دارند، و جمعیت را آماده کنند.

و همین عقیده است که هنوز مسلمانان را امیدوار و فعال نگه داشته است. این همه فشار و مصیبت، از آغاز حکومت دودمان دنائت و رذالت اموی، تا جنگهای صلیبی، و حمله مغول، و اختناق و تعدیهای دولتهای استعماری، بر سر هر ملتی وارد می آمد خاکسترش هم به باد فنا رفته بود. لکن دینی که پیشوایان حق آن دستور می دهند که چون اسم صریح «قائم» موسس دولت حقه اسلام، برده می شود، به یا بیایستید، و آمادگی خود را برای انجام تمام دستورات اعلام کنید، و خود را همیشه نیرومند و مقتدر نشان دهید، هیچ وقت، نخواهد مرد انتظار، دوران تکلیف بزرگ است. غیبت، جریانی بسیار عمیق، و انتظار جریانی بسیار سازنده و مهم است، دوره غیبت و انتظار از یک جهت، مانند مدتی است که معلم از کلاس خارج می شود، تا بنگرد که شاگردان در غیاب او چه می کنند؟ و درباره تعالیم و تکالیف خود چگونه رفتار می نمایند. انسان منتظر، که شاگرد مکتب پیامبران، و حاضر در کلاس دین حق است، باید همواره مراقب خود باشد، و در علم و عمل بکوشد، بداند که معلم از

کلاس بیرون رفته است و هر لحظه ممکن است برسد. و او را در آن حال که هست ببیند... باید همیشه در حالی باشد که رضای کامل خاطر معلم را فراهم آورد.

آری هنگامی که در مسائل یاد شده با دیدی عمیق می‌نگریم، و هنگامی که به ماهیت دین و تعلیم‌ها و تکلیف‌های دین می‌اندیشیم، و وقتی که به زندگی و تکلیف، با شناخت‌های درست فکر می‌کنیم، به این نتیجه می‌رسیم، که روزگار انتظار، نه تنها روزگار سستی و رهایی و بی‌تفاوتی و قعود و تحمل ظلم‌پذیری نیست، بلکه دوران انتظار، دوران حساس حضور تکلیفی است، هم در ابعاد تکالیف فردی، و هم در ابعاد تکالیف اجتماعی، دوران انتظار، دوران تکلیف است، تکلیف بزرگ. و آن تکلیف بزرگ نگرهبانی دین خداست، در سطح فرد، و در سطح اجتماع...

اگر روزگار انتظار، روزگار فتور بود، و انسان وظایف چندانی نداشت، باید تکلیف برداشته می‌شد، و باید در تعالیم پیشوایان، سخن از چنگ زدن به دین، و رعایت تقوی و پارسایی، و حفظ خط مکتب و رهبری و امامت نمی‌شد، با اینکه می‌بینیم چنین نیست، بلکه احکام خدا به قوت خود باقی است، و حوزه «تکلیف» محروس و محفوظ است. و بر چنگ زدن به دین تأکید شده است.

گمان نیست کسی تصور کند که چنگ زدن به دین، منفک از عمل به احکام دین تواند بود. و جزء احکام عمده دین، مبارزه با ظلم، و امر به معروف و نهی از منکر، و حضور در همه ابعاد و وظایف فردی و اجتماعی است. اینها همه مبتنی بر قدرت و حاکمیت است. به جرات می‌توان گفت که سالهاست تعلیم و تربیت دینی، به صورت صحیح انجام نیافته است، حتی در خانواده‌های مذهبی. لکن امید است که از این پس چنین نباشد. و دین در همه ابعاد آن آموخته گردد، بویژه بعد فعال و مثبت آن، از نظر حضور اجتماعی، و شعور سیاسی، و شور اقدامی. پس انتظار، دوران وظیفه مهم، و تکلیف بزرگ است، نباید در این امر غفلت روا باشد.

انتظار، نگهبانی ایمان است. «یکی از ابعاد عظیم تکلیف بزرگ، در روزگاران غیبت و انتظار، حفظ دین، و نگهبانی مرزهای عقیدتی، و حراست باورهای مقدس است. جامعه منتظر درباره این امر عظیم نباید سستی روا بدارد.»^۱

لازم است فروغ ایمان، و نور یقین، و پرتو عقیده به حق، و تشعشع اعتقادات راستین، همواره، در دل و جان مردم محفوظ باشد، و باید پیوسته ژرفتر و بارورتر گردد.

لازم است جان و دل نوجوانان و جوانان، هر دم، در برابر تابش اعتقادات حقه قرار گیرد، و از این تابش و تجلی آکنده گردد.

لازم است ایمان، جزء وجود آنان، و مایه تقوم هویت اصلی آنان باشد، تا کم کم، حق، و فداکاری در راه اعتلای حق، چون خون، همه وجود آنان را گرم کند، و چون روح، جوهر حیات آنان باشد. و همچنین سعی شود تا ایمان اعتقادی، با ایمان عملی در آنان، اتحاد یابد، و از نخستین سنین تکلیف و توجه، بعد عمل به احکام نیز، عمل درست، در زندگانی آنان حضور قاطع بیابد.

در روزگار غیبت امام، و طولانی شدن، عصر انتظار، ممکن است شبهه هایی در ذهن برخی بیاید، یا شیاطین پنهان و شیاطین آشکار، به سست کردن پایه های اعتقادی کسانی - به ویژه جوانان - برخیزند، باید در برابر این شبهه ها مقاومت کرد و آنها را از ذهنها و دلها زدود. همچنین مطلب و مسائلی، در روند زمانه، و تحولات زندگی بشر، و پیدا شدن افکار و مسلکها بروز می کند، که ممکن است ظلمتهای فکری بیافریند، و به ایمان ها و روشنایی های قلوب، زیان برساند؛ باید در برابر این مطالب و مسائل نیز پایدار بود، و پایداری کرد، و درد و رفع آنها، و روشن کردن پوچی آنها، به کوشش برخاست.

بطور کلی، حوزه های علمی و اعتقادی، و نگهبانان میراث و فرهنگ تربیتی اسلامی، باید در برابر همه این تهاجمات پایداری کنند، و به دفع این زیانها و خطر ها بپردازند. این همه تاکید که در احادیث، درباره حفظ ایتم آل محمد علیهم السلام شده است، قسمتی از آن تاکید ها

ناظر به این بعد است، بعد اعتقادی، این ایتم، ایتم معنوی و تربیتی هستند، و این حفظ، - از جمله - حفظ اعتقاد دینی، و تربیت دینی است در توده ها، بویژه در جوانان و نوجوانان، و اینهمه اهمیت داده شده است به پاسداری از مرزهای اعتقادی، و گفته اند؛ عالمان حافظ دین، و نگهبانان عقاید مردم از انحراف، «پاسداران» مرزهای دینند، اینها همه، در آن صورت است که این نگهبانی و پاسداری، به نحو احسن، به عمل آید.

حفظ و گسترش اعتقاد دینی، و شناخت درست اعتقادی و عملی - که وسیله تشخیص حق از باطل است - در روزگار متصل به ظهور، مفید تر، بلکه لازمتر است، چنانکه در احادیث رسیده است. و این بدان علت است که صاحبان عقیده و عمل، در مسائل و حوادث پیش از ظهور کم نمی شوند، و دچار تردید نمی گردند، و حق را تشخیص می دهند. آری، آنان که «اعتقاد - صحیح»، و «عمل صالح» داشته باشند، به تصدیق و تأیید مهدی علیه السلام مبادرت می کنند، و به سعادت بزرگ می رسند. این است که تا به هنگام ظهور مهدی علیه السلام - یعنی: هنگامی که فریاد او به گوش همگان برسد - باید اعتقاد صحیح، و عمل صالح، در مردم منتظر حفظ گردد.

در احادیث و تعالیم، از اهمیت ایمان، در عصر غیبت، به گونه هایی عجیب یاد شده است، و منتظران مومن، دارای مقام و منزلت شمشیر زنان در رکاب پیامبر دانسته شده اند. از این بالاتر، پیامبر اکرم، آنان را برادران خود خوانده است. همچنین از نظر خردمندی، و بصیرت، و اعتقاد، و اخلاص، مورد ستایش بسیار قرار گرفته اند. دلهای منتظران مومن، در سخن امام صادق علیه السلام، چونان قندیلهای روشن توصیف شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به اصحاب: ... شما یاران اصحاب منید، لیکن برادران من مردمیند که در آخر الزمان می آیند. آنان به نبوت و دین من ایمان می آروند، با اینکه مرا ندیده اند... هر یک از آنان اعتقاد و دین خویش را با هر سختی نگاه می دارد، چنانکه گویی درخت خار مغیلان را در شب تاریک با دست پوست می کند، یا آتش پردوام چوب داغ را در دست نگه می دارد.

آن مومنان، مشعلهای فروزانند در تاریکیها. خداوند آنان را از آشوبهای تیره و تار (آخر الزمان) نجات خواهد داد «لَاخَذَهُمْ أَشَدُّ بَقِيهِ عَلِي دِينَهِ، مِنْ خَرَطِ الْقَتَادِ، فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ، أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَي جَمْرِ الْغَضَا، أَوْلَيْكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى، يَنْجِيهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ غِبْرَاءِ مُظْلَمَةٍ.»^۱

امام علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام، خطاب به ابوخالد کابلی:

«ای ابوخالد! مردمانی که در روزگار غیبت به سر می برند، و معتقدند و منتظر، از مردمان همه زمانها افضلند. زیرا که خدای متعال به آنان خرد و فهم و معرفتی داده است که غیبت امام، برای آنان، مانند حضور است (با اینکه در عصر غیبت به سر می برند و امام را نمی بینند، از نظر ایمان و تقوی و پایداری، گویی در زمان ظهور به سر می برند و امام خود را می بینند). این مردم را (که در چنان روزگاری زندگی می کنند)، خدا مانند سربازان پیکارگر صدر اسلام قرار داده است، همانان که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله شمشیر می زدند و پیکار می کردند. آنان اخلاص پیشگان حقیقی، و آنانند شیعه واقعی، و آنان که - در نهان و عیان - مردم را به دین خدا دعوت می کنند...»^۲

و این ایمان و باور، باید در جامعه باشد، و باید همچنین - تا زمان ظهور - بماند. انتظار، عدل و احسان است، یکی از شعارهای سرلوحه ای، در قرآن کریم است:

«ان الله يامر بالعدل و الاحسان.»^۳ خداوند به اقامه عدل و اشاعه احسان امر می کند.

عدالت و دادگری، در اسلام و قرآن، اصلی است و بنیادی و همه گیر، که احتیاجی به توضیح ندارد. اهمیت این اصل تا جایی است که در بسیاری از احکام فقهی و عبادی، به گونه ای، به لزوم عدالت بر می خوریم، از جمله در نماز جماعت، پیش نماز باید عادل باشد. و این عدالت که در پیش نماز شرط است خود، نوعی ترک ظلم است به نفس، و نسبت به غیر.

منتظران ظهور دولت حق، و حکومت عدل، که دینشان اسلام و کتابشان قرآن، و نخستین امامشان علی بن ابیطالب است یعنی (تجسم اعلائی عدالی و دادگری)، و خود در انتظار

۱. محمد باقر، مجلسی، «بحار الانوار» ج ۵۲، ص ۱۲۴.

۲. همان، ج ۲۵، ص ۱۲۲.

۳. سوره نحل، ۹۰.

تحقق حکومت عدل جهانی به سر می برند، باید نمونه این عدل و عدل طلبی باشند، و جامعه خویش را از احسان سرشار سازند. باید جامعه آنان، نمونه آن عدل و دادی باشد که از آن دم می زنند.

می شود جامعه ای خود را منتظر حکومت عدل جهانی بداند، و خود، در محیط، روابط، معاملات، حقوق و قوانین خود عدالت را عملی نسازد و رعایت نکند و به عدل و دادگرایی نداشته باشد و از عدل و داد طرفداری ننماید و در راه آن به پا نخیزد و نشانی از بسط عدل و احسان در آن جامعه نباشد؟ این امر چگونه تواند بود؟ و اگر باشد، صدق این گونه مردمی در انتظار، از کجا نمودار خواهد گشت؟

انتظار، شناخت و موضع است، در اسلام شناخت اهمیت زیادی دارد. و در منطق اسلام شناخت محدود به «شناخت نظری» نیست، بلکه هم «شناخت نظری» و هم «شناخت عملی» هر دو را در بر می گیرد. انسان هر عقیده ای، در هر باره ای دارد باید از روی شناخت و بصیرت باشد، و هر فعلی و ترکی که از انسان سر می زند، باید بر پایه شناخت و تشخیص باشد. این مسئله در عصر غیبت، که امام معصوم غایب است، بیشتر از وقتیهای دیگر اهمیت پیدا می کند. در این روزگار شناخت عقاید و افکار، و موضع گیریها و اعمال، اهمیتی ویژه می یابد. و همین داشتن «شناخت صحیح» است که از کوشش در عبادت افضل است.

«دختر رشید هجری - شیعه معروف - می گوید: به پدرم گفتم: ای پدر، چه بسیار در عبادت خدا رنج می بری و کوشش می کنی؟ در پاسخ گفت: دخترم! بعد از ما مردمی می آیند که بصیرت و شناختی که در دین دارند، از این کوششها و رنجها افضل است.»^۱

این شناخت در دو مرحله متبلور می شود: الف) استقامت و پایداری ب) پیروی از خط صحیح امامت و هبری

اینک شرحی کوتاه از این دو مرحله:

۱. محمد باقر، مجلسی، «بحار الانوار»، مترجم علی دوانی، ج ۵۲، ص ۱۳۰ و ۱۳۱.

الف) استقامت و پایداری: هنگامی که انسان حق و راه حق را شناخت، در راه آن پایداری، و در برابر شداید و سختیها، و ناسازگارهای زمان تحمل و بردباری به خرج می دهد، و به هیچ گونه، دست از راه حق خود بر نمی دارد. و این فضیلتی بزرگ است. امام جعفر صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است که آن حضرت به اصحاب خویش فرمود: «پس از شما مردمی خواهند آمد، که به یک تن از آنان، اجر پنجاه تن از شما را خواهند داد. اصحاب گفتند: ای پیامبر! ما در جنگهای بدر، و احد و حنین با تو بوده ایم، و درباره ما آیاتی از قرآن نازل شده است، این چگونه خواهد بود؟ پیامبر فرمود: شما اگر در شرایطی که آنان قرار می گیرند قرار بگیرند، آن تحمل و شکیبایی را که آنان دارند نخواهید داشت.»^۱

پس انسان عصر غیبت، باید دارای شناختی درست و بصیرتی درخشان باشد، تا بتواند اعتقاد حق را حفظ کند، و در هر برابر پیشامد، پایدار باشد. انسان منتظر باید بداند انتظار چیست؟ و برای چیست؟ او منتظر کیست؟ و ظهور مقدمه چه اموری است؟ اگر این شناخت صحیح را بدست آورد، دارای فضیلتی بزرگ خواهد بود. چنانکه از امام صادق علیه السلام رسیده است:

«هر کس امر امامت و رهبری را بشناسد، آنگاه پیش از قیام قائم از جهان برود، پاداش او مانند کسی است که در رکاب قائم شهید بشود.»^۲

و این بدان دلیل است که با شناخت امر رهبری و امامت، انسان در خط الاهی معرفت و تکلیف قرار می گیرد، و داخل در حوزه ولایت الاهی می شود. و چنین فردی، در هر حال، در مقام قرب و کرامت است.

ب) پیروی از خط ممتد رهبری: به هنگام غیبت امام، باید از آداب و احکام امامان پیشین پیروی کرد، و راه را چنانکه آنان فرموده اند پیمود. امامان تاکید کرده اند که در عصر غیبت به آداب و احکام دینی خود که از مکتب آنان فرا گرفته اید عمل کنید، و خط اعتقادی و عملی خویش را با صلابت و استواری و با اعتقاد و تقید، نگاه دارید، تا طلوع طلایع ظهور

۱. همان، ج ۵۲، ص ۱۳۰.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۱۳۱.

فرا رسد، و پیشوای نهان گشته شما، از غیبت به در آید. امام جعفر صادق علیه السلام در احادیثی چند، که راویان نقل کرده اند همین مطالب را فرموده است: «هر گاه زمان غیبت فرا رسد، به دستورات امام پیشین چنگ در زنید، تا امام آخرین ظهور کند^۱ ... هر گاه روزی رسید که امامی از آل محمد در میان خود نداشتید، همان امامانی را که دوست می داشتید دوست بدارید، و همان کسان (و خط باطلی) را که دشمن می داشتید دشمن بدارید (و از آنها دوری کنید، و به دام خطر نیفتید!)، و همواره در خط رهبری و ولایت حقه جای داشته باشید، و صبح و شام در حالت انتظار (آمادگی) به سر ببرید!^۲ ... همان دینی را که داشتید داشته باشید، تا خداوند ستاره هدایت شما را طالع سازد^۳، تا خداوند صاحب دین را برساند.»^۴

علامه مجلسی، در بیان این احادیث و تعالیم، می فرماید: «مقصود از این احادیث این است که در عصر غیبت، در امر دین متزلزل نشوید، و در مقام عمل حیرتی به خود راه ندهید. در اصول و فروع دین، به آنچه از امامان به دست شما رسیده است چنگ درزنید. و عمل به دین را ترک نکنید، و از دین خدا روی مگردانید، تا زمانی که امام شما ظاهر گردد...»^۵

قطعاً انسانی که دارای شناخت صحیح نظری و عملی است، در مقام عمل و اقدام نیز، همین پیروی همه جانبه را شعار و پیشه خویش می سازد.

انتظار، تمرین و ریاضت است، منتظران با اخلاص، و تراز مکتب، در مرحله تربیت نفس و خودسازی، به امر دیگری نیز باید توجه کنند، توجهی عمیق. آن امر، تمرین زندگی است ساده و خشن، دور از رفاه و تن آسانی، تا اینگونه با زندگی پیشوای قیام هماهنگ گردند، و تاب همپایی با فرزند علی علیه السلام را پیدا کنند.

۱. همان، ج ۵۲، ص ۱۳۴ و ۱۳۳ و ۱۳۲
 ۲. همان، ج ۵۲، ص ۱۳۴ و ۱۳۳ و ۱۳۲
 ۳. همان، ج ۵۲، ص ۱۳۴ و ۱۳۳ و ۱۳۲
 ۴. همان، ج ۵۲، ص ۱۳۴ و ۱۳۳ و ۱۳۲
 ۵. همان، ج ۵۲، ص ۱۳۴ و ۱۳۳ و ۱۳۲

انسان منتظر باید تعالیمی را مورد نظر و عمل قرار دهد، از جمله این تعالیم که باید در انسان منتظر، روح پارسایی، پایداری زهد و بی نیازی، قدرت و مردانگی، شهامت و بی باکی، نظامگیری و سلحشوری، به وفور وجود داشته باشد. انسان منتظر، باید این خصلتها را در خویشتن پدید آورد و پرورد، و به اصطلاح روز، یک فرد ساخته انقلابی، و یک چریک آماده باشد. هیچ گونه ضعفی، سستی، امیال و علایقی، نباید شخصیت صخره سان انسان منتظر را دستخوش قرار دهد.

امام جعفر صادق علیه السلام خطاب به ابو بصیر: «درباره خروج قائم، خیلی عجله دارید، هان! به سوگند، او جامه موین می پوشد، و نان جوین می خورد. روزگار قیام او، روزگاریه کار بردن شمشیر است (و جنگ با فاسدان و مفسدان و جباران)، و مرگ در سایه شمشیر... او شبانگاهان به دردمندان و نیاز داران سر می زند، و روزها به نبرد در راه دین می پردازد، مانند امیرالمومنین علیه السلام...»^۱

مسئلاً، دولت جهانگیر عدل، به آسانی تشکیل نخواهد شد. سهم انسان مسئول، و رنج انسان مسئول، در خدمت مهدی، برای تاسیس دولت جهانی او، بسیار خواهد بود. پس باید آماده شد، و باید آماده بود...

درد آشنایان، به همراهی آن پیشوای درد آشنا به پا می خیزند، بر جباران و ابرقدرتان و نیروهای آنان را با مبارزه، مجاهده و جنگ، در پرتو نصر خدایی، از میان بر می دارند و خود مانند محرومترین محرومان زندگی می کنند: خوراک خشک و اندک می خورند، و جامه ای خشن و کم بها می پوشند. اینگونه رفتار می نمایند، تا محرومیت را از جهان بردارند، و انسانیت را به جهان بازگردانند.

۱. ابن ابی زینب، نعمانی، «الغیبه» مترجم جواد غفاری، ص ۳۶۰، محمد باقر مجلسی، «بحار الانوار» مترجم، علی دوانی، ج ۵۲ ص ۳۵۴.

انتظار، بسیج عمومی است، «آینده از آن هیچ کس نیست، که «آینده از آن خداست» آنچه از ما ساخته است، این است که برای آینده آماده شویم، و خود را برای آنچه آینده از ما چشم دارد، مهیا سازیم.»^۱ «ویکتور هوگو»

نتیجه اینکه مکتب تشیع علوی، در عصر انتظار، پیروانی می خواهد همیشه آماده، و همواره در سنگر ...

همیشه آماده یعنی: از نظر قدرتهای ایمانی و روحی، نیروهای بدنی و سلاحی، تمرینهای علمی و نظامی، پرورشهای اخلاقی و اجتماعی، و سازماندهیهای سیاسی.

همواره در سنگر یعنی: سنگر مبارزه با تمایلات نفسانی، سستیهای تکلیفی، بافتورهای موضعی، سنگر مبارزه با ذلت پذیری و استعمار زدگی، مبارزه با تطاول و ستم و انحراف، مبارزه با زیر بار کفر رفتن، و برده دیگران شدن، واسطه یهود و نصاری و ملحدان را پذیرفتن، و قدرتهای ناحق را تحمل کردن.

«این آمادگی عمومی و همیشگی، جوهر اصلی انتظار است. ماهیت انتظار اینست، که انتظار، انتظار اسلامی باشد و شیعی و سازنده، نه یک تبلی، و تکلیف رهایی، و «وادادگی». انتظار پدیده ای عظیم و جریانی مهم است. همه بر این امر واقفیم که ظهور مهدی موعود، و رسیدن فرج اعظم و فتح اکبر، امری بسیار بزرگ و مهم است: نشر عدالت در همه آفاق، و نشر حق در همه نفوس. شیعه، منتظر این امر بزرگ است شیعه خود را برای چنین هدفی عظیم آماده می دارد.»^۲

می دانیم که در احادیث و تعالیم رسیده است که افضل اعمال، انتظار فرج است. پس، باید انتظار نی، مانند فرج، امری بسیار بزرگ و مهم باشد، تا قسمتی از فرج باشد، و افضل اعمال به شمار آید. و چنین هم هست ...

۱. محمد رضا حکیمی، «خوشید مغرب»، ص ۳۷۶.

۲. همان، ص ۳۶۶.

یقین است که انتظاری که به اندازه خود فرج اهمیت دارد، و خود پاره ای و بخشی از فرج کلی الهی خوانده شده است، نمی تواند امری ساده، و حالتی بی تفاوت، و روزگاری خالی از تعهد و شور باشد. این است که باید بر شناخت مسئله انتظار، و فلسفه انتظار تاکید شود. این پدیده یعنی انتظار، باید در فرهنگ تشیع، موضوعی درسی باشد.

چگونه می شود جامعه ای که از دیدار امام و تربیت حضوری او محروم است، و در عصر غیبت کبری به سر می برد، با این وصف، در حال فرج باشد، یعنی حالی که امام حق ظاهر گشته است، و حق همه جا را گرفته، و عدالت به همه سوی رخت کشیده است؟ این چگونه می شود؟ فرض کنید: در جایی شب باشد، و پرتوی از مان بتابد، و خورشید و فروغ تابنده خورشید در کار نباشد، با این وصف بگوییم، در این جا شب چونان روز است، و پرتو ماه چونان نور تابنده و خیره کننده خورشید. این در چه وقت و در چه حال ممکن است؟ و این سخن کی درست تواند بود؟ در جامعه منتظران نیز چنین است. می گوییم، حال غیبت امام و عدم تابش مستقیم نور ولایت و هدایت، مانند حال حضور و تابش مستقیم است. این به چه معنی درست است؟

پاسخ این است که چنین چگونگی در رابطه دقیق است با وضعیت منتظران. اگر جامعه منتظر، چنانکه باید باشد باشد، و انسان منتظر، انسان تراز مکتب و تراز انتظار باشد، انتظار نیز به منزله فرج است. و انتظار، افضل عبادات است...

در اینجا باید با تاکید بگوییم، که در این روزگار بیداری و حرکت و خون و شهادت، برادران اهل سنت نیز باید به خود آیند.

و از این روسای خائن ممالک اسلامی دست بردارند، و به حرکت انتظار و حرکت منتظران پیوندند، و با جباران و اجنبی نشانندگان در افتند، و وارد مبارزات بزرگ شوند و در رده استقبال کنندگان دولت مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله در آیند، تا به احادیث و دستورات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عمل کرده باشند.

واقع امر اینست که مسلمانان، به همین اندازه که مسلمان باشد و پیرو قرآن و تابع سنت (-) چه پس از قرآن به صحاح سته عمل کند و سنت را از این طریق بگیرد، یا به نهج البلاغه و

کتب اربعه عمل کند، و سنت را از این طریق بگیرد)، اهل هر خرقة ای از فرقه های اسلامی باشد، باید به «مهدی موعود» معتقد باشد، و باید منتظر ظهور باشد، زیرا که این، اشارات قرآن است و بشارات پیامبر ﷺ کلیه مسلمانان، باید در این بسیج عمومی، و حماسه کلی، و آمادگی اسلامی، و خروش رهایی، و طلب روشنائی، با شیعه آل محمد ﷺ همگام و هماهنگ و هم فریاد باشند، و در این حماسه مقدس، وحدت یابند و به هنگام تهاجم ستمگران و مستبکران، به پاخیزند و به سوی آنان و ارتشهای آنان هجوم برند، آیا چه کسی، و چه قدرتی، و چه ارتشی در برابر مسلمین تاب مقاومت تواند داشت، و مقاومت تواند کرد؟ و آیا چه کسی، و چه قدرتی می تواند این همه پراکندگی و ذلت در میان مسلمین را پدید آورد، و اینگونه ثروت‌های مسلمین را ببرد؟ و شخصیت مسلمین را خرد کند، و به دین و مقدسات مسلمین تحقیر روا دارد؟ آیا چه کسی می تواند این عروسک‌های کوکی، و این دست نشانده های رذل و خائن، و این نوکران پست و بی شخصیت بدبخت را، به نام «ملک»، و «سلطان»، و «رئیس جمهور» و «امیر فلان» بر توده های مصمم قرآنی مسلط سازد، و به همه چیز آنان را به وسیله این خائنان ناپاک ببرد و نابود کند؟! ای مسلمانان یکدم به خود آید! به عزت خدایی خود بازگردید! طومار این تفرقه و ذلت را در نوردید! این اجنبی نشانندگان خائن و این نوکران یهود و نصاری و ملحدان را سرنگون سازید! بانگ «الله اکبر» بردارید، و حق را بطلبید! و سر از تسلیم و انقیاد بپسچید، و سر به آستان حق و عدل فرو آرید!

انتظار و ضد انتظار: روشن و واضح است که چون شناختی انتظار» و «منتظر» پیدا شد، و معیارهای این دو معلوم گشت، و در آن معیارها با دقت و تامل نگریسته شد، ضد انتظار و ضد منتظر نیز شناخته می شود. چه بسا مردمی، یا کسانی بیندارند که منتظرانند، و از ثواب و ارج انتظار و منتظران برخوردار، لیکن چنین نیست. چه بسا کسانی تصور کنند که در حال افضل عبادات به سر می برند، یعنی انتظار فرج - چنانکه در احادیث رسیده است - اما چنین نیست.

جامعه ای که از نظر اعتقاد و بصیرت، و عمل و اخلاق، و حضور و اقدام، و آمادگی و ثبات، و طهارت و زهد، و شعور و شناخت، و عدل و احسان، آن چنان که پیشوایان گفته اند و خواسته اند نباشد، چگونه «منتظر» محسوب خواهد گشت؟ کسانی و مردمی که فاقد ویژگیهایی اند که مطرح شد، چه بسا - با توجه به تامل در واقعیت انتظار - ضد انتظار، و ضد منتظر محسوب گردند، نه منتظر.

«در احادیث و تعالیم رسیده است که عفت و ورع و صلاح پیشه سازید. در روزگار انتظار صبور باشید. دوران غیبت را طولانی شمارید، زیرا که وعده خدایی حق است، و اگر چه به طول انجامد خواهد رسید. در کار تشکیل حکومت حقه عجله نکنید. صبر پیشه سازید...»^۱

صبر در تعبیرات تعلیمی دین، در موارد بسیاری به معنای صبر بر طاعت و عبادت است، و صبر بر خورداری از معصیت و دوری از لذایذ دنیا و گناه... صبر را، در تعالیم شیع، نمی توان صبر در برابر ظلم و منکرات دانست. با این وصف، مسئله انتظار و لزوم آمادگی، در رابطه با صبر و تحمل و شکیبایی، تغییری نمی کند. همه آنچه تکالیف منتظران است، بر جا و ثابت است، چه منتظران صبور و بردبار باشند، یا شتاب پیشه و نابردبار.

انسان منتظر، نمی تواند به نام «صبر» خواص اعتقادی و عملی، و آمادگیهای نظامی و اقدامی را - که در احادیث ائمه بر آنها تاکید شده است از کف بنهد، و از حالت حضور تکلیفی انتظار، به حالت غیاب تکلیفی درآید، و ضد انتظار گردد. انسان نمی تواند به نام انتظار، ظلم را - که همیشه مبارزه با آن تکلیف است - قبول کند، وزیر بار ظلم و حکومت ظالم برود. سخن این است.

یکبار دیگر به این سخن برگردیم که آنچه درپاره ای احادیث رسیده است که عجله نکنید، و در این کار شتاب نداشته باشید، اینها به معنای صبر بر ظلم و سکوت در برابر دین خدا و آثار دین، و قبول سطله جباران و تسلط آنان بر دین و نوامیس مسلمین نیست. بلکه این احادیث، به عین، به همان معنای عجله نکردن در رسیدن دولت حق جهانی مهدی است.

۱. همان، «خورشید مغرب»، ص ۲۳۸.

چون این عجله چه بسا باعث می شود که کسانی تحمل و بردباری خویش را از دست بدهند، و آهنگ تاسیس همان حکومت جهانی مهدوی بکنند، و بدان آهنگ به پاخیزند. و این امر شدنی نیست. زیرا که تاسیس دولت جهانی واحد الاهی، و نشر عدالت آفاقی و انفسی، ویژه دوران همان ولی الله اعظم است و بس. همچنین شتاب داری ممکن است باعث شود که برخی از مردم که به حکمت غیبت و انتظار و اسرار الاهی توجه ندارند، دچار ناامیدی گردند. این است که از عجله درباره فر رارسیدن ظهور و دولت و مهدی علیه السلام و شتاب در این امر نهی کرده اند، و دستور صبر داده اند. یعنی انسان منتظر، درباره رسیدن دولت مهدی شتاب نکند، و بیتابی نشان ندهد. این نهی از عجله، حتی در «نهج البلاغه»^۱ و سخنان علی آمده است. «از اینجا معلوم می شود، که مردمان درباره بر پا شدن دولت الاهی در جهان، و از میان رفتن ستم و پیدینی، چنان عجله داشته اند، و به این امر چنان علاقه نشان می داده اند (- و البته ارزوی هر انسان آزاده ای همین است)، که حتی در زمان امام اول، علی ابن ابیطالب علیه السلام نیز، آثار این تسرع و شتابگری پیدا بوده است، تا جایی که لازم می شده است که علی علیه السلام گاه گاه، مردم را از این شتابگری و شتابزدگی باز دارد، و یاد آور گردد که تشکیل آن حکومت، بعدها، و بعد از افتادن کارها و وقوع حوادث و ملحمه ها، به وقوع خواهد پیوست.»^۲

«نمی توان پذیرفت که دین اسلام، و ائمه طاهرین علیهم السلام صبر برظلم و ترک امر به معروف و نهی از منکر، برای مسلمین تجویز کرده باشند، دینی که می گوید: - همه کارهای خیر، و جنگ در راه خدا، در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر، مانند آب دهانی است در برابر دریایی موج خیز، امر معروف و نهی از منکر کردن، نه اجل کسی را نزدیک می کند، و نه روزی کسی را می کاهد. و از همه اینها (- همه اعمال خیر، جنگ در راه خدا، امر به

۱. سید شریف رضی، ض، «نهج البلاغه»، مترجم مرحوم دشتی، ص ۲۰۸.

۲. همان، ص ۲۰۸.

معروف و نهی از منکر کردن، افضل و برتر، گفتن یک سخن درباره عدل است، در نزد حاکم جابر و ستمگر.^۱

« مقصود این سخن این است که از امر به معروف و نهی از منکر نترسید، که این کار باعث نمی شود که اجل شما زودتر برسد و خطر متوجه شما گردد، بلکه اجل وقتی که باید برسد می رسد، و اگر هنگام آن نرسیده باشد نخواهد رسید، چه امر به معروف و نهی از منکر بکنید، و چه نکنید و از این دو تکلیف الهی سر باز زنید. همچنین انجام دادن این دو تکلیف، موجب زیان مالی و کم شدن روزی کسی نیز نمی شود.

این سخن علی علیه السلام است، و دهها و دهها از اینگونه تعلیم در اسلام رسیده است. در این صورت، آیا ممکن است بپذیریم که در دوره طولانی غیبت و انتظار، مسلمانان از چنین تکلیفی معاف، و از چنین اجرا و فضیلتی محرومند؟!^۲

خواص معنوی انتظار

«در روایات اسلامی آنچنان مقام و منزلت برای منتظران موعود برشمرده شده که گاه انسان را به تعجب و امیدوار می دارد که چگونه ممکن است عملی که شاید در ظاهر ساده جلوه کند از چنین فضیلتی برخوردار باشد. البته توجه به فلسفه انتظار و وظایفی که برای منتظران واقعی آن حضرت برشمرده شده، سر این فضیلت را روشن می سازد.»^۳

در اینجا به پاره ای از فضائلی که برای منتظران قدوم، حضرت بقیه الله الاعظم برشمرده شده،

اشاره می کنیم: امام سجاد علیه السلام منتظران را برترین مردم همه روزگاران بر می شمارند:

«... ان اهل زمان غیبه القائلون با مامته المنتظرون لظهوره افضل من کل اهل زمان.»^۴

« آن گروه از مردم عصر غیبت امام دوازدهم که امامت او را پذیرفته و منتظر ظهور هستند. برترین مردم همه روزگاران هستند.»

۱. همان . ص ۵۴۲.

۲. محمد رضا، حکیمی، « خورشید مغرب »، ص ۳۷۴.

۳. ابراهیم، شفیع، سروستانی، « انتظار، باید ها و نبایدها » ص ۱۹.

۴. محمد باقر، مجلسی، « بحار الانوار » مترجم: علی دوانی، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۴.

شیخ صدوق در کتاب کمال الدین از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت به نقل از پدران بزرگوارشان - که بر آنها دورد باد - فرمود:

«المنتظر لا مرنا كالمشحط بدمه في سبيل الله.»^۱

منتظر امر (حکومت) ما، بسان آن است که در راه خدا به خون خود غلتیده باشد.

در همان کتاب به نقل از امام صادق علیه السلام روایت دیگری به این شرح در فضیلت منتظران وارد شده است: «طوبى لشيعة قائمنا المنتظرين لظهوره في غيبته و المطيعين له في ظهوره اولئك اولياء الله الذين لا خوف عليهم و لا هم يحزنون.»^۲

«خوشا به حال شیعیان قائم ماکه در زمان غیبتش چشم به راه ظهور او هستند و در هنگام ظهورش فرمانبردار او، آنان اولیاء خدا هستند، همان ها که نه ترسی برایشان هست و نه اندوهگین شوند.»

در روایت دیگری مرحوم المجلسی از امام صادق علیه السلام نقل می کند که:

«من مات منكم و هو منتظر لهذا الامر کمن هو مع القائم في فسطاطه. قال: ثم مكث هنيهة، ثم قال: لا بل كمن قارع معه بسيفه، ثم قال: لا و الله كمن استشهد مع رسول الله صلوات الله عليه وآله»^۳

«هر کس از شما بمیرد در حالی که منتظر این امر باشد همانند کسی است که با حضرت قائم^۲ در خیمه اش بوده باشد. سپس حضرت چند لحظه ای درنگ کرده، آنگاه فرمود: نه، بلکه مانند کسی است که در خدمت آن حضرت شمشیر بزند. سپس فرمود: نه، به خدا همچون کسی است که در پیشگاه رسول خدا صلوات الله عليه وآله شهید شده باشد.»

فضائل شیعیان در انتظار

با مشاهده روایات یاد شده ممکن است برای بسیاری این پرسش پیش آید که چرا انتظار از چنین فضیلت برجسته ای برخوردار است؟ برای رسیدن به پاسخ مناسبی برای این پرسش چند نکته اساسی را باید مورد توجه قرار داد:

۱. محمد شیخ صدوق، «کمال الدین»، ج ۲، ص ۶۴۵ ح ۶.

۲. همان منبع، ج ۲، ص ۳۵۷، ح ۵۴.

۳. محمد باقر، مجلسی، «بهار الانوار» مترجم: علی دوانی، ج ۵۲، ص ۱۲۶، ح ۱۸.

ارتباط امام معصوم با حجت خدا: «ولایت» و «امامت» رکن اساسی مکتب تشیع است و اعتقاد به ضرورت وجود حجت خدا و امام معصوم در هر عصر و زمان از مهمترین نقاط تمایز این مکتب از سایر مکتب هاست. از دیدگاه شیعه پذیرش ولایت معصومین علیهم السلام و به طور کلی تسلیم در برابر امام و حجت عصر، سرآمد همه فضیلت ها و شرط اساسی قبولی همه اعمال عبادی است. با توجه به این نکات در می یابیم که «انتظار» در زمان غیبت و عدم حضور ظاهری امام در جامعه به نوعی اعلام پذیرش و ولایت و امامت آخرین امام از سلسله امامان شیعه است و همین انتظار موجب می شود که ارتباط شیعیان با امامشان، اگر چه به صورت ارتباط قبلی و معنوی، حفظ شود و آن ها در همه اعصار از فیض وجود امامشان برخوردار باشند.

در روایتی که از امام سجاد علیه السلام نقل شده، آن حضرت ضمن پیش بینی دروان غیبت دوازدهمین امام از سلسله جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسانی را که در زمان غیبت، امامت امام را پذیرا می شوند و در انتظار او به سر می برند، برترین مردم همه زمانها معرفی می کنند و دلیل این برتری را این می دانند که برای آنها غیبت و حضور هیچ تفاوتی نداشته و همان وظایفی را که در زمان حضور باید انجام دهند در زمان غیبت انجام می دهند:

«ثم تمتد الغیبه بولی الله - عزوجل - الثانی عشر من اوصیا رسول الله صلی الله علیه و آله و الائمه من بعده. یا ابا خالد! ان اهل زمان غیبه، القائلین بامامته و المنتظرین لظهوره افضل من اهل کل زمان؛ لان الله - تبارک و تعالی - اعطاهم من العقول و الافهام و المعرفه ما صارت به الغیبه عندهم بمنزله المشاهده و جعلهم فی ذلک الزمان بمنزله المجاهدین بین یدی رسول الله صلی الله علیه و آله بالسیف. و اولئک المخلصون حقاً و شیعتنا صدقا و الدعاه الی دین الله - عزوجل - سرا و جهراً.»^۱

۱. محمد، شیخ صدوق، «کمال الدین و تمام النعمه» ج ۱، ص ۳۲۰. ۲. محمد باقر، مجلسی، «بحار الانوار» مترجم: علی دوانی، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۴.

« غیبت دوازدهمین ولی خدا - صاحب عزت و جلال - از سلسله جانشینان رسول خدا - که درود خدا بر او و خاندانش باد - و امامان بعد از او، به درازا می کشد.

ای ابا خالد! آن گروه از مردم که در زمان غیبت او امامتش را پذیرفته و منتظر ظهور اویند برترین مردم در همه زمانها هستند؛ زیرا خداوند - که گرامی و بلند مرتبه است - چنان خرد، درک و شناختی به آن ها ارزانی داشته که غیبت (و عدم حضور امام) برای آنها همانند مشاهده و حضور امام است.

خداوند مردم این زمان را به مانند کسانی قرار داده که با شمشیر در پیشگاه رسول خدا - که درود خدا بر او و خاندانش باد - جهاد می می کنند. آن ها مخلصان واقعی، شیعیان راستین ما و دعوت کنندگان به سوی دین خدا در پنهان و آشکار هستند.

بنابراین اگر «انتظار» را از مکتب شیعه بگیریم تفاوت چندانی میان این مکتب و دیگر مکاتب باقی نخواهد ماند؛ البته انتظار به همان مفهوم درست آن؛ یعنی امید به ظهور و قیام عدالت گستر دوازدهمین امام معصوم از خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛ هم او که در حال حاضر حجت خدا، واسطه فیض الهی، زنده و شاهد و ناظر اعمال شیعیان خود و فریاد رس آن ها در گرفتاری ها و ناملایمات است.

انتظار، معیار ارزش انسانها؛ آرزوها و آمال انسان ها معیار خوبی برای سنجش میزان رشد، کمال و تعالی آن هاست؛ تا آنجا که برخی می گویند: «بگو چه آرزویی داری تا بگویم کیستی.» آرزوهای بلند، متعالی و ارزشمند حکایت از کمال روح و رشد شخصیت انسانها و بلندای همت آنها می کند. به عکس آرزوهای خرد، حقیر و بی ارزش نشان از بی همتی و رشد نیافتگی افراد دارد.

آرزوها انسان را به حرکت وا می دارد و به طور طبیعی هرچه همت، بلندتر و آرزو، ارزشمند تر باشد حرکت و تلاش انسان نیز از ارزش بیشتری برخوردار خواهد بود.

امام علی علیه السلام در همین زمینه می فرماید:

«قدر الرجل علی قدر همته.»^۱ *** «ارزش مرد به اندازه همیت اوست.»

۱. سید شریف، رضی، «نهج البلاغه» باب گزیده سخنان حکمت آمیز امیر المومنان «علیه السلام» ترجمه: مرحوم دشتی، ش ۴۷، ص ۳۶۹.

و در جای دیگر می فرماید:

«قیمه کل امری ما یحسنه.»^۱ *** «مرد را آن بهاست که در دیده اش زیباست.»

پس از این مقدمه می توان گفت که چون انسان منتظر برترین و ارزشمندترین آمال و آرزوهای نهایی انسان منتظر، حاکمیت نهایی دین خدا و مذهب اهل بیت بر سراسر جهان، استقرار حکومت صالحان و مستضعفان در سراسر گیتی، کوتاه شدن دست ظالمان و مستکبران از گوشه گوشه جهان، برقراری نظام قسط و عدالت بر پهنه زمین و گسترش امنیت و رفاه در جای جای کره خاک است؛ یعنی آرزویی که از ابتدای تاریخ تا کنون و در زمان هیچ پیامبری محقق نشده است. قطعاً چنین آرزوی بلندی از ارزش و فضیلتی وصف ناپذیر برخوردار است. البته به شرط آنکه «منتظر» به تناسب آرزوی بلند خود از تلاش و کوشش برای تحقق هر چه زودتر این آرزو کوتاهی نکند.

انتظار عامل پویایی و سازندگی فرد و اجتماع؛ انتظار نقش مهمی در سازندگی، پویایی فرد و جامعه در زمان غیبت دارد، و اگر انسان منتظر به وظایفی که در بخش آخرین رساله بر شمرده خواهد شد عمل کند به الگوی مطلوب انسان دیندار دست می یابد و از جایگاه و مرتبه والایی برخوردار می شوند. و به عبارت دیگر انسان منتظر با رعایت همه شرایط انتظار به همان شان و منزلتی که مورد انتظار دین اسلام است، رسیده و به بالاترین نقطه کامل نائل می شود.^۲

با توجه به نکات به رمز فضائل بی شماری که برای منتظران بر شمرده شد واقف می شویم و بدرستی در می یابیم که چرا انسان منتظر از نظر اسلام از چنین مقام و مرتبه بلندی برخوردار است.

- جلوه ی انتظار در اعمال جسمانی: آنچه از آثار انتظار در عمل ظاهری ما باید وجود داشته باشد این است که مومن باید از گناهان پرهیز نماید و صفات ناشایست را از خود دور

۱. همان، ش ۸۱، ص ۳۷۳.

۲. ابراهیم، شیعی سرستانی، «انتظار، بایدها و نبایدها»، ص ۲۴.

نماید، تا اگر زمان ظهور را درک نمود، مورد عنایت و احسان ایشان قرار گیرد، آن حضرت از او خشنود باشد نه دل آزرده، چنانچه در روایتی از ابوبصیر است که حضرت صادق علیه السلام فرمودن: «هر کس دوست می دارد که از یاران امام قائم (عج) باشد، باید انتظار ظهور آن حضرت را بکشد، و عمل او بر اساس پرهیزگاری و تقوا باشد، خود را به صفات خوب و اخلاق پسندیده آراسته گرداند، در حالی که منتظر ظهور آن حضرت است. چنین کسی اگر از دنیا برود و ظهور قائم (عج) بعد از او واقع شود، ثواب کسی را دارد که زمان حضرت و حضرت آن جناب را درک نماید و از یاران و اصحاب او باشد. پس در پرهیزگاری و تقوا بکوشید، و منتظر ظهور امام قائم علیه السلام باشید. و در توقیعی از حضرت مهدی (عج) چنین آمده است: «هر یک از شما باید به گونه ای رفتار نماید که به محبت ما نزدیک شود و از کاری که خشم ما را برانگیزد پرهیز نماید.»^۱

- منتظران عاشق در انتظار مهدی علیه السلام: «این گونه حاصل می گردد که شخص مومن در هیچ لحظه و حالی و مکانی از یاد امام خویش و انتظار قدوم مبارک غافل نگردد. بلکه اگر در مجالس و محافل مردم حاضر می شود و با آنان گفتگو می کند، قلبش پیش امام علیه السلام باشد، و به انتظار و خیال و شوق وصال او باشد؛ همچون کسی که تنها یک فرزند با جمیع کمالات داشته باشد که بهره های فراوانی به او برساند، و به سفری رفته باشد و این پدر از جا و منزل او بی خبر باشد، آیا لحظه ای از فکر و خیال او بیرون می رود، یا آنکه جستجوی او را فراموش می کند؟ هرگز، بلکه شب و روز و حتی در تمام ساعات و حالات و سکنت، محبوب او در پیش دیدگان وی است.»^۲

چنانچه شاعر می گوید:

ای غایب از دو دیده چنان در دل منی کز لب گشودنت به من آوا می رسد

۱. آیت الله سید محمد تقی، موسوی اصفهانی، «راز نیایش منتظران» ص ۲۹

۲. همان، ص ۳۰.

اگر فرد مومن چنین محبتی به امام خویش داشته باشد ایمانش کامل می شود، چنانچه از پیامبر خدا سَلَّمَ نقل شده است که: «هنگامی ایمان فرد کامل می شود که من در نزد او از خودش عزیزتر باشم و فرزندان مرا از اولاد خویش عزیزتر بدارد و خانواده من در نزد او محبوبتر از اهل خویش و امور وابسته به من در نزد او گرامیتر از امور خود او باشد و همین که انتظار قلبی به آن درجه از کمال برسد، آثار ظاهری آن نیز به نهایت خود خواهد رسید.»^۱

۶- اهمیت و واجب بودن انتظار: از مسائلی که ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام در سخنان خود بسیار به آن اشاره نموده اند و انجام آن بر هر مسلمانی واجب دانسته اند، انتظار فرج مهدی زهرا عَلَيْهَا السَّلَام می باشد.

در غیبت نعمانی به سند خود از ابوبصیر و او از حضرت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام آورده که روزی آن حضرت فرمود: «آیا شما را خبر ندهم به آنچه خدای عز و وجل هیچ عملی را جز به آن، از بندگان نمی پذیرد؟ گفتند: چرا، فرمود: گواهی دادن به اینکه هیچ شایسته پرستشی جز خداوند نیست و اینکه محمد سَلَّمَ بنده و فرستاده اوست و اقرار کردن به آنچه خداوند به آن امر فرمود و ولایت و بیزاری از دشمنانمان - دشمنان اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام - و تسلیم شدن به آنان و پرهیزگاری و کوشش و اطمینان و انتظار قائم (عج).

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در روایت فوق انتظار فرج را به عنوان یکی از اعمالی که شرط پذیرفته شدن اعمال دیگر است، معرفی می نمایند. زیرا منتظر واقعی کسی است که عملش و نیتش جز رضایت محبوب و امام زمانش نباشد و در واقع چنین انتظاری مهر قبولی دیگر اعمال است.»^۲

اهمیت و ضرورت دوره ای انتظار را می توان از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داد:

۱. همان، ص (۲۹ و ۳۰).

۲. علی، رضاپور، «وظایف شیعیان در زمان غیبت» ص ۸۰.

توجه به معنا و حقیقت انتظار: انتظار یک دوره آماده سازی و زمینه سازی است و هر انقلاب و حرکتی که این دوره پشت سر نگذاشته باشد، ناقص و بی ثمر است. کسانی را می بینیم که به پا ایستاده اند و راه افتاده اند، ولی دوره انتظاری نداشته اند. گویا چیزی نمی خواسته اند و تنها بر اساس جو محیط و جریان حاکم به رفتن وارد شده اند. این ها بدون انتظار و بدون آماده باش در گامهای نخست گرفتار شده اند و به خود خودی و فرار از خویشتن رسیده اند و سرانجام زیر فشار ابهام ها و اشکال ها، در مرحله فکر و اعتقاد، ظرفیت و تحمل، طرح و برنامه، اجرا و عمل، از کمبود امکانات گرفته تا نیاز های اقتصادی و نیازهای تخصصی و علمی، حتی آمادگی بدنی و توانایی جسمی، به انزوا و فرار از کار و جدایی از عمل روی آورده اند.

طبیعی است آن ها که عمل زده بودند، بعد ها با نفرت، عرفان زده، فلسفه زده و علم زده و کلاس زده هم بشوند و به دنبال پناهگاهی بگردند. باز هم طبیعی است که به پناهی نرسند و سرگردان بمانند.

«بنابراین، برای هر انقلابی گذر از دوره انتظار ضرورت است و هر قدر اهداف انقلابی بزرگتر باشد، دوره انتظار آن هم گسترده تر خواهد بود. سنت تغییرناپذیر الهی، بر این است که ایجاد تغییرات اصلاح گرایانه در گرو سلسله شرایط و زمینه های خارجی است و تا همه آن شرایط کاملاً تحقق نیابد، امکان رسیدن به هدف وجود ندارد.»^۱

از این جهت، آیین اسلام پس از یک دوره طولانی و چندین قرن، ظهور کرد. جهان در انتظار ماند تا پنج قرن از جاهلیت بگذرد، نگاه آخرین پیام آسمانی به واسطه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرستاده شد.

این خاصیت انتظار است که تو را وادار می کند تا کمبود ها را حدس بزنی و برای فراهم آوردن آن تلاش نمایی، و تو را به آمادگی و حضوری می رساند که مانع ها را بشناسی و برای زدودن آنها، برنامه بریزی.

۱. مجید، حیدری نیک، «نگاهی دوباره به انتظار»، ص ۲۶.

آن جا که انسان افراد استخوان داری را می بیند که پس از سالها تحصیل چگونه سر درگم هستند و نمی دانند چه کنند و خسته و رنجور و آزرده شده اند، به این نتیجه می رسد که علت انزوا و خستگی این ها نداشتن دوره انتظار است. این ها ندیده آمده اند و طبیعی است که با دیدن مشکلات، سرگردان شوند یا اینکه تجدید نظر دوباره داشته باشند و از اساس، کارشان را درست کنند و بنیادی پیش بیایند.

بررسی اوراق زرین تاریخ از طرفی، ضرورت و اهمیت دوره انتظار را از لابه لای صفحات تاریخ نیز می توان به دست آورد. «عقیده به ظهور مصلح و آمادگی برای انقلاب جهانی، چنان حیاتی و لازم بوده است که پیشوایان دینی انتظار راهبرد مهم این برهه تاریخی دانسته، در دوران غیبت به آن فرمان داده اند.»^۱

« پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و شهادت امیر المومنین علیه السلام و سید الشهداء علیه السلام تا امروز، ریشه تمام حرکت ها و نهضت های شیعی علیه باطل و استثمارگران، همین فلسفه اجتماعی انتظار و عقیده به ادامه مبارزه تا پیروزی حق بوده است. این امر چنان مورد توجه بزرگان دین قرار گرفته تا آنجا که یکی از معیارهای پذیرش اعمال نامیده شده است.»^۲

« از مهمترین رازهای نهفته بقای تشیع همین روح انتظاری است که کالبد هر شیعه را آکنده ساخته، پیوسته او را به کوشش و جنبش و امید و از نومییدی و بی تابی و افسردگی و درماندگی او را باز می دارد. این تاثیر چنان کارساز بوده که اسلام پژوهان غربی نیز از آن گفت و گو کرده اند.»^۳

« هانری کربن » اسلام شناس مشهور فرانسوی می گوید:

« ... مفهوم غیبت، اصل و حقیقت غیبت هرگز در چارچوب درخواست های دنیای امروز در معرض تفکر عمیق قرار نگرفته است ... معنای این امر به عقیده این جانب، چشمه ای بی نهایت و ابدی از معنای حقایق است ... معنویت اسلام تنها با تشیع، امکان حیات و دوام و

۱. لطف الله، صافی گلپایگانی، «منتخب الاثر»، ص ۲۲۳.

۲. ابن ابی زینب، نعمانی، «الغیبه»، مترجم: جواد غفاری، ص ۲۰۰.

۳. مجید، حیدری نیک، «نگاهی دوباره به انتظار»، ص ۲۸.

تقویت دارد و این معنا در برابر هر گونه تحول و تغییری که جوامع اسلامی دستخوش آن باشند پایداری خواهد کرد.

امام زمان، مفهوم اعلایی است که مکمل مفهوم غیبت است، ولی کاملاً به شخصیت امام غایب، مرتبط است.

این جانب، مفهوم امام غایب را با روح غربی خودم به گونه ای نو و بکر، احساس و درک می کنم و چنین به تفکر و دلم الهام می شود که رابطه حقیقی آن را با حیات معنوی بشر وابسته می دانم.^۱

«جیمز دار مستتر» شرق شناس فرانسوس در این باره می گوید:

«در حله که نزدیک بغداد است، همه روزه پس از نماز عصر، صد نفر سوار با شمشیر برهنه می رفتند و از حاکم شهر، اسبی با زین و برگ می ستاندند و ... فریاد می زدند: تو را به خدا، ای صاحب الزمان! تو را به خدا بیرون بیا.»^۲

وی همچنین می گوید: «قومی را که با چنین احساسات پرورش یافته است، می توان کشتار کرد، اما مطیع نمی توان ساخت.»^۳

«ماربین» محقق آلمانی می گوید: «از مسائل اجتماعی بسیار مهمی که سبب امیدواری و رستگاری شیعه است، اعتقاد به وجود حجت عصر و انتظار ظهور است...»

«ای. ب. پتروشفسکی» تاریخ دان و ایران شناس علوم شوروی سابق، در این زمینه می نویسد:

« چشم به راه مهدی بودن در عقاید مردمی که نهضت های قرن سیزدهم را در ایران به پا داشتند، مقام بلندی داشته است، ولی در قرن چهاردهم و پانزدهم میلادی، این عقیده راسخ تر و مشهودتر گشت.»^۴

۱. همان، ص ۲۹.

۲. جیمز، دارمستتر، «مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزدهم هجری»، ترجمه محسن جهانسوز، صص ۷۹ و ۳۹ و ۳۸.

۳. مجید، حیدری نیک، «نگاهی دوباره به انتظار»، ص ۳۰.

۴. ای. ب. پتروشفسکی، «نهضت سربداران خراسان»، ترجمه: کریم کشاورز، ص ۵۰.

بررسی مواضع دشمنان: در اهمیت دوران انتظار همین بس که دشمنان، آن را مانع تسلط خود بر مسلمانان بر شمرده اند: «مشیل فوکو، کلر بریر» در بحث مبارزه با تفکر مهدی باوری، نخست امام حسین علیه السلام سپس امام زمان (عج) را مطرح می کند و دو نکته را عامل پایداری شیعه می داند: نگاه سرخ و نگاه سبز.

در کنفرانس «تل آویو» هم افرادی مانند «برنارد لویس، مایکل ام جی، جنشر، برونبرگ و مارتین کرامر» بر این بحث خیلی تکیه می کنند. آن ها در تحلیل انقلاب اسلامی، به «نگاه سرخ» شیعیان، یعنی عاشورا و «نگاه سبز» شان یعنی انتظار می رسند. جمله مشهوری دارند: «این ها به اسم امام حسین علیه السلام قیام می کنند و به اسم امام زمان (عج) قیامشان را حفظ می کنند.»^۱

دشمن به اهمیت مدیریت شیعه، آن هم زمانی که رهبران غایب و از نظر ها پنهان است، و به همین منظور اقداماتی در این زمینه انجام داده اند و سناریوهای متعددی جهت تضعیف و نابودی این اندیشه مقدس طراحی کرده متناوباً عملی ساخته اند.

دخالت مستقیم و حمایت از پروسه «شخصیت پردازی و مهدی تراشی»، تخریب پایه های فکری «مهدی باوری» از طریق ژست های علمی و به ظاهر شرق شناسی، پرورش و حمایت از سر سپرده های داخلی مانند احمد کسروی، شریعت سنگلجی، سلمان رشدی و اخیراً احمد الکاتب، انتشار تبلیغات مسموم رسانه ای، امپراطوری اهریمنی رسانه های استکباری و بمباران تبلیغاتی توپ خانه های صوتی و تصویری ژورنالیستی نظام سلطه، یکی از قوی ترین ابزارهای کودتای فکری و شست و شوی مغزی توده هاست.

«در واپسین دهه های قرن بیستم، هجومی از این نوع را علیه ایده «ظهور مهدی موعود علیه السلام» شاهد بودیم. در سال ۱۹۸۲ میلادی، سریالی به نام «نوستر آداموس» به مدت سه ماه متوالی از شبکه تلویزیونی آمریکا پخش شد. این فیلم سرگذشت ستاره شناس و پزشک فرانسوی به نام «میشل نوستر آداموس» بود که نزدیک به ۵۰۰ سال پیش می زیسته

۱. سید نامر، هاشم العمیدی، «در انتظار ققنوس»، ترجمه مهدی، علیزاده، ص ۳۱۱.

است. این سریال، پیشگویی های وی را درباره آینده جهان به تصویر کشیده بود که مهمترین آنها پیش گویی وی درباره ظهور نواده پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مکه مکرمه و متحد ساختن مسلمانان و پیروزی بر اروپائیان و ویران کردن شهر های بزرگ سرزمین جدید (آمریکا) بود.^۱

« هدف از این مانور تبلیغاتی، به تصویر کشیدن چهره ای خشن، بی رحم، و ویران گر و گرفتار جنون قدرت از مهدی موعود، تحریک و بسیج عواطف ملل غربی علیه اسلام و منجی موعود آن و در کوتاه مدت، بستر سازی روانی بود. به احتمال قوی با توجه به شواهد موجود، حملات تروریستی. شهر یور هشتاد به شهر های واشنگتن و نیویورک نیز ادامه همان سناریوی از قبل تهیه شده ای است که پرده دیگری از آن به نمایش گذاشته شد تا با جلب عواطف و آرای مردم جهان علیه نهضتها و جنبش های اسلامی بستر مناسبی برای سرکوب مبارزان و آزادی خواهان مسلمان در سراسر جهان فراهم شود.»^۲

امام حسن مجتبی می فرماید:

« لَوْ قَامَ الْمَهْدِيُّ لَأَنكَرَهُ النَّاسُ، لِأَنَّهُ يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ شَابًا وَ هُمْ يَحْسَبُونَهُ شَيْخًا كَبِيرًا. »
 « هنگامی مهدی قیام کند، مردمان به انکار بر می خیزند، زیرا او به صورت جوان باز می گردد، در حالی که آنها او را پیر فرتوت خیال می کنند.»

چند روزی گر شوی ای دل پریشان غم مخور عاقبت باز آید سلطان خوبان غم مخور
 نور چشم عسگری باشد امام عصر ما گر شود چون خور بزیر ابر پنهان غم مخور

۱. همان ص ۳۱۱.

۲. مجید، حیدری نیک، «نگاهی دوباره به انتظار»، ص ۲۹.

فصل سوم: انتظار از منظر اصول اعتقادی

در این انتظار عظیم و شکوهمند، ابعاد استوار مکتب نیز حضور دارد، هم ابعاد عقیدتی و هم ابعاد عملی.

انتظار از منظر اصول اعتقادی:

بعد توحید: یکی از ابعاد مهم انتظار، که پیوسته باید مورد توجه باشد، بعد توحیدی آن است. انتظار، در ماهیت خود، انسان منتظر را متوجه مبداء عالم، و خدای جهان، سرچشمه همه هستها و هستیها می کند. انسان منتظر، همواره، چشم براه فرجی است که به قدرت مطلقه الهی تحقق خواهد یافت. منتظران، چشم به راه «مهدی علیه السلام» هستند. مهدی علیه السلام کیست؟ بنده خدا، و وظیفه خدا و ولی خدا در زمین، که قدرت خدا زنده است، و او مشغول عبادت خدا و گرداندن اوضاع جهان است، و روزی به امر خدا، برای استقرار بخشیدن به دین خدا، و نجات جامعه بشری، ظاهر خواهد شد.

یکی از جامعه شناسان معروف در کتاب خود (تمدن اسلام و غرب) می گوید: «عقیده به توحید، تاج افتخاری است که در میان ادیان بر سر دین اسلام قرار دارد.»

هر چند بر حسب قرآن مجید، همه انبیا دعوت به توحید داشتند و موحد بوده اند، اما این جامعه شناسان، نظر به معتقدات جوامع فعلی بشری دارد که از طریق توحید، منحرف و گرایش به شرک دارند، که اگر دین آنها بر اساس توحید بوده است، در حل حاضر، به واسطه وقوع تحریفات در این ادیان، به شرک گراییده و موحد شمرده نمی شوند و این اسلام است که دعوتش به توحید، خالص و پاک باقی مانده و پیروانش بر این عقیده ساده و استوارند و این فقط مسلمانان هستند که بانگ دلنواز و روح پرور و معراج آفرین توحیدشان در هنگام دان به گوش جهانیان می رسد و این قرآن کتاب آسمانی مسلمانان که اعلام می کند، همه انبیا به توحید دعوت کرده اند، هم چنان که در آیه ۲۶ سوره نحل خداوند متعال می فرماید:

« وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ »

« و به تحقیق در میان هر امتی پیامبری مبعوث کردیم (تا به خلق ابلاغ کند) که خدای یکتا را عبادت کنید و از (اطاعت) طاغوت دوری کنید.»

ملاحظه می شود که توجه در این امر، همواره، به خدای متعال است. و این بعد توحیدی انتظار، و توجه به خدا و طلب فرج از درگاه خدا، از مهمترین اصول این اعتقاد و باور است. منتظران باید، همیشه، متوجه درگاه کبریای الاهی باشند، و روی دل به سوی خدا کنند، و از پیشگاه لایزال، طلب گشایش و فرج نمایند. این تعلیم را پیشوایان یاد کرده اند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

« افضل اعمال امتی، انتظار الفرج من الله - عزوجل. »^۱

« بهترین اعمال امت من، انتظار رسیدن فرج است از نزد خدای عزیز جلیل. »

حضرت علی علیه السلام می فرماید :

« افضل عبادة المؤمن، انتظار فرج الله. »^۲

« بهترین عبادات مؤمن، چشم به راه فرج خدایی داشتن است. »

۱. محمد باقر مجلسی، « بحارالانوار »، مترجم: علی دوانی، ج ۵۲، ص ۱۲۸ و ۱۳۱.

۲. همان، ص ۱۳۱.

بعد نبوت: بعد دیگر انتظار، توجه به پیامبران و مکتب پیامبران، و تجدید عهد با آنان است، و همچنین توجه به مقام هدایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. منتظران، چشم براه کسی دوست هستند که در او صفات و آثار پیامبران گرد آمده است، و هنگامی که ظاهر گردد، آن آثار در او دیده خواهد شد. هر کس دوست دارد آدم، و شیث، و نوح، و ابراهیم، و موسی، و عیسی، و داوود، و سلیمان، و یوسف و... و محمد صلی الله علیه و آله را ببیند، می تواند آنان را در «مهدی علیه السلام» ببیند. او می آید تا آرمان پیامبران را تحقق بخشد، و تا دین خدایی را بگستراند، و ندای توحید را به همه سوی ببرد. مهدی علیه السلام، از اهل بیت پیامبر است. او فرزند علی علیه السلام و حسین علیه السلام است. او دوازدهمین وصی و جانشین پیامبر است. چون ظاهر گردد. پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله را در دست گیرد، و به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله عمل کند. نخستین اصحاب او ۳۱۳ تن خواهند بود، به شماره اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله، در جنگ «بدر». پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، از آمدن او خبر داده، و درباره او بسیار سخن گفته است. چون او آشکار گردد، دین جدش پیامبر صلی الله علیه و آله را رواج دهد و حاکم سازد... ملاحظه می شود که اینها همه، توجه دادن به اصل نبوت، و تاکید بر مقام پیامبر صلی الله علیه و آله اکرم است. و همه یادکردن اعتقادی و مکتبی پیامبری و پیامبران است. در احادیث نیز، به این مسائل اشاره شده است، و به طور دقیق، رابطه مسئله مهدی و غیبت و انتظار، و رابطه ایمانی منتظران مهدی با نبوت و پیامبری، ذکر گشته است، از جمله، در این سخن امام جعفر صادق علیه السلام: «هر کس از شما، در حال انتظار ظهور حاکمیت دین خدا درگذرد، مانند کسی است که در خدمت قائم باشد، و در خیمه او... نه بلکه مانند کسی است که در رکاب قائم بچنگد، نه به خدا سوگند، بلکه مانند کسی است که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله شهید شده باشد.»^۱

این تعالیم همه، توجه دادن به اصل مهم نبوت است، و یاد آن و تاکید بر آن.

بعد قرآن: امر مهم دیگری که هر منتظری باید متوجه آن باشد، کتاب خدا و قرآن کریم است. حضرت مهدی (عج)، زنده کننده همه احکام قرآن است. انسان منتظر، همواره، این

آرمان را در دل زنده می دارد، که روزی با ظهور جهانگیر مهدی آل محمد علیهم السلام و آخرین خلیفه آورنده قرآن، احکام قرآن جاری شود، و قرآن در سراسر جهان حاکمیت باید، و کتاب آسمانی، برنامه زندگی انسان زمینی گردد - چنانکه این موضوع، در احادیث بسیار آمده است. بدین گونه، توجه به قرآن کریم و نورانیت و هدایت قرآن نیز، جزء مسائل عمده انتظار است.

بعد امامت: این بعد نیز در انتظار بخوبی روشن است. حضرت مهدی علیه السلام، وصی صدیقین، و خاتم ائمه طاهرین است. امام پیشین، یکایک او را یاد کرده اند. او فرزند آنان، و یادگار ایشان، و ادامه دهنده راه آنان است. حضرت مهدی علیه السلام، مظهر قائم جاری امامت است، و قطب نمای حرکت در اقیانوس بزرگ هستی، مشعل راه حیات و تکلیف.

وجود حضرت مهدی علیه السلام، انتظار ظهور او، بزرگترین تاکید است بر اصل اعتقادی امامت و رهبری. این امر در قرآن نیز یاد شده است، و ادامه آن، در «سوره قدر» مطرح گشته است. در احادیث نیز تاکید شده است بر شناخت امام و خط امامت، در دوران غیبت. امام صادق علیه السلام می فرماید: «امام خود را بشناس! اگر امام را شناختی، چه ظهور، زودتر اتفاق افتد یا دیرتر، به تو زیانی نمی رساند»^۱

همچنین در روایات و تعالیم ائمه طاهرین علیهم السلام تاکید شده است بر اینکه در عصر غیبت، راه امامان را بیمایید، از تعالیم و احکام آنان پیروی کنید، به تولای آنان (قرار گرفتن در خط آنان و دوستان و پیران آنان) چنگ در زنید، و از دشمنان و مخالفان آنان و قرار گرفتن در خط مخالفان تبرا جوئید، و کناره بگیرید.

بعد عدل: بعد عدل و دادگری، و توجه به آن نیز در مسئله انتظار، بسیار روشن است. انتظار حضرت مهدی علیه السلام انتظار ظهور عدل است، عدل جهانی، عدل آفاقی و انفسی. حضرت

۱. ابن ابی زینب، نعمانی، «الغیبه» مترجم: جواد غفاری، ص ۲۱۱؛ محمد باقر مجلسی «بحار الانوار»، مترجم: علی دوانی ج ۵۲، ص ۱۴۱.

مهدی علیه السلام مظهر اسماء الاهی است، از جمله این دو اسم مبارک: «یا عدلُ یا حکیم.» حضرت مهدی علیه السلام تجسم اعلاّی حق، و تحقق والای عدل است.

اوست که جهان آکنده از بیداد را آکنده از داد می سازد، و عدل خدایی را در همه جا و همه سوی سرایت می دهد. و او مظهر دادگری فراگیر است. تداعی موضوع عدل و عدالت است و جهانگیر شدن آن، از انتظار، جزء بدیهیات است. انتظار، یعنی چشم به راه امامی داشتن که چون بیاید جهان را از عدل و داد مملو سازد. از آن پس که از ظلم و جور مملو شده باشد.

بعد معاد: معاد، بازگشت انسان به نزد خدا، ورود به جهان پایدار، و شروع زندگی اصلی است. مرگ دروازه این راه است. انسان از هنگام احتضار (- یعنی حاضر شدن مرگ و رسیدن مقدمات مرگ)، در جریان حیات بعدی خویش قرار می گیرد، و عالم دیگر او آغاز می گردد. انسان با مرگ، هست می شود، از هستی مخلوط و ناقص و ناپایدار، به هستی خالص و کامل و پایدار منتقل می - گردد از قطار سریع السیر زندگی در این جهان، به ایستگاه رسیدگی به کارنامه دوران سفر یا می نهد، و سپس وارد شهر زندگی همیشگی می شود. دوران حیات انسان، یک کلاس است و یک امتحان، مرگ اعلام ختم جلسه امتحان است. رستاخیز، روز نمره خوانی است و اعلام نتیجه ... به هر حال، در امر انتظار، اصل اعتقادی بسیار مهم «معاد»، و بازگشت مسئولانه به نزد خداوند، همواره حضور دارد. این حضور در سه جهت نمودار است: جهت اول: «اینکه مهدی علیه السلام به هنگام ظهور، ستمگران را کیفر می دهد، و ظالمان را به سزای اعمال خود می رساند، و مؤمنان را عزیز می دارد، و رحمت الاهی را به سزواران می چشاند. و این خود نمونه ای است از چگونگی معاد و رستاخیز.»^۱

۱. محمد رضا، حکیمی، «خورشید مغرب» ص ۳۳۳.

جهت دوم: اینکه به هنگام ظهور مهدی علیه السلام گروهی از پاکان و پلیدان به جهان باز می گردند، و به تعبیر قرآن کریم: «از هر امتی، دسته ای را باز می گردانیم» (—ویوم نحشر من کل امه فوجا).^۱

و این خود قیامت صغری است، و نشانه ای است بر قیامت کبری.

جهت سوم: «اینکه ظهور حضرت مهدی علیه السلام، از «اشراف ساعت» است، یعنی، علائم قیامت یکی از علائم و نشانه های حتمی قیام قیامت و فرا رسیدن رستاخیز ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. حضرت مهدی علیه السلام پیش از قیامت می آید، و تا او نیاید و حکومت عدل را در جهان بر پا ندارد، عمر جهان به سر نمی رسد، و قیامت بر پا نمی گردد»
بدین سان می بینیم که مسئله انتظار موعود، روابطی بسیار عمیق با اصل اعتقادی معاد دارد و «انتظار» شاخص منور ابعاد عقاید حقه است.

انتظار از منظر علم:

بعد دینداری: از ویژگیهای انسان منتظر، دینداری است و دیانت پیشگی. جز این نمی توان تصور کرد. انسان، در دوران غیبت، باید با مواظبت بیشتر به امر دین خود، و دینداری و صحت اعمال خود پردازد، و از هر گونه سستی، انحراف و فتور دوری گزیند. و اگر ابتلائی یافت، به زودی باز گردد و در خط صحیح قرار گیرد، و به امام توجه و توسل جوید.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«برای صاحب الامر غیبتی طولانی است. در این دوران هرکسی باید تقوی پیشه سازد، و چنگ در دین خود زند.»^۲

۱. سوره نمل / ۸۳.

۲. محمد باقر مجلسی، «بحار الانوار»، مترجم: علی دوانی، ج ۵۲، ص ۱۲۶.

بعد پارسایی: انسان منتظر حکومت علی وار حضرت مهدی موعود^ع، علاوه بر تدین و تقوی، باید پارسا باشد، و خود را چنان که آن پیشوا دوست دارد، بسازد و بدارد، و به او و یاران او شباهت به هم رساند، تا - به لطف خدا - در شمار آنان به حساب آید.

امام محمد باقر^ع می فرماید:

« تقوی پیشه سازید، و بار سنگین انتظار را، به کمک ورع و پارسایی به منزل رسانید، و با کوشش بسیار در عبادت و اطاعت خدا.»^۱

بعد تقید مکتبی: یکی از ابعاد مهم، در فلسفه عالی تشیع، تقید دقیق به مکتب و خط مکتب است. در صخره استوار اعتقادات شیعی، صخره خون - بنیاد صلابت شعار، هیچ خراشی و رگه ای غیر اصیل پذیرفته نیست.

تولی و تبری همین است. متابعت عاشقانه از حق و رهبر حق، و مخالفت خصمانه با ناحق و رهبر ناحق. این تقید مکتبی، و صلابت اعتقادی، و حماسه داری دینی، و سازش ناشناسی خطی، از ویژگیهای رهروان راه سرخ تشیع پایدار علوی است

«و مالی الا آل احمد شیعه»

و مالی الا مشعب الحق مشعب.»^۲

من پیرو آل محمدم، نه کسی دیگر، و راهسپر راه بر حق حقم، نه راهی دیگر ... این است شعار شیعه، در طول تاریخ، در میدانها، در تبعیدها و زندانها، در خونها و حماسه ها، در فریادها و خروشها.. و چنین خواهد بود، تا آن هنگام، که این فریاد، در جام زرین خورشید بریزد، و جهانگیر گردد...

انسانیت، و رعایت ارزش انسان، تنها و تنها در تعالیم علی^ع و آل علی جلوه گر است، و انسان آنگاه از این تعالیم، فدایی این راه است، و دشمن هر راه دیگر. و انسان منتظر مهدی آل محمد^ع چنین است، در خط آنان است و خصم هر راه و خط دیگر.

۱. ابن ابی زینب، نعمانی، «الغیبه» مترجم: جواد غفاری، ص ۲۲۰؛ محمد باقر مجلسی «بهار الانوار»، مترجم: علی دوانی ج ۵۲، ص ۱۴۰.

۲. کمیت بن زید، اسدی، از ابیات قصیده بانیه «هاشمیات» درگذشته سال ۱۲۶ هـ ق.

این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید :

«خوشا به حال منتظرانی که به حضور «قائم» برسند، آنان که پیش از قیام او نیز پیرواوند، با دوست او عاشقانه دوستند و موافق، و با دشمن او خصمانه دشمنند و مخالف»^۱

بعد امر به معروف و نهی از منکر: یکی از تکالیف عمده دینی، امر به معروف و نهی از منکر است. با این دو عمل احکام و فرایض الاهی برقرار می ماند، و جامعه دینی از انحراف می رهد. رضا و خشنودی حضرت مهدی (عج)، در آن است که «معروف» عملی شود، و «منکر» ترک گردد. پس، انسان منتظر، نباید نسبت به این مسئله مهم بی تفاوت باشد. بزرگترین امر کننده به معروف، و نهی کننده از منکر، در روزگار ظهور، خود حضرت مهدی (عج) است. پس چگونه ممکن است که جامعه منتظر، خشنودی حضرت مهدی (عج) را نخواهد، و در این بعد به حضرت مهدی (عج) اقتدا کنند، طبق فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حال آن کسان خوش است که در غیاب مهدی (عج) نیز به او اقتدا نکند و شاخص مهم این اقتدا، امر به معروف و نهی از منکر، و خروش داری برای اقامه احکام خدایی است. این امر باید مشخصه عمده انتظار باشد، و سیمای آشکار جامعه منتظر...

بعد اخلاقی اسلامی: این بعد، باید در جامعه منتظر حضور محسوس داشته باشد. جامعه منتظر، باید جامعه ای اسلامی باشد. و بزرگترین وجه تمایز جامعه اسلامی، از دیگر جامعه ها، همان اخلاق نورانی اسلام است. انسان منتظر باید دارای اخلاقی اسلامی باشد، و جامعه منتظر باید مظهر اخلاق اسلامی باشد.

امام جعفر صادق علیه السلام در حدیثی می فرماید: «گوارا باد بر شما، ای گروهی که رحمت خدا شامل حال شماست!»^۲

تاکید شده است اینکه شیعه باید «زین» امامان خود باشد نه «شین» آنان، رعایت آن، در عصر انتظار، به صورتی موکد تر لازم است. شیعه باید با انسانیت، و اخلاق محمدی، و

۱. شیخ طوسی، «الغیبه»، ص ۱۱۵: محمد باقر مجلسی، «بحارالانوار»، مترجم: علی دوانی، ج ۵۲، ص ۱۳۰.
۲. همان ف ص ۱۳۱.

صفات علوی، و فضائل جعفری، همواره، مایه زینت و آبروی ائمه طاهرين باشد، نه مایه ننگ آنان. و رعایت این امر، در دوران غیبت امام - به احترام امام واجب تر است. بعد آمادگی نظامی: امر بسیار مهم، و بسیار مغفول، امر آمادگی نظامی، در عصر انتظار، است. انسان منتظر یک قیام بزرگ، و یک انقلاب خونین، و یک درگیری عظیم جهانی، آیا ممکن است که خود هیچ گونه آمادگی برای حضور در این درگیری و کمک به آن نداشته باشد؟

در اینجا تعلیم و دستوری است درخشان، از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام. امام در این تعلیم، حوزه منتظران را فرا می خواند تا همواره نیرومند و مسلح باشند، و دوره انتظار دولت مهدی علیه السلام را، با دست پر، به سر آورند:

« لیعدن احدکم لخروج القائم، ولوسهما. فان الله اذا علم ذلک من نیته، رجوت لان ینسی فی عمره حتی یدرکه، ویکون من اعوانه و انصاره.»^۱

هریک از شما برای خروج قائم علیه السلام اسحله تهیه کنید، اگر چه یک نیزه. چون وقتی خداوند ببیند کسی است به نیت یاری مهدی علیه السلام اسحله تهیه کرده است، امید است عمر او را دراز کند تا ظهور را درک نماید و از یاران مهدی باشد، { - یا برای این آمادگی، به ثواب درک ظهور برسد. }

و در گذشته، شیعیان به این امر توجه بیشتر داشته اند، تا جایی که برخی اسحله نیز در خانه نگاه می داشته اند، و اینچنین آماده شرکت در استقرار عدل بزرگ بوده اند. انسانهایی در طول قرون و اعصار، در مدت عمر، اسحله داشته باشند، که به هنگام ظهور منجی انسانیت، و گسترنده اصول عدالت، و در هم کوبنده جباران، و خوار سازنده مستبکران، به او پیوندند، و برای نجات بشریت مظلوم و محروم به پاخیزند. این چه زلال جاری، و چه عصمت پاک، و چه باور تابناکی است؟ آفرین بر این اعتقاد و آمادگی...

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

۱. محمد باقر مجلسی، «بهار الانوار» مترجم علی دوانی، ج ۵۲، ص ۳۶۶.

« الْمَهْدِيُّ يَقْفُو أَثْرِي، لَا يُخْطِيءُ. »

مهدي (عج) روش ما را دنبال مي کند و هرگز از روش من بيرون نمي رود.»

ای طیب صفا بخش دل ها	ای تسلی ده قلب زهرا بیا
در فراق تو ای قائم، ای حجتا	دیده گریان شد و دل پر از غم بیا

فصل چهارم: مبادرت و مباحثی ابطار

انتظار مورد بحث ما، با انتظاری که یک اصل مسلم، در میان همه مدعیان نبوت مطرح است (فوتوریسم)^۱ فرق می کند. همه آنان، در انتظار یک وجود فرا بشری اند که در آخرالزمان ظهور کرده، نظم و عدالت را به جهان باز خواهد گرداند؛ حتی هندی ها را اقوامی که هیچ وابستگی به امر قدسی ندارند، منتظر کی تحول جدید هستند. اما در حقیقت انتظار در اندیشه و فرهنگ شیعه، به نیاز و اضطرار ما به موعود؛ کسی که همه دین را در دل خودش دارد، تعبیر می شود. باید نسل معاصر خود را با این حقیقت آشنا کنیم که ما نیازمند طلایه داری هستیم که با وحی پیوند دارد؛ مخصوصاً در این زمان که انسان به قدرتهای خودش نزدیک شده، بن بست ها و شکست ها را هنوز حس نکرده است، او دوری راه و سختی آن را هنوز باور نکرده است و فکر می کند که تجربه و علم و عقل و عرفانش بس است.

۱. فوتوریسم (fotorism) یعنی، اعتقاد، به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی و مصلح جهانی.

این نگاه ها هم در اصل دین، هم در مبلغ و حامل آن رسول خدا ﷺ هم حافظ دین (ولی معصوم علیه السلام) تلقی ما از انتظار را به اضطرار و احتیاج به مهدی موعود علیه السلام پیوند می زند و در نتیجه مبادی دیگری برای انتظار باید رقم زد.

۱. توطئه‌ها:

بشر بحران زده این عصر، به جهت تشنگی فراوان روحی برای دستیابی به پایگاهی استوار و جاوید، هر روز به سویی سر می کشد؛ لیکن چون به سرچشمه حیات دست نمی یابند، به مرداب و باتلاقها می رسد که نه تنها تشنگی او را دفع نمی کند، بلکه بر بیماری های روحی و جسمی او می افزاید.

اندیشه «مصلح جویی» را نتیجه اضطرار و خستگی از اوضاع مسلط بر جهان می توان دانست که متفکران تهی از معنویت را، به سمت ارائه نظریه ها یا اندیشه های نوین، برای دگرگون کردن این اوضاع فاسد کشانده است.

این بحرانها و بن بست ها، توده مردم را به ستوه آورده است، چنان که بارها، با فریاد اعتراض خود^۱، راه گریز وضعیت فعلی را انتظار می کشند. بنابراین «انتظار» در بحران ها، ظلم و ستم ها، جهل و نادانی ها و فریب و رنج و فقر می تواند ریشه باشد.

این بحران ها یکی از اساسی ترین ریشه های «انتظار» در توده مردم است. سوگمندان باید گفت که پیشرفت علوم طبیعی در جهان کنونی، نه تنها سبب انحطاط اخلاق و تحقیر انسانیت در جوامع بشری شده است؛ بلکه اصل حیات و بقای نسل بشر را در روی کره زمین به خطر افکنده است. از طرف دیگر، درهای امید برای نجات از وضع کنونی بسته شده است و سازمانهایی که بدین منظور پدید آمده اند، کارآیی لازم را ندارند و ابزار دولت های بزرگ

۱. مجله نیوزویک News Week، ۲۳ اگوست ۱۹۹۹ در یک گزارش ویژه، جمله بسیار مهمی دارد؟ What must be done (چه باید کرد)؟ انسان به بحران رسیده و انسانی که به بحران برسد، ناخود آگاه چشمش به آسمان و آینده است. «ماهنامه موعود» شماره ۲۵

شده اند. تنها روزنه امید برای خروج از این نابسامانی ها، یک انقلاب همه جانبه و ظهور «مصلح و منجی» جهانی است.

۲. معنویت بشر و جهان غرب :

ساختار وجودی انسان، به شکلی است که اگر تمامی لذت های دنیا را هم به او بدهند و به تمامی آرزوهای مادی خود برسد، آرام نمی گیرد و وجود او پر نمی شود. زیرا دل آدمی بزرگتر از رحم دنیا است و با این امور محدود لبریز نمی شود.

داستان بن بست و کمبود معنویت انسان قرن بیستم و یکم نیز بیانگر همین حقیقت است. بسیاری از دانشمندان غربی اعتراف می کنند که امروز دنیا به خستگی رسیده است... یکی از ویژگیهای لذت جسمی، این است پس از مدتی به خستگی می رسد. در آمریکا اعلام شد: «می خواهیم تظاهرات کنیم برای اینکه خدا برگردد»^۱ این ویژگی انسان، او را با عالم دیگر پیوند می دهد و ایمان به غیت و گرایش به ماورای حسیات را برای او به ارمغان می آورد. انسان وقتی ارزش وجودی خود را دریافت یا احتمال داد که دنیاها گسترده تری وجود دارد؛ احساس تنگنا می کند. با این شناخت است که دنیا زندان مومن می شود.

چنان که امیر مومنان علی علیه السلام در خطبه متقین به این نکته اشاره فرموده است
« لولا الاجل الذی کتب الله علیهم لم تستقروا رواحهم فی اجسادهم الخ^۲؛ آنان با سرپوش اجل در دنیا نگه داشته شده اند.»

آب درون ظرف وقتی حرارت می بیند و ناخالصی هایش جدا می شود، سبک شده، بخار می گردد. اگر در پوش ظرف نباشد، پرواز می کند. آدمی نیز این چنین به پرواز در می آید و این بزرگی روح به جهت ایمانی است که او را با عالم دیگر پیوند داده است.

۱. مجید، حیدری، «نگاهی دوباره به انتظار»، ص ۵۰.

۲. سید شریف، رضی، «نهج البلاغه»، مترجم: مرحوم دشتی، خطبه ۱۹۳.

«دنیا برای او تنگ است، اما برای کافر بزرگ و بهشت است. چون چیز دیگری نمی خواهد؛
«لیکن برای مؤمن زندان است. چون به وسعت رسیده، دنیا پیش او جز متاعی اندک چیزی
دیگری نیست.»^۱

انسان، همواره کنجکاو و پرسش گر است و این خصوصیات فطری و ذاتی اوست. کودکان از
بس می پرسند، اطرافیان را خسته می کنند؛ در حالی که پرسیدن را کسی به آنان یاد نمی
دهد. این ویژگی در دورن آدمی؛ او می خواهد به عوالم دیگر راه پیدا کند. پیشرفت های
علمی و فضایی قرن حاضر، به جهت همین حس کنجکاوی و ویژگی پرسش گری انسان
است.

گویا آدمی مدام به دیوار می کوبد از آن طرف دیوار با خبر شود و از حصار دنیا رهایی یابد.
« در اندرون من خسته دل ندانم چیست

که من خموشم و او در فغان و در غوغاست»^۲

وقتی نگاه انسان به دنیا، تغییرکرد و دنیاهای آینده را با تمام وجود طلبید؛ به دنبال شخصی
می گردد که او را به آن سامان، ره نماید. او منتظر و نیازمند وجودی است که وی را با خود،
به بلندای روح انسانیت ببرد. این انسان، به رغم برخورداری از رفاه، عدل ظاهری و ... باز
منتظر است؛ چون دو عنصر او را در التهاب و بیقراری نگه می دارد: ترکیب وجودی انسان؛
جهان متحول و چهار فصل. رشد سریع اسلام در اروپا و سایر کشورهای غربی، با
برخوداری از امکانات مدرن، از همین ویژگی خبر می دهد. احساس غربت ناشی از زندگی
صنعتی، در مقابل معنویت و صمیمیت دین، سبب شده تا انسان مجهز به تکنیک و فن آوری،
با مذهب پیوند بخورد. زیرا علم و دانش هرچند بسیاری از سئوالات انسان را پاسخگوست
و قدرت و صنعت هم امکانات و رفاه را برای آدمی به ارمغان می آورد، اما انسان با این
امکانات زودتر به بن بست می رسد. وی قبل از رسیدن به این امکانات، خیال می کرد با آن

۱. شیخ صدوق، «من لایحضره الفقیه» ج ۴، ص ۳۶۳.

۲. خواجه شمس الدین محمد، حافظ شیرازی، «دیوان حافظ»، ص ۳۹۷.

ها به آرامش می رسد و با این آرزو تا مدتی دلخوش بود؛ اما با دست یافتن به رفاه، در واقع به آخر خط رسیده اس. چون احساس غربت و تنها او بیشتر شده، فریاد اعتراض انسان معاصر بلندتر از دیروز به گوش می رسد.

اوزن یونسکو، نویسنده ای که با نوشتن نمایشنامه های پوچی مثل کرگدن و آوازه خوان طاس شهرت یافت، در آخرین مصاحبه اش می گوید: «... حقیقت این است که ادبیات دیگر چیز مهمی به من نمی گوید... من یک عمر به نوشتن نمایشنامه، پشت نمایشنامه ادامه دادم. چون کار دیگری نمی توانستم بکنم؛ اما همیشه حسرت این را داشتم که کاش توانسته بودم کار دیگری بکنم... کاش استعدادش را داشتم که راهب بشوم... تنها یک امید باقی می ماند، روز رستاخیز.»^۱

ناتانیل براندون درباره همین پوچی و کمبود معنوی می نویسد. او نخست مردی را وصف می کند که جذاب، چهل ساله، با حرارت و پر انرژی، شیک، خوشگذاران و متجدد است. از مسافرت ها و عیاشی هایش تعریف می کند، اما ناگهان با همه توصیف ها، در خواست گفت و گویی خصوصی و صمیمانه را می کند و می گوید: ناتانیل! من می خواهم هر طور هست، با تو مطلبی را در میان بگذارم. می خواهم یک روز نهار را با هم بخوریم. تا پیش تو در دل کنم. من این کمبود درونی خود را نمی توانم تحمل کنم. سپس دستش را روی سینه گذاشت و گفت: «این دورن، از همه چیز تهی است، هیچ چیز در این سینه نیست، نه احساس و نه هیچ چیز دیگری، زبانم از گفتن قاصر است. بیان کردنی نیست، نمی دانم چگونه آن را شرح دهم»^۲

۳. عجز و ناتوانی سیاست های غرب:

آدمی از گذشته تا کنون، همواره در فکر اصلاح جوامع بشری بوده، راههای بسیاری را برای رسیدن به آن پیش نهاده است؛ اما آن چه نصیب وی شده، کابوس وحشتناک یأس و نا

۱. عزیز الله، حیدری، «انتظار انسان معاصر»، ص ۱۰۰.

۲. عزیز الله، حیدری نیک، «نگاهی درباره به انتظار»، ص ۵۵.

امیدی است. افلاطون، جامعه ایده آلی را طراحی کرد که در آن، نه از ستم اثری است، نه از فقر و بدبختی، غایت نظام اسلامی او، پیدایش مدینه فاضله است.

«توماس کامپلانلا طرح شهر آفتاب و کشور خورشید؛ ویکتور هوگو اندیشه جمهوری جهانی، آگوست کنت ایجاد جامعه ای تئوکراتیکی را که در آن هیئتی از عقلا حکومت می کنند، پیشنهاد کرده اند. تامس مورنیز «بهشتی» را ترسیم کرده که برای رسیدن به همان جهانی است که همه مردم آن، در سایه قانون و عدالت، یکسان زندگی می کنند.»^۱

آلوین تافلر، مشاور سیاستمداران آمریکا برای حل این بحران و اصلاح جامعه جهانی، نظریه «موج سوم»^۲ را طرح کرده است؛ ولی در عین حال اعترافات شگفت آوری در این زمینه دارد: «فهرست مشکلاتی که جامعه ما «غرب» با آن روبروس. تمامی ندارد با دیدن فروپاشی پیایی نهادهای تمدن صنعتی در حال نزاع به درون غرقاب بی کفایتی و فساد؛ بوی انحطاط اخلاقی آن نیز مشام را می آزارد. در نتیجه موج ناخشنودی و فشار برای تغییرات، فضا را انباشته است.

در پاسخ به این فشارها، هزاران طرح ارائه می شود که همگی ادعا دارند بنیادی، حتی انقلابی اند؛ ما بارها و بارها، مقررات و قوانین، طرح ها و دستورالعمل های جدید همگی به منظور حل مشکلات تهیه شده اند - کمانه می کنند و بر وخامت مشکلات می افزایند و این احساس عجز و یاس را دامن می زنند که هیچ فایده ای ندارد و موثر نیست.

این احساس برای هر نظام دموکراسی خطرناک است و نیازمند شدید به وجود مرد سوار بر اسب سفید ضرب المثل ها را هرچه بیشتر دامن می زند»^۳

۱. صادق، داوری دولت آبادی، «موج انتظار»، مترجم: بحر العلوم، صص ۱۴۳ و ۱۴۱.

۲. ایشان معتقد است تا به حال دو انقلاب کشاورزی و صنعتی تحول عظیمی در جهان پدید آورده است و موج سوم، انقلاب الکترونیکی و فرا صنعتی، در راه است.

۳. آلوین، تافلر، «به سوی تمدن جدید»، ترجمه محمد رضا جعفری، ص ۶۰.

«بنابراین، عامل سوم انتظار، نارسائی و ناتوانی در کسانی است که ادعای اصلاح دارند؛ اما در زمینه شناخت آدمی و مشکلات او ناتوان اند و در اندیشه های خود، به یک نژاد برتر معتقدند و ملت های دیگر را فراموش می کنند.

وقتی انسان، این مدعیان ناتوان را می بیند و عجز و محدودیت آنان را حس می کند، تجربه جدیدی از انتظار می یابد. گویا این عبارات جان تازه ای می گیرد: وقتی مهدی فاطمه علیها السلام ظهور کند، زمین از عدل و داد پر می شود، همان گونه از ظلم و جور پر شده بود»

۴. راه گشایی در حضور:

«روی بنما و وجود خودم از یاد ببر خرمین سوختگان را همه گو باد ببر»
عامل چهارم انتظار «ملاقات ها و هدایت های او در برهه های مختلف زمان، متبلور است. او همچون فرشته ای مهربان و راهنمایی دلسوز افرادی را انتخاب و از جام ملاقات، سر شار می سازد. مشکلات و گرفتاریهای عده ای نیز با توسل به آن حضرت به شکل معجزه آسایی حل می شود. این گونه برخوردها بدین جهت است که در عصر حاکمیت غفلت و بی خبری، ریشه های انتظار تقویت شود.

اصولاً این سنت الهی است که در متن سرگرمی ها و لهو و لعب ها، آهنگ بیداری و نوای هدایت نواخته می شود؛ مثلاً در زمان انکار قیامت «عزیز» پیامبر صد سال به خواب می رود و دوباره بیدار می شود یا داستان اصحاب کهف رخ می دهد تا به رگ های بی رمق جامعه آن روز روح تازه ای دمیده شود و انسان ها، از نعمت هدایت بهرمنند شوند.

امروز نیز دعوت ها و هدایت های بیشماری از سوی ولی عصر (عج) با همین انگیزه صورت می گیرد؛ حتی گرفتاریها و بلاها نیز به طور مستقیم یا غیر مستقیم «در توییعی که برای شیخ مفید صادر شده، آمده است که ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی نکرده، شما را از یاد نبرده ایم، و گرنه دشواریها و مصیبت ها بر شما فرود می آمد و دشمنان بر شما چیره می شدند. «یا به وسیله دعای آن حضرت برطرف می شود.»

اصولاً بهره بردن از آن حضرت در دوره انتظار، دلیل دیگری بر حضور صاحب عصر و تقویت ریشه های انتظار است؛ «الانتفاع بی فی غیبتی فکا لانتفاع بالشمس اذا غیبتها عن

اصولاً آینده شناسی، در پرتو پیش بینی های دینی روشن می شود. این تجربه مکرر آدمی است. در طول تاریخ، پیامبران الهی پیش گویی هایی داشته اند که همه به حقیقت پیوسته است. «این پیشگوییها بود که سلمان های تاریخ را به انتظاری پویا و حرکت آفرین کشاند؛ چنانکه وی را از خانه و خواب و راحت و آسایش جدا ساخت و سرانجام به آغوش حقیقت و به نقطه اوج رشد و آگاهی رساند.» این سنت تغییر ناپذیر الهی است که با بشارتهایش، همیشه انسان ها را از رکود، یاس و ناامیدی در آورده، به حرکت، تلاش و امیدواری سوق می دهد. وعده تحقق حکومت حق در این دوران بشارت داده شده، در این زمینه آیات بیشماری نازل شده است. این آینده شناسی، انتظار را به ارمغان می آورد و به همین دلیل در قرآن آمده است: «فانتظروا انی معکم من المنتظرین»

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید:

«يَكُونُ تِسْعَةُ أُمَّةٍ بَعْدَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، تَسْعُهُمْ قَائِمُهُمْ.»

«بعد از حسین بن علی علیه السلام نه امام خواهد بود که نهمی آن ها قائم آنهاست.»

عاشق سر گشته ایم، آرام جان گم کرده ایم بلبل گل زار حسینیم، آشیان گم کرده ایم
بر دل ما داغ هجران، بر رخ ما اشک گرم خسته در صحرای حیرت، سامان گم کرده ایم

فصل پنجم: نقش آفرینی فوائد ابطار

آثار و فوائد سازنده انتظار:

آیا ایمان به چنین ظهوری انسان را در افکار رویایی فرو می برد که از وضع موجود غافل می گردد، و تسلیم هر گونه شرایطی می کند؟ و یا این که به راستی این عقیده یک نوع دعوت به قیام و سازندگی فرد و اجتماع است؟

آیا ایجاد تحرک می کند یا رکود؟

آیا مسئولیت آفرین است یا مایه فرار از زیر بار مسئولیتها؟

و بالاخره آیا مخدر است یا بیدار کننده؟

قبل از توضیح و بررسی این سئوالات توجه به یک نکته ضروری است و آن اینکه سازنده ترین دستورات و عالیترین مفاهیم هر گاه به دست افراد نا وارد، یا نالایق، یا سوء استفاده چی بیفتد ممکن است آن را چنان مسخ کنند که درست نتیجه ای برخلاف هدف اصلی بدهد و در مسیر بر ضد آن حرکت کند؛ و این نمونه های بسیار دارد و مساله انتظار نیز در ردیف همین مسائل است.

« به هر حال، برای رهایی از هر گونه اشتباه در محاسبه، در این گونه مباحث، باید به اصطلاح آب از راه سرچشمه گرفت تا آلودگیهای احتمالی نهرها و کانالهای میان راه در آن اثر نگذارد.»

به همین دلیل، در بحث انتظار مستقیماً به سراغ متون اصلی اسلامی رفته و روایاتی را که روی مسئله «انتظار» تاکید می کند مورد بررسی قرار می دهیم تا از هدف اصلی آگاه شویم. کسی که از امام صادق علیه السلام پرسید چه می گوید درباره کسی که دارای ولایت امامان است؛ و انتظار ظهور حکومت حق را می کشد و در این حال از دنیا می رود؟

امام علیه السلام در پاسخ فرمود: «او همانند کسی است که با رهبر این انقلاب در خیمه او (ستاد ارتش او) بوده باشد - سپس کمی سکوت کرد - و فرمود مانند کسی است که با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و (در مبارزاتش) همراه بوده است». این مضمون در روایات زیادی با تعبیرات مختلفی نقل شده است؛ در بعضی: همانند شمشیر در راه خدا. و در بعضی دیگر؛ در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله با شمشیر بر مغز دشمن بکوبد. در بعضی دیگر؛ همانند کسی است که زیر پرچم قائم بوده باشد. و در بعضی دیگر؛ همانند کسی است که پیش روی پیامبر صلی الله علیه و آله جهاد کند. و در بعضی دیگر؛ همانند کسی است که با پیامبر شهید شود.

این تشبیهات که در مورد انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام در این روایات وارد شده بسیار پر معنی و روشنگر این واقعیت است که یک نوع رابطه و تشابه در میان مساله «انتظار» و «جهاد» و مبارزه با دشمن، در آخرین شکل خود، وجود دارد. در روایات متعددی نیز انتظار چنین حکومتی را داشتن، به عنوان بالاترین عبادت معرفی شده است. این تعبیرات همگی حاکی از این است که انتظار چنان انقلابی همیشه توأم با یک جهاد وسیع دامنه دار است.

«و اگر اعتقاد و انتظار حکومت جهانی مهدی علیه السلام به صورت ریشه دار حلول کند، سرچشمه دو رشته اعمال دامنه دار خواهد شد. این دو رشته عبارتند از: ترک هر گونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد، و حتی مبارزه و درگیری با آنها از یک سو؛ و خودسازی و خودیاری و جلب آمادگیهای جسمی و روحی و مادی و معنوی برای شکل گرفتن آن

حکومت واحد جهانی و مردمی، از سوی دیگر می بینیم که هر دو قسمت آن کاملاً سازنده و عامل تحرک و آگاهی و بیداری است.»

درجات مجاهدت در راه حق و عدالت و متناسب بودن آن با مقدار آمادگی و درجه انتظار؛ همانطور که میزان فداکاری مجاهدان راه خدا و نقش آنها با هم متفاوت است، انتظار و خود سازی و آمادگی نیز درجات کاملاً مختلفی دارد که هر کدام از اینها با یکی از آنها از نظر «مقدمات» و «نتیجه» شباهت دارد؛ هر دو جهادند و هر دو آمادگی می خواهند و خود سازی. کسی که در خیمه رهبر چنان حکومتی قرار گرفته یعنی در مرکز ستاد فرماندهی یک حکومت جهانی است، نمی تواند یک فرد غافل و بی خبر و بی تفاوت بوده باشد؛ آنجا جای هر کسی نیست؛ جای افرادی است که بحق شایستگی چنان موقعیت پر اهمیتی را دارند. همچنین کسی که سلاح در دست دارد و در کنار رهبر این انقلاب با مخالفان حکومت صلح و عدالتش می جنگد، آمادگی فراوان روحی و فکری و رزمی باید داشته باشد.

بر خلاف تصور کسانی که می پندارند «انتظار» عامل رکود و سستی است، انتظار عامل حرکت و جنبش است. و از آن جهت که آدمی را به آمادگی و آمی دارد و او را در مسیر حق و عدالت قرار داده و برای از بین بردن باطل، تشویق و ترغیب می نماید، دارای نقش تربیتی مهم و سازنده ای است. مطابق آیات کریمه قرآن مجید و روایات بیشماری که از امامان اهل بیت علیهم السلام رسیده است «انتظار فرج» یکی از عقاید انسان ساز و انقلاب آفرین و از مهمترین منابع الهام و شوق دهی برای زمینه سازی جهت ایجاد تحول و تکامل و سوق دادن انسانها به سوی حرکت عدل و ایمان است.»

از دیدگاه اسلام و به خصوص مذهب حقه «تشیع» انتظار همه گاه بر انگیزنده، تحرک بخش، جنبش آفرین، و سرچشمه شور و مقاومت، ایثار و قیام و حرکت مستمر است. روی این بیان، نخستین نکته ای که با عنایت به مفهوم انتظار باید بدان توجه نمود، «شناخت و آگاهی» از محتوای انتظار، و «گرایش و دل بستگی» نسبت به محتوای آن است.

بنابراین در این زمینه باید دید اولیای دین چه خصلتها و فضایی را برای منتظران ظهور حضرت مهدی علیه السلام و یاران پاکباز آن حضرت شمرده اند، تا آنها را در خود ایجاد نماید.

فلسفه انتظار :

ممکن است برای انسان این سؤال پیش آید که:

سخن از آینده جهان بشریت، چه نتیجه ای برای امروز ما می تواند داشته باشد ؟
امروز با هزاران مشکلات و گرفتاری دست به گریبانیم و باید برای پیروزی بر این مشکلات
ببندیشیم، ما را با فردا چه کار ؟

آینده بالاخره خواهد آمد، خوب باشد یا بد، آنها که تا آن روز زنده اند از مواهبش
برخوردار می شوند، و آنها که نیستند خدا رحمتشان کند!

به هر حال، این مسأله فعلاً «نسیه» است و اثر مثبت و سازنده ای در زندگی امروز ما ندارد!
ولی این سخن را کسانی می گویند که همیشه با دید سطحی حوادث را می نگرند، و تصور
می کنند امروز از دیروز و فردا جدا است؛ و جهان را مرکب از واحد های پراکنده و از هم
گسسته می پندارند.

«ولی با توجه به این که ریشه های «حوادث امروز» در گذشته است و آینده را هم از امروز
باید ساخت، و اینکه توجه به یک آینده «تاریک» یا «درخشان» انعکاس فوری در زندگی
امروز و موضع گیری های ما در برابر حوادث دارد، روشن می شود که انسان به خاطر امروز
هم که باشد باید گذشته و آینده را مورد بررسی دقیق قرار دهد و خواهد دید چه اندازه
سازنده است این انتظار بزرگ.»

اما عجیب اینکه، بعضی از نویسندگان نه تنها جنبه مثبت این قضیه را منکر شده اند بلکه
تصریح کرده اند که در انتظار چنان آینده ای بودن، اثرات منفی در کاربرد نیروهای اجتماعی
امروز دارد و آنها را کند می سازد!

و عجیب تر اینکه، بعضی معتقدند ایمان به وجود یک آینده روشن، بازتابی از محرومیت های
طبقه شکست خورده است که غالباً در شکل مذهبی خودنمایی کرده.

ولی انکار نمی توان کرد که عده ای کوتاه فکر از مسأله انتظار سوء استفاده کرده و به
عنوان این که ما منتظر چنان ظهوری هستیم تمام مسئولیتها را از دوش خود برداشته و به
جای همه آنها، مسأله انتظار - آن هم محدود به زبان - گذارده اند! برای برطرف شدن هر
گونه سوء تفاهم لازم است به این رساله توجه شود:

داوریهای حساب نشده؛ با این که جمعی از خاورشناسان اصرار دارند ایمان به وجود یک مصلح بزرگ جهانی را «واکنشی» از وضع نابسامان مسلمانان در دورانهای تاریک تاریخ بدانند؛ و با این که جمعی از پژوهشگران شرقی و اسلامی که تحت تاثیر افکار غربیها قرار دارند به این طرز تفکر دامن می زنند؛ و حتی اصرار دارند که ایمان به وجود «مهدی» و مصلح جهانی را یک فکر وارداتی تلقی کنند که از عقاید یهود و مسیحیان گرفته شده؛ و با این که جمعی از جامعه شناسان ماتریالیست می کوشند که از مساله انتظار ظهور مهدی علیه السلام، دلیلی بر عقیده خود ترتیب دهند که این عقیده یک ریشه اقتصادی دارد و برای تخدیر افکار توده های به زنجیر استعمار کشیده ساخته و پرداخته شده است؛

«با تمام این گفتگوها، باید توجه داشت که اعتقاد به چنین ظهوری یک ریشه فطری در همه نهادها دارد که در اعماق عواطف انسان نفوذ کرده است؛ و یک ریشه اصیل اسلامی که در منابع مهم اسلامی دیده می شود.»

ولی شاید مطالعات محدود این پژوهشگران از یک سو، و علاقه به «توجیه مادی» برای هر گونه فکر و عقیده مذهبی، از سوی دیگر، این گونه افکار را به وجود آورده است. جالب اینکه جستجو گرانی از غرب، همچون «مارگلی یوت» به انکار احادیث اسلامی پیرامون مهدی علیه السلام برخاسته و می گوید: «این احادیث را هر گونه تفسیر کنند، دلیل قانع کننده ای در دست نیست که تصور کنیم پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله ظهور یک مهدی علیه السلام را برای احیاء، تحقق کمال و تقویت اسلام، لازم و حتمی شمرده باشد؛ لیکن درگیری آتش جنگهای داخلی در میان یک نسل واحد، پس از وفات پیغمبر صلی الله علیه و آله و در همی و آشفتگی جهان اسلام که بر اثر اختلاف آنان با یکدیگر روی داد، موجب اقتباس فکر ظهور «منجی» از یهود یا مسیحیان گردید، که به ترتیب در انتظار ظهور و بازگشت «مسیح» به سر می برند.

«مارگلی یوت» چه کتابهایی از منابع اسلامی را در این زمینه دیده و چگونه در تفسیر آنها چیزی او را قانع کند نیافته است، در حالی که در مهمترین منابع شیعه و اهل تسنن درباره این ظهور احادیث صریحی وجود دارد، و این احادیث در سر حد تواتر است.

چگونه همه دانشمندان و محققان اسلامی تقریباً بدون استثناء (جزء افراد بسیار نادری همچون ابن خلدن که در مقدمه تاریخ خود در احادیث مهدی تردید کرده) گفتگویی در صدور این احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله ندارند و تنها گفتگوها پیرامون شاخ و برگها و مسائل فرعی آن است، ولی تنها «مارگلی» نتوانسته قانع شود؟ این سنوالی است که خود او باید پاسخ آن را بدهد.

در این میان عده دیگری می گویند: ما کار به عمل و انگیزه های این انتظار عمومی نداریم، ما پی آمد های آن را می نگریم که سبب تحمل دردها و شکیبایی در برابر نابسامانیها و تن در دادن به مظالم و ستمها؛ و فرار از زیر بار مسئولیتهاست.

ما به این می نگریم که این انتظار، توده های رنج دیده را در یک عالم رویایی فرو می برد و از آنچه در اطراف آنها می گذرد غافل می سازد، و آنها به تبلی و فرار از تعهدهای اجتماعی تشویق می کند.

و به عبارت دیگر، از نظر فردی عاملی است برای رکود و توقف، و از نظر اجتماعی وسیله ای است برای خاموش ساختن جنبشهای ضد استعماری و به هر صورت اثر منفی آن آشکار است.

«ولی به عقیده اسلام یک پژوهشگر آگاه نمی خواهد از دور قضاوت کند؛ بلکه خود را موظف می بیند که از نزدیک همه مسائل مربوط به «انگیزه ها و نتیجه ها» را بنگرد نمی تواند تنها به این داوریهای حساب نشده قانع شود.»

ترکیب دو مفهوم «انتظار» و «انقلاب جهانی» در اینجا روشن می شود، یعنی کسانی که در انتظار چنان انقلابی بسر می برند اگر در دعوی خود صادق باشند «نه جز منتظران دروغین و خیالی» بطور مسلم آثار زیر در آنجا آشکار خواهد شد:

خودسازی فردی و مراقبت دائمی از اعمال خویش؛ حکومت جهانی مهدی قبل از هر چیز نیازمند به عناصر آماده و با ارزش انسانی است که بتوانند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را در جهان به دوش بکشند؛ و این در درجه اول محتاج به بالا بردن سطح اندیشه و آگاهی و آمادگی روحی و فکری برای همکاری در پیاده کردن آن برنامه عظیم است؛ تنگ

نظری، کوتاه بینها، کج فکریها، حسادتها، اختلافات کودکانه و نابخردانه، و به طور کلی هر گونه نفاق و پراکندگی با موقعیت منتظران واقعی سازگار نیست. نکته مهم اینجاست که منتظر واقعی برای چنان برنامه مهمی هرگز نمی تواند نقشش تماشاچی را داشته باشد؛ باید حتماً در صف اطلاع طلبان واقعی قرار گیرد.

«ایمان به نتایج و عاقبت این تحول هرگز به او اجازه نمی دهد که در صف مخالفان باشد و قرار گرفتن در صف موافقان نیز محتاج به داشتن اعمالی پاک و روحی پاکتر، برخورداری از شهامت و آگاهی کافی است»

کسی که ناپاک و آلوده است چگونه می تواند منتظر تحول انقلابی باشد که شعله اولش دامن او را می گیرد!

کسی که ظالم و ستمگر است چگونه ممکن است در انتظار کسی بنشیند که طعمه شمشیرش خون ستمگر آن است و کسی که فاسد و نادرست است چگونه می تواند در انتظار نظامی که افراد فاسد و نادرست در آن هیچ گونه نقشی ندارند، بلکه مطرود و منفور خواهند بود، روز شماری کند!

آیا این انتظار برای تصفیه روح و فکر و شستشوی جسم و جان انسان از لوث آلودگیها کافی نیست!

ارتشی که در انتظار جهاد آزادی بخش به سر می برد، حتماً به حالت آماده باش در می آید؛ سلاحی که برای چنین میدان نبردی شایسته است به دست می آورد؛ سلاحهای موجود را اصلاح می کند؛ سنگرهای لازم را می سازد؛ آمادگی رزمی نفرات خود را بالا می برد؛ روحیه افراد خود را تقویت می کند؛ و شعله عشق و شوق برای چنان مبارزه ای را در دل فرد فرد سربازانش زنده نگه می دارد؛ ارتشی که دارای چنین آمادگی نیست هرگز در انتظار به سر نمی برد و اگر بگوید دروغ می گوید؛ انتظار یک مصلح جهانی به معنی آماده باش کامل فکری و اخلاقی، مالدی و معنوی برای اصلاح همه جهان است. فکر کنید چنین آماده باشی چقدر سازنده است! اصلاح تمام روی زمین و پایان دادن به همه مظالم و نابسامانیها شوخی نیست! کار ساده ای نمی تواند باشد! آماده باش برای چنین هدف بزرگی باید متناسب با آن باشد؛ یعنی باید به وسعت و عمیق آن باشد.

برای تحقق بخشیدن به چنین انقلابی مردانی بسیار بزرگ و مصمم و بسیار نیرومند و شکست ناپذیر، فوق العاده، پاک و بلند نظر، کاملاً آماده و دارای بینش عمیق، لازم است؛ و خودسازی برای چنین هدفی مستلزم به کار بستن عمیق ترین برنامه های اخلاقی و فکری و اجتماعی است؛ این است معنی انتظار اصیل و واقعی؛ آیا هیچ کس می تواند بگوید چنین انتظاری سازنده نیست!

خودیارهای اجتماعی: منتظران راستین، در عین حال، وظیفه دارند که علاوه بر اصلاح، در اصلاح خویش دیگران نیز بکوشند؛ زیرا برنامه عظیم و سنگینی که انتظارش را می کشند یک برنامه فردی نیست؛ برنامه ای است که تمام عناصر تحول باید در آن شرکت جوید؛ باید کار به صورت دسته جمعی و همگانی باشد؛ کوششها و تلاشها باید هماهنگ گردد و عمق وسعت این هماهنگی باید به عظمت همان برنامه انقلاب جهانی باشد که انتظار آن را دارند. در یک میدان وسیع مبارزه دسته جمعی هیچ فردی نمی تواند از حال دیگران غافل بماند، بلکه موظف است هر نقطه ضعیفی را در هر کجا ببیند اطلاع کند؛ و هر موضع آسیب پذیری را ترمیم نماید؛ و هر قسمت ضعیف و ناتوانی را تقویت کند؛ زیرا بدون شرکت فعالانه و هماهنگ تمام مبارزین، پیاده کردن چنان برنامه ای امکان پذیر نیست.

بنابراین منتظران واقعی علاوه بر این که به اصلاح خویش می کوشند، وظیفه خود می دانند که دیگران را نیز اصلاح کنند. این است اثر سازنده دیگر برای انتظار قیام یک مصلح جهانی و این است فلسفه آن همه افتخارات و فضیلت‌های انتظار که برای منتظران راستین شمرده شده است.

حل نشدن در فساد محیط: هنگامی که فساد فراگیر می شود، و اکثریت و یا جمع کثیری را به آلودگی می کشاند، گاهی افراد پاک در یک بن بست سخت روانی قرار می گیرند، بن بست که از یأس و اصطلاحات سرچشمه می گیرد.

گاهی آنها فکر می کنند، کار از کار گذشته و دیگر امیدی برای اصلاح نیست، و تلاش و کوشش برای پاک نگه داشتن خویش بیهوده است؛ این نومیدی و یأس ممکن است آنها را تدریجاً به سوی فساد و همرنگی با محیط بکشاند، و نتواند خود را به صورت یک اقلیت صالح در برابر اکثریت نا سالم حفظ کنند، و همرنگ جماعت نشدن را موجب رسوایی

بدانند. تنها چیزی که می تواند در آنها روح امید بدمد و به مقاومت و خویشتن داری دعوت کند و نگذارد در محیط فاسد حل شوند، امید به اصلاح نهایی است؛ تنها در این صورت است که آنها دست از تلاش و کوشش برای حفظ پاکی خویش و حتی برای اصلاح دگران برنخواهند داشت.

و اگر می بینیم در دستورات اسلامی یأس از آمرزش، یکی از گناهان شمرده است و ممکن است افراد ناوارد، تعجب کنند که چرا یأس از رحمت خدا این قدر مهم تلقی شده مهمتر از بسیاری از گناهان - فلسفه اش در حقیقت همین است که گناهکار مأیوس از رحمت، هیچ دلیلی نمی بیند که به فکر جبران بیفتد و یا لااقل دست از ادامه گناه بردارد، و منطق او این است: «آب از سر من گذشته است، چه یک قامت چه صد قامت - من که رسوای جهانم غم دنیا هیچ است - بالاتر از سیاهی، رنگ دگر نباشد؛ آخرش جهنم است من که هم اکنون آن را برای خود خریده ام؛ دیگر از چه چیز می ترسم!

اما هنگامی که روزنه امید برای او گشوده شود، امید به عفو پرودگار و امید به تغییر وضع موجود، نقطه عطفی در زندگی او پیدا می شود و چه بسیار او را به توقف کردن در مسیر گناه و بازگشت به سوی پاکی و اصلاح دعوت می نماید. به همین دلیل، امید را می توان همواره به عنوان یک عامل موثر تربیتی در مورد افراد فاسد شناخت؛ همچنین افراد صالحی که در محیط های فاسد گرفتارند، بدون امید نمی توانند خویشتن را حفظ کنند.

نتیجه این که انتظار ظهور مصلحی که هرد قدر دنیا فاسد تر می شود امید ظهورش بیشتر می گردد اثر افزاینده روانی در معتقدان دارد، و آنها را در برابر امواج نيزومند فساد بیمه می کند؛ آنها نه تنها با گسترش دامنه فساد محیط مأیوس تر نمی شوند، بلکه به مقتضای: «وعدده وصل چون شود نزدیک آتش عشق تیزتر گردد»

وصول به هدف در برابر خویش می بیند و کوششهایشان برای مبارزه با فاسد و یا حفظ خویشتن با شوق و عشق زیادتری تعقیب می گردد.»

زمینه سازی: آنچه در روایات اسلامی به نام قیام سید حسنی، نهضت هاشمی خراسانی یا قیام یمانی، قبل از ظهور امام زمان علیه السلام بیان شده است، نمونه ای از قیام هایی است که

جهت آمادگی برای ظهور حضرت مهدی (عج) انجام می پذیرد. البته شکی نیست که این جریانها ابتدا به ساکن و بدون زمینه قبلی رخ نمی دهد؛ بلکه بعضی از پیش آمدها و حوادثی که قبل از ظهور اتفاق می افتد، منتظران مومن را بر آن می دارد تا بکوشند و تلاش کنند و برای پاسداری از دین و ادامه حیات با سختیها دست و پنجه نرم کنند و دشواریها را از پیش پای خود بردارند و ناگزیر به انگیزه ای طبیعی برای دفاع از خود، به تهیه نیرو و ابزار آلات جنگی بپردازند و لوازم و امکانات را فراهم آورند، چنان که خداوند در قرآن کریم به این امر فرمان داده .

بنابراین، یکی دیگر از فوائد انتظار، آمادگی و زمینه سازی و تهیه ابزار و آلات جنگی مورد نیاز برای قیام شکوهمند امام غایب است.

«آری ! انسان منتظر که میان دو قطب «یأس و امید» قرار گرفته، پیوسته در حال حرکت و پویایی است و نمی تواند آرام بگیرد. و از این رو، منتظران واقعی نیز مانند جهادگرانی که در جبهه جنگ و میدان نبرد در انتظار فرمان حمله به سر می برند، در حال آماده باش کامل اند.»

نفی وضع موجود (فساد ظلم، بی عدالتی، تباهی)؛

عدم پذیرش حکومتهای ظالم؛

اصطلاح طلبی و امید به زندگی بهتر؛

تلاش و کوشش برای پیشرفت؛ (عامل پیشروی)

تشکیل حکومتهای مشروع؛ (عامل بقای جامعه)

عامل حرکت و مقاومت

انتظار فرج، منبع مهم شوق دهی و زمینه سازی حکومت عدل و ایمان است.

به گفته دکتر علی وردی (استاد دانشگاه بغداد): «تشیع آشفشان خاموش کوهسار اسلام

است که گاه و بی گاه، دود، بخار، لرزه و تکان اندکی پدید می آورد و همین تاثیر اندک،

ریشه تمام انقلابات دنیای اسلام است.»

هانری کربن - اسلام شناس فرانسوی - می گوید: «مفهوم غیبت، هرگز در چارچوب درخواست های دنیای امروز، در معرض تفکر قرار نگرفت؛ این امر - به عقیده این جانب - چشمه ای بی نهایت و ابدی از معنا و حقایق است؛ مفهوم امام غایب را با روح غربی خودم به گونه ای نو احساس می کنم و چنین به دلم الهام می شود که رابطه حقیقی آن را با حیات معنوی بشر، وابسته می دانم»

وی می گوید: «سرزمین ایران از دید اخروی، سرزمین انتظار است؛ قلمروی که در آن، امام غایب، دست اندرکار فرا رساندن ساعت موعود در زمان غیبت است.

این نظریه را بیگانگان و مستشرقان نیز، از امتیازات شیعه ذکر کرده اند»^۱

از مجموع بحثها نتیجه گیری می شود که اثر تخذیزی انتظار تنها در صورتی است که مفهوم آن مسخ و تحریف شود همان گونه جمعی از مخالفان، تحریفش کرده اند؛ و جمعی از موافقان مسخش - اما اگر به مفهوم واقعی در جامعه و فرد پیاده شود، یک عامل مهم تربیت و خودسازی و تحرک و امید خواهد بود.

از جمله مدارک روشنی که این موضوع را تایید می کند، این است که در ذیل آیه:

«وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض...» خداوند به آنها که ایمان دارند و عمل صالح انجام می دهند، وعده داده است حکومت روی زمین را در اختیارشان بگذارد...»

از پیشوایان بزرگ اسلام نقل شده است که منظور از این آیه «هو القائم و اصحابه؛ مهدی و یاران او» هستند.

و در حدیث دیگری می خوانیم؛ «نزلت فی المهدی؛ آیه درباره مهدی نازل شده است» در حالی که در این آیه حضرت مهدی علیه السلام و یارانش به عنوان «الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات» معرفی شده اند.

۱. سید حسین، تقوی، «حضرت مهدی (عج) از ظهور تا پیروزی»، ص ۱۵۲.

« بنابراین تحقق این انقلاب جهانی بدون یک ایمان مستحکم، که هر گونه ضعف و زیونی و ناتوانی را دور سازند و بدون اعمال صالحی که راه را برای اصلاح جهان بگشاید، امکان پذیر نیست و آنها که در انتظار چنین برنامه ای هستند، هم باید سطح آگاهی و ایمان خود را بالا ببرند و هم در اصلاح خویش و اعمال خود بکوشند. »^۱

تنها چنین کسانی هستند که می توانند نوید زندگی در حکومت او به خود دهند. نه آنها که با ظلم و ستم همکاری دارند! و نه آنها که از ایمان و عمل صالح بیگانه اند! نه افراد ترسو و زیونی که بر اثر ضعف ایمان از همه چیز حتی از سایه خود می ترسند! و نه افراد سست و بیحال و بیکاره ای که دست روی دست گذارده و در برابر مفسد محیط زندگی و جامعه شان سکوت اختیار کرده و کمترین تلاشی در راه مبارزه با فساد ندارند. آری انتظار راستین این است!

انتظار برای عدالت

خطری بزرگ: «مهمترین بیماری که اجتماع امروز را تهدید می کند و سقوط و انحطاط آن را قطعی می سازد، یأس و ناامیدی از رسیدن به سعادت است. اگر این بیماری غمبار و مصیبت زا در اندیشه و افکار عمومی، بویژه نسل جوان که توان و قدرت جامعه آینده ما بستگی به وجود آنها دارد، رسوخ کند، خطرناک ترین مرحله عامل برای متوقف ساختن فعالیتهای آنان در راه کمال و تعالی آینده شان است.»^۲

جوان تحصیلکرده ای که مدارج عالی علمی را پیموده، هنگام ورود به اجتماع، محیط زندگی خود را مورد بررسی قرار می دهد و در اولین مرحله از مطالعاتش، متوجه این نکته می گردد که پس از طی مراحل علمی، اکنون به صحنه کار و کوشش وارد شده و عهده دار مسئولیتی شده و نمی داند چه باید انجام بدهد. لذا در آغاز ورودش به جامعه، دچار نگرانی

۱. آیه الله مکارم شیرازی، «حکومت جهانی مهدی (عجل الله تعالی فرجه شریف)»، ص ۱۰۶.

۲. محمد تقی، خلجی، «تشیع و انتظار»، ص ۱۹.

و اضطراب روحی و بلا تکلیفی می گردد؛ که از نتایج شوم سلطه استعمارگر است. پیوسته در اندیشه است و افکارش به هم می ریزد؛ زیرا تکیه گاهی را محیط فعالیتش نمی بیند و در جهانی که او در گوشه ای از آن زندگی می کند، جز بیرحمی و اختلاف و بی عدالتی و هزاران اعمال ناشایست و غیر انسانی چیزی وجود ندارد.

استعمار چنان آلودگی و تباهی در تمام شئون حیاتی مردم ایجاد می کند، که فرد به محض ورود به اجتماع، در میان شعله های برافروخته شده فساد اخلاقی، یکسره می سوزد و نابود می شود. برای اینکه فرد در اطراف خود محیطی را می نگرد که به سوی عزم حلال می رود، گناه و آلودگی همه جای آن را فرا گرفته و مردمش در گیر و دار کشمکش و اضطرابات روحی هستند، و اصولاً چنین جامعه ای، سرانجامش جز مبدل شدن به جهنمی سوزان نخواهد بود. این خود یکی از سنتهای ثابت و ولایتیغیر نظام خلقت است که گروه گناهکارو عصیانگر، زمانی که راه انسانیت را نیماید و دست از فضیلت و تقوا بشوید و معنویات را کنار بگذارد و علیه فطرت خویش قدم بردارد، بدان سان که مفسدت و تباهی آنها را احاطه نماید، سرمنزلش جهنم و عذاب دردناک و گرفتاری جاودانه و ابدی است»^۱

مشکل تر اینکه پیدا کردن شغل شرافتمندانه برای جوان تحصیلکرده، خود مهمی است که پس از فراغت از تحصیل باید در پی آن باشد و بدین وسیله به زندگی ادامه بدهد، لیکن عاقبت با همه رنجها و تلاشها و مشقتها خود، جز آشفتگی و وازدگی و سرگردانی در گرداب زندگی، دیگر هیچ نمی بیند. لذا از دنیا سیر می شود و نا امید و مأیوس می شود، به طوری که دو روزه زندگی خود را همراه غم و اندوه بسر می برد و به آینده تیره و تار خود و زندگی بی هدفش فکر می کند و آنگاه همه را هیچ و پوچ می داند، و خلاصه انسانی می شود که در لاک خود فرو می رود و باقی عمر را در پی فحشا و ناپاکی می گذارد و یا به دامان مواد خانمان برانداز مخدر پناه می برد و به اصطلاح با تر «دمی را خوش باش» گذران زندگی می کند؛ چون برایش کاملاً روشن می شود که آینده او در دست چه کارگردانان

نابخرد و ناجوانمردی است و چه صحنه های وخیم و وحشت زایی را در پیش دارد. این طاغوت‌های خطرناک، از هر عمل فضیلت و شرافت روی گردان نیستند و گویی رحم و عاطفه ای در دل ندارند و از انسانیت بویی نبرده اند و آدمی را مبدل به موجود درنده خوئی ساخته و مجتمع بشری را به صورت جنگلی در آورده اند که حیوانات گوناگون از نژادهای مختلف در آن زندگی می کنند. درنده خوئی را بر زندگی انسانی، بی شرمی را بر حیا و آزر، و ناپاکی را بر تقوا برتری داده، محیط منحنی بوجود آورده اند که روز به روز بر تعداد بیکاران تحصیلکرده، بویژه بلا تکلیفان آن افزوده می شود.

مشکلی دیگر، وجود رذائل اخلاقی و مفسده های اجتماعی است، که خانواده ها را در هاضمه خود تحلیل می برد و نیروهای مذهبی و معنوی و برنامه های انسان ساز و الهی نیز ضعیف گشته، مردمش در لجن زار عصیان و سرکشی به سر می برند و او برای خود راه نجاتی نمی یابد. به همین جهت، دست از جنبش و کوشش و حرکت باز می دارد، و هر چه را که در بساطش موجود است، در همان جا می گستراند و با همان منطق همیشگی اش «دمی را خوش باش» و «دنیا که وفا ندارد» و «زندگی آخرش پوچ و بی معنی است»، همه چیز یکسره بر باد می دهد و نابودی خویش را حتمی می سازد و موجود مأیوس و آلوده دامن در پرده زندگی جلوه می کند، و یا اینکه بر اثر فشارهای طاقت فرسا از پای در می آید و بالاخره به زندگی پر غم و اندوهبارش خاتمه می دهد.

« این فرسودگی اخلاقی که با سرعت سرسام آوری به پیش می آید و مایه اصلی عقب ماندگی فکری و انحطاط اندیشه ای گشته آلودگی و اماندگی را در نسل جوان پدید آورده است و آنها را به داشتن آینده درخشان بدگمان ساخته و باعث شده که آنان با حالتی پریشان و روحی پر از اضطراب و قلبی آکنده از درد، عمر خود را به بطالت و بیهودگی بگذرانند، به دلیل این است که هیچ امید و امیدوار کننده ای ندارند. آری، ناامیدی آنها را از اوج عزت و قدرت به حضيض ذلت و ناتوانی می کشاند. باید به دنبال علل یأس و ناامیدی رفت و عوامل سعادت و تعالی را در یافت تا شاید بتوان این ستمدیدگان را از شکنجه های روحی و اضطرابات فکری نجات داد و یا لاقط مفاصد را به آنها شناساند تا خود در صدد خلاصی خویش برآیند. اکنون آن رسیده است که علتها را جستجو کنیم و به همین منظور، نا

گزیر از شناساندن دو گروه متضادی هستیم که یکی وسیله سقوط و دیگری عامل سعادت و تکامل است.^۱

گروه اول: افرادی را در جامعه می شناسید که پیوسته در صدد تخدیر افکار عمومی مردم و نابودی شخصیت های ارجمند و همچنین در اندیشه از بین بردن نیروهای تازه نفس و فعال اجتماع اند و به عناوین مختلف، شعاعهای نورانی امید به آینده اصیل و انسانی را خاموش می کنند. اینان کثیف ترین و خطرناکترین گروهی هستند که از مفهوم انسان بودن و فضیلت داشتن، بویی نبرده اند و گناهی را مرتکب می شوند که هرگز بخشوده نخواهد شد؛ و می توان گفت که مصداق سخن حضرت رضا علیه السلام هستند که: «و ان الذئب یتربک لحم ذئب و یاکل بعضنا بعضا عیاناً.»^۲ آری، گرگ با همه درنده خویی که دارد، از خوردن گوشت گرگ دیگر به هنگام گرسنگی امتناع می کند و هرگز در فکر دریدن همنوع خود نیست؛ لیکن انسانهایی - خصوصاً در این عصر - وجود دارند که هموعان خود را آشکارا طعمه قرار می دهند و همدیگر را همانند گرگی که به گوسفندان حمله می کند، می درند.

این شعبده بازها و خیمه شب بازها، با عروسکهای شیطانی خود و با برنامه های رنگین و ننگین، جامعه را به سوی ناامیدی می کشانند. گاهی با نوشتن مقالات نفرت انگیز و محرک شهوت و شرح و بسط دادن افکار کسانی از قبیل فروید، که تمام شئون زندگی انسان را با عینک غریزه جنسی و تمایلات حیوانی می نگرند، و گاهی هم با خطابه های مهیج، که بوسیله افرادی نا صالح و بی لیاقت ایراد می گردد، اجتماع را به سوی مفسد اخلاقی کشانده، آنان را به وادی هلاکت رهسپار می سازند. و نیز فساد گرانی را که فاقد هر نوع فضائل انسانی هستند و در قیافه های دیگری جلوه می کنند می بینیم، که با به تصویر کشیدن صحنه هایی خلافت فضیلت و حیثیت انسانی ویا با سرودن اشعار یأس آور، زندگی

۱. محمد تقی، خلجی، «تشیع و انتظار» نشر پیام مهدی (عج) ص ۲۱.

۲. ابوجعفر محمد بن علی ابن الحسین، بابویه، «عیون اخبارالرضا (ع)» ص ۴۲.

را بازیچه قرار داده، مرگ را پایان حیات می دانند و با موجودیت نسل جوان بازی می کنند.

اصولاً این عمل ناروا، توسط شعرای زبردست و ماهر، اما بی اصل و نسب و دروغپردازی که افکار شیطانی دارند و در بیان قرآن شریف به «افاک اثیم» شناخته شده اند، صورت می گیرد. اینان گروه گناه پیشه ای هستند که سراپای وجودشان، آمیخته به دروغ و ناپاکی است آری، اینان همان مداحانی هستند بر گمراهان و سفیهان و دیوانگان پیشوایند و در فنون کلام سرگردانند؛ و از آنجا که عقیده ای ثابت و هدفی مشخص ندارند و متعهد نیستند، اغلب سخنانشان هزل و هتک و مداحی افراد نالایق و هجو ناشایستگان است و برای لقمه نانی، در برابر ستمگران مدیحه سرایی می کنند و آنها را اصلاح گر و عدالت گستر می خوانند. اینها همان مداحان چاپلوسی هستند که ابوزر، صحابی رشید پیامبر صلی الله علیه و آله فرمان می دهد تا بر دهانشان خاک پاشند، تا بلکه نفسهای آنها در حلقوم کثیفشان مدفون گردد و دست از یاوه سرایی بردارند؛ زیرا این گونه شاعران هرگز به آنچه می گویند و می سرایند، ایمان ندارند و عمل نمی کنند و به خدای جهان نیز ایمان و اعتقاد ندارند و اعمال شایسته انجام نمی دهند. همان شاعرانی هستند که جهان خلقت را بیهوده و لغو می دانند و در اشعار خود، طرز تفکر و بینش یک انسان سرگردان و بی هدف را دنبال می کنند؛ و زمانی هم با تویدهای پوچ و بی معنی، که سراپا دروغ و حيله است، افراد را نسبت به آینده بدبین ساخته، جنبش و حرکتی را که نسل جوان می تواند داشته باشد، مبدل به سکون می نمایند و آنان را در راه رسیدن به آینده ای که با برنامه الهی و انسانی جهان اداره می شود، از تلاش و کوشش باز می دارند و میدان را برای بهره برداری و تاخت و تاز خانانه غارتگران اندیشه، که منتظر چنین هنگامه ای هستند، آماده می کنند.»^۱

۱. محمد تقی، خلجی، «تشیع و انتظار»، ص ۲۴.

آری، شرح حال جماعتی که رشوه و دروغ، خیانت و تزویر، تجاوز به ناموس و شرف، تذبذب و حیف و میل اموال عمومی و پایمال کردن حقوق مسلم طبقه زحمتکش و ضعیف در بین آنها یک عمل عادی تلقی شود، بدین گونه خواهد بود.

علی علیه السلام در سخنان گوهر بار خویش، می فرمایند:

«زمانی می آید که در بین مردمش مخفی تر از حق و فضیلت و آشکارتر از باطل و بیهودگی در جهان وجود ندارد و ناروا سرتاسر عالم را پر کرده و دروغ و خلاف واقع و سخنان نادرست نسبت به آفریدگار جهان و پیامبرش، فراوان به چشم می خورد؛ و مردمی در آن زمان زندگی می کنند که قرآن و محتوایش بی ارزشترین چیز در نظرشان است؛ زیرا هنگام خواندنش معنای آن تحریف می کنند و در فهم آن خیانت می کنند. در عین حال، پررونق ترین چیزها در آن هنگام، همان قرآن خواهد بود و در روی زمین، زشت ترین و ناروا ترین برنامه، پسندیده و شایسته جلوه می کند و زیبا ترین و روا ترین امور، ناپسند و ناروا است. گفتار و رفتاری که بر اساس تعلیمات اسلام است، ممنوع می شود و آنچه خلاف اسلام و فضیلت است، آزاد می گردد.»^۱

در خطبه دیگری حضرت فرمود: «مردم در آن زمان، همانند گرگها، و قدرتمندانش چون درندگان، ضعفا و میان حالان طعمه ستمکاران، و فقرا و بینوایان از شدت سختی و رنجوری بسان مردگان هستند و راستی و حقیقت از جهان رخت بر بسته، دروغ شایع است و دوستی در زبان و ظاهر وجود دارد و دشمنی در دل و پنهان است.

فسق و فجور و زنا نسب شناخته می شود و عفت و پاکدامنی، موجب شگفتی می گردد و اسلام همانند پوستین وارونه در تن خواهد بود. تظاهر به اسلام و قرآن می کنند، لکن مخفیانه اساس و ریشه اسلام را می زنند و به نام قرآن و اسلام با مسلمانان و طرفداران قرآن در ستیزند.»^۲

۱. سید شریف، رضی، «نهج البلاغه»، مترجم: مرحوم دشتی، خطبه ۱۴۷.

۲. همان، خطبه ۱۰۸.

آری، منافقان و نقابداران چند چهره ای، قدرتمندان و حاشیه نشینهای دروغ پرداز و یاوه سرایان و گروهی که پیوسته خم و راست می شوند، همانهایی که به ستم سرمایه های فکری را به غارت می برند و حقوق اجتماع را ضایع می کنند و همه چیز را برای خود می خواهند. معاویه و همدستانش که قرآن را بر سر نیزه ها بالا می بردند تا افراد عامی احمق را علیه علی علیه السلام بشورانند، و اتفاقاً در ظاهر پیروز هم شدند و خلاصه با ارتکاب جنایاتی دردهای بی درمانی به وجود می آورند. دردهایی که مثل خوره، روح هر انسان بافضیلتی را می خورد و همانند خاری جانش را می خلد و همین گونه مردم اند که منطقشان نا امید ساختن افراد ستمدیده و مایوس کردن آنها از داشتن یک برنامه مقرون به عدالت است. همین طرز تفکر های غلط و اندیشیدن های نابجاست که در اثر تلقینهای پوچ و خرافی و ضد انسانی، در تمام مظاهر زندگی مردم جلوه کرده، بزرگترین عامل سقوط اجتماع و خطرناک ترین آذیر بر نابودی بشر است و نمی گذارد حقایق آشکار گردد و مردم برای سازندگی جامعه خویش به پا خیزند.

فرسودگی و پلاسیدگی در اندیشه ها، و واکنش نامطلوبی در زندگی به جا می گذارد و سرانجام انسان را در برابر برنامه های فساد انگیز تسلیم می نماید و در پیشگاه اباطیل و اوهام سرتعظیم فرود می آورد و راه تعالی و تکامل را در همه زمینه های حیاتی به روی او می بندد و در لابه لای مفاسد اخلاقی - که مهمترین حربه استعمار است - شخصیت اسلامی خود را نابود می کند و وسیله تیره روزی و شقاوت خود را فراهم می سازد.

آنچه مسلم است این که دشمنان اسلام، در راه پیش برد هدفهای خود، برای تامین منافع خود، افکار غیر انسانی خویش را در میان مسلمانان ترویج دادند و به ما فهماندند که آینده ما جز تیره بختی و ستم و نابرابری چیز دیگری نخواهد بود، و بهتر آن است که هم اکنون در برابر دستورهای آن تسلیم شویم.

در این عصر هم که روزنامه ها و مجلات، رادیو و تلویزیون و سینما، می توانند عالیترین و سازنده ترین معلم برای تربیت و رشد افکار جوانان ما باشند، به جای بالا بردن افکار عمومی و تقویت نیروها و انرژیهای عظیم انسانی، با نشان دادن برنامه های امید آفرین و زندگی

ساز، از درون سنگر های خود با نوشتن مقالات شهوت انگیز و نمایش صحنه های نفرت زای عشقی و جنایی و نشان دادن صورتک های ساختگی و بزک کرده زنان هر جایی، افکار زنده و امید وار نسل جوان ما را تخدیر می کنند و یاس و ناامیدی را شیوع داده، مسلک هیپی گری را که از ارمغانهای غرب است، رایج می سازند و روز به روز بر تعداد افراد مایوس از زندگی می افزایند؛ و همین فسادگران هستند که می خواهند تا در میان افراد با ایمان و خدا پرست رخنه کرده، فحشا و منکرات را رواج دهند و جامعه را به صورت جهنمی بسازند تا جوانان در میان شعله های فساد بسوزند و نابود گردند. «خدای بزرگ نیز در قبال فسادگری های آنان عذاب و شکنجه دردناکی را برایشان فراهم آورده که در دو جهان گرفتار آن خواهند بود.»^۱

این بلای جانسوز و افسونگر، در اثر غلط اندیشی های افراد ناصالح پدیدار می گردد و سقوط حتمی جامعه را فراهم می آورد و تباهی و فساد را در تمام مراحل حیات می گستراند و پیوسته مانع ترقی و رشد بوده، جماعت انسانی را برای پذیرش هر نوع ستم و بی عدالتی و نابرابری و همه گونه نابسامانی آماده می سازد و قدرت استقامت و پایداری در مقابل شکستها را از آنان می گیرد، و آنگاه روح ایمان به خداوند و کمکهای غیبی او از قلبشان رخت بر می بندد و رسوایی به مرحله ای می رسد که این مردم فرورفته در گناه، در برابر خیمه شب بازهای اجتماع تسلیم می گردند؛ زیرا پروردگار خدا را فراموش می کنند و پناهگاهی ندارند، و آن وقت است که تمام عقب ماندگیها و بدبختی ها را به آفریدگار نسبت می دهند و از زمین و زمان شکوه می کنند و خود را انسانهایی بی اراده و بی پناه و ناپایدار می بینند و هیچ گونه حرکت و تلاشی در برابر تجاوزگران به فضیلتها و اندیشه های مردم ضعیف انجام نمی دهند. «البته اگر هنگام سختی خود را می خواندند و برای نابودی فساد و آلودگی علیه مفسد طلبان اعتراض می کردند و پایداری و استواری از خود نشان می دادند،

از امداد غیبی و کمکهای الهی برخوردار بودند و جامعه خود را از اندوه و ترس و ناامنی نجات می دادند.^۱

اسلام و مبارزه علیه یاس: اسلام برای اینکه بتواند با یاس، این خوی ناپسند و غیر انسانی که بر اثر فعالیتهای عمال استعمار در این زمان در ممالک اسلامی دامنگیر مسلمانان شده و شخصیتها را در هم کوبیده مبارزه کند، به شدت این خصلت ناپسند و ناروا را مذمت می نماید و انسانهای نا امید را مجرم و گناهکار شناخته، بطوری که افراد بدبین به آینده و نا امید از سعادت را کافر می داند.

اسلام به پیروان خود دستور می دهد که گر چه در مسائل فردی و اجتماعی و اخلاقی و اقتصادی و بالاخره سایر جنبه های حیاتی عقب مانده باشند، نباید مایوس شوند و دست از تلاش و جنبش در راه تعالی باز دارند و نباید در برابر ناروایی ها و مصیبتها، نیروی اراده و ایمان به آینده درخشان خویش را از دست بدهند. در محتوای قرآن کریم، آیاتی درخشان و امید بخش تجلی یافته، که انسان را در هر مرحله ای که باشد، به سوی ترقی و تعالی فکری و رشد عقلی و به فعالیت در آوردن استعدادها و پیشبرد هدفهای اصیلش می خواند و به آینده نگری دعوت می نماید.

گروه دوم: این گروه، افرادی هستند که در خوش بین ساختن مردم به آینده ای توأم با تعالی و تکامل در تلاش هستند و روح و روان افراد اجتماع را از این جنبه تقویت می نماید و تمام پیشروی هایی که جامعه از لحاظ فرهنگی و اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و اخلاقی می نماید، در پرتو تعالیم ارزنده و به پاس کوششهای پیگیر آنان است. لذا حیاتی جاودانه و ابدی دارند و در ازای این از خودگذشتگی ها و روشننگری ها سزاوار تجلیل و احترام اند. آری، این پاکبازان راه فضیلت و عدالت، نه تنها دنیا را بهبوده و پوچ نمی دانند بلکه آن را وسیله ای برای رسیدن به سعادت و کمال معنوی و بروز استعدادهای بشری معرفی می کنند و سخن معروف پیامبر صلی الله علیه و آله عالی قدر اسلام که «الدنیا مزرعه الاخره»، بیان کننده این

واقعیت است و جهان ما را بسان کشتزاری می داند که هر انسان اندیشمندی دریافته که برای رسیدن به رشد معنوی در جهان دیگر، باید در این جهان دست از جنبش و حرکت باز ندارد، تا بتواند به سعادت ابدی دست یابد. همچنین او را به آینده با عظمتی امیدوار می سازد که در آن نابرابری و ستم پایان می پذیرد.

استدلال و منطق فاطمه علیها السلام: حضرت فاطمه علیها السلام در تحقق بخشیدن حکومت عدالت علیه قدرت غاصبان و ستمگران حق به جانب که اجتماع را در حیرت قرار داده بودند فریاد بر می آورد و محاکمه ای بی نظیر در محکمه ای نمونه (مسجدالنبی) انجام می دهد و دستگاه حاکم را استیضاح می کند، استیضاحی که در تاریخ بشریت از بانویی زجر دیده و مصیبت زده که عزیزترین کسان خود را از دست داده، نمونه ندارد. استدلال و منطق فاطمه علیها السلام چنان محکم بود که هنوز گوش ستمگران را می خراشد و با خروش خود به انسانهای غاصب و نالایق اعلام خطر می کند و آنها را رسوا می سازد.

آری، فریاد فاطمه علیها السلام در مسجد مدینه، بر کسی است که به هدف منافقان لباس عمل پوشانده و هم اکنون بر منبر رسول اکرم صلی الله علیه و آله قرار گرفته و حق مسلم ولی خدا را به تاراج برده است، بر غارتگر اندیشه ای است که تفکر را از امت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ربوده و روزنه اندیشیدن را مسدود کرده. نه برای فدک، آن باغستان معروفی است که به امر خداوند پدر بزرگوارش بر او بخشیده؛ «فات ذالقربی حقه.»^۱

بلکه آرمانی مقدس و والاتر دارد، و آن سپردن زمام امور مسلمین و رهبری امت اسلامی به حاکمی عادل و زمامداری عالم و نجات از مردم سیطره ظالمان و تشکیل فرمانروایی عدل و فضیلت است برای کمال و تعالی جامعه ای که در گیر و دار پراکندگی و از هم پاشیدن است، برای گسترش معارف قرآن و عملی ساختن قوانین الهی و برای نتیجه بخشیدن به زحمات طاقت فرسای پیامبران است.

« فریاد حضرت در انتظار مسلمانان علیه سیاستگران عقده ای، که باعث شکل گرفتن سازمان با عظمت تشیع گردیده بودند، نه فقط برای فدک بود؛ بلکه برای گرفتن حق ستمدیده ای است که در تاریخ مظلوم تر از او وجود ندارد، برای خانه نشینی است که در اجتماع نبودنش داغ ننگی بر پیشانی یاران سقیفه است، برای استواری امت تشیع و حکومت شکوهمند قرآن است، برای عدالت و حق و امامت است.»^۱

فاطمه علیها السلام می داند که اگر سخن حق را پوشیده دارد، پیش خدایش مسئول خواهد بود. زهرا علیها السلام خود را مسئول می دانست که پس از انجام مسئولیتش، به شوهر و امامش گزارش دهد که چه کار کرده و چگونه با جمعیت رجاله رو به رو شده است. لذا پس از بازگشت از مسجد که پیامبرانه مردم را انداز کرده بود، به شوهرش خبر داد که: «من از گفتن خوداری نکردم، ولی به قدر سر سوزنی هم کارساز نبود!»^۲ آری، در آن مردم پول پرست که سعادت و آزادی خود را به پول فروختند و تن به ذلت و خواری دادند، هیچ گونه اثری نگذاشت. او به مسجد رفت تا حقیقت را به گوش مردان و زنان اسلام برساند، او رفت تا اینکه بفهماند در سرا پرده عفت اسلامی بودن و حجاب قرآنی را رعایت کردن و حفظ شخصیت و آزاد منشی و خاک پاشیدن بر دهان یاره گویان و در انتظار عموم قرار گرفتن، ولی از دیدگان نامحرمان محفوظ بودن و مردانه در برابر ستم برای احقاق حق امتی قیام کردن، امکان دارد. او ثابت کرد در حساس ترین مسئله اجتماعی که بقای امت را در بردارد، دخالت کردن، ولی در چشم انداز مردان نبودن، امکان پذیر است. او به مسجد رفت تا به پیروان خود روش زیستن را بیاموزد، مقصودش برقراری عدالت اجتماعی و نجات مردم از نافرجامی بود که هوس پرستان و بت پرستان آن روزی به بار آورده بودند.

۱. احد، طبرسی، «مجمع البیان»، ج ۸، ص ۳۰۶؛ علامه سید محمد حسین طباطبایی، «شیعه در اسلام» ص ۸۵.

۲. حمید، احمدی، «صحیفه فاطمیه»، ص ۷۲.

زهرای علیها السلام که عدالت را بر اساس پایداری در نظام اجتماعی و یگانه ضامن امنیت مردم می‌داند، مهمترین عامل بقای امتهای را تنها در قانون گذاری عادلانه می‌بیند که ثروتمند و فقیر، قدرتمند و ضعیف در برابر آن مساوی باشند و در مکتب او ایمان به حضرت پروردگار متعال است که گرامی ترین مردم را نشانه می‌گذارد.

همین برابری است که سبب الفت دلها و آرامش قلوب می‌گردد و این عدالت است که فاطمه بزرگ علیها السلام آن را می‌ستاید و آنگاه بلای بزرگی که اسلام را تهدید می‌کند و باعث پیروزی دشمن می‌گردد، به افرادی که پا را از حد خویش فراتر نهاده اند و حق مسلم یک رهبر الهی را بازیچه قرار داده و بر مقصد شوم خود جامه عمل پوشانده اند، گوشزد می‌کند، و می‌فرماید که از تفرقه و جدایی این بلای امت سوز پروا کنید و از رهبری اطاعت کنید. که خدا برایتان تعیین کرده و پیروی از او را سبب نظام و برقراری شما دانسته و امان از جدایی مردم قرار داده است. فاطمه علیها السلام با اینکه می‌داند دیوار ستمگری بلند است و صدای مظلوم از این طرف دیوار به طرف دیگر آن نمی‌رسد، باز هم برای تحقق عدالت و حکومت عدالت پرور فریاد بر می‌آورد و سخن خود را به امید پیروزی حق و شکست باطل پایان می‌دهد، تا مگر درسی باشد برای نا امیدها و بشارتی برای کسانی که در انتظار عدالت به سر می‌برند. لذا می‌فرماید:

«دنیال ستمگری امروز شما، آتش فردای خداوند است که بر دلهایتان سر بر می‌کشد. بر دلهای ستمگرانی که شخصیت انسانها را خرد می‌کنند و آتش به وجدانها و ضمیرها می‌زنند و آنچه را انجام می‌دهند، خداوند می‌بیند و بزودی بر ستمگران خواهند دیدم که در کجا خواهند بود و من دختر پیامبری هستم که شما را از عذاب و خطر هراساند. هر کاری که می‌خواهید انجام دهید، ما هم کار خود را انجام می‌دهیم و در انتظار نتیجه اعمالتان ما هم در انتظاریم.»^۱

مکتب زهرا علیها السلام امید آخرین است و دست رد بر یأس و حرمان می زند و پیروان خود را به حکومت عدالت امیدوار می کند فاطمه علیها السلام در زمان حیاتش علیه غارتگران فرهنگ و فضیلت مبارزه کرد و تا هنگام مرگ نیز به مجاهدتهای خود ادامه داد و دشمنان حق و طرفداران طاغوت در مبارزه بود.

هنگام احتضار فرا می رسد. شوهرش را، آن انسان بزرگی که با عظمت روحی و وارستگی اخلاقی از گردونه خلافت و حکومت اسلامی کنار رفته، می خواند و به او سفارش می کند که شبانگاه او را غسل بدهد و کفن نماید و در تاریکی شب و دور از چشم خیانتکاران و ستم پیشگان به خاکش بسپارد، تا داغ تنگ بر پیشانی آنها بماند و تا ابدیت انزجا رو تنفر خود را نسبت به اردوگاه ستم اعلام کند. اما چرا؟ چرا چنین کرد و نخواست تا قبرش بر دوستان و پیروانش آشکار باشد. تا زنده بود علیه آنها، یعنی همان قداره بندها، بی فضیلت ها و همان الدالخصامها^۱ قیام کرد.

شاید می خواست بعد از مرگ نیز به مبارزه ادامه دهد که تا امروز نیز قبر او مخفی مانده و به همه مردان و زنان امت درس می گوید.

او آموخت که باید در بیداری خلق کوشید و در گسترش عدل الهی و انصاف اسلامی حرکت کرد و دیگران نیز به حرکت درآورد و بطلان حکومتهای طاغوتی را اثبات کرد و چون تابلویی بر پیشانی تاریخ نصب کرد و به مسلمانان درس آزادگی فرا داد و فهمانید که هر قدر ستمگری زیاد شود و هر اندازه امتی از حریم انسانیت جدا افتاده باشد، می شود با ستم مبارزه کرد و به آینده سعادت‌مندی امیدوار بود. سلام خداوند بر او باد.

چرا که فرج به معنای پایان یافتن سرگذشت غمناک انسان و فرارسیدن دوران عدل و گسترش اصول آزادی و مساوات و حکومت قانون آسمانی قرآن و... است؛ و انتظار - این آرمان بزرگ و معنوی - به معنای بیدار کردن حس مسئولیت مسلمانان خواب زده است، برای قیام و اقدام به رهایی خویش از اسارت شیطانهای درون و برون و آزادی سرزمین

۱. سرسخت ترین دشمنان (منافقان)

های مقدس اسلامی. آری، داشتن درک درست از حقایق ناب دین و دریافت صحیح آنها و عمل آگاهانه و خالصانه و عاشقانه به تکالیف دینی، خود نوعی از فرج (گشایش)، بلکه با شکوه ترین جلوه آن است.^۱

انتظار برای وصال امام زمان (عج):

همان گونه که رسیدن به خدا بسیار سخت و دشوار است. زیرا تعلقات نفسانی و دلبستگی-های شیطانی موجب می شوند کوشش تقرب جویی به جایی نرسد، راه رسیدن به حضور اقدس ولی نعمت بزرگوارمان حجه بن الحسن العسکری - ارواحنا لثراب مقدمه الفداه - به همین لحاظ سخت و بدون تردید نیاز به طی مراحل خواهد داشت. چنان که عالمان برجسته دینی اشاره دارند: «راه یافتن به خدا خیلی مشکل است و برای ما آلوده ها میسر نیست؛ مگر آن حضرت کاری کند. اما راه به سوی ولی عصر - ارواحنا فداه - هم خیلی دشوار است و به آن بزرگوار نیز دست رسیدن، آسان نیست»^۲ پس می باید با مقدماتی راه مشکل را که خود مشکل نموده ایم، یعنی خودمان حجاب شده ایم. زیرا حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرموده اند: «لا حجاب بینة و بین خلقه الا خلقه»^۳ یعنی: «هیچ حجابی بین او و مخلوقش جز خود مخلوقات در میان نیست.» که به راستی «تو خود حجاب خودی، از میان برخیز» سهل و آسان بنمائیم، موانع رسیدن را از میان برداریم تا نائل به فیض دیدار شویم و ما به ترتیبی که مشایخ بزرگوارمان به بعضی از خواص مورد توجه فرموده اند. تاسی می جوئیم: انشاء الله به حرمت محمد صلی الله علیه و آله و آل طاهرین علیهم السلام آن نازنین وجود، به کارگیری این مراحل توأم با فیض دیدار باشد.

«چهار مرحله رسیدن به امام زمان (عج)»^۴:

۱. محمد تقی، خلیجی، «تشیع و انتظار»، ص ۳۵.
۲. محمد مهدی، تاج لنگرودی، «پیامهای امام زمان (ع)»، ص ۲۲۴.
۳. محمد حسین، علامه طباطبایی، «ترجمه رساله الولایه»، ص ۸۲.
۴. حسین، عبدالمهدی، «راه وصال امام زمان (عج)»، ص ۱۲۶-۱۳۴ و ص ۱۴۲-۱۴۳.

مرحله اول:

طالب شائق دیدار، می باید نخست برای این مهم قصد اربعین نماید، چهل شبانه روز دستور العملی را نصب العین قرار دهد. زیرا حضرت خواجه کائنات محمد مصطفی صلی الله علیه و آله فرموده اند: «من اخلص الله اربعین صباحاً جرت ینابیع الحکمه من قبله علی لسانه»^۱ و این چله داری نمی باید شباهتی به چله نشینی صوفیه داشته باشد. با غسلی که علامه سید مهدی نجفی، مشهور به بحر العلوم مستحب دانسته^۲ آغاز کند.

در حالی که جسم او به امورات روزانه اش اشتغال دارد، باطنش را از هر گونه آمیزش باز داشته که چله داریش نه به رهبانیت شباهت پیدا کند و نه از فیض خلوت گزینی بی بهره باشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند: «ولا تکونوا کرهبا نیه النصارى»^۳ «یعنی مانند مسیحیان راه رهبانیت پیش نگیرید.»

سپس مایحتاج مصرفی این اربعین نشینی را از مال طیب و طاهر تهیه نماید و بداند که اگر وجوه شرعی را پرداخت نمی کند، تصرف در مالی نموده است که به او تعلق ندارد؛ پس می باید به طور حتم و یقین به این مهم قبل از شروع به اربعین توجه داشته باشد تا زحمت اربعین داری هدر نرود و بی خاصیت نباشد.

سپس وقتی حتی از خوردن و نوشیدن و پوشیدن شبهه ناک در امان بود، بایستی در مصرف خوردنی ها و نوشیدنی ها اسراف ننماید، زیرا حضرت علی علیه السلام عظیم در قرآن مجید کریم، اسراف را مورد نکوهش قرار داده اند و در حق اسراف کننده «انه لا یحب المسرفین»^۴ و فرموده اند: حتی در صرف اوقات زندگی اسراف نکند. به این معنا همانطور که رسول خدا صلی الله علیه و آله زمان را به سه قسمت تقسیم نموده اند، تقسیم بندی نماید و از حقوق هیچ کس صرف دیگری نکند.

۱. مرتضی، شهید مطهری، «آشنایی با علوم اسلامی»، ص ۱۶۷.

۲. محمد تقی، موسوی اصفهانی، «مکیال المکارم»، چاپ مکیال، ج ۲، ص ۵۲۹.

۳. فرید، تنکابنی، (کلمات پیامبر اکرم (ص)) «نهج الفصاحه»، ترجمه: ابوالقاسم، پاینده، ص ۲۲۹، ش ۱۱۲۵.

۴. سوره اسراف / ۳۰.

نباید از کسب و کارش که امرای معاش می نماید صرف نظر نموده، به طاعات و عبادات بپردازد. حتی نباید از زمانی که بایستی در خدمت اعضای خانواده اش باشد، به لحاظ عبادات خاصه کم بگذارد، زیرا نارضایتی اشخاصی که بر انسان حقی دارند در بی تأثیری این دستوالعمل اثر مستقیم دارد.

جز به ضرورت سخن نگوید. پرگویی آدمی را به غیبت و تهمت و نظایر اینها می کشاند که بزرگان اهل معرفت برای خاموشی خواص زیادی نقل کرده اند؛ شیخ شهید ما، نجم الدین کبری، شرط دوم خلوت نشینی را خاموشی می داند.^۱

لقمان به فرزندش نیز می فرماید «لو كان الكلام من فضة كان السكوت من ذهب»^۲ یعنی: اگر گفتن از نقره بودی، خاموشی از زر است.

از پر خوابی فرار کند، زیرا فرموده اند: «علامت روندگان، بیداری باشد هر که بخسبد به منزل نرسد»^۳

از خطایا و معاصی که مورد لرزش قلب مطهر و منور و مقدس مولای کریم شده است، توبه نموده که توبه از معاصی، نوعی طهارت می باشد. زیرا نجاستی که از هر گناهی عاید باطن می شود، جز با توبه ازاله نمی گردد.

سلاح این مجاهدت با نفس را بگیرد که فرموده اند: «الوضو سلاح المومن»^۴ و تا وضویش باطل نشده است، وضو بسازد که «الوضو علی الوضو نور علی نور»^۵ قاعده ای پسندیده است. مهمتر این که سیره مومنان می باشد، زیرا فرموده اند: «لا يحافظ علی الوضو

۱. محمد مهدی، تاج لنگرودی، «پیامهای امام زمان (ع)»، ص ۲۳۰

۲. همان، ص ۲۳۰.

۳. همان، ص ۲۳۱.

۴. محمد، شیخ صدوق، «من لا یحضره الفقیه»، ج ۱، ص ۲۶.

۵. معی الدین، ابن عربی، «فتوحات مکیه»، ج ۵، ص ۲۱۲ و ۱۳۵.

الامومن» و هم به اعتبار «و اسباغ الوضو فی السبرات»^۱ سبب رفع درجات است و این که «الوضو شطر الايمان»^۲ وضو نصف ایمان می باشد.

با در نظر داشتن این مقدمات توجه به دستورات ذکری نموده. مراحل ذکر را نیز در نظر داشته باشد که اگر به سیره مشایخ ما عمل کند نتیجه مطلوبی عاید انسان خواهد شد:

الف: تلفظ صورت ظاهری ذکر را به خوبی یادداشته باشد و معنای آن را نیز بشناسد و بداند.

ب: نخست زبان را به ذکر مانوس کند که این بالقلقه لسان فرق می کند.

ج: معنای ذکر را که شناخته دارد و به باطن انتقال دهد مثلاً اگر «لااله الا الله» می گوید،

موقعی معنای ذکر، انتقال یافته که بر غیر خدا بطلان کشیده باشد و یا اگر به استغفار متذکر

است، آثار معاصی را محو شده ببیند.

د: صورت ظاهریه ذکر را چنان بر باطن مسلط کند اگر به زبان گوید، دم و بازدم نیز همان

را همراه داشته باشد و این موقعی فهمیده می شود که دم و بازدم را مورد توجه قرار دهد.

هـ: این که اگر زبان از ذکر باز ایستد و دم و بازدم متذکر بود، سعی کند ذهن نیز به همان

ذکر متذکر باشد. اینجاست که تمام وجود پر از همان ذکر می شود و وقتی تخلیه بنمائید،

یعنی ذهن را از هر گرفتاری فارغ نمائید.

مرحله دوم:

در این اربعین، تمام خصوصیت‌های قبل باید مراعات گردد. بعد از هر نمازی به دعای عهد

مداومت شود. زیرا امام صادق علیه السلام فرموده اند: «هرکس بعد از هر نماز واجب این دعا را

بخواند. امام محمد بن الحسن - علیه و علی آباءه السلام - را در بیداری یا خواب خواهید

دید»^۳ و در شبهای جمعه سوره مبارکه بنی اسرائیل را تلاوت نماید که حضرت صادق علیه السلام

۱. محمد بن یزید، قزوین، «سنن ابن حجه»، ج ۱، ص ۱۰۲ و ۱۰۱.

۲. فرید، تنکابنی، کلمات پیامبر اکرم (ص) «نهج الفصاحه» ترجمه: ابولقاسم پاینده، ص ۶۴۳ و ۳۷۹، ش ۳۱۹۹ و ۱۷۸۲

۳. محمد باقر، مجلسی، «بحار الانوار»، مترجم علی دوانی، ج ۸۶، ص ۸۸.

فرموده اند: «هرکس سوره بنی اسرائیل را در هر شب جمعه بخواند، نمی میرد تا این که قائم علیه السلام را دریابد و از اصحابش خواهد بود.»^۱

مرحله سوم:

«بسم الله الرحمن الرحيم اللهم اني اسئلك ان توخر اجلي و لاتقبض روحي حتى اري سیدی و مولای صاحب الزمان حجه بن الحسن صلوات الله و سلامه عليه.»^۲

انشالله با این چهار اربعین موانع روئیت حضرت برداشته خواهد شد؛ کمال نفس فراهم آمده، طالب شائق را به آرزو و می رساند. «یارب دعای خسته لان مستجاب کن.»

راه آسان: در کنار طریقه ای که به صورت چهار مرحله بیان شد آیه الله محقق، وحید خراسانی به طریقه دیگری اشاره نموده اند که آن را راه آسان خوانده اند؛ در گفتاری فرموده اند: «راه به سوی ولی عصر - ارواحنا فداء - هم خیلی دشوار است و به آن بزرگوار نیز رسیدن، آسان نیست، راه آسان، امام حسین علیه السلام است. یعنی برای راه یابی به پیشگاه حضرت بقیه الله - ارواحنا فداء - باید همه روزه، بدون آنکه از امروز ترک شود، زیارت عاشورا بخوانید...

و به روح مقدس مادر امام عصر حضرت زهرا - علیها السلام نثار کنید و به این وسیله از طریق رحمت واسعة الهیه و باب نجات امت و کسی که دل امام زمان علیه السلام متوجه به اوست و ولی خون او است، راهی به حضرت حجت - ارواحنا فداء - پیدا کنید.»^۳

در مجموعه هایی که وقایع تشرف شخصی را نوشته اند، به مطالب بسیار مهم و سود بخشی بر می خوریم که نقل تمامی آنها در این فشرده امکان پذیر نیست و چه بسا به لحاظ صفای باطن و وفاداری در عرض محبت و تشویق مخلصانه طالب دیدار، فردی به سعادت و

۱. سید هاشم بحرانی، «تفسیر برهان»، ج ۲، ص ۳۸۹.

۲. شیخ عباس قمی «مفاتیح الجنان»، ترجمه: مرحوم استاد مهدی الهی قمشه ای، ص ۱۰۵۱.

۳. محمد مهدی، تاج لنگرودی، «پیامهای امام زمان (عج)»، ص ۵۳.

زیارت نائل آمده، از ناحیه مقدسه پرده های ابهام کنار زده شده، لکن بر اثر عدم معرفت به چگونگی فیض دیدار، شخص نتوانسته درک حضور کند و بفهمد که در مقابل شاه عشق قرار گرفته است. چنان که به شخص می فرمایند: «این شبی است که جدم امام حسین در این بیابان آمده در صورتی مقابل امام زمانش قرار گرفته؛ عرض می کند «آیا امام زمان در این بیابان تشریف می آورد؟» حضرت می فرمایند: «امام الان در چادر نشسته» با این که حضرت به صراحت فرموده اند، اما متوجه نمی شود. خلاصه حضرتش دو اسکناس صد ریالی سعودی به او می دهد و می فرمایند: یک عمل عمره برای پدرم بجای بیاور. و می گوید اسم شما چیست؟ می فرماید: حسن. بعد عرض می کند اسم شما؟ فرمود: سید مهدی. می گوید قبول کردم. آقا بلند شد برود. او را تا دم چادر بدرقه کردم، حضرت برای معانقه برگشت و با هم معانقه نمودیم و خوب یاد دارم که خال طرف راست صورتش را بوسیدم. سپس مقداری پول خرد سعودی به من داده، فرموده ند، برگردد تا برگشتم، دیگر او را ندیدم. این طرف و آن طرف نظر کردم کسی را نیافتم. داخل چادر شدم و مشغول فکر که این شخص کی بود. پس از مدتی فکر. با قرائن زیاد مخصوصاً این نام را برد و از نیت من خبر داد و نام پدرش و نام خودش را بیان فرمود. فهمیدم امام زمان علیه السلام بوده، شروع به گریه کردن کردم...»^۱

«ملاحظه می شود که شخص شائق دیدار چقدر مورد لطف و مرحمت قرار گرفته، لکن چون در کنار تهذیب نفس و شوق رسیدن به یاد دلارام، رتبت معرفت خویش را بالا نبرده است. از فیض مهمتری محروم مانده. پس ضروری است کسانی که شائق دیدار هستند - و

۱. احمد، قاضی زاهدی، «شیفتگان حضرت مهدی (عج)»، ص ۱۵۴ و ۱۵۱.

در عشق ورزی به حضرتش، از سرپای طلب ساخته اند - سفارش می شود مجموعه های نحوه تشریف عاشقان یوسف فاطمه - علیها السلام - را مطالعه کنند تا اگر شرافت فیض دیدار نصیبشان شد، این گونه محروم شوند و حسرت نخورند. انشالله. ^۱

ای تسلی ده قلب زهرا بیا	ای طیب صفا بخش دلها بیا
دیده گریان شد و دل پر از غم بیا	در فراق تو ای قائم، ای حجتا

۱. حسین عبدالمهدی، «راه وصال امام زمان (عج)»، ناشر مهتاب، ص ۱۴۳.

فصل ششم: دیدگاه اسلام درباره‌ی ظهور حضرت مهدی (عج)

دین مبین اسلام به عنوان دین خاتم و آخرین دین جامع و کامل آسمانی، از نخستین روزهای طلوع که غریبانه سر از افق مکه بیرون آورده و نمی توانست در زیر بارگران شکنجه های طاقت فرسای کفار قریش و مشرکان مکه کمر راست کند. با دیدی وسیع و عمیق و جدی به مساله «مهدویت و انتظار» و آینده بشر نگریسته و به مسلمانان نوید «نیک فرجامی» در آینده تاریخ داده است.

« از همان آغاز اسلام و حتی همان سالهای اول ظهور پیامبر (ﷺ) درباره انتظار سخن گفته شده و رسول خدا (ﷺ) مردم را متوجه آن کرد. پیامبر (ﷺ) در عصر غربت خود، در دوران تنهایی و رنج خویش، در حالیکه معدودی بیش آئین او را نپذیرفته بودند با امید به ظهور منتظر می فرمود: «دین من همه جا را فرا خواهد گرفت، عدالت اجتماعی در جهان محقق خواهد شد، ظلم و تیرگی و تبهکاری از جهان رخت برخواهند بست و دین آینده مردم دین توحید خواهد بود.»^۱

۱. دکتر علی، قاسمی، «نگاهی به مساله انتظار» ص ۲۵

«انتظار فرج در اسلام و به ویژه در مذهب حقه تشیع، عبارت از ایمان استوار به امامت و ولایت حضرت ولی عصر علیه السلام و امید به ظهور مبارک آن واپسین حجت خداوند، و آرزوی فرا رسیدن روزگار رهایی مستضعفان از چنگال مستبکران، و تمام شدن دوران داعیه «لمن الملکی» طاغوتیان، و فتح و پیروزی نهایی مومنان، و آغاز حکومت صالحان، تا پایان جهان است که همه اعتقاد های اساسی اسلام را - از یکتایی خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و امامت امامان معصوم علیهم السلام و تحقق وعده تخلف ناپذیر خداوند - در بردارد.»^۱

«انتظار فرج در اسلام، در واقع نوعی آمادگی است. آمادگی برای پاک شدن، پاک زیستن، و دور ماندن از زشتیها و وصول به تزکیه نفس. آمادگی برای حرکتی مستمر و دائم، با تلاش و کوشش پی گیر و خستگی ناپذیر توأم با خود سازی و دگر سازی و زمینه سازی. و سرانجام آمادگی برای تهیه قوا برای شرکت در نهضت عظیم آسمانی حضرت مهدی علیه السلام که آغاز آن، ظهور مبارک حضرت ولی عصر علیه السلام و فرجام آن، شکست تاریکیها، ظلمها، فسادها، جهل ها، جنایت ها، قدرت طاغوت ها، و نتیجه آن، برپائی حکومت عدل «الله» و تحقق قول و پیمان خداوند به عزت بخشی مومنان است.

قولها، فعلها و توصیه های رهبران اسلام و امامان معصوم ما در زمینه انتظار نشان دهنده بعد عملی آن و گشودن دست عمل به دنبال جنبه ذهنی است. اسلام می خواهد که انتظار جنبه عملی به خود بگیرد و فرد منتظر ظهور همانند منتظر مهمانی بزرگ، فرماندهی عظیم باشد که سعی دارد خانه را رفت و روب کند و صحنه را پاک و منزه سازد و حداقل زمینه را آماده نماید. منتظر در اسلام عمل می کند، همچون سربازی می شود رزم دیده، مجاهد و مبارز، در پی دریافت فرمان رهبر و اجرای آن در صحنه در مبارزات ایدئولوژیک. او طرق تصفیه زمین را از عناصر ناپاک ارزیابی کرده، در پی جهاد با آنها سنگر سازی نموده، و خود تمرینات لازم را دیده است. انتظار اسلامی انتظاری عملی است، همراه با مجاهدت های منتظر، در پی اخذ دستور، همیشه آماده و همیشه در تلاش و کوشش، سعی دارد محیط خانه

۱. سید اسد الله، هاشمی شهیدی، «ظهور حضرت مهدی «ع» از دیدگاه اسلام و مذاهب ملل جهان»، ص ۱۹۳.

را از آلودگی برهاند، محیط زندگی اجتماعی اش را هم این چنین کند. لباس جهاد و توشه آن و حتی سلاح خویش را فراهم کرده و در هر لحظه آماده باشد. زیرا فرمانده است که ناگهان سر می‌رسد و به محض ورود و اعلام حرکت خواهد کرد.

«آری انتظاری این چنین است که داشتن آنها همانند جهاد در راه خدا می‌شود و مرگ در راه آن و امید آن دارای اجر شهادت است. و گرنه آن کس که مسئله‌ای را تنها در ذهن داشته و برای آن ارزش واقعی قائل نباشد چه اجری و در مرگ چه مزد شهادتی.»^۱

«اسلام دین فطرت است؛ پس توجه کن به چهره خود به سوی دین حقیقی که مطابق با خلقت است و تمام بشر بر اساس آن خلق شده‌اند و هیچ‌گونه تبدیل در آن راه ندارد و دین ثابت و استوار همان است ولی از اکثر مردم از این مسئله بی‌خبرند.»^۲ مطابق قول خداوند متعال در قرآن کریم فرموده‌اند: «من الذین فرقوا دینهم و كانوا شیعا کل حزب بما لدیهم فرحون»^۳ «از آن فرقه‌هاست که دین فطرت خود را متفرق هوای نفس خواستند و گروه‌ها شدند و هر گروهی به اوهام و عقیده و خیالات فاسد خود دلشاد است.»

یکی از مباحثی که در قرآن کریم از اهمیت خاصی برخوردار است مسأله فطرت است این کتاب الهی معتقد است که اسلام که همان دین الهی است منطبق با فطرت یعنی خلقت و سرشت آدمی است و در دو محور تکوین و تشریح بشر را به سعادت و کمال نهائی خود می‌رساند و از آنجا که انسان هم مانند سایر موجودات در آغاز تکوین بسوی یک غایتی در حرکت است و توجه به سوی آن غایت دارد لاجرم این غایت جزء در پرتو جامعه‌ای صالح تحقق پیدا نمی‌کند و لذا بشر بسوی یک جامعه متمدن که اساس آن را توحید و نبوت و ولایت و معاد تشکیل بدهد در حرکت است. سقوط و زوال حکومت‌های شرک آلود تغییر و تبدیل‌ها در سیستم حکومت‌های شرق و غرب عوض شدن قانون اساسی‌ها در سطح بین‌المللی هرچند مدت یکبار و عدم توقف جامعه جهانی در هیچ یک از مراحل صنعتی و

۱. دکتر علی، قائمی، «نگاهی به مسأله انتظار»، ص ۴۰.

۲. علی، صفائی کاشانی، «اثبات مهدویت از دیدگاه قرآن»، ص ۲۸.

۳. سوره روم / ۳۲.

اقتصادی و اجتماعی و غیره دلیل بر این است که انسان به مدینه فاضله و جامعه ای صالح که هادی و مرشدی الهی حاکم بر آن جامعه باشد به طور طبیعی دست خواهد یافت و این همان فطرت پاک و سرشت آدمی است که به سوی این هدف متعالی بشریت را سوق می دهد و اگر بخواهیم این مطلب را در یک جمله کوتاه خلاصه کنیم این است که جامعه بشری بتمامه دیر یا زود بسوی اسلام بازگشت خواهد کرد و به طور کلی در همه ابعاد تسلیم اوامر و نواهی الهی خواهد شد که قرآن از آن بعنوان اسلام و در جایی فطرت و در جایی سبیل الله یاد کرده است.

در باب فطرت دینی، مطالب فراوانی از ائمه اهل البیت و عرفا شامخ و مسفران عالی قدر بما رسیده است که خود کتاب مستقلی می طلبد. در قرن اخیر هم بحث فطرت مورد توجه دقیق بزرگان عرصه علم و عرفان قرار گرفته است. از آن جمله حضرت امام خمینی «اعلی الله مقامه» در کتاب اربعین از استاد بزرگ عرفان، مرحوم شاه آبادی مطالب بدیهی در اینجا نقل می کنند و معتقد هستند که دین بتمامه با همه ابعاد کلی و جزئی واجب و حرام و مستحب و غیره منطبق با سرشت آدمی یعنی همان فطرت است. علامه طباطبائی صاحب تفسیر شریف المیزان هم در ذیل آیه شریفه فطرت در سوره روم بحث علمی دقیق و لطیفی دارند که در اینجا به بخشی از آن اشاره می کنیم:

« پس بدرستی که انسان هم مانند سایر انواع موجودات بر اساس خلقتی آفریده شده است که آن فطرت او را هدایت می کند برای تکمیل نواقص و رفع حوائج^۱ دلیل قرآنی این مبحث غیر از این آیه مورد بحث این آیات است: «و نفس و ماسواها فالهمها فجورها و تقویها»^۲ این آیه شریفه مشعر به این معناس که تصفیه نفس انسانی به این معناست که بر اساس الهام الهی فجور و تقوی یعنی صلاح و فساد و فحشاء و بقی و ظلم و عدل و خیر و شر و غیره را ادراک می کند و این همان فطرت است. پس برای پیمودن راه فطرت می

۱. محمد حسین، طباطبائی، «تفسیر المیزان»، ج ۱۶، ص ۱۷۸

۲. سوره شمس / ۸.

فرماید: «ثم السبیل یسر» یعنی پیمودن راه فطرت را برای او آسان قرار دادیم. از این آیه شریفه هماهنگی بین تکوین و تشریح قابل استنتاج است. و در جای دیگر حضرت علامه می فرماید: «اگر سعادت انسان اختلاف پیدا می کرد با اختلاف افراد یعنی انسان ها با یکدیگر متفاوت می شدند و سعادتها نیز بالتبع متفاوت می شد هرگز جامعه واحد صالح به وجود نمی آمد که متضمن سعادت افراد جامعه باشد و همچنین اگر تفاوت پیدا می کرد سعادت افراد با تفاوت در اقطار جهان که مردم و امتها در آنجا زندگی می کنند به این معنا که تنها اساس اجتماعی تنها برای دین در نظر گرفته شده بود حکم منطقه خاص را داشت و انسان انواع متفاوتی بود با تفاوت مناطق مختلف دنیا یا اینکه اختلاف نوع انسان در هر قرن و منطقه ای همراه با آنچه ارث می بردند از پدرانشان یا بر جای می گذاشتند برای فرزندانشان و در نتیجه جامعه انسانی سیر تکاملی خود را به شکل واحد طی نمی کرد زیرا نقص و کمال تحقق پذیر نیست مگر با وجه مشترکی که ثابت باشد و پایدار بماند بین جامعه و انسان.»^۱

استنباط از این مطلب شریف علامه این است که با توجه به یگانگی انسان و عدم تغییر و تبدیل او در اعصار مختلف و امکانه مختلف استفاده می کنیم که روح واحدی بر جامعه بشری حاکم است و بشریت که در نوعیت مساوی است در کمال نیز حالت مساوی دارد و در هدف و غایت هم مساوی خواهد بود و فطرت هم دچار اشتباه نمی شود و دیر یا زود انسانیت به کمال مطلوب خود در پرتو تشکیل جامعه صالح جهانی و قرآنی و مهدوی خواهد رسید.

انتظار حضرت مهدی «عج» در اسلام را از دیدگاه های مختلف مورد بحث و بررسی قرار می دهیم و آنها را به عنوانهای زیر تقسیم بندی می کنیم:

انتظار مهدویت از دیدگاه قرآن کریم و احادیث قدس.

انتظار مهدویت در احادیث معصومین . علیه السلام

۱. محمد حسین، طباطبائی، «تفسیر المیزان» ج ۱۶، ص ۱۷۹

انتظار مهدویت از دیدگاه تشیع.

انتظار مهدویت از دیدگاه اهل تسنن.

انتظار مهدویت از دیدگاه ادیان و مکاتب.

تفاوت در انتظار ظهور مصلح بین شیعه و وسایر ادیان.

رد انجمن حجتیه مهدویه از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله علیه).

انتظار مهدویت از دیدگاه قرآن کریم و احادیث قدس.

« قرآن کریم در بیش از صد و بیست آیه راجع به مهدویت و انتظار اشاره فرموده و اعلام داشته که اراده و خواست خداوند متعال بر این است که دوران حکومت شیطان را به پایان برد و بساط پیروان او را بر چیند و حتماً بندگان صالح خویش را در همه جای زمین حکومت خواهد داد و سراسر گیتی را به آنان خواهد سپرد تا قوانین اسلام را بطور کامل و همه جانبه تطبیق و اجرا سازند و سعادت افراد بشر بلکه حتی حیوانات و تمام موجودات زمین تضمین و تامین گردد و هدف نهائی از زندگی تحقق پذیرد. »^۱

ابتدا برخی از اوصاف امام زمان در قرآن و تعبیری که توصیفی است در رابطه با امام زمان و نسبت او با قرآن را مطرح کرده و سپس به ذکر آیات قرآنی می پردازیم:

همپای قرآن: پیامبر اکرم (صلی اله و آله وسلم) در سفارش مشهور خویش فرمود:

انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی ما ان تمسکتُم بهما لن تضلوا ابدا»^۲ من در بین شما دو امانت گرانبها کتاب خدا و اهل بیتم را» باقی می گذارم تا زمانی که به آن دو چنگ زده باشید هرگز گمراه نخواهید شد.

و بدین سان بر همپایی و همراهی خاندان خویش علیهم السلام با قرآن کریم تاکید نموده این تاکید دلالت بر این دارد که در زمان ما کتاب خدا جز در کنار مهدی آل محمد علیهم السلام که یگانه

۱. سید هاشم، حسینی بحرانی، «سیمای حضرت مهدی (عج) در قرآن»، مترجم: سید مهدی، حائری قزوینی، ص ۲۳ و ۲۴.

۲. احمد، ابن حنبل، «مسند»، ج ۵، ص ۱۸۲ و ۸۹.

ذخیره و باقیمانده این دودمان پاک است کتاب هدایت انسانها نتواند بود و از گمراهی و سرگردانی مردم جلوگیری نتواند کرد.

و نیز رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «علی عَلَيْهِ السَّلَام با قرآن است و قرآن با علی عَلَيْهِ السَّلَام است هرگز از یکدیگر جدا نشوند تا آن زمان که در حوض کوثر بر من وارد شوند»^۱

«با توجه به اینکه در این عصر وصایت و وراثت حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام در همه مقامات ولایتی و شئونات هدایتی اش تنها از آن حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام می باشد. بر چنین همراهی و همپایی و معیتی بین او و قرآن نیز دلالت دارد»^۲

شریک قرآن: همه ائمه بزرگوار شرکاء قرآن کریم شمرده شده اند. چنانکه به طور ویژه در یکی از زیارت های مخصوصه حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام با تعبیر «السلام علیک یا شریک القرآن»^۳ از ایشان یاد شده است.

تلاوت کننده و ترجمان قرآن: از آن رو که تلاوت آیات کتاب خدا بهترین وسیله انس با خداست و برای مقربان درگاه حق هیچ لذتی بالاتر از خواندن و تدبیر در آن نیست حضرت مهدی (عج) که در این دوران والاترین درجات انس و بالاترین مقامات قرب الی الله را دارا است شایسته ترین کسی است که به عنوان «یاتالی کتاب الله و ترجمانه»^۴ می تواند مورد خطاب قرار گیرد.

قرائت کننده و تفسیر گر قرآن برای قرائت و تفسیر قرآن کریم چه کسی شایسته تر از حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام است که در این زمان چراغ هدایت و حامل علوم قرآن و نگاهبان گنجینه دانش الهی و حافظ سر خداست و تنها اوست که امانات نبوت و ودیعت های رسالت در این

۱. سلمان، قندوزی حنفی، «ینابیع الموده علی محمدی»، ج ۲، ص ۲۹۶

۲. واحد تحقیقات مسجد جمکران، «امامت، غیبت، ظهور» ص ۱۷

۳. شیخ عباس، قمی، «مفاتیح الجنان»، زیارت جامعه ص ۱۰۵۹.

۴. همان، زیارت آل یس، روایت شده از زیارت ناحیه مقدسه امام زمان (ع)، ص ۹۸۲.

عصر به او سپرده شده است.^۱ اوست قرآن را چنان که پیامبر و علی علیه السلام قرائت می کردند قرائت می کند و ان چنان خدای محمد و علی علیه السلام می پسندد و مقرر فرموده است تفسیر می نماید: «السلام عليك حين تقرأ و تبين»^۲

«چه خوش است صورت قرآن ز تو دلربا شنیدن

به رخت نظاره کردن، سخن خدا شنیدن»^۳

تعلیم دهنده احکام قرآن: «سلام الله علی صاحب الزمان و مظهر الایمان و ملقن احکام القرآن»^۴؛ «سلام خدا بر صاحب الزمان و آشکار کننده ایمان و تلقین و تعلیم دهنده احکام قرآن».

احیاگر قرآن: در آخر الزمان که سنت های قرآنی به فراموشی سپرده شده و بسیاری از معارف این کتاب سوی الهی از سوی کثر اندیشان به تحریف و تبدیل کشیده شده و حیات و حیات آفرینی آیاتش در حصار جهل و هوس دنیا پرستان نادیده گرفته شده است مهدی علیه السلام می آید تا احیاگر این معجزه جاوید باشد و اسلام و مسلمین را در پرتو انوار فروزان آن جانی تازه بخشد.^۵

«خدایا از دینت آنچه به نابودی گراییده به وسیله او تجدید فرما و از کتابت آنچه دگرگونی و تبدیل پذیرفته به وسیله او احیاء کن و از احکامات آنچه را که تغییر یافته و به وسیله او آشکار گردان»^۶

انتظار ظهور و حضرت مهدی علیه السلام «در قرآن:

۱. تعبیری بر گرفته از «زیارت جامعه» مندرج در زیارت سوم ملحقات مفاتیح الجنان

۲. عباس قمی، «مفاتیح الجنان»، زیارت آب بس، ص ۹۸۳.

۳. خواجه شمس الدین محمد، حافظ شیرازی، «دیوان حافظ»، ص ۳۰۰.

۴. عباس قمی، «مفاتیح الجنان»، زیارت آل بس، ص ۹۸۳.

۵. واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران، «امامت، غیبت، ظهور»، ص ۱۷.

۶. شیخ عباس قمی، «مفاتیح الجنان»، صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی وارد شده از ناحیه مقدسه حضرت ولی عصر امام زمان (علیه السلام)، در اعمال در روز جمعه.

در قرآن آیات بسیاری وجود دارد که به شهادت روایات مستند و معتبر درباره حضرت مهدی علیه السلام و قیام جهانی او نازل گردیده است.

در کتاب شریف «المحجه فی ما نزل فی القائم الحجه علیه السلام» که توسط محدث بزرگوار مرحوم «سید هاشم بحرانی رحمه الله» و با بهره گیری از دهها جلد کتب تفسیر و حدیث تالیف گردیده مجموعاً ۱۳۲ آیه از آیات کریمه قرآن ذکر شده که در ذیل هر کدام یک یا چند روایات در تبیین کیفیت ارتباط آیه با آن حضرت علیه السلام نقل شده است. از باب نمونه:

امام صادق علیه السلام درباره قول خدای عزوجل: «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون»^۱ یعنی: اوست خدایی که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرو فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند اگر چه ناخوشایند کافران باشد.

فرمود: به خدا سوگند هنوز تأویل این آیه نازل نشده است و در زمان قیام قائم علیه السلام نازل خواهد شد. پس زمانی که قائم علیه السلام «پیاخیزد هیچ کافر و مشرکی نمی ماند مگر آنکه خروج او را ناخوشایند می شمارد»^۲.

امام باقر (ع) درباره آیه شریفه: «وقل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقاً»^۳ بگو حق آمد و باطل از بین رفت، همانا باطل نابود شدنی است. فرمود: «زمانیکه قائم علیه السلام قیام نماید دولت باطل از بین خواهد رفت»^۴.

امام صادق علیه السلام در بیان معنای آیه کریمه: «ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون»^۵ به راستی بعد از ذکر در زبور نوشتیم که بندگان صالح من وارثان زمین خواهند بود.

۱. سوره توبه / ۳۳.

۲. محمد، شیخ صدوق، «کمال الدین»، ج ۲، باب ۵۸، ص ۶۷.

۳. سوره اسراء / ۸۱.

۴. ابوالحسن، قمی، «تفسیر قمی»، ج ۲، ص ۸۷.

۵. سوره انبیاء / ۱۰۵.

فرمود: «تمام کتب آسمانی ذکر خواست و بندگان شایسته خدا که وارثان زمین هستند حضرت قائم علیه السلام و یاران او می باشند.»^۱

امام باقر علیه السلام درباره قول خدای عزوجل: «الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوه و اتوا الزکاه.»^۲

کسانی که اگر آنان را در زمین قدرت بخشیم نماز را به پا می دارند و زکات میدهند.

فرمود: «این آیه در حق آل محمد (صلی اله علیه وآله وسلم) و در حق حضرت مهدی علیه السلام و یاران او که خداوند شرق و غرب به زمین را تحت سلطه آنان قرار می دهد و به وسیله آنان دین را پیروز گرد آمده و باطلها را می میراند.»

«قل کل متربص. فتربصوا. فستعلمون من اصحاب الصراط السوی و من اهتدی.» «بگو همه ما و شما در انتظاریم. حال انتظار کشید. اما به زودی می دانید چه کسی از اصحاب صراط مستقیم است و چه کسی هدایت یافته است.» در این آیه خداوند به رسول صلی الله علیه و آله دستور می دهد که به منکران لجوج و بهانه جو قاطعانه اخطار کند و بگوید: همه ما و شما در انتظاریم. ما انتظار وعده های الهی را در مورد شما داریم. شما هم در انتظار این هستید که مشکلات و مصائب دامان ما را بگیرد. اکنون که چنین است در انتظار به سر برید. اما به زودی خواهید دانست. چه کسانی اهل راه مستقیم و آیین حقند و چه کسانی به منزلگاه حق و نعمت جاودان الهی هدایت یافتند.

امام صادق علیه السلام فرمود آیه: «امن یجیب المضطر اذا دعاه و یكشف السوء و یجعلکم خلفا الارض.»^۳

: جز خدا کیست که دعای درمانده واقعی را جابت کند و بلا را رفع نماید و شما را خلفای زمین قرار دهد؟ ... درباره قائم آل محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است به خدا سوگند، او همان

۱. محمد، عیاش سمرقندی، «تفسیر عیاشی»، ج ۳، ص ۱۳۶.

۲. سوره حج / ۴۱.

۳. سوره نمل / ۶۲.

مضطر در مانده ای است که چون در مقام ابراهیم دو رکعت نماز گزارد و فرج خویش از خدا بخواهد خداوند دعایش را اجابت کند و بدیها را برطرف سازد و او را در زمین خلیفه قرار دهد.^۱

« و نريد ان نمن على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم الائمة و نجعلهم الوارثين. »^۲ و ما ارداه کرده ایم که بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم. در این آیه خداوند بر سر سه مسئله تکیه نموده است که عبارتند از :

۱- می خواهیم مستضعفان را مشمول نعمتهای خود سازیم. ۲ - آنان را پیشوایان قرار دهیم. ۳- می خواهیم آنان را وارثان حکومت روی زمین مقرر داریم. و این بشارتی است در زمینه پیروزی بر باطل و ایمان بر کفر و این بشارتی است برای همه انسانهای آزاده و خواهان حکومت عدل و داد و بر چیده شدن بساط ظلم و جور. و لذا در روایات و اخبار حضرات ائمه معصومین علیهم السلام این آیه درباره ظهور و بروز چنین حکومتی تفسیر شده است که به بعضی از آنها اشاره می گردد:

امیرالمومنین علیه السلام چنین می فرماید: «دنیای پس از جموشی و سرکشی همچون شتری که از دادن شیر به بچه اش خودداری می کند به ما روی می آورد و سپس همین آیه مورد بحث را تلاوت فرمود.»^۳

در حدیث دیگری آمده است که امام علی علیه السلام پیرامون آیه مورد بحث می فرماید: «این گروه آل محمد (صلی الله و علیه و آله و سلم) هستند. خداوند، مهدی آنها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می شود بر می انگیزد و به آنها عزت می دهد و دشمنانشان را خوار و ذلیل می کند.»^۴

۱. ابوالحسن، قمی، «تفسیر قمی»، ج ۲، ص ۱۲۹.

۲. سوره قصص، آیه ۵.

۳. سید شریف، رضی، «نهج البلاغه»، کلمات قصار، شماره ۲۰۹.

۴. عبدالعلی، العروسی الحویزی، «تفسیر نورالتقلین»، ترجمه: جواد حسینی، ج ۴، ص ۱۱۰.

کلمه (مستضعف) از ماده ضعف به معنای ناتوانی است. ولی وقتی این کلمه به باب استفعال می رود به معنی کسی است که او را به ضعف کشانده و در بند و زنجیر و ناتوانی نگاه داشته اند بنابراین مستضعف کسی نیست که ضعیف و ناتوان و فاقد قدرت و نیرو باشد بلکه کسی است که نیروهای بالفعل و بالقوه دارد اما از ناحیه ظالمان و جباران سخت در فشار قرار گرفته ولی با این حال در برابر بند و زنجیری که بر دست و پایش نهاده اند تسلیم نیست و پیوسته تلاش می کند تا زنجیرها را بشکند و آزاد شود. خداوند به چنین گروهی وعده یاری و حکومت در زمین داده است. نه افراد بی دست و پا و ترسو که حتی حاضر نیستند فریاد بکشند تا چه رسد به این که پا در میدان مبارزه بگذارند.

البته مستضعف اقسامی دارد: ۱- مستضعف فکری و ذهنی. ۲- مستضعف اقتصادی. ۳- مستضعف اخلاقی. ۴- مستضعف سیاسی و آنچه بیشتر قرآن روی آن تکیه کرده همان مستضعفین سیاسی و اخلاقی می باشند.

و همیشه در طول تاریخ این مستکبران بوده اند که برای تحکیم پایه های سیاست جابرانه خود قبل از هر چیز سعی می کرده اند توده مردم را به استضعاف فکری و فرهنگی بکشانند و سپس به استضعاف اقتصادی تا قدرت و توانی برای آنها باقی نماند تا فکر قیام و گرفتن زمام حکومت را در مغز خود نیروانند.^۱

«واستمع یوم یناد المناد من مکان قریب یوم یسمعون الصیحه بالحق. ذلک یوم الخروج.»^۲
 «گوش فرا ده و منتظر روزی باش که منادی از مکان نزدیک ندا می دهد روزی که همگان صیحه رستاخیز را به حق می شنوند. آن روز روز خروج است.»
 آیات آخرین سوره (ق) همانند سایر آیات این سوره بر مسئله معاد و رستاخیز تکیه دارد و گوشه دیگری از آن را مطرح می کند و آن مسئله نفخ صور و خروج مردگان از قبر است. مخاطب در استمع (گوش فرا ده) اگر چه شخص رسول ﷺ است ولی مسلماً مقصود همه انسانها هستند. و منظور از گوش فرا دادن، یا انتظار کشیدن است زیرا کسانی که در انتظار

۱. محمد جواد، مولوی نیا، «سیمای مهدویت در قرآن»، صفحه ۱۲.

۲. سوره ق / ۴۲ و ۴۱.

حادثه ای به سر می برند که با صدای وحشتناکی شروع می شود دائماً گوش فرا می دهند و منتظرند و یا منظور گوش فرا دادن به این سخن الهی است و معنا چنین می شود این سخن را بشنو که پروردگارت در مورد صیحه و رستاخیز می گوید.

اما این منادی (ندا کننده) کیست ؟

ممکن است منادی، ذات پاک خداوند باشد که این ندا را می دهد. ولی به احتمال قوی تر (منادی) همان اسرافیل که در صور می دمدم و در آیات دیگر قرآن نه با نام بلکه با تعبیرات دیگری به او اشاره شده است.

تعبیر به مکان قریب اشاره به این است که این صدا انچنان در فضا پخش می شود که گویی بیخ گوش همه است و همه آن را یکسان از نزدیک می شنوند. در هر حال این صیحه، صیحه نخستین که برای پایان گرفتن جهان است نیست بلکه صیحه دوم یعنی همان صیحه قیام و خروج از قبر هاست و در حقیقت آیه دوم توضیح و تفسیر است برای آیه اول.

علی بن ابراهیم قمی در تفسیرش که منسوب به امام صادق علیه السلام است: امام فرمود: منادی صیحه حضرت قائم و نام پدرش علیه السلام را ندا می کند و این که خداوند فرموده: (روزیکه آن صیحه را به حق بشنوند آن هنگام روز خروج است منظور صیحه از سوی آسمان قائم علیه السلام است و آن روز خروج و ظهور است.

« فاستبقوا الخیرات اینما تکنونوا یأت بکم الله جمیعاً »

« پس به خوبی ها و نیکی ها پیشی گیرید هر کجا باشید خداوند همه شما را خواهد آورد. »

در روایات فراوانی که از ائمه معصومین علیهم السلام رسیده جمله « اینما تکنونوا یأت بکم الله جمیعاً » به اصحاب و یاران مهدی موعود علیه السلام تفسیر شده است.

امام صادق علیه السلام درباره این آیه از قرآن کریم فرمود: « درباره قائم (عج) و اصحاب او نازل شده بدون قرار و وعده قبلی جمع خواهند شد. »^۱

۱. محمد بن ابراهیم، نعمانی، « الغیبه نعمانی » ترجمه: جواد غفاری، باب ۱۴ ص ۲۴۱

امام باقر علیه السلام پیرامون این آیه می فرماید: «خیرات ولایت است و فرموده خداوند که هر جا باشید خداوند همه شما را خواهد آورد و منظور اصحاب حضرت قائم که سیصد و ده و چند مرد می باشند، به خدا سوگند منظور از امت معدوده آنها هستند. به خدا سوگند در یک ساعت همگی جمع خواهند شد همچون پاره های ابر پاییزی که بر اثر تند باد جمع و مترکم می گردد.»^۱

« و لنبلونکم بشی من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرين.»^۲ «و البته شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کمبودی از اموال و جانها و ثمرات می آزمایشیم و مؤده ده صبر پیشگان را»

امام صادق علیه السلام فرمود: «به ناچار پیش از قیام قائم سالی خواهد بود که مردم در آن گرسنگی کشند و ترس شدیدی از جهت کشتار به آنان رسد. و در اموال و جانها و میوه ها کمبودی حاصل گردد. و البته این مطلب در قرآن به روشنی آمده و سپس همین آیه را تلاوت فرمود.»

«قال رب فانظرنی الی یوم یبعثون. قال فانک من المنظرین الی یوم الوقت المعلوم»^۳ شیطان گفت: «پرودگار مرا تا روز رستاخیز مهلت ده و زنده بگذار فرمود: تو از مهلت یافتگانی در امانی تا روز رستاخیز بلکه تا روز و وقت معینی. ابلیس وقتی از درگاه خدا رانده شد و احساس کرد که آفرینش انسان سبب بدبختی او شد. آتش کینه در دلش شعله ور گشت تا انتقام خویش را از فرزندان آدم بگیرد. هر چند مقصد اصلی خود او بود نه ادم و نه فرمان خدا. ولی غرور و خود خواهی توأم با لجاجت به او اجازه نداد این واقعیت را درک کند. لذا از

۱. عبدالعلی، العروسی الحویزی، نورالتقلین، جلد ۱، ص ۱۳۹.

۲. سوره بقره / ۵۵.

۳. سوره حجر / آیات ۳۸-۳۶.

درگاه خدا چنین تقاضا کرد که مرا تا روز رستاخیز مهلت ده خداوند هم خواسته اش را پذیرفت ولی تا وقت و زمان معینی^۱ نه روز رستاخیز.

امام صادق علیه السلام در جواب شخصی به نام وهب که پیرامون این آیه و وقت معلوم از او سوال کرد فرمود: «وقت معلوم در این آیه روز قیامت نیست. بلکه وقت معلوم روز قیام قائم آل محمد «صلی الله الیه و آله وسلم» است. هرگاه خداوند او را برانگیزد. ابلیس می آید در حالیکه بر زانوهایش راه می رود و می گوید: ای وای از این روزگار آنگاه پشیمانی او گرفته و گردنش زده می شود و این هنگام همان وقت معلوم است که مدت او به پایان می رسد.»^۲

«یریدون لیطفثوا نورالله بافواهمم و الله متم نوره ولو کره الکافرون» «آنها نور خدا را با دهان خود خاموش سازند ولی خدا نورخود را کامل می کند هر چندان کافران خوش نداشته باشند.» روایتی از امام موسی بن جعفر علیه السلام: محمد بن فضیل از حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر روایت کرده که از او پیرامون این آیه سوال کردم: امام فرمود: «می خواهند ولایت امیر المومنین علیه السلام را با دهان خاموش نمایند. عرض کردم و خداوند تمام کننده نور خود است. امام در توضیح فرمود: خداوند تمام کننده امامت است به دلیل فرموده خدا: آنانکه به خداوند و رسول او و نوری که نازل ساختیم ایمان آورند. پس نور، همان امام است. عرضه داشتم. اوست خدایی که رسولش را به هدایت و دین حق فرستاد؟ فرمود: یعنی اوست خدایی که رسول خویش را به ولایت وصی خود امر فرمود: و ولایت همان دین حق است. گفتم تا بر همه دین غالب گرداند؟ امام در توضیح آن فرمود یعنی آن را به تمامی ادیان هنگام قیام حضرت قائم علیه السلام غالب سازد و اینکه خداوند فرموده: و خداوند تمام کننده نور

۱. در اینکه یوم «الوقت المعلوم» چه روزیست بین مفسران اختلاف است. بعضی گفته اند منظور پایان این جهان و برچیده شدن دوران تکلیف است. بعضی گفته اند وقت معلوم زمان معینی است که تنها خدا داند. بعضی گفته اند منظور روز قیامت است.

۲. محمد جواد. مولوی نیا، «سیمای مهدویت قرآن»، ص ۱۷ و ۱۶.

خوداست. یعنی ولایت قائم را به مرحله تمام و کمال می رساند و اینکه می گوید: و هر چندان کافران را خوش نیاید. یعنی هر چند کافران به ولایت علی علیه السلام اکراه دارند»^۱

«قل يوم الفتح لا ينفع الذين كفروا يمانهم و لا هم ينظرون»^۲

یعنی «بگو روز پیروزی ایمان آوردن سودی به حال کافران نخواهد داشت و به آنها هیچ مهلت داده نمی شود.

منظور از یوم الفتح روز نزول عذاب استیصال است یعنی عذابی که کفار را ریشه کن سازد و مجال ایمان به آنها ندهد. و به تعبیر دیگر؛ عذاب استیصال از نوعی عذاب دنیوی است نه عذاب اخروی و نه عذابهای معمولی دنیا بعد از اتمام حجت کامل به زندگی اقوام گنهکار خاتمه می دهد.

به چند دلیل:

اگر منظور عذاب های معمولی دنیا و یا پیروزیهای همچون پیروزی مسلمانان در جنگ بدر و روز فتح مکه بود. جمله «لا ینفع الذین کفروا ایمانهم» درست نخواهد بود. زیرا هم در روز فتح بدر و هم در روز فتح مکه ایمان آوردن فایده داشت و درهای توبه باز بود.

اگر منظور از یوم الفتح روز قیامت بوده باشد. چنانچه بعضی از مفسرین گفته اند با جمله، «ولا هم ینظرون» سازگار نیست. زیرا مهلت دادن یا ندادن مربوط به زندگی این دنیاست از این گذشته در هیچ موردی از قرآن یوم الفتح به معنای قیامت به کار نرفته است.

تعبیر به فتح مورد عذاب و استیصال در قرآن کراراً دیده می شود. مانند این آیه از سوره شعراء انجا که نوع علیه السلام می گوید «فتاح بینی و بینهم فتحاً و نجنی و من معی من المومنین»^۳

پروردگارا میان من و آنها داوری کن و این قوم ستمگر را ریشه کن فرما و من و تمام مؤمنانی را که با من هستند نجات ده. که این آیه شاره به مجازات طوفان است.^۴

۱. محمد ابن یعقوب، کلینی، «اصول کافی» جلد ۱، ص ۴۳۲.

۲. سوره سجده / ۲۹.

۳. سوره شعراء / ۱۱۸.

۴. ناصر، مکاری شیرازی و جمعی از مؤلفان «تفسیر نمونه» ج ۱۷، ص ۱۷۰.

ابن دراج می گوید شنیدم حضرت صادق علیه السلام درباره قول خداوند عزوجل که می فرماید: «ای رسول به ما بگو: در روز پیروزی ایمان کسانی که کفر می ورزیدند سودی به حالشان نخواهد داشت و مهلت داده نخواهد شد. فرمود: روز فتح و پیروزی روزیست که دنیا بر روی حضرت قائم «عجل الله تعالی فرجه الشریف» گشوده می شود کسی که پیش از آن هنگام مؤمن نبوده و بعد از این فتح یقین کند. ایمانش نفعی به حالش نخواهد داشت.

ولی هر که پیش از آن ایمان داشته و منتظر ظهورش بوده ایمانش برایش سودمند خواهد بود و خداوند مقام و شأنش را نزد امام قائم «عجل الله تعالی فرجه الشریف» بزرگ خواهد ساخت و روز قیامت و رستاخیز بهشتش را برایش زینت خواهد کرد و آتشش را از وی محجوب خواهد فرمود و این است پاداش دوستان و اهل ولایت امیر المومنین علیه السلام و ذریه طاهرین آن حضرت.^۱

«بقیه الله خیر لکم ان کتم مومنین»^۲

«اگر با ایمان باشید بقیه الله برای شما بهترین نعمت و برکت است»
در کتاب نور الابصار آمده است: «چون مهدی ظهور کند کعبه را پایگاه خویش قرار می دهد و ۳۱۳ نفر از یارانش به او می پیوندند آنگاه نخستین سخن این آیه را تلاوت می کند که: بقیه الله بهتر است برای شما اگر ایمان بیاورید. سپس می گوید: منم بقیه الله و خلیفه خدا و حجت او بر شما»^۳

در تفسیر نور الثقلین از اصول کافی نقل شده است: مردی از امام جعفر صادق علیه السلام درباره قائم پرسید که آیا می توان او را به هنگام سلام دادن یا امیر المومنین خطاب کرد؟ فرمود: «نه این اسمی است که خداوند به امیر المومنین داده است»

۱. محمد ابن یعقوب کلینی، «اصول کافی» ج ۱، ص ۴۳۳.

۲. سوره هود / ۸۶

۳. بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود «عج»، مهدی «عج» در سنت نبوی «ص»، ص ۲۲ و ۲۳.

پرسیدم: فدایت شوم به هنگام سلام دادن به او چه بگویم؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «همه باید بگویند: «السلام علیک یا بقیه الله».

سپس امام این آیه را تلاوت کرد: «بقیه الله خیر لکم ان کنتم مومنین»^۱ شیخ ابومنصور طبرسی در کتاب الاحتجاج از امیر المومنین علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «بقیه الله یعنی مهدی که پس از از گذشتن این دوره خواهد آمد. و زمین را از قسط و عدل پر خواهد کرد. هماهنگونه که از ظلم و جور پر شده باشد.»^۲

همچنین در احادیث آمده است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «علم به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله در قلب مهدی ما می روید چنانکه بهترین و شادابترین گیاهان می رویند هرکس از شما باقی ماند و مهدی را ملاقات کند به او اینگونه سلام بدهد: «السلام علیکم یا اهل بیت الرحمه و النبوه و معدن العلم و موضع الرساله، السلام علیک یا بقیه الله»^۳

از مجموع آیات یاد شده به خوبی استفاده می شود که جهان روزی را در پیش دارد که حکومت مطلق به دست پاکان و صالحان و افراد با ایمان خواهد افتاد، و طبق روایات و نویدهای تمام انبیای الهی، آن عصر درخشان و روزگار طلایی که مورد انتظار بشر و همه مسلمانان و شیعیان جهان است، همان روز قیام منجی عالم بشر، و دوران پرشکوه ظهور مبارک مهدی موعود علیه السلام خواهد بود.

در این نویدها چهار رکن اساسی برای کارنامه قیام مصلح جهانی و «موعود قرآن کریم» بیان شده است که عبارتند از:

۱. محمد رضا، حکمی، «خورشید مغرب»، ص ۱۴۹ و ۱۴۸.
 ۲. عبدالعلی، العروسی الحویزی حنفی، «تفسیر نور الثقلین» ج ۲، ص ۳۹۲-۳۹۰.
 ۳. محمد باقر، مجلسی، «بحار الانوار»، مترجم: علی دوانی، ج ۵۲، ص ۳۱۸ و ۳۱۷.

۱- «حکومت واحد جهانی بر اساس توحید و خدا پرستی به رهبری موعود قرآن، تشکیل خواهد شد و اداره آن حکومت عادلانه به دست مردم صالح و با ایمان واگذار خواهد گردید.»^۱

۲- برنامه های عالی اسلامی و نظام کامل حکومت «الله» در سرتاسر جهان بدون کم و کاست اجراء، و همه احکام الهی به خود جامه عمل خواهد پوشید.

۳- بیم و هراس توده مردم از بین خواهد رفت، و آرامش و امنیت کامل در سرتاسر گیتی برقرار خواهد گردید.

۴- همگان، خدای یکتا را پرستش خواهند نمود و هر گونه استعباد و بندگی و بت پرستی ریشه کن خواهد شد.

۱. انتظار ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) در احادیث قدس :

خداوند فرمود: «ای پیامبر به وسیله تو و پیشوایان تو بر بندگان خویش رحمت می آورم و به وسیله قائم از بین شما زمین خود را با تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر و بزرگداشت مقام الوهیت آباد می سازم؛ و به وجود او زمین را از دشمنانم پاک می کنم و آن را میراث اولیای خویش قرار می دهم و به وسیله او کلمه توحید تعالی بخشیده کلمه کافران را به سقوط می کشانم و به دست او و با علم خود سرزمین ها و دل بندگانم را حیاتی تازه می بخشم و و گنج ها و ذخیره های پنهان را به مشیت خود برایش آشکار می سازم و با اراده خود او را بر نهانی ها و مکنونات قلبی دیگران آگاه می گردانم و با فرشتگان خود او را یاری می رسانم تا در اجرای فرمان من و تبلیغ دین من مددکار او باشند او به حقیقت ولی من است و به راستی هدایتگر بندگان من می باشد.»^۲

امام باقر علیه السلام در وجه نامگذاری حضرت مهدی علیه السلام به قائم آل محمد «صلی علیه واله وسلم» حدیثی قدسی روایت فرمود: «زمانی که جدم حسین که صلوات خدا بر او باد به

۱. سید اسد الله، هاشمی شهیدی، «ظهور حضرت مهدی (عج) از دیدگاه اسلام و مذاهب ملل جهان» ص ۱۹۴.

۲. محمد باقر، مجلسی، «بحار الانوار» مترجم: علی دوانی، ج ۵۱ ص ۶۶.

شهادت رسید فرشتگان با گریه وزاری به درگاه خداوند - عزوجل نالیدند و گفتند: پرودگارا، آیا از آنان که برگزیده و فرزند برگزیده تو را و امام انتخاب شده از بین خلق را کشتند در می گذری؟

خداوند به آنان وحی فرمود که: فرشتگان من آرام گیرید سوگند به عزت و جلالم که از آنان انتقام می گیرم اگر چه بعد از گذشت زمانی طولانی باشد. سپس فرزندان از نسل حسین علیه السلام را که پس از او به امامت می رسند به ملائکه نشان داد و آنان شاد شدند. در بین این پیشوایان یک نفرشان به نماز ایستاده بود خداوند عزوجل فرمود: به وسیله آن قائم از دشمنان و قاتلان حسین علیه السلام انتقام می گیرم.^۱

۲. انتظار مهدویت در احادیث معصومین:

در اینجا به برخی احادیث از ائمه اطهار اشاره می کنیم که پیرامون آن حضرت مهدی و انتظار ظهور آن بزرگوار ایراد فرموده اند:

رسول خدا «ص» فرمود: «روز قیامت فرا نمی رسد مگر آنکه از بین ما قائم حقیقی قیام نماید و آن قیام زمانی خواهد بود که خدای عزوجل او را اجازه فرماید هرکس پیرو او باشد نجات می یابد و هر کس از فرمانش تخلف ورزد هلاک می شود ای بندگان خدا، خدا را بر شما باد که به نزدش آید اگر چه بر روی برف و یخ راه روید، زیرا خلیفه خدای عزوجل و جانشین من است»^۱ و در حدیث دیگری می فرماید: «هر کس که مهدی قائم از فرزندان مرا در زبان غیبتش انکار کند به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.»^۲

و نیز می فرمایند: «فضل الهی در درخواست کنید چرا که خداوند دوست می دارد که از او مسئلت کنند. و بالاترین عبادت انتظار فرج است»^۳

۱. همان، ج ۱ ص ۲۹

۲. سید اسد الله، هاشمی، شهیدی، «ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان»، ص ۶۳.

۳. سید محمد رضا، غیائی کرمانی، حکومت مهدی «عج» و آخر الزمان از دیدگاه معصومین «ع» ص ۳۲.

۴. ابراهیم بن محمد، جوینی خراسانی «فراند المصطین» ج ۲، ص ۲۳۵، (حدیث ۵۷۵)

و در حدیث دیگری آمده است که فرمود: «اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند خدا آن روز را طولانی گرداند تا مردی از فرزندانم را برانگیزد برای زنده کردن اسلام و اصلاح اجتماعات بشری که همنام من است»^۵

و در حدیثی دیگر فرمایند: «در زمانی که دنیا را ظلم و ستم فرا گرفته و دین باوران در تنگنا و سختی به سر می برند فریادی از آسمان بر می آید که ای مردم همانا خدا روزگار طاغوتان و منافقان و پیرامون آنها را به سر آورده و بهترین امت محمد را به سرپرستی شما گمارده است. در مکه به او پیوندید که بی گمان او مهدی است.»^۱ و در حدیث دیگری می فرمایند: «خداوند محبت مهدی را در دلها می اندازد پیروان او شیران روز و راهبان شباند»^۱ حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) می فرمایند: «رسول خدا به من فرمودند ای فاطمه تورا بشارت باد به اینکه حضرت مهدی علیه السلام از نسل توست».

امیر المومنین علی علیه السلام می فرماید: «زمین هرگز از وجود قائمی که برای خدا قیام کند و حجت حق را بر پا دارد خالی نخواهد بود. که یا ظاهر و آشکارا و یا ترسان و نهان تا حجتها و دلایل روشن حضرت پروردگار باطل نشود.»

راوی می گوید: نزد حضرت علی علیه السلام بودیم مردی درباره مهدی از او سوال کرد ایشان فرمودند: «ای کاش آن زمان فرا می رسید. در روزگار او خدای متعال قومی را که همچون قطعه های ابر پراکنده اند گرد هم می آورد و دلهایشان را به هم نزدیک می سازد آنان از هیچ کسی نمی هراسد و از این که فردی به جمع آنان گراید به خود نمی بالند. اما رفقا و یاران نزدیک او اکثراً از اهل کوفه و گروهی از خوبان اهل شام می باشند.»^۲

امام حسن مجتبی علیه السلام می فرمایند: «هیچ یک از ما اهل بیت نیست مگر آنکه بیعتی از طاغوت زمانش را اجباراً بر عهده دارد. مگر حضرت قائم که عیسی بن مریم روح الله پشت

۱. همان، ج ۲، ص ۳۲۶.

۲. محمد باقر، مجلسی، «بحار النوار»، مترجم: علی دوانی، ج ۲، ص ۱۴۵.

سر او نماز گزارد. خداوند ولادت او را مخفی می دارد و شخص او را از دیدگان غایب می گرداند تا بیعت هیچ کس را بر گردن نداشته باشد. او نهمین فرزند برادرم حسین پسر فاطمه بانوی بانوان است خداوند در طول غیبت عمر او را طولانی گرداند. آنگاه با قدرت کامله خود به صورت جوانی که کمتر از چهل سال داشته باشد ظاهر نماید این برای این است که همه بدانند خداوند بر همه چیز توانا است.^۱

و در حدیثی دیگر می فرمایند: «امامان - دوازده گانه - از ما هستند و خلافت جز برای ما شایسته نیست و خدای تعالی ما را در کتاب خود و سنت پیامبر (صلی الله الیه و آله و سلم) اهل خلافت قرار داده است.»^۲

امام حسین علیه السلام فرموده اند: «دوازده هدایت شده هدایتگر از بین ما هستند اولین آنان امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه السلام و آخرین آنان نهمین فرزند من است که پیشوای قیام کننده به حق خواهد بود خداوند به وسیله او رزمین را پس از مردنش زنده می کند و به دست او دین حق را بر تمامی ادیان پیروز می گرداند. اگر چه مشرکان را ناخوشایند باشند.»^۳

و در حدیث دیگر می فرمایند: «برای او غیبتی است که گروهی از دین بر می گردند و گروهی ثابت قدم می مانند. به ثابت قدمان گفته می شود: اگر راست می گوئید چه زمانی این وعده تحقق می پذیرد؟ آگاه باشید که بردباران در اثر عصر غیبت در مقابل آزار و تکذیب همانند مجاهدان و جنگجویانی هستند که در حضور رسول خدا شمشیر زده اند»^۴

و در حدیث دیگری آمده است که فرمود: «در نهمین فرزندم سنتی از یوسف و سنتی از موسی بن عمران می باشد و او قائم ما اهل بیت است که خداوند در یک شب کار او در

۱. محمد، شیخ صدوق، «کمال الدین» ج ۱، باب ۲۹، ص ۳۱۶.

۲. احمد ابن علی، طبرسی، «الاحتجاج» ج ۲، ص ۶.

۳. واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران، «امامت، غیبت، ظهور»، ص ۲۴.

۴. محمد باقر، مجلسی، «بحار الانوار» مترجم: علی دوانی، ج ۵، ص ۱۳۳.

اصلاح می کند اشاره به اینکه خداوند وسائل ظهور او را فراهم آورد و یاران او را به دورش جمع کند»^۱

امام زین العابدین علیه السلام می فرماید: «برای قائم ما دو غیبت هست یکی از آن دو طولانی تر از دیگری است ... و آنقدر طول خواهید کشید که اکثر معتقدین به ولایت از او دست می کشند در آن زمان کسی بر امامت و ولایت او ثابت قدم و استوار نمی ماند مگر آن که ایمانش قوی و شناختش درست باشد و در نفس خویش نسبت به حکم و قضاوت ما هیچ گرفتگی و کراهتی احساس نکند و تسلیم ما اهل بیت باشد»^۲

و در حدیث دیگری آمده است که فرمود: تا روزی که قیامت بر پا شود هرگز روی زمین از حجت خالی نخواهد بود و اگر حجت خدا روی زمین نباشد خدا پرستیده نمی شود»^۳

از سعید بن جبیر روایت شده که او گفت: شنیدم حضرت امام زین العابدین علیه السلام می فرمود: «در قائم نشانه هایی از پیغمبران است نشانه ای از آدم و نشانه ای از نوح و نشانه ای از موسی ابراهیم و از و از عیسی و ایوب و محمد صلی الله علیه و آله دارد اما نشانه ای که از آدم و نوح دارد طول عمر است و نشانه ای که از ابراهیم دارد مخفی الولاده بودن تولدش و دوری از مردم است و نشانه ای که از موسی دارد ترس و غیبت از مردم و نشانه ای که از عیسی دارد اختلافی که مردم درباره او دارند و نشانه ای که از ایوب دارد فرج بعد و شدت نشانه ای که از محمد دارد ظهور و قیام با شمشیر است»^۴

در حدیثی دیگر اینگونه آمده است که فرمود: «ای ابو خالد: آنانکه در عصر غیبت زندگی می کنند و عقیده به امامت حضرت مهدی علیه السلام دارند و انتظار ظهور آن حضرت به سر می برند از مردم هر عصر و روزگار دیگری برتر و بالاترند، چرا که خداوند به آنها عقل و درک و معرفت به اندازه ای عطا فرموده که عصر غیبت برای آنان مانند عصر حضور امام است.

۱. محمود، شریعت زاده، حکومت جهانی حضرت مهدی «عج» از دیدگاه قرآن و عترت، ص ۲۸۳.

۲. واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران، «امامت، غیبت، ظهور»، ص ۲۴.

۳. سید اسد الله، هاشمی شهیدی، ظهور حضرت مهدی «ع» از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان ص ۶۵.

۴. محمود، شریعت زاده، «حکومت جهانی حضرت مهدی «ع» از دیدگاه قرآن و عترت»، ص ۲۸۶-۲۸۷.

خداوند آنان را در آن زمان مانند مجاهدان صدر اسلام که با شمشیر در رکاب حضرت رسول می جنگیدند قرار داده است. آنان حقیقتاً برگزیدگان مخلص و شیعیان راستین ما و دعوت کنندگان مردم به سوی خدا در نهان و آشکار هستند.^۱

و در حدیثی دیگر می فرمایند: «هرکس را از دوستان و پیروان ما ثابت قدم و استوار بماند در زمان غیبت قائم ما خداوند متعال به او اجر و پاداش هزار شهید مانند شهداء صدر اسلام بدر و احد را عطا فرماید»^۲

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «همانا برای اصحاب این امر غیبتی هست پس بنده خدا در آن دوران باید تقوای الهی پیشه کند و به دینش چنگ زند»^۳

امام کاظم علیه السلام می فرماید: «صاحب این امر - حضرت مهدی علیه السلام کنار گذاشته شده، تنها و غریب، غایب از اهل و خونخواه پدر خویش می باشد»^۴

و در حدیثی دیگر می فرماید: «بهترین عبادت بعد از معرفت خداوند متعال است انتظار فرج قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است»^۵

و در حدیثی دیگر اینگونه آمده است که می فرمایند: «خوشا به حال شیعیان، که در عصر غیبت قائم به ریسمان دوستی چنگ می زنند و از دشمنان ما بیزاری می جویند. آنان از ما ایند و ما از آنان هستیم. آنان از ما به عنوان امامن خویش راضی هستند و ما نیز از آنها به عنوان شیعیان خود راضی می باشیم. خوشا به حال آنان، بخدا سوگند هم درجه ما در روز رستاخیر هستند.»^۶

۱. محمد، شیخ صدوق، «کمال الدین»، ج ۲، ص ۳۲.
 ۲. محمود، شریعت زاده، «حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) از دیدگاه قرآن و عترت»، ص ۲۹۰.
 ۳. محمد، شیخ صدوق، «کمال الدین»، ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۴۳.
 ۴. محمد، شیخ صدوق، «کمال الدین»، ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۶۱.
 ۵. محمد باقر، مجلسی، «بحار الانوار» مترجم: ج ۵۱، ص ۱۵۱.
 ۶. همان، ج ۵۱، ص ۱۵۷.

امام رضا علیه السلام می فرماید: چقدر زیباست صبر و انتظار فرج. و در حدیثی دیگر می فرماید: «او را غیبتی هست که زمانش زیاد است و پایانش به طول انجامد پس مخلصین، چشم انتظار قیام او می مانند و شک کنندگان، به انکار او بر می خیزند و منکرین به استهزای او می پردازند و تعیین کنندگان وقت ظهور، مورد تکذیب قرار می گیرند و عجله کنندگان در آن هلاک می شوند و تسلیم شدگان نجات می یابند.»^۱

در فرمایش امام جواد علیه السلام منظور از چراغ آشکار، امام حسن عسکری علیه السلام و منظور از چراغ مخفی حضرت مهدی علیه السلام است.

امام هادی علیه السلام می فرماید:

«صاحب و امام شما از دیار ستمگران غایب گشت چشم انتظار فرج باشید.»^۲

امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید: کسی که فرزندم - مهدی علیه السلام را انکار کند مانند کسی است که تمام پیامبران و رسولان الهی را قبول داشته باشد اما نبوت رسول خدا صلی الله علیه و آله را انکار نماید و انکار کننده رسول خدا صلی الله علیه و آله مانند کسی است که همه انبیاء را انکار نماید چون اطاعت آخرین امام ما به منزله اولین امام است و منکر آخرین امام ما به منزله منکر اولین امام است.»

محمد بن عثمان عمری می گوید از پدرم شنیدم که می گفت: از امام عسکری علیه السلام سؤال کردند و من نزد او بودم از حضرت خبری را که از آباء گرام او صلی الله علیه و آله روایت شده سؤال نمودند.

فرمود: «هیچ وقت زمین از حجت خالی نیست تا روز قیامت همیشه مردم زیر سایه بقیه الله می باشند به درستی که اگر کسی بمیرد و معرفت امام به زمانش نداشته باشد، مردن وی مثل

۱. همان، ج ۵۱، ص ۱۵۹.

۲. محمد، شیخ صدوق، «کمال الدین»، ص ۳۲۸.

مردن در زمان جاهلیت است و فرمود: این حق است مانند روز» سپس گفته شد: یابن رسول الله پس کیست حجت خدا و امام بعد از تو بر مردم؟

حضرت فرمود: «فرزندم محمد بعد از من امام و حجت خداست بر خلق بعد از من، هر که بمیرد و او را نشناسد مردنش مانند مردن مردم جاهلیت است به درستی که برای او غیبتی باشد که جاهلان متحیر می شوند و در آن میطلان هلاک شوند و در آن پیشگویان تکذیب نمایند. سپس خروج کند و ظهور نماید و گوئی پرچمها و نشانه های سفید رنگ بالای سر او که در شهر نجف و کوفه به اهتزاز در می آید را می نگریم»^۱

حضرت مهدی علیه السلام می فرماید: «کسی که مرا انکار کند از من نیست و راه او راه فرزند نوح است.»^۲

حمیری می گوید: از محمد بن عثمان نائب خاص حضرت حجت شنیدم که گفت: آن حضرت اشاره به حضرت مهدی را در مستجار که دیوار کعبه شکافته شد و حضرت فاطمه علیها السلام مادر امیر المومنین علیه السلام وارد کعبه و سپس روز سوم در حالی که حضرت امیر المومنین علیه السلام روی دستهای او بود از همان مکان که مجدداً شکافته شده خارج شد، می باشد.

دیدم که به پرده های کعبه آویخته و عرض کردند: «پروردگارا، انتقام مرا از دشمنان بستان (اشاره به ظهور حضرت و انتقام گرفتن از غاصبان خلافت و پیروان آنان و کسانی که به عترت و شیعیان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام ظلم نمودند می باشد.»^۳

۱. محمود، شریعت زاده، «حکوکت جهانی حضرت مهدی (عج)» از دیدگاه قرآن و عترت ص ۳۱۷
 ۲. سید اسد الله، هاشمی شهیدی، «ظهور حضرت مهدی (عج) از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان»، ص ۶۷.
 ۳. محمد باقر مجلسی، «بحار الانوار» مترجم: علی دوانی، ج ۲، ص ۳۰

۳. انتظار مهدویت از دیدگاه تشیع

از نظر شیعه مساله «انتظار مهدویت» و نوید ظهور مهدی موعود علیه السلام یکی از مسائل بسیار حیاتی به شمار می رود و به اندازه ای اهمیت دارد که اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام در ردیف وقوع قیامت و تکذیب و تصدیقش در ردیف تکذیب و تصدیق رسول اکرم صلی الله علیه و آله می باشد.

مساله «انتظار مهدویت» و نوید ظهور ان مصلح الهی «یک مساله کهن و ریشه دار است و سابقه آن به نخستین روزهای طلوع فجر اسلام و دوران شخصی نبی اکرم صلی الله علیه و آله بر می گردد. به اعتقاد شیعه علاوه بر آیات متعددی که در قرآن کریم وارد شده و پیشوایان دینی آنها را به وجود مقدس مهدی موعود علیه السلام و انتظار تفسیر و تاویل کرده اند صدها حدیث معتبر و متواتر از حضرت رسول اکرم «صلی الله علیه و آله وسلم» و جانشینان آن حضرت علیه السلام صادر شده که در آنها کلیه صفات و خصوصیات و جزئیات زندگی آن منتظر موعود علیه السلام که پس از تولد دوبار غیبت خواهد داشت و پس از غیبت طولانی ظهور خواهد کرد و با تشکیل حکومت واحد جهانی جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود. بیان شده است. «شیعیان بر اساس روایات عقیده دارند که مهدی موعود علیه السلام سری از اسرار حق و رازی از رازهای نهفته خداوند و آخرین برگزیده الهی است که پس از تولد از نظرها غایب شده است و بعد از مدت زمان طولانی ظهور خواهد کرد. و او حجه الله، خلیفه الله و بقیه الله است. مهدی موعود علیه السلام از نسل پاک پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و از علی علیه السلام و زهره علیهما السلام و نهمین نفر از فرزندان امام حسین علیه السلام و فرزند بلا فصل امام حسن عسکری علیه السلام است.»^۱

شیعیان دوازده امامی عقیده دارند که حضرت مهدی علیه السلام همنام و هم کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله و هم اکنون زنده است و هنگامی که خداوند اذن ظهورش دهد قیام می کند و زمین را پر از عدل و داد می نماید. شیعیان طبق وعده های انبیاء سلف و نویدهای کتب مذهبی و وعده های

صریح قرآن کریم عقیده دارند: آنگاه که اخلاق و معنویت از میان بشر رخت بر بندد و ظلم و ستم فرا گیر شود و اسباب ظهور که یکی از وظایف منتظران است مهیا گردد. حضرت مهدی علیه السلام به فرمان حق قیام می کند و دنیا را پر از عدل و داد می نماید و به همه رنج ها پایان می دهد.

«شیعیان بر اساس عقل و وجدان و کتاب و سنت عقیده دارند که با ظهور ولی خدا و آمدن موعود مکتبها و رهایی بخش انسانها هیچ حکومت باطلی روی زمین باقی نمی ماند بلکه همه مکتبهای موجود و حکومت های مقتدر زمان یکی پس از دیگری از بین رفته و متلاشی می گردند مرزهای جغرافیایی بین کشورها برداشته می شوند؛ مظاهر شرک، کفر الحاد و بی عدالتی از بین می روند عدالت اجتماعی تامین می گردد. هر حقی به صاحب حق می رسد همگان در رفاه و آسایش زندگی می کنند از ظلم و ستم و بد عدالتی خبری نیست و در سرتا سر جهان هستی تنها یک نظام حکومت می کند. که ان هم نظام عادلانه اسلام و احکام نجات بخش آسمانی و قرآن کریم است»^۱

«درباره وجود مهدی و ظهور او در آخرالزمان کتابهای بسیاری تألیف کرده اند و رساله ها و مقاله های جامع فراوان نوشته اند. نوشتن در این باره از زمان امام حسن عسکری علیه السلام شروع شده و تا عصر حاضر ادامه یافته است. و کمتر کسی در میان عالمیان شیعه یافت می شود که در این باره کتاب ننوشته باشد یا مقاله ننگاشته یا سخن نگفته باشد.»^۲

۴. انتظار ظهور حضرت مهدی «عج» از دیدگاه اهل تسنن

همه فرق اسلامی از شیعه و سنی - بدون استثناء در انتظار قیام یک مصلح بزرگ، از دودمان پیامبر «ص» به ام مهدی علیه السلام به سر می برند و این اعتقاد چنان که از مصادر در متعبر تاریخ و حدیث می آید. در تمام دوران، یک عقیده عمومی امت اسلام بوده است و

۱. همان . ص ۶۴ و ۶۷ .

۲. محمد رضا ، حکیمی ، « خورشید مغرب » ص ۱۱۰ .

همه بر آن اعتقاد داشته اند. و در این راستا مدعیان دروغین را به لحاظ این که واجد صفات و نشانی های مهدی موعود نیستند، رد می کنند.

مردم درباره منجی موعود، اختصاص داده است و چنین می گوید که اعتقاد به مهدی علیه السلام در تمام اعصار و قرون بوده است.

کلام ابن خلدون چنین است: «بدان که بین همه مسلمانان، مشهور است که با گذشت روزگار، ناگزیر در آخر زمان، مردی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله ظهور می کند که دین را یاری و عدالت را آشکار می سازد و مسلمانان از او پیروی می کنند؛ وی بر ممالک اسلامی استیلا می یابد و مهدی نامیده می شود.»^۱

«اتفاق مسلمین بر اصل ظهور مهدی «عج» و برخی از صفات و خصوصیات آن حضرت، همیشه مقبول بوده و علمای بزرگ اهل سنت هم آن را مورد تصریح و تاکید قرار داده اند.»^۲ دانشمندان بزرگ معاصر و اهل سنت، شیخ منصور علی ناصف، نویسنده کتاب التاج الجامع للاصول، می نویسد: «در میان همه دانشمندان امروز و گذشته، مشهور است که سرانجام، مردی از اهل بیت پیامبر «ص» ظاهر می شود که تمام کشورهای اسلامی مسلط می گردد و مسلمانان از او پیروی می کنند و... احادیث مهدی را بسیاری از بزرگان صحابه و محدثین، نقل کرده اند»

سپس بحث مشروحی درباره تواتر احادیث مربوط به مهدی علیه السلام طرح کرده و می گوید: «هذا یکفی لمن کان عنده ذره من الایمان و قلیل من الانصاف دارند؛ یعنی آنچه گفته شد، برای کسانی که یک ذره ایمان و یک جو انصاف، کافی به نظر می رسد»^۳ از این مباحث روشن شد که مسأله انتظار مهدی علیه السلام بین اهل تسنن و تشیع، امری اجماعی و مورد اتفاق است. «و این حقیقت را می توان دریافت که بحث انتظار بین مثلث اسلام، مسیحیت و یهودیت و به عبارتی ادیان ابراهیمی بصورتی جدی مطرح است و در این میان از

۱. ابن خلدون، «مقدمه»، ص ۳۱۱.

۲. لطف الله، صافی گلبایگانی، «منتخب الاثر»، ص ۳۲۱-۳۲۲.

۳. شیخ منصور علی، ناصف، «التاج الجامع للاصول»، ج ۵، ص ۳۱۰.

آن جا که هویت شیعه در پیوند با مفهوم انتظار قوام می یابد و انقلاب اسلامی نیز داعیه دار همین بینش می باشد، می توان با قاطعیت اظهار داشت که بار انتظار بیش از دیگر مذاهب بر دوش شیعه دوازده امامی است. از سوی دیگر برداشت سیاسی قدرت مردانه صهیونیست-ها از مفهوم انتظار مسیحا و مسیحیان از بازگشت عیسی علیه السلام نقطه ای پر تنش را به وجود می آورد. در عین حال اندیشه انتظار موعود در شیعه با توجه به غنای محتوایی و گیرایی آن فرصتی طلایی را در آغاز هزاره سوم به دست آورده است. استفاده هدفدار و روشمندانه از این فرصتها می تواند راه را بر اندیشه های رقیب بسته یا دست کم آنان را بی رقیب نگذارد. در برابر، بی توجهی و ناکارآمدی برنامه ها با توجه به شرایط موجود ضمن آن که راه نفوذ و هجوم را برای اندیشه های دیگر باز خواهد گذاشت، نتیجه ای جز نبرد انتظارها و پیرو آن جنگ منتظران در پی نخواهد داشت. ^۱

ممکن است بعضی از افراد ناگاه تصور کنند که عقیده به انتظار و ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام مختصات شیعه و تمام منابع و مدارک آن هم مربوط به شیعه و راویان مربوط به ظهور نیز همه دانشمندان و بزرگان و علمای شیعه می باشند. ولی باید توجه داشت که: عقیده به انتظار ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام از مختصات شیعه و منحصر به شیعه نیست. و بسیاری از فرقه های اسلامی در این عقیده و مرام با هم اتفاق نظر دارند و آن را جزء عقاید قطعی و مسلم خود می دانند. «ایمان و عقیده به انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام در اسلام به قدرت ریشه دار و با اهمیت است که از دیدگاه دانشمندان و بزرگان اهل سنت نیز - مانند شیعیان - یکی از ضروریات دین مبین اسلام به شمار می رود. و منکر آن از آیین اسلام بیرون است. ^۲

احادیث حضرت مهدی علیه السلام علاوه بر کتب شیعه در بسیاری از کتب معروف اهل سنت نیز آمده است. در اکثر این کتابها از اوصاف و خصوصیات نسبی و زندگی حضرت مهدی علیه السلام

۱. ماهنامه مبلغان، شماره ۳۴، شعبان ۱۴۲۳ هـ. ق. ص ۶۲.

۲. سید اسد الله، هاشمی شهیدی «ظهور حضرت مهدی «عج» از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان»، ص ۶۶

انتظار و علایم ظهور محل بیعت و تعداد اصحاب و مکان ظهور و دیگر ابعاد مربوط به آن حضرت نیز سخن رفته است. به علاوه در ۳۵ کتاب از کتب این دانشمندان تصریح شده که مهدی «عج» فرزند بلافاصل امام حسن عسکری علیه السلام است و حتی عده زیادی از آنها نیز اعتراف کرده اند که این احادیث - یعنی احادیث مربوط به حضرت مهدی - از احادیث مشهور یا از احادیث متواتر است اینک وجدان پاک افراد منصف را «حکم» قرار داده به طور اختصار دور نمایی از این اعتقاد که در منابع و مدارک معتبر اهل سنت و حتی در «صحاح سته» که معروفترین و معتبرترین کتب روایی آنها است - نیز آمده است را می آوریم.^۱

یکی از کتابهای معتبر اهل سنت کتاب «مسند احمد بن حنبل»^۲ می باشد. این کتاب از کهن ترین و معتبرترین مدرک حدیث اهل سنت می باشد. در این کتاب مجموعاً ۱۳۶ حدیث درباره حضرت مهدی و انتظار او روایت شده است. پس از او محمد بن اسماعیل بخاری - با همه تعصبی که نسبت به امامان و اهل بیت علیهم السلام داشته است - در کتاب صحیح خود در احادیث دوازده جانشین پیغمبر را که همگی از قریش خواهند بود و عزت و سربلندی اسلام به وجود آنهاستگی خواهد داشت نقل کرده است. به علاوه بخاری در کتاب خود در «کتاب الانبیا» باب نزول عیسی بن مریم از همکاری حضرت عیسی علیه السلام با حضرت مهدی سخن گفته است.

در همان عصر مسلم بن حجاج نیشابوری (متوفای سال ۲۶۱ هجری) با اینکه مانند «بخاری» اصرار دارد که نامی از مهدی نبرد. در کتاب «الفتن و اشراط الساعة» و باب نزول عیسی از کتاب صحیح خود که دومین کتاب «صحاح» اهل سنت به شمار می رود قسمتی از روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام نقل کرده است.

۱. امام حنبل پیشوای فرقه حنبلی اهل سنت می باشد (متوفای سال ۱۲۴۱ هجری و معاصر امام نهم و دهم (ع)).
 ۲. محمد بن اسماعیل بخاری، نامی ترین محدث اهل سنت و معاصر حضرت امام حسن عسکری (ع) که یک سال پس از ولادت حضرت ولی عصر «عج» سال ۲۵۶ هجری از دنیا رفت

بعد از او ابن ماجه قزوینی (متوفای سال ۲۷۵ هجری) در کتاب «سنن» خود که در آن کتاب نیز یکی از کتاب صحاح اهل سنت است - احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را در بخش مخصوصی به نام «باب خروج المهدی علیه السلام آورده است. در همین عصر ابوداؤد سیستانی (متوفای سال ۲۷۵ هجری) نیز در کتاب «سنن» خود - که از کتب «صحاح سته» می باشد - روایات مربوط به حضرت مهدی را در بخشی از آن کتاب با عنوان «کتاب المهدی (ع)» بیان داشته است.

« باز در همین عصر محمد بن عیسای ترمذی (متوفای سال ۲۷۹ هجری) در کتاب «سنن» خود - که آن هم یکی از کتب «صحاح» است - در باب «ما جاء فی المهدی (رضی الله عنها)» روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را روایت نموده است.^۱

این شش محدث نامی اهل سنت که سرآمد همه محدثان و دانشمندان آنها می باشند روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را از: عمر بن خطاب، عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عباس، ثوبان، جابر بن عبدالله انصاری، جابر بن سمره، عبدالله بن عمر، عبدالله بن عمرو بن عاص، انس بن مالک، ابوسعید خدری، ام سلمه - همسر پیامبر صلی الله علیه و آله - و غیر اینها نقل کرده اند.

« به هر حال، آنچه از مجموع منابع تاریخی و حدیثی اهل سنت استفاده می شود این است که: مسئله انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام مورد اتفاق و اجماع مسلمین است؛ از اینرو، در هر عصری کتابهایی در مسائل مختلف مهدویت نوشته شده، به طوی که هم اکنون بیش از پنجاه جلد کتاب مستقل از علمای اهل سنت درباره حضرت ولی عصر علیه السلام در دسترس قرار دارد که این خود نشانه اهمیت مساله انتظار مهدویت علیه السلام در نزد مسلمانان است.^۲ »

« استاد «علی محمد علی دخیل» اسامی ۲۰۵ کتاب از بزرگان علمای سنی را در کتاب نفیس خود «الامام المهدی علیه السلام آورده است که سی نفر از آنها مستقلاً درباره حضرت ولی

۱. سید اسدالله، هاشمی شهیدی، «ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان»، ص ۷۰-۶۹.

۲. همان، ص ۷۰.

عصر علیه السلام کتاب نوشته اند و ۳۱ نفر شان در فصلی را در کتابهای خود به روایات حضرت مهدی علیه السلام اختصاص داده اند، و ۱۴۴ نفرشان به تناسب های مختلف، روایات مربوط به حضرت مهدی را در کتاب های خود آورده اند.^۱

اکنون نمونه هایی از این احادیث را که معتبرترین کتب روایتی اهل سنت و حتی در برخی از «صحاح ششگانه» آمده است در اینجا نقل می کنیم:

امام احمد حنبل، در کتاب «مسند» خود، از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود:

« شما را به ظهور مهدی علیه السلام بشارت می دهم او در میان امت من برانگیخته می شود، ظهور وی پس از اختلاف زیاد و تزلزل و عدم امنیت خواهد بود. پس از ظهور، زمین را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده است. ساکنان آسمان ها و زمین از او راضی می شوند و اموال را به طور صحیح تقسیم می کند.

مردی پرسید: معنی صحیح چیست؟ فرمود: مال را به طور مساوی در میان مردم تقسیم می نماید.

سپس فرمود: «خداوند دلهای پیروان محمد صلی الله علیه و آله را پر از بی نیازی می کند و عدالت مهدی علیه السلام همه جا فرا می گیرد، تا آنجا که دستوری می دهد کسی با صدای بلند اعلام کند: هر کس نیاز مالی دارد برخیزد. هیچ کس اظهار نیاز نمی نماید جز یک نفر. امام دستور می دهد نزد خزینه دار برود و به او بگوید: مهدی علیه السلام به تو فرمان می دهد که مالی در اختیار من قرار دهی. خزینه دار می گوید: بگیر و دامن او را پر می کند. چون در اختیار او قرار می گیرد پشیمان می شود که چرا آزمند و حریص شده است. لذا مال را بر می گرداند، ولی خزینه دار نمی پذیرد و می گوید: ما آنچه را که بخشیدیم پس نمی گیریم.»^۲

۱. جیمز، دارمستر، «او خواهد آمد»، مترجم: محسن جهانسوز، ص ۷۹.

۲. سید اسدالله، هاشمی شهیدی، «ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان»، ص ۷۲.

محمد بن اسماعیل بخاری، نامی ترین محدث اهل سنت در کتاب «صحیح» خود از ابوهریره نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «چگونه خواهید بود هنگامی که عیسی بن مریم علیه السلام در میان شما نازل شود و امام شما از میان خود شما باشد؟»^۱

همچنین «بخاری» در کتاب «صحیح» خود، از سعید بن مسیب از ابوهریره نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «به خدای بزرگ سوگند! به یقین پسر مریم به عنوان داوری دادگر در میان شما نازل خواهد شد. صلیب را خواهد شکست، و خوک را از میان خواهد برد و جزیه را کنار خواهد گذاشت، و به قدری ثروت خواهد بخشید که دیگر کسی نپذیرد. در آن روزگار، یک سجده برای خدا بهتر از همه دنیا و هر چه در آن است خواهد بود.»^۲

مسلم بن حجاج نیشابوری در کتاب «صحیح» خود - که دومین کتاب معروف از کتب «صحاح» اهل سنت است از ابوسعید خدری و جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «در آخر الزمان خلیفه ای می آید که مال را به طور مساوی تقسیم می کند و آنرا نمی شمارد.»^۳

ابن ماجه در کتاب «سنن» خود، فصل «ابواب الفتن» باب خروج المهدی علیه السلام از قول علی بن ابیطالب علیه السلام آورده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مهدی از ما اهل بیت است و خداوند یک شبه او را آماده قیام می کند.»^۴

و نیز ابن ماجه در «سنن» خود آورده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ما اهل بیته هستیم که خداوند به جای این دنیا، آخرت را برای ما برگزیده است. همانا اهل بیتم پس از من دچار آوارگی، سختی و گرفتاری خواهند گردید، تا این که گروهی از مشرق برخیزند که

۱. اسماعیل، جعفری بخاری، «صحیح بخاری» ج ۴، ص ۶۳۳، باب ۹۴۵.
 ۲. سید اسدالله، هاشمی شهیدی، «ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان»، ص ۷۳.
 ۳. ابوالحسن، نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۷۲.
 ۴. محمد بن یزید، قزوینی، «سنن ابن ماجه» ج ۲، باب خروج المهدی، ص ۴۰۸۵.

با خود پرچمهای سیاه دارند، آنها حق (و یا خیر) را می طلبند که بر آنها داده نمی شود، پس می جنگند و پیروز می شوند و هرچه بخواهند به آنها داده می شود.

ولی آنها نمی پذیرند و زیر بار نمی روند تا اینکه حکومت را به دست مردی از اهل بیتم بسپارند که جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. پس از آنکه پر از ظلم و ستم باشد. پس هر که آن زمان را دریابد به سوی آنان بشتابید هر چند چهار دست و پا بر روی برف و یا یخ به سوی آنان برود.^۱

ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره ترمذی، در کتاب «الجامع الصحیح» معروف به «سنن ترمذی» از عبدالله بن عمر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: «دنیا به آخر نمی رسد، تا این که مردی از اهل بیت من عرب را مالک شود او همنام من است.^۲

ابو عبدالرحمان احمد بن شعیب، معروف به نسائی در کتاب «سنن» خود که یکی از کتب «صحاح ششگانه» به شمار می رود در کتاب جهاد «غزوه هند» از ثویان، غلام رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «دو گروه از امتم هستند که خداوند آنها را از آتش دوزخ حفظ خواهند نمود؛ گروهی که برای فتح هندوستان عزیمت می کنند و گروهی دیگر که با عیسی بن مریم علیه السلام همراه خواهند بود.^۳

و نیز نسائی در کتاب «سنن» خود بنا بر نقل «غایه المرام» و «ینابیع الموده» در باب «ما جاء فی العرب و العجم» در جلد سوم، از مسعده نقل کرده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مژده باد شما را و به دیگران نیز مژده دهید که مثل امت من چون باران است که معلوم نیست آخر آن بهتر است یا اول آن و مانند بوستانی است که گروهی در مدت یکسال از آن استفاده کنند و سپس گروهی دیگر از آن بهره برداری می نمایند (کسی چه می داند) شاید آخرین گروه مردمی داناتر، کنجکاوتر، و نیکوتر باشند. چگونه هلاک می شود امتی که من

۱. سید اسدالله، هاشمی شهیدی، «ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان»، ص ۷۴.

۲. ابو عیسی، ترمذی، «سنن»، ج ۴، باب ۵۲، ص ۵۰۵.

۳. ابو عبدالرحمن، نسائی، «سنن»، باب ۴، غزوه هند، ص ۳۲.

در اول آن و مهدی علیه السلام در وسط آن، و مسیح علیه السلام در آخر آن باشد، ولکن در این میان مردمانی کج و گمراه خواهند بود که نه آنها از منند و نه من از آنها هستم. ^۱

مسعودی (متوفی سال ۳۴۶ هجری): «در سال ۲۶۰ هجری، ابو محمد حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب، در زمان خلافت معتمد عباسی درگذشت، و او پدر مهدی منتظر است.» ^۲

این مطلب را ملا علی قاری در کتاب «المرقاه شرح المشکاه» یاد آور شده، و گفته است: «از آنجا که این پدیده در هنگام خروج، رخ می دهد، و دجال در زمان مهدی و عیسی علیه السلام است، اظهر آن است که گفته شود، مضمون این حدیث مربوط به زمان مهدی و عیسی علیه السلام است.» ^۳

قاضی عیاض (متوفی سال ۵۴۴ هجری):

در کتاب الشفا: ما در این کتاب از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره آینده مطالبی را نقل می کنیم که هرگز از روی هوا سخن نگفته است، و از آن جمله مساله «انتظار ظهور مهدی علیه السلام» است. محیی الدین ابن عربی (متوفی سال ۶۳۸ هجری):

مهدی علیه السلام حجت خدا بر مردم زمان خود و از پیروان پیامبر است. پیامبر (صلی و علیه و آله وسلم) درباره او گفته است: «او راه مرا پی می گیرد و به خطا نمی رود» ... همین امر، گواهی می دهد که مهدی در بیان احکام مصون از خطاست، همان گونه که رسول خدا در ابلاغ آنچه از جانب خداست، عصمت دارد. ^۴

آنچه تا اینجا نقل نمودیم نمونه ای از انبوه روایاتی است که نامی ترین محدثان اهل سنت آنها را در معتبرترین کتب روایتی خود، آورده اند و ما نیز آنها را به عنوان پاسخی برای کسانی که تحت تاثیر عواطف شخصی و تعصب خاص مذهبی قرار گرفته و به مبارزه با

۱. همان، ص ۳۳.

۲. علی بن حسین، مسعودی، «مروج الذهب»، مترجم: محمد محیی الدین، ج ۴، ص ۱۹۹.

۳. بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، «مهدی (عج) در سنت نبوی (ص)»، ص ۴۳.

۴. محیی الدین، ابن عربی، «فتوحات مکیه»، ج ۳، ص ۳۳۲.

شیعه برخاسته و مساله «انتظار» حضرت مهدی (عج) را افسانه ای پنداشته اند که تنها «شیعه» معتقد به آن است در این فصل آوردیم، باشد که روزی به خود آیند و بر میراث پیامبر خویش ﷺ و عترت اهل بیت آن حضرت ﷺ بیش از این ظلم و ستم روا ندارند.

۵ - انتظار مهدویت از دیدگاه ادیان و مکاتب:

انتظار ظهور یک مصلح بزرگ آسمانی، داشتن رهبری پاک، حاکمیت قانون، امید به آینده و استقرار صلح و عدالت جاویدان، تشکیل حکومت جهانی واحد، مرهم گذاری بر زخمهای جان گاه بشریت، نابودی ظلم، اصلاح جامعه بشری، امری فطری و طبیعی است که با ذات و وجود آدمی سر و کار داشته و با آفرینش هر انسانی همراه است و زمان و مکان را نمی شناسد و به هیچ قومی و ملتی اختصاص ندارد. و از دوران کهن تا کنون، آرزوی فلاسفه مصلحان، انقلابیون و همه اقوام و ملل دینی و غیردینی بوده است.

از اینرو همه افراد طبق فطرت ذاتی خود مایلند روزی فرا رسد که جهان بشریت در یرتو ظهور و رهبری الهی و آسمانی و با تایید و عنایت پروردگار، از ظلم ظالمان و ستم ستمگران نجات یافته، شور و بلوا در جهان پایان می پذیرد و انسانها از وضع فلاکت بار موجود نجات یابند و از نابسامانی و نا امنی و تیره روزی جدا می شوند و سرانجام به کمال مطلوب و زندگی شرافتمندانه ای که انسان است، نایل آیند.

« به همین دلیل، در تمام ادیان و مذاهب مختلف جهان از مصلحی که در آخر الزمان ظهور خواهد نمود و به جنایتها و خیانتهای انسانها خاتمه خواهد داد و شالوده حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی و اقی بنیان خواهد نهاد سخن به میان آمده و تمام پیامبران و سفیران الهی در این زمینه به مردم با ایمان جهان نوید هایی داده اند.»^۱

در این زمینه، یکی از نویسندگان معروف چنین می نویسد: «موضوع انتظار ظهور و علایم ظهور، موضوعی است که همه مذاهب بزرگ جهان واجد اهمیت خاصی است. صرف نظر از

۱. سید حسین، تقوی، «حضرت مهدی (علیه السلام) از ظهور تا پیروزی»، ص ۸۳.

عقیده و ایمان که پایه این آرزو را تشکیل می دهد، هر فرد علاقه مند به سرنوشت بشریت و طالب تکامل معنوی وقتی مکه از همه نا امید می شود، و می بیند که با وجود این همه ترقیات فکری و علمی شگفت انگیز، باز متأسفانه بشریت غافل و بی خبر، روز به روز خود را به سوی فساد و تباهی می کشاند و از خداوند بزرگ بیشتر دوری می جوید، و از امر او سرپیچی می کند بنا به فطرت ذاتی خود متوجه درگاه خداوند بزرگ می شود و از او برای رفع ظلم و فساد یاری می جوید.

« از اینرو در همه قرون و اعصار، آرزوی یک مصلح بزرگ جهانی در دل‌های خدایرستان وجود داشته است. و این آرزو نه تنها در میان پیروان مذاهب بزرگ، مانند؛ زرتشتی و یهودی و مسیحی و مسلمانان سابقه دارد، بلکه آثار آن را در کتابهای قدیم چینیان و در عقاید هندیان و در بین اهالی اسکانندیناوی و حتی در میان مصریان قدیم و بومیان و حتی مکزیکی و نظایر آنها نیز می توان یافت. »^۱

« آری ، عقیده به انتظار ظهور یک مصلح بزرگ آسمانی در پایان جهان، یکی از مسائل بسیار مهم و حساسی است که نه تنها در آیین مبین اسلام، بلکه در همه ادیان آسمانی، و نه تنها در میان پیروان ادیان و مذاهب بلکه در نزد بسیاری از مکاتب مختلف جهان سابقه دیرین دارد و تمامی پیروان ادیان بزرگ عالم از مسیحیان، کلیمیان و زرتشتیان گرفته تا پیروان مکتب های الحادی و همه و همه بدان عقیده دارند. ناگفته نماند که پیروان ادیان و مذاهب گوناگون دیگر ملل و اقوام گذشته و مکاتب مختلف جهان درباره نام آن بزرگوار با هم اختلاف نظر دارند مسلمانان او را «مهدی موعود منظر عجله» و پیروان سایر ادیان و مکتبها و ملتها و توده های محروم وی را «مصلح جهانی» یا «مصلح غیبی» یا «رهاننده بزرگ» یا «نجات بخش آسمانی» و یا «منجی اعظم» می نامند؛ ولی درباره اوصاف کلی،

۱. ناصر، مکارم شیرازی، «مهدی عج انقلابی بزرگ»، ص ۵۷.

برنامه های اصلاحی، تشکیل حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی، و ظهور او در آخرالزمان اتفاق نظر دارند.^۱

جالب توجه اینکه حتی در این اواخر نیز این عقیده یعنی انتظار ظهور در بین گروهی از دانشمندان و فلاسفه بزرگ جهان به عنوان: «لزوم تشکیل حکومت واحد جهانی» در سطح وسیعی مطرح گردیده است:

«در عصر اخیر دوشادوش پیشرفت همه جانبه ای که در تمام مسایل علمی نصیب بشریت شده این ایده و عقیده نیز از هر ادیان و مذاهب قدم فراتر نهاده و به عنوان یکی از مهمترین مسایل حیاتی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.»^۲

«آری امروز بسیاری از اندیشمندان و فلاسفه مشهور جهان نیز عقیده دارند که با پیشرفت سریع صنعت و تکنولوژی، زندگی ماشینی، رقابت های ناسالم نظامی، بازیهای خطرناک سیاسی و احساس یاس و ناامیدی در بین جوامع بشری برای رهایی از اوضاع نابسامان کنونی، تشکیل حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی لازم و ضروری است.»^۳

«بنابراین، بر غم افکار بیمار گونه کوتاه نظران کج اندیش که می پندارند مساله مهدویت و انتظار ظهور یک رهبر بزرگ آسمانی در پایان جهان، از مختصات مسلمانان و یا از عقاید خاص شیعیان است، و می کوشند تا به تلاش مذبوحانه خود آن را در یک مکعب خاص محصور کنند این مسئله اختصاص به مسلمانان و شیعیان ندارد؛ بلکه یک اعتقاد عمومی مشترک است که همه امتهای و ملتهای و پیروان ادیان - حتی مکاتب مختلف، فلاسفه، دانشمندان و اندیشمندان واقع بین جهان نیز - در این عقیده و مرام با هم شریکند.»^۴

این مساله (عقیده به انتظار ظهور مصلحی جهانی) در پایان دنیا امری عمومی و همگانی است. و اختصاص به هیچ قوم و ملتی ندارد و سر منشا این عقاید کهن و ریشه دار می باشد.

۱. سید اسدالله، هاشمی شهیدی، «ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان»، ص ۳۸.

۲. جیمز، دارمستر، «او خواهد آمد»، مترجم: محسن جهانسوز، ص ۷۵.

۳. سید اسدالله، هاشمی شهیدی، «ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان» ص ۳۸.

۴. همان ص ۳۸.

که با توجه به آیات قرآن اثبات می رسد آنجا که می فرماید: «اقتربت الساعة و انشق القمر»^۱ یعنی: «ساعت نزدیک شد و قمر بشکافت.»

حافظ قندوزی «حنفی» گوید: «از مفضل بن عمر، از { جعفر بن محمد صادق علیه السلام } در مورد قول خداوند متعال: روایت شده است، که آن حضرت فرمود: «الساعة، قیام «قائم» است و نزدیک است» در میان تفسیر این آیه کریمه، گاهی به قیامت و گاهی بروز ظهور امام مهدی علیه السلام تعارض و منافاتی نیست چرا که هر دو روز حشری عجیب می باشند، قیامت حشر عمومی و همگانی است و روز ظهور، حشر فوجی از هرامت است.»^۲

و نیز آیه: «ولقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون»^۳

«تحقیقاً ما در زبور - بعد از ذکر - نوشتیم که البته بندگان صالح من وارثان زمین می گردند.»
«الارض» می رساند که مراد، همه زمین است. و مراد از زبور که در آن، این بشارت نوشته شده، کتاب آسمانی نازل شده بر حضرت داود علیه السلام است. مراد از ذکر - به قول مفسرین قرآن - کتاب تورات است؛ ممکن است «ال» در «الذکر» برای جنس باشد نه عهد؛ که در آن صورت مطلق کتابهای آسمانی پیش از زبور را شامل می شود. در هر صورت، در این دو کتاب عهد قدیم (تورات و زبور) این وعده مطرح شده است.»^۴

سیری کوتاه در افکار و عقاید و ملل مختلف جهان مانند: مصر باستان، هند، چین، ایران و یونان و نگرش به افسانه های دیگر اقوام مختلف بشری، این حقیقت را به خوبی روشن و مسلم می سازد که همه اقوام مختلف جهان با آن همه اختلاف آرا، و عقاید و اندیشه های متضادی که با یکدیگر دارند، همه انتظار مصلح موعود جهانی، به سر می برند. اینک برای اینکه درباره این موضوع سخنی به گزاف نگفته باشیم، مختصری از بازتاب این عقیده را در میان اقوام و ملل مختلف جهان در این جا می آوریم:

۱. سوره القمر / ۱

۲. سلمان، قندوزی حنفی، «ینایع الموده» ص ۵۱۴

۳. سوره انبیاء، ۱۰۵

۴. سید حسین، تقوی، «حضرت مهدی از ظهور تا پیروزی»، ص ۸۴.

الف) ایرانیان باستان: معتقد بودند که: «گرازاسپه» قهرمان تاریخی آنان زنده است و در «کابل» خوابیده و صد هزار فرشته او را پاسبانی می کنند تا روزی که بیدار شود و قیام کند و جهان را اصلاح نماید.

گروهی از ایرانیان می پنداشتند که: «کیخسرو» پس از تنظیم کشور و استوار ساختن شالوده فرمانروایی، دیهیم پادشاهی به فرزند خود داد و به کوهستان رفت و در آنجا آرمیده تا روزی که ظاهر شود و اهریمنان را از گیتی براند.

ب) نژاد اسلاو: بر این عقیده بودند که از مشرق زمین یک نفر برخیزد و تمام قبایل اسلاو را متحد سازد و آنها را بر دنیا مسلط گرداند.

ج) نژاد ژرمن: معتقد بودند که یک نفر فاتح از طوایف آنان قیام نماید و «ژرمن» را بر دنیا حاکم گرداند.

د) اهالی صربستان: انتظار ظهور «مارکوالیویچ» را داشتند.

هـ) اهالی جزیره انگلستان، از چندین قرن پیش آرزومند و منتظرند که: «آرتو» روزی از جزیره «آوالون» ظهور نماید و نژاد «ساکسون» را در نیا غالب گرداند و سعادت جهان نصیب آنها گردد.

و) «اسن» ها معتقدند که پیشوایی در آخر الزمان ظهور کرده، دروازه های ملکوت آسمان را برای آدمیان خواهد گشود.

ز) «سلت» ها می گویند: پس از بروز آشوبهایی در جهان، «بوریان بور ویهیم» قیام کرده دنیا را به تصرف خود در خواهد آورد.

ح) اقوام اسکاندیناوی معتقدند که برای مردم دنیا بلاهایی می رسد، جنگهای جهانی اقوام را نابود می سازد آنگاه «اودین» با نیروی الهی ظهور کرده و بر همه چیز چیره می شود.

ط) اقوام اروپای مرکزی در انتظار ظهور «بوخص» می باشند.

ی) اقوام آمریکای مرکزی معتقدند که «کوتزلکوتل» نجاتبخش جهان، پس از بروز حوادثی در جهان پیروز خواهد شد.

ک) قبایل ای پوور «معتقدند که: روزی خواهد رسید که در دنیا دیگر نبردی بروز نکند و آن به سبب پادشاهی دادگر در پایان جهان است.

ل) یونانیان می گویند: «کالویبرگ» نجات دهنده بزرگ ظهور خواهد کرد و جهان را نجات خواهد داد.

م) نصارا نیز به وجود حضرت (مهدی عجل الله فرجه) قایلند و می گویند: او در آخر الزمان ظهور خواهد کرد و عالم را خواهد گرفت ولی در اوصافش اختلاف دارند.

ن) زرتشتیان معتقدند که: «سوشیانس» نجات دهنده بزرگ جهان دین را در جهان رواج دهد فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد. ایزدان را از دست اهریمن نجات داده مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و هم کردار گرداند.^۱

در کتابهای زرتشتیان:

« برخی از محققین معتقدند که دوران زندگی زرتشت یا زردشت، پیغمبر ایرانی که در حدود قرن هفتم قبل از میلاد ظهور کرد، در اواسط قرن هفتم قبل از میلاد، یعنی دوره فرمانروایی مادها و پیش از اقتدار هخامنشیان بوده و آئین زرتشتی در اواخر دوره هخامنشیان در پارس شیوع پیدا کرد و در زمان ساسانیان مذهب رسمی ایران بود و کتاب مذهبی او، اوستا است^۲ در اینجا به عقائد آنان در مورد انتظار مصلح آخر الزمان می پردازیم:

الف: زرتشتیان: در کتاب معروف زند - کتاب مذهبی زرتشتیان - پس از ذکر مبارزه همیشگی ایزدان و اهریمنان می خوانیم:

«.. آنگاه پیروزی بزرگ از آن ایزدان می شود و اهریمنان را منقرض می سازند. پس از پیروزی ایزدان و براندازی تبار اهریمنان عالم کیهان به سعادت اصلی خویش رسیده و بنی آدم بر تخت نیک بختی خواهند نشست.»^۳

۱. جمیز، دارمستر، «او خواهد آمد» ترجمه: محسن جهانسوز، ص ۷۸ و ۸۸.

۲. حسن، عمید، «فرهنگ عمید»، ص ۱۱۳۰.

۳. سید حسین، تقوی، «حضرت مهدی از ظهور تا پیروزی» ص ۸۵.

«جاماسب» نام مردی دانا و خردمند است که گفته اند: داماد زرتشت و وزیر گشتاسب بوده است. او در کتاب جاماسب نامه از زرتشت نقل می کند که می گوید: مردی بیرون می آید از بین تازیان؛ مردی بزرگ و سر و بزرگ تن و بزرگسان، به آیین جد خویش و با سپاه بزرگ؛ روی به ایران می نهد و آبادانی می کند و زمین را پر داد کند.^۱

ب) هندویان: «مطابق کتاب های مقدس خود در انتظار مصلحی هستند که ظهور خواهد کرد و حکومت واحد جهانی را تشکیل خواهد داد. برهمنیان از دیر زمانی بر این عقیده بودند که در آخر الزمان «ویشنو» ظهور نماید و بر اسب سفیدی سوار شود و شمشیر آتشین بر دست گرفته و مخالفین را خواهد کشت و تمام دنیا برهنه گردد و به سعادت برسد.»^۲

در کتاب «وشن جوک» از کتب هندوها آمده است: سرانجام نیکو به کسی بر گردد که خدا را دوست دارد و از بندگان خاص او باشد و نام او فرخنده و خجسته باشد.

در کتاب «دید» که در نزد هندویان از کتب آسمانی است آمده است: «پس از خرابی دنیا پادشاهی در آخر زمان پیدا شود که پیشوای خلاق باشد و نام او «منصور» باشد و تمام عالم را بگیرد و به آیین خود آورد.»^۳

در کتاب «دداتک» از کتب مقدسه برهمنیان آمده است: دست حق درآید و جانشین آخر «ممتاطا» ظهور کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد؛ همه جا و همه خلائق را هدایت کند.

در کتاب «باسک» از کتب هندوها آمده است: «دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخر الزمان، که پیشوای فرشتگان و پریان و آدمیان باشد و به راستی حق با او باشد و آنچه در دریا ها و زمین ها و کوه ها پنهان باشد همه را به دست آورد و آنچه از آسمان و زمین باشد، خبر می دهد و از او بزرگ تر کسی به دنیا نیاید.»^۴

ع) چینی ها: معتقدند که «کرشنا» ظهور کرده و جهان را نجات می دهد.

۱. حسن، عمید، «فرهنگ عمید» ص ۱۱۱۵.

۲. محمد، صادقی، «بشارات عهدین»، ص ۲۴۶-۲۴۵.

۳. سید اید الله، هاشمی شهیدی، «ظهور حضرت مهدی (عج) از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان»، ص ۴۵، ۴۴.

۴. محمد، صادقی، «بشارات عهدین»، ص ۲۴۶-۲۴۵.

ف) در میان اقوام مغول، سرخ پوستان و بابلیان و... «گلدزیهر» خاورشناس نامی (۱۹۲۱ - ۱۸۵۰) که وی را بنیانگذار علم اسلام شناسی در اروپا می دانند، در سخنرانی های اسلامی خود - مساله مهدویت را مورد بررسی قرار داده در مورد جنبه عمومی و جهانی انتظار و اقوام مختلف برای یک منجی بزرگ و به هنگام فشار و مصیبت می گوید:

« در میان اقوام مغول تا امروز، (۱۹۱۰)، این عقیده شایع است که چنگیزخان - پس از مرگ خود - وعده کرده است که در هشت یا نه قرن دیگر از نو، باز در زمین ظاهر خواهد شد و مغولان را از زیر یوغ چینیان نجان خواهد داد. در شرایط مشابه، در میان اقوام شرقی و غربی، حتی در میان سرخ پوستان آمریکا - پندارهای مشابهی درباره بازگشت یا انتظار ظهور منجی موعود پدید آمده است.

همچنین کوشش شده است که منابع قدیمی تری برای اعتقاد به بازگشت و قیام منجی بزرگ بیابند: چنان که پینجز بر اساس متنهای میخی بابلی نتیجه گرفته است که بابلیان باستان نیز در انتظار بازگشت مجدد شهریار خویش «سارگون دوم» بوده اند تا شکوه گذشته را تجدید کنند و عظمت از دست رفته را از نو باز مستقر سازند.^۱

ص) یهودیان «معتقدند که در آخر زمان «ماشیح» مهدی بزرگ ظهور می کند و تا ابد در جهان حکومت می کند. او را از اولاد حضرت اسحاق می پندارند در صورتی که تورات کتاب مقدس یهود او را از اولاد حضرت اسماعیل دانسته است.^۲

نظر یهودیان و مطالبی از تورات و ملحقات آن

در تورات - در پاراش لخلخا، فصل ۱ از آیه ۲۰ از سفر تکوین از قول خداوند به ابراهیم خلیل - آمده است:

۱. ناصر الدین، صاحب الزمانی، «دیباچه ای بر رهبری»، ص ۱۰۸-۱۰۶.

۲. سید اسدالله، هاشمی شهیدی، «ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان»، ص ۴۵.

« در خصوص اسماعیل به تو شنوادم و اجابت کردم و او را برکت دادم و نسلش را مثل خاک - زیاد کردم به وسیله محمد و دوازده امام، و امتی عظیم از وی به وجود خواهم آورد.»

خداوند جلیل، پس از این که هفده بشارت به حضرت خلیل علیه السلام داد - چنانکه در پاداش مذکور مسطور است - حضرت ابراهیم علیه السلام بعد از استماع بشارت مذکور، به سجده افتاد و تمنا کرد: کاش اسماعیل در حضور تو زیست کند. پس خداوند عالم فرمود: دعای تو را در حق اسماعیل به اجابت رساندم او را برکت داده و فرزندان او را زیاد خواهم کرد؛ قبیله بزرگ - که عبارت از قبیله عرب است - از نسل او خواهد بود و او را بزرگ خواهم گرداند؛ به سبب این که محمد صلی الله علیه و آله و دوازده امام، که اوصیای محمد صلی الله علیه و آله هستند را از نسل او پدید خواهم آورد.

« کلمه عبری (شمعتیخا) به معنی (استمعنتک) در عربی است. یعنی شنوایدم و اجابت کردم (مادماد) یعنی محمد صلی الله علیه و آله و از نظر عدد - در اعداد یهود - مثل هم و معادل عدد ۹۲ هستند، (سنیم عاشار) به معنی (اثنی عشر) یعنی دوازده امام می باشد.»^۱

در زیور داود: در ترجمه فارسی زیور ۳، از مزامیر داود - که چهل آیه است و در آخر تورات آمده - چنین مطالبی به چشم می خورد:

« آیه (۹) زیرا که شیران منقطع می شوند، اما متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد. آیه (۱۰) و حال، اندک است که شیر نیست می شود که هر چند مکانش را استفسار نمایی ناپیدا خواهد بود.

آیه (۱۱) اما متواضعان، وارث زمین شده، از کثرت سلامتی لذت می برند.

آیه (۱۷) چون بازوهای شیران شکسته می شود و خداوند صدیقان را تکیه گاه است.

آیه (۱۸) خداوند روزهای صالحان را می داند و میراث ایشان، ابدی خواهد شد.

آیه (۱۹) زیرا متبرکان وارث زمین خواهند شد اما ملعونان وی (خداوند) منقطع خواهند شد.
 آیه (۲۲) خداوند عدالت را دوست می دارد و مقدسان خود را و انمی گذارد؛ تا ابد محفوظ
 می شوند در حالی که ذریه شریران منقطع است.

آیه (۲۹) صالحان وارث زمین شده ابدأ در آن ساکن خواهند بود.

آیه (۳۰) برهان صدیق به حکمت، متکلم خواهد بود و زبانش به حکم گویاست.

آیه (۳۱) شریعت خدا در قلبش بوده قدمهایش نخواهد لغزید؛^۱

این بشارت - کاملاً - مطابق آیه قرآن است از آن جا می فرماید:

« ولقد كتبنا فی الذبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون »^۲ یعنی؛ «و ما بعد از
 تورات در زبور داوود نوشتیم که البته بندگان نیکوکار من، زمین را وارث و متصرف خواهند شد». و
 مراد از صدیق که در بشارت ۳۰ آمده و صفات او بیان شده بود حضرت مهدی (ع) است.
 در کتاب حقوق نبی فصل ۷ آمده است: «و اگر چه تاخیر نماید برایش، منتظر باش زیرا که
 البته خواهد آمد و درنگ نخواهد نمود بلکه جمیع امت ها را نزد خویش جمع می کند.»^۳
 در کتاب «اشعیای نبی»، فصل ۱۱، آمده است:

« و نهالی از تنه یسی (پدر داود) برآمده؛ شاخه ای از ریشه هایش خواند شکفت و روح
 خدا بر او قرار خواهد گرفت ...

برای ذلیلان به عدالت حکم می کند و برای مسکینان زمین - به راستی - مایه بیداری
 خواهد بود ...

کمر بند کمرش عدالت است و کمر بند میانش امانت (دنیا به صورتی در می آید) که گرگ و
 بره در کنار هم سکونت کنند و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید، و گوساله و شیر و پرواری با
 هم، و طفل کوچک آن ها را خواهد راند، و گاو با خرس خواهد چرید و بچه های آن ها با

۱. همان، ص ۹۰.

۲. سوره انبیا / ۱۰۵.

۳. سید حسین، تقوی، «حضرت مهدی (ع) از ظهور تا پیروزی»، ص ۹۱.

هم خواهند خوابید، و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد، و طفل شیرخواره با سوراخ مار بازی خواهد کرد، و طفل از شیر باز داشته شده دست خود را بر خانه ی افعی خواهد گذاشت. و در تمامی کوه مقدس من، هیچ ضرر و فساد نخواهد بود؛ زیرا که زمین، از دانش خداوند، مثل آبهایی که دریا را فرا می گیرد، پر خواهد شد.^۱

(ق) در میان مسیحیان:

در انجیل مرقس، باب ۱۳، آیه ۳۳: (پس بر حذر بیدار شده، دعا کنید؛ زیرا که نمی دانید که وقت، کمی می شود.)

آیه (۲۵): بیدار باشید؛ زیرا که نمی دانید که صاحب خانه کی می آید. در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح.

آیه (۳۶) ک مبادا ناگهان آمده و شما را خفته یابد.

در انجیل لوقا، باب دوازدهم، نیز چنین آمده است:

آیه (۲۵): کمرهای خود را بسته و چراغ های خود را فروخته دارید.

آیه (۳۶): شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود می کشید؛ تا هر وقت بیاید و در را بکوبد بی درنگ - برای او باز کنید!

در انجیل متا باب بیست و چهار آمده است:

آیه (۲۷): «چون برق که از مشرق بیرون می آید تا مغرب ظاهر می گردد، آمدن فرزند انسان^۲ نیز چنین خواهد بود.»

آیه (۳۰): «خواهید دید فرزند انسان را برابر های آسمان که می آید با قدرت و جلال عظیم.»

۱. لقب صاحب خانه که در انجیل مسیح به حضرت مهدی اطلاق شده در روایات اسلامی هم برای آن حضرت تحت عنوان صاحب الدار به کار رفته است.

۲. مراد از فرزند انسان، حضرت مهدی (ع) است؛ نه حضرت مسیح؛ چون بشارت دهنده خود مسیح (ع) است و خیر می دهد که در آینده اینطور خواهد شد.

آیه (۳۱): «و فرشته های خود (یاران) را خواهد فرستاد - با صور بلند آواز - و آنها برگزیدگانشان را جمع خواهند نمود از اطراف اربعه؛ از اقصای فلک تا به طرف دیگر».

آیه (۴۴): «شما هم برای ناگهانی من آماده باشید تا غافلگیر نشوید!»^۱

آنچه از دیدگاه اقوام و ادیان مورد بررسی قرار داده شد. گر چه همه آنها با حضرت مهدی علیه السلام کاملاً تطبیق نمی کند و حتی برخی از آنها اصلاً با مهدی موعود اسلام تطبیق ندارد از یک حقیقت مسلم حکایت می کند و آن اینکه: این افکار و عقاید و آراکه همه آنها با مضمونهای مختلف، از آینده ای درخشان و آمدن صلحی جهانی در آخر الزمان خبر می دهند نشانگر این واقعیت است که همه آنها در واقع از منبع پر فیض وحی سرچشمه گرفته است و لکن در برخی از مناطق دوردست که شعاع حقیقت در آنجا کمتر تابیده است در طول تاریخ به تدریج از فروغ آن کاسته شده و فقط کلیاتی از نوید های مهدی موعود (عج) و «مصلح جهانی» در میان ملتها به جای مانده است. البته سالم ماندن این نویدها در طول قرون متمادی، خود بر اهمیت موضوع می افزاید و مساله «مهدویت» و ظهور مصلح جهانی را قطعی تر می کند.

« بنابراین، عقیده به انتظار ظهور مبارک حضرت مهدی (عج) در آخر الزمان یک عقیده عمومی است و اگر کلمه مهدی و واژه های دیگر را - که پیروان سایر ادیان و مذاهب مختلف جهان بر آن حضرت اطلاق می کنند - از قالب اصطلاح اختصاصی آنها درآوردیم، و آن حضرت را «نجات بخش» یا «مصلح جهانی» و یا «رهایی بخش غیبی» بنامیم، اختلاف اسمی هم رفع می شود.»^۲

۱. سید حسین، تقوی، «حضرت مهدی (ع) از ظهور تا پیروزی»، ص ۹۱ و ۹۲.

۲. سید اسد الله، هاشمی شهیدی، «ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان»، ص ۴۶ و ۴۵.

مهمترین ویژگی های مشترک منجی موعود در ادیان :

اگر بخواهیم مهمترین ویژگیهای مشترک منجی موعود در ادیان را بر شمریم می توانیم به موارد زیر اشاره کنیم:

تقدیر الهی در پیروزی و حاکم شدن حق و شکست باطل.

نقش رهبری دینی در برقراری وضعیت آرمانی و موعود.

برقراری حکومت دینی به دست منجی موعود و نابودی حکومتهای ظالمانه و ستمگر.

حاکمیت دین بر زندگی انسانها و بسط و گسترش عدالت.^۱

۶ - تفاوت در انتظار ظهور مصلح بین شیعه و سایر ادیان:

انتظار گر واقعی باشد، انسان را می سازد؛ یک عقیده قلبی است که آثارش در اندیشه و اعمال، مشهود است؛ زیرا امیدواری به آینده زمانی خوب است که او را به کار و تلاش وادارد و اگر امید نباشد انسان از حرکت می ایستد؛ پس امید واقعی کجاست ؟ در سایر ادیان می گویند: نجات بخش خواهد آمد؛ مثلاً یهود می گوید: مشیا می آید؛ ولی در پاسخ به این سؤال که هویت او چیست ؟ می گویند: نمی دانیم. و یا انجیل می گوید: عیسی خواهد آمد؛ ولی چه خواهد کرد؟ می گویند: نمی دانیم و حتی آنها می گویند: طبق نوشته انجیل، وقتی عیسی بیاید، قیامت برپا خواهد می شود؛ بنابراین مسیحیان، نسبت به آینده، حیرت زده اند. پس انتظار واقعی نیست؛ انتظار مرگ است؛ چون قیامت به پا می شود. اکثراً اهل سنت هم می گویند: مهدی خواهد آمد؛ ولی هنوز متولد نشده است. اما این که هویت او چیست ؟ چه کسی او را انتخاب می کند ؟ پاسخ درستی نمی دهند؛ پس منتظر واقعی نیستند و متحیرند. ولی شیعه او را مشخص می کند؛ می گوید: «او به دنیا آمده پدر و مادرش معلوم است،

۱. مسعود، پور سید آقایی، «فصلنامه علمی - تخصصی شماره دهم، ص ۱۵۴.

اکنون در غیبت کبری است، خداوند او را حفظ کرده و کسانی او را دیده اند؛ بنابراین انتظار شیعه یک انتظار واقعی است.^۱

۷- رد انجمن حجتیه مهدویه از دیدگاه امام خمینی (ره):

امام خمینی (رحمه الله علیه) در رد انجمن حجتیه - که بر این عقیده اند که بگذارید معصیت زیاد شود تا حضرت حجت بیاید - چنین می فرماید:

« و یک دسته دیگر هم که ترشان این است که بگذارید معصیت زیاد شود تا حضرت صاحب بیاید؛ حضرت صاحب، مگر برای چی می آید؟ حضرت صاحب می آید معصیت را بر دارد؛ معصیت کنیم که او بیاید؟! »

این اعوجاجات را بردارید؛ این دسته بندیها را - برای خاطر خدا - اگر مسلمید و - برای خاطر کشورتان - اگر ملی هستید این دسته بندیها را بردارید؛ و این موجی که الان این ملت را به پیش دارد می برد، در این موج، خودتان را وارد و برخلاف این موج حرکت نکنید که دست و پایتان خواهد شکست.^۲

به دنبال این حمله تند و صریح امام خمینی (رحمه الله علیه)، انجمن حجتیه، طی اطلاعیه ای که در اول مردادماه سال شصت و دو منتشر کرد، کلیه جلسه ها و برنامه های خود را تعطیل اعلان نموده؛ متن اطلاعیه بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

اعضای محترم انجمن حجتیه مهدویه

با ابلاغ سلام و تقدیم مراتب مودت، به اطلاع می رساند، روز سه شنبه بیست و یکم تیر ماه شصت و دو (عید سعید فطر) حضرت نایب الامام آیه الله العظمی امام خمینی در بخشی از بیانات مبسوط خویش فرمودند: «یک دسته دیگر هم که ترشان این است که بگذارید که معصیت زیاد بشود تا حضرت صاحب بیاید... برخلاف این موج حرکت نکنید که دست و پایتان خواهد شکست.»

۱. سید حسین، تقوی، «حضرت مهدی (ع) از ظهور تا پیروزی»، ص ۱۱۷.

۲. مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره)، «صحیفه نور»، ج ۱۸، ص ۳۶.

در پی این فرمایش، شایع شد که طرف خطاب و امر مبارک، این انجمن است؛ در مقام استفسار بر آمدیم، البته تماس مستقیم میسر نگشت، لکن با تحقیق از مجاری ممکنه و شخصیت های محترمه موثقه و بنابر قرائن کافیه، محرز شد که مخاطب امر معظم له، این انجمن می باشد؛ لذا کلیه جلسه ها و برنامه ها باید تعطیل شود.»^۱

امام رضا علیه السلام می فرماید:

« وَاللَّهُ لَوْ أَنَّ قَائِمَنَا قَامَ، يَجْمَعُ اللَّهُ إِلَيْهِ شِيعَتَهُ مِنْ جَمِيعِ الْبُلْدَانِ.»

« به خدا سوگند، اگر قائم ما قیام کند، خداوند شیعیانش را از همه ی شهرهای جهان به سوی او گرد آورد.»

بر تو ای یادگار محمد سلام	بر تو ای نور قرآن سرمد سلام
جان فدای خاک راهت	کن عیان رخسار ماهت
کعبه را کن تکیه گاهت	دست حق پشت و پناهت

۱. سید حسین، تقوی، «حضرت مهدی (ع) از ظهور تا پیروزی»

فصل هفتم: دیدگاه اسلام شناسان در ظهور حضرت مهدی (عج)

« اینجا به بررسی نظریات اسلام شناسان پیرامون انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) می پردازیم و بر اساس عناوین ذیل آنها را مطرح می کنیم:

دیدگاه دین پژوهان و اسلام شناسان غربی در انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام

انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) از دیدگاه نظامهای سلطه گر و تقد و اثبات آن از دیدگاه اسلام. «بر اساس تعالیم تمام مکاتب آسمانی، «انتظار» در همه انسانها وجود دارد و زمینه آن در همه جوامع بشری از متمدن و غیرمتمدن به چشم می خورد؛ ولی استکبار پیشگان، پیوسته کوشیده و می کوشند تا مبانی اعتقادی جامعه ها را سست و بی اعتبار سازند، چنین تبلیغ می کنند که، «انتظار» عامل رکود و سستی است و ایمان به وجود یک آینده روشن،

بازتابی از محرومیت های طبقه شکست خورده و یک آرامش موقت است که در لباس مذهب خودنمایی می کند.»

طبق نظر اسلامی یکی از مسائل مهم اعتقادی اسلام که در طول چهارده قرن تاریخ اسلام پیرحمانه مورد هجوم دزدان عقیده قرار گرفته است، همین مسئله «انتظار» و عقیده به ظهور آخرین حجت خدا حضرت مهدی (عج) است؛ زیرا استعمارگران و شکم بارگان استثمارگر که این عقیده زیر بنایی را سد راه استعماری خود دیده اند، پیوسته کوشیده اند تا با انواع دسیسه های، ان ها را از کار انداخته و بی ثمر سازند و گروهی هم ندانسته به پیروی از آنان پنداشته اند که انتظار فرج و عقیده به ظهور امام غایب، عامل رکود و عقب ماندگی است. در حالی که بررسی این آرمان اصیل و سازنده و انگیزنده، نادرستی بینش و روش این استعمارگران را روشن می سازد.

«آنچه از مجموع آیات و روایات اسلامی و مفهوم خود کلمه «انتظار» استفاده می شود این است که؛ انتظار در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی، عامل رشد و اصلاح و عامل مقاومت و پیشرفت و عامل بیماری و بقای جامعه و بالاخره عامل حرکت و جنبش و قیام و از عقاید تاریخ ساز و انقلاب آفرین اسلامی و بذر اصلی قیام جهانی حضرت مهدی (عج) است.»^۱

ولی چنانکه گفتیم؛ متأسفانه دشمنان اسلام و گروهی از انسانهای فریب خورده و بی اطلاع یا اشخاص کج اندیش و سست عنصر، این انتظار و چشم به راهی را عامل رکود و عقب ماندگی دانسته و چنین می پندارند که آدمی باید از هر تلاش و کوشش اصلاحی دست بشوید و در برابر زور و فشار و ظلم و فساد، راه خاموشی و سکوت در پیش گیرد. و بسان مردگان زنده نما در تابوت انتظار دراز کشیده و دست روی دست بگذارد و به خواب دائمی فرو رود و اگر می خواهد که موعود جهانی و مصلح غیبی زودتر از راه فرا رسد و به ظلم و جنایتها پایان می دهد می بایست به گسترش جور و فساد کمک کند تا گیتی پر از ظلم و

ستم و تباهی گردد. و ظهور مهدی موعود علیه السلام نزدیک شود. در صورتی که چنین برداشتی از مفهوم انتظار، بدترین و نادرست ترین و گمراه ترین مفهومی است که می توان به انتظار نسبت داد. زیرا این مفهوم انتظار نیست بلکه تحریف حقیقت و واقعیت است چرا که:

« لازمه چشم به راهی مهیا شدن و مهیا ساختن برای ظهور است. تبیل ترین و بیحال ترین آدمها وقتی منتظر مهیمان عزیز می باشد از پیش وسایل راحتی و پذیرایی او را از همه جهت آماده و فراهم می سازد و به سرو وضع خود خانه و اهل خانه رسیدگی می کند، حتی مسیر او را آب می باشد و جارو می کشد و بالاتر از این اگر بداند که به محض ورود میهمان دچار هجوم بدخواهان خواهد شد بر ترمیم و تحکیم خانه و کاشانه و تجهیز و تسلیح خود و خانواده می پردازد. »^۱

طبق روایات فراوانی که از پیشوایان معصوم علیهم السلام درباره انتظار امام زمان رسیده است «انتظار فرج» به آرمانهای بلند و عالی انسانی مرتبط می شود و آدمی را در طول تاریخ زندگی به عمل صالح و انجام کارهای نیک، رعایت حقوق انسانها و طرد قدرت های ناصالح و او می دارد.

و او را بر صحیح ترین اعتقادات دینی و مذهبی ثابت و پا برجا نگه می دارد. علاوه بر این مومنان و منتظران را برای جهاد و مبارزه، و فداکاری، از خودگذشتگی، مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و بیدادگری و تلاش و کوشش برای برقراری نظام عدل و حق و حقیقت و ایجاد نظم و آرامش و آسایش عمومی، مهیا می سازد. و از اینرو این عنصر تلاش انگیز در اسلام عبادت شمرده شده و در سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام از بزرگترین عبادات به شمار آمده است.

در این زمینه روایات شوق انگیز فراوانی از ائمه معصومین علیهم السلام رسیده است از باب نمونه:

۱. محسن، تاجری، «انتظار بذر انقلاب»، ص ۹۱.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: «انتظار فرج عبادت است. برترین و باارزش ترین عمل امت من انتظار فرج از خدای تبارک و تعالی است.»^۱

امیرالمؤمنان علیه السلام می فرماید: برترین عبادت سکوت و انتظار فرج است.»^۲

امام زین العابدین می فرماید: «بر کسی که در حال انتظار امر ما به سر می برد باکی نیست که آن عصر را درک نکند و در میان خیمه حضرت مهدی علیه السلام و در لشکر آن حضرت نباشد.»

اما صادق علیه السلام می فرماید: «هر کس که منتظر امر ما باشد و بر ترس و آزاری که از دشمنان ما می بیند صبر کند فردای قیامت با ما خواهد بود.»^۳

و در حدیث دیگری می فرماید: «هر کس از شما بمیرد در حالی که منتظر امر ظهور حضرت مهدی (عج) باشد، همانند کسی است که با حضرت قائم علیه السلام در خیمه او باشد. آن حضرت لحظه ای سکوت کرد و سپس فرمود: نه بلکه مانند کسی است که همراه او با دشمن بجنگد سپس فرمود: نه به خدا سوگند مانند کسی است که در رکاب رسول خدا به فیض شهادت برسد.»^۴

«مارگلی یوت» اسلام شناس اروپایی:

«بسیار شگفت انگیز است که جستجوگرانی از غرب همچون «مارگلی یوت» در مساله انتظار مهدویت به کنکاش و تحقیق پرداخته و به انکار و احادیث مربوط به مهدی (ع) برخاسته اند و پیدایش عقیده به انتظار ظهور مهدی موعود اسلام را ناشی از ظلم و فشار و تبعیض در جامعه اسلامی و پریشانی و اشفتهگی اوضاع نابسامان جهان اسلام پس از رحلت رسول اکرم (صلی الله و علیه و آله وسلم) و ناشی از ناامنی حاصل از آن دانسته است.»^۵

۱. محمد باقر مجلسی، «بحار الانوار» مترجم: علی دوانی، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۲. محمد ابن یعقوب، کلینی، «اصول کافی» ج ۸، ص ۳۷.

۳. همان، ج ۱، ص ۳۲۷.

۴. محمد باقر مجلسی، «بحار الانوار» مترجم: علی دوانی، ج ۵۲، ص ۱۲۶ ح ۱۸.

۵. سید اسدالله، هاشمی شهیدی، «ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان» ص ۱۷۵.

« نویسنده کتاب «دیباچه ای بر رهبری» در این باره می نویسد «مارگلی یوت» اسلام شناس بزرگ اروپایی در مقاله تحقیقی خود درباره انتظار ظهور مهدی علیه السلام که در سال ۱۹۱۵ میلادی برای دائرة المعارف دین و اخلاق نگاشته است. پس از نقد تفصیلی از احادیث مربوط به مهدی علیه السلام و ریشه شناسی واژه مهدی در اصالت احادیث که از پیغمبر اکرم علیه السلام باشد تردید می ورزد و همچنان منشا اعتقاد به انتظار ظهور مهدی علیه السلام را، در نابسامانیها و اختلافات جهان اسلام پس از وفات پیامبر علیه السلام جستجو می کند. «^۱ نویسنده در ادامه می نویسد که مارگلی یوت می گوید: «احادیث را هر گونه تفسیر کنند دلیلی قانع کننده در دست نیست که تصور کنیم پیغمبر اسلام علیه السلام ظهور یک مهدی را برای احیاء و تحقق و اکمال و تقویت اسلام لازم شمرده باشد، لیکن درگیری و آتش جنگ داخلی در میان یک نسل پس از وفات پیغمبر و درهمی و اشفتگی جهان اسلام که بر اثر اختلافات آنان با یکدیگر روی داد، موجب اقتباس فکر ظهور منجی از یهود یا مسیحیان گردید که به ترتیب در انتظار و بازگشت مسیح به سر می برند.»^۲

رد نظریه «مارگلی یوت»:

با توجه به عدم صداقت خاور شناسان و غرض ورزی آنان و نداشتن اطلاعات کافی درباره اسلام و محدود بودن مطالعات آنان بر اثر مشکلات ناشی از زبان شناسی و جامعه شناسی ما نمی دانیم که مارگلی یوت کدام یک از منابع اصیل اسلامی را مطالعه کرده و چه کتابهایی را خوانده که دلیل قانع کننده ای که او را قانع کند در منابع معتبر اسلامی نیافته است؟

چگونه است که همه دانشمندان و محققان اسلامی بدون استثناء حتی ابن خلدون که به عنوان مخالف احادیث مربوط به انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام شناخته شده لاقبل به صحت و

۱. ناصر الدین، صاحب الزمانی، «دیباچه ای بر رهبری»، ص

۲. همان، ص ۲۰۱.

شهرت برخی از آن احادیث گواهی داده وعده زیادی از بزرگان و دانشمندان اسلام در نوشته های خود تصریح کرده اند که احادیث مربوط به انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام متواتر است و به هیچ وجه قابل انکار نیست ولی مارگلی یوت نتوانسته است قانع شود؟

« چگونه است که ان همه حدیث شناسان اسلامی و دانشمندان شیعه و سنی و حتی تندروترین گروههای اسلامی مانند وهابیان احادیث مربوط به مهدی علیه السلام را در مهمترین منابع روایتی خود نقل کرده اند و اعتراف نموده اند که در میان این احادیث، احادیث صریح و صحیحی وجود دارد که غیر قابل انکار است ولی مارگلی یوت آنها را انکار می کند؟^۱ آیا تعداد ۶۲۰۷ حدیث که از ۱۵۴ کتاب معتبر شیعه و سنی نقل شده است، با ذکر مشخصاتی که برای معرفی مهدی موعود آمده است و اعتراف آن همه حدیث شناس و دانشمند نمی تواند دلیلی قانع کننده بر اصالت عقیده به انتظار ظهور مهدی موعود علیه السلام باشد تا نیازی به اقتباس این فکر از یهود و نصارا نباشد؟

« اینها سئوالاتی است که خود او باید پلسخگوی آن باشد. به عقیده ما ظاهراً خاورشناسان و اسام شناسانی چون مارگلی یوت به دلیل محدود بودن مطالعاتشان تحت تاثیر نوشته های ابن خلدن قرار گرفته و به انکار احادیث مربوط به مهدی علیه السلام پرداخته اند؛ در صورتی که منطق ابن خلدن کاملاً نادرست و انگیزه مخالفت او با احادیث مزبور تعصیبات خاص مذهبی و یاره ای از مصلحت اندیشی های بی دلیل است.^۲

در اینجا بد نیست به نکته بسیار مهمی که بر همه نویسندگان شرقی و غربی و حتی بر بسیاری از پژوهشگران اسلامی پوشیده مانده است اشاره شود و انگیزه مخالفت ابن خلدن را با احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام آشکار کنیم.

۱. سید اسدالله، هاشمی شهیدی، « ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان » ص ۱۷۷ و ۱۷۶

۲. همان، ص ۱۷۷.

« آنچه از منابع مهم و موثق تاریخی و حتی از نوشته های خود ابن خلدن در کتاب «مقدمه» استفاده می شود این است که از آنجا که ابن خلدن از مردم اندلس بوده و در مصر می زیسته و اصولاً میانه خوبی با خلفای فاطمی شیعی مصر نداشته است، سعی کرده است با رد وانکار احادیث مربوط به مهدی ثابت کند که انتظار مهدی موعود اسلام (عج) ربطی به مهدی فاطمی سرسلسله سلاطین فاطمی مصر که برخی پنداشته بودند او مهدی موعود (عج) است ندارد، به همین جهت وی بحث خود را با آن شرح و تفصیل تحت عنوان «گفتگو درباره خروج مردی فاطمی» آغاز نموده و برای اثبات این مطلب که عبیدالله بن محمد سر سلسله و جد سلاطین فاطمی مصر که در شمال آفریقا بر ضد امرای «سنی اغلیبی» قیام نمود و شهر مهدیه را بنا نهاد مهدی موعود نیست، احادیث مربوط به انتظار حضرت مهدی موعود علیه السلام را با استدلالهای واهی مورد انتقاد قرار دهد و با خراب کردن احادیث مربوط به انتظار مهدی موعود، «مهدی فاطمی» را خراب کند و او را تخطئه نماید. غافل از اینکه این کار نادرست او، بیشتر احادیث مربوط به «مهدی موعود» را بی اعتبار می کند.»^۱

با توجه به آنچه گذشت برخی چنین می پنداشته اند که منظور ابن خلدن از مرد فاطمی، مهدی فاطمی (عج) است در صورتی که چنین نیست و همانگونه که توضیح داده شد مقصود او «عبیدالله بن محمد» مهدی فاطمی جد سلاطین فاطمی مصر است. زیرا وی در آخر همان بحث وقتی با انبوه روایات مربوط به انتظار حضرت مهدی (عج) رو به رو می شود و می بیند که همه منابع معتبر اهل سنت این روایات را نقل کرده اند، می گوید که قسمتی از احادیث مربوط به مهدی غیر قابل انتقاد است، اما در عین حال از نتیجه گیری خود او در آخر بحث مذکور، معلوم می شود که وی عقیده داشته است که شخصی به نام مهدی از دودمان اهل بیت علیهم السلام در آخر الزمان وجود داشته و قیام خواهد کرد.

به طور خلاصه سخنان جنجال برانگیز ابن خلدن درباره انتظار مهدویت هر گونه که تفسیر شود مسلم است که با توجه به زمینه تب مهدی پرستی و گرم بودن بازار انتظار مهدویت در

عصر وی و شرایط خاصی که در زمان او در جهان اسلام پدید آمده بود و اینکه برخی از افراد فرصت طلب برای پیشبرد اهداف خود از عنوان مهدی موعود استفاده می کردند این خلدن به خاطر این سوء استفاده از حقیقت، به اصل حقیقت تا اندازه ای بی اعتقاد شده و در واقع برای تخطئه کردن (مهدی فاطمی) سردودمان سلاطین فاطمی مصر در صحت برخی از احادیث انتظار مهدی موعود ایجاد شبهه نموده است.

« او با روشی غیر علمی خود را در نظر علما و بزرگان و دانشمندان و تاریخ نویسان و دیگر طبقات مردم و همچنین نسلهای آینده تاریخ، بی اعتبار ساخته تا جایی که وی را به عنوان مخالف احادیث مهدی موعود بشناسند و اشخاصی هم مانند غربی های شرق شناس و اسلام شناس مغرض امثال مارگلی یوت، با تکیه و اعتماد به نوشته هالی او به خود حق دهند که درباره اسلام و عقاید اسلام و احادیث اسلامی اظهار عقیده کنند و بگویند که دلیل قانع کننده ای بر اثبات وجود مهدی و صحت احادیث از پیغمبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که انتظار ظهور یک مهدی را برای تقویت اسلام لازم و حتمی شمرده باشد در دست نیست.»^۱

انتظار در ظهور از زبان «سید امیر علی» دانشمند اسلامی هندوستان:

شگفت انگیز تین از نظریه اسلام شناس اروپایی نظریه «سید امیر علی» دانشمند اسلامی هندوستان است. وی در کتاب روح اسلام که درباره تاریخ تکوین عقاید اسلامی نوشته است. پس از بحث مختصری در مورد چگونگی اعتقاد به انتظار ظهور مهدی موعود در اسلام می نویسد:

« پژوهشگر فیلسوف مشرب ادیان، در ملاحظه همانندی میان پندار شیعه و سنی (درباره مهدی) و ادیان گذشته دستخوش دشواری نخواهد شد. در میان زردشتیان کشتار و ستم بارگی سلوکیان، سبب پیدایش این عقیده گشت که یک منجی مبعوث آسمانی به نام «سوسیوس» از خراسان خروج خواهد کرد. تا آنان را از اسارت نکبت بار بیگانگان رهایی

بخشد. علل مشابهی موجب زایش اشتیاق سوزانی، در میان یهود، هنگام طلوع ستاره مسیح گردید.^۱»

یهویان هنوز در انتظار مسیح موعود خود به سر می برند. «اهل سنت نیز همانند یهود معتقدند که هنوز مهدی، واپسین منجی بزرگ اسلام از مادر نژاییده است. ترسایان می گویند: مسیح آمده است و رفته است ولی از نو باز خواهد آمد. شیعیان اثنا عشری به مثابه ترسایان در انتظار بازگشت و رجعت مهدی زنده غایب اند که به خاطر استقرار عدل و بهزیستی قیام خواهد کرد.»^۲

سپس همین دانشمندان، درباره سبب پیدایش این انتظار همانند، به ریشه یابی پرداخته و علل اختلاف تفصیلی آنرا نزد هر یک از ادیان برشمرده است و آنگاه می نویسد: «شرایط عصری که در اسلام عقیده «مهدی موعود» به دو صورت مشخص خود، میان شیعه و سنی، تکوین یافته است، همان شرایطی است که در تاریخ ادیان دیگر دیده می شود.

هر زمان که در اسلام دستها به سوی آسمان برافراشته می شود، همانند لبهای دعاگوی فرزندان اسرائیل و پیروان مسیح، ظهور مبعوث موعود آسمانی را التماس می کنند تا مگر هر چه زودتر، جهان را از رنج و گناه رهایی بخشد.»^۳

«و بدین ترتیب پژوهشگر فیلسوف مشرب ادیان «سید امیر علی» نیز، در دام حیل‌های خاورشناسان، غربی گرفتار آمده و همانند برخی از خاورشناسان سبب پیدایش عقیده به انتظار ظهور مهدی را پریشانی و آشفتگی اوضاع جهان اسلام دانسته است؛ غافل از اینکه عقیده به ظهور انتظار حضرت مهدی (عج) یک عقیده اصیل دینی و مذهبی است که در تمام کتب مذهبی ملل مختلف جهان از آن سخن رفته است و در منابع و مدارک اسلامی ادله آن به حدی زیاد است که به قول دانشمند معروف اهل سنت مولف کتاب «التاج»: «اگر کسی

۱. ناصر الدین، صاحب الزمانی، «دیباچه ای بر رهبری» ص ۲۰۲.

۲. سید اسدالله، هاشمی شهیدی، «ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان»، ص ۱۸۰ و ۱۷۹.

۳. ناصر الدین، صاحب الزمانی، «دیباچه ای بر رهبری»، ص ۲۰۳.

ذره ای ایمان و اندکی انصاف داشته باشد، هیچ گاه نمی تواند در اصالت احادیث و صحت عقیده به انتظار ظهور مهدی موعود تردید نماید.^۱

مهدویت و انتظار از زبان «جیمز دارمستر»^۲:

در سال ۱۸۸۵ میلادی به هنگام شکست قوای انگلستان از محمد احمد سودانی دانشگاه سوربن فرانسه کنفرانسی از استادان و پژوهشگران ترتیب داد و دارمستر خاورشناس و زبان‌دان فرانسوی را پشت تریبون فرستاد تا اعتقاد به انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام را از ریشه بی اعتبار و نامود سازد و مستعمرات مسلمان نشین فرانسه، کمتر در خطر انقلاب ناشی از این عقیده انگیزنده قرار گیرند.

« دارمستر، خاورشناس فرانسوی پشت تریبون رفت و هنگام بحث درباره انتظار ظهور و قیام «محمد احمد» (متهدی^۳ سودانی) چهار ماه قبل از مرگ مرموز و تابهنگام متهدی مزبور ضمن اعتراف به اصالت مهدویت و عقیده به انتظار ظهور منجی بزرگ، در بحث طولانی خود در پاریس چنین گفت: «در این دنیا به ویژه در جهان اسلام، تاریخ با چنان وضع غریبی تکرار می شود که اگر سرگذشت متهدی های گذشته را برای شما نقل کنند. مثل این است که تاریخ ماضی و حال و آینده مهدی امروزی را بیان کرده باشند. متهدی امروزی در نوع خود نمونه نخستین نیست که ظهور کرده است و مسلماً آخرین نفر هم نخواهد بود.

مدعیان مهدویت بسیار بوده اند و بعد او نیز خواهند بود. تاریخچه و نفوذ سحر آسای این مردمان و نوید دادن و کامیابی آنان و نومییدی که ناچار در آخر کار رخ می دهد مکرر در عالم اسلام صورت گرفته و بعد از این هم مکرر صورت خواهد گرفت. ظهور مهدی علیه السلام را

۱. سید اسدالله، هاشمی شهیدی، «ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان»، ص ۱۸۰.

۲. dermateter.

۳. منظور از «متهدی» افراد کذابی هستند که در طول تاریخ با سوء استفاده از ساده لوحی افراد، خود را به دروغ «مهدی موعود» نامیده اند.

از نخستین ایام پیدایش اسلام انتظار داشته اند و تا زمانی که یک نفر مسلمان باقی باشد مهدی ها ظهور خواهند کرد^۱

آری، همان گونه که ملاحظه شد با این که دار مستتر، خاورشناس و زبان‌دان فرانسوی ماموریت پیدا می کند تا در سخنرانی خود اعتقاد به انتظار ظهور حضرت مهدی «عج» را از ریشه بی اعتبار وانمود سازد، با این همه وی در ضمن سخنرانی به اصالت مساله مهدویت اعتراف می کند و می گوید. «ظهور مهدی را نخستین ایام پیدایش اسلام انتظار داشته اند.» از اینجا معلوم که دلایل عقیده انتظار به ظهور حضرت مهدی «عج» تا چه اندازه قوی و محکم و قانع کننده است که حتی یک نفر غیر مسلمان نیز جرأت انکار اصل مساله مهدویت را ندارد و آنرا از مسایل اعتقادی مسلمانان به شمار می آورد و یادآور می شود که عقیده به انتظار ظهور حضرت مهدی موعود «عج» از نخستین دوران پیدایش اسلام در بین مسلمان وجود داشته است.

«جدا جای بسی تاسف دارد که؛ برخی از مسلمان نماها و به تعبیر دیگر کاسه های داغ تر از آتش و پژوهشگران فیلسوف مشرب که تحت تاثیر افکار غریبه‌های مغرض قرار گرفته اند می کوشند تا به استدلال های احمقانه عقیده به انتظار ظهور حضرت مهدی را یک فکر وارداتی تلقی کنند.»^۲

هانری کربن (اسلام شناس فرانسوی) می گوید:

«مفهوم غیبت هرگز در چهارچوب درخواست های دنیای امروز در معرض تفکر قرار نگرفت. این امر، چشمه ای بی نهایت و ابدی از معنا و حقایق است؛ مفهوم امام غایب را با روح غربی خودم به گونه ای نو احساس می کنم و چنین به دلم الهام می شود که رابطه حقیقی آنرا با حیات معنوی بشر وابسته می دانم ... سرزمین ایران از دید اخروی سرزمین

۱. جمیز، دارمستر، «او خواهد آمد»، ترجمه: محسن جهانسوز، ص ۴۳ و ۴۴.

۲. سید اسد الله، هاشمی شهیدی، «ظهور حضرت مهدی «عج» از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان» ص ۱۸۴

انتظار است قلمرویی که در آن امام غایب دست اندکار فرا رسیدن ساعت موعود در زمان غیبت است.^۱

این نظریه را بیگانگان و مستشرقان نیز از امتیازات شیعه ذکر کرده اند. «

۲. دیدگاه مستشرقان در انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام

چند تن از نویسندگان و یا مستشرقان در نوشته های خویش به شکلی در اعتقاد به «مهدویت و امامت» حضرت محمد بن الحسن العسکری «عج» خدشه وارد نموده و به انکار برخاسته اند. موضوع مهم این است که چه عواملی باعث شده تا این عده بر خلاف نظر قرآن و روایات معصومین علیهم السلام و اجماع دانشمندان فریقین، به اظهار چنین نظری قیام نموده اند.

«بررسی علل صدور چنین نظری از جانب ایشان می تواند رهگشای نقد منکران و شناخت ریشه های انحراف این گروه باشد. پس اینک در سخنان ایشان گذری کنیم تا پس از آن نشان دهیم که حتی سنگهای ستبری که بر خلاف مسیر رودخانه هستی بایستند و بخواهند با جریان طبیعی آب، به مبارزه برخیزند سرانجام خواهند شکست و ذره های وجودی آنها در سیلاب پر خروش آب ها گم خواهند شد.»^۲ «این فلسفه حق است که می ماند و آن فلسفه باطل است که می رود»^۳

پس از اینک سخنان منکران را می آوریم:

یکی از نویسندگان وطنی نوشته است «مهدی گری افسانه است» ... «می گویند در ادیان دیگر نیز منتظر منجی هستند. می گویم: آنها نیز افسانه اند.»^۴ «بی گمان در زمان بنیانگذار اسلام، سخنی از مهدی «عج» در میان نبوده و نباید می بود.» «مهدویت را ایرانیان بین مسلمانان انداخته اند.»^۵

۱. مسعود، یور سید آقایی «فصلنامه علمی تخصصی انتظار»، ش ۲، ص ۳۹

۲. حسین، منتظر، «ذهنیت مستشرقین و اصالت مهدویت»، ص ۵۳.

۳. سوره اسراء / ۸۳.

۴. احمد، کسروی، «شیعیگری»، ص ۳۰.

۵. احمد، کسروی، «بهاگیری»، ص ۴.

و امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی نداشته. چگونه می تواند بود کسی فرزندی داشته باشد و کسی از آن آگاه نباشد. ^۱

یکی از نویسندگان عرب که به نام «دفاع از اتحاد و طرفداری از هم بستگی مذاهب اسلامی کتابی در رد شیعه نوشته است، در اشاره به موضوع «مهدی» می گوید: «امام دوازدهم «عج» شخصیت موهومی است و به دروغ به امام حسن عسکری علیه السلام که به دون فرزند درگذشت - نسبت داده شده... و علوین معاصر امام عسکری علیه السلام از اینکه امام حسن عسکری علیه السلام با فرزند پسری از دنیا فوت کرده باشد، خبری ندارند. ^۲

دیگری از مهدویت و مهدی به عنوان اسطوره خیال بافی و نشانه جهل و تعصب نام می برد: «اسطوره مهدی «عج» از این میان قوی ترین و دوراثرترین اسطوره است و می دانیم که شیعه دعوت دینی و سیاسی شان را بر اساس بعضی از این اساطیر و خیالبافی ها گذاشته اند» پس از آن نتیجه گیری می کند: «به هر حال این افسانه جر در میان افراد جاهل و متعصب شمال آفریقا و قبایل متمایل به بت پرستی، طرفداری نداشته است. ^۳

دو نویسنده دیگر عرب (احمد امین بک) و (سعد محمد حسن) در دو کتاب خاص این موضوع، با بررسی تاریخ مهدویت و مدعیان مهدویت از فاطمیون گرفته تا قیام مهدی سودانی و انحرافات که این مدعیان مهدویت در جوامع اسلامی با آشوب ها و شورش های خود به وجود آورند نتیجه گیری می کنند که اساسا «اندیشه مهدویت» بنیان محکمی در اسلام نداشته و احادیث آن ضعیف و منفرد است.

«بعضی مردم در زمینه مهدویت اندیشه های خرافی عجیبی دارند مانند وقت تعیین کردن برای ظهور از روی حساب جمل و ابجد و خلاصه اینکه عقیده شیعیان در هیچ قسمت مطابق واقع نیست. چه در مورد مهدویت و چه غیبت و چه معصوم بودن امامان و... ^۴

۱. همان منبع، ص ۲۹.

۲. حسین منتظر، «ذهنت مستشرقین و اصالت مهدویت»، ص ۵۷.

۳. همان، ص ۵۸.

۴. همان، ص ۶۰.

« ابن خلدون احادیث مهدی را فقط از نظر سند روایات تضعیف کرده در حالیکه از نظر عقلی نیز تضعیف شده اند. »^۱

« با ریشه یابی سخن این نویسندگان به این مطلب واقف می شویم که منشاء غالب سخنان ایشان حرفهای چند تنی از مستشرقان از یک سو و دیدگاههای ابن خلدون از سوی دیگر بوده است. برخی از آنان به این تقلید اعتراف نموده اند. » و برخی دیگر شاید شجاعت این کار را در خود ندیده در پرده ابهام باقی گذارده اند.

نقد سخن مستشرقین و ابن خلدون:

با نگاهی به نوشته های مستشرقین و سپس دیدگاه ابن خلدون راه را برای نقد این افکار هموار می کنیم و نشان خواهیم داد که نظر مستشرقین نیز غیر از اجتهاد های خاص خودشان که لازمه استشراق آنهاست، غالباً از افکار ابن خلدون مایه گرفته است.

یکی از اینان که شاید زودتر از بقیه مأموریت یافت تا درباره مهدویت تحقیق کند فردی به نام جمیز دارمستر، شرق شناس جهود نژاد فرانسه است. وی می گوید: « این اعتقاد که نخست در دیانت یهود بوده و عیسویت را به وجود آورده است، فقط وقتی در دیانت یهودیان و عیسویان بصورت تنهائی در آمد که تحت تاثیرات اساطیر ایرانی واقع شد ... مسلمانان در خصوص اعتقاد به ظهور منجی، اصول عیسویان را پذیرفته اند. »^۲

سپس اضافه می کند: این « نخستین دفعه بود که یکی از افسانه های معروف ایرانی که در علم الاساطیر دیده می شود در اسلام داخل شد. »^۳ حسن علیه السلام که امام یازدهم بود پس از مرگ خود پسری باقی گذاشت شش ساله به نام محمد علیه السلام - خلیفه آن پسر را در شهر حله نزدیک خود به زندان افکنده بود و در ۱۲ سالگی غایب شد و چون او تنها باقی مانده

۱. احمد، کسروی، « بهائیگری »، ص ۴.

۲. جمیز، دارمستر، « او خواهد آمد » ترجمه، محسن جهانسوز، ص ۶.

۳. همان، ص ۳۷.

نسب مستقیم پیغمبر صلی الله علیه و آله بود عامه چنین نتیجه گرفتند که این کودک در ساعتی که خواهد ظهور خواهد کرد»^۱.

گلد زیهر (۱۹۲۱-۱۸۵۰) که به گمان بعضی بنیانگذار اسلام شناسی در اروپاست با مختصر تغییری حرفهای شبیه حرفهای هم مسلکان خویش دارد: «اندیشه های مهدی که در اصل به عناصر یهودی و مسیحی بر می گردد. بعضی از ویژگیهای «سائوشیانت» زردتشی به آن اضافه شد چنان که اذهان خیال پردازان نیز به آن مطالبی افزود و عقیده انتظار مهدی مجموعه اساطیر شد و احادیثی به پیامبر نسبت دادند که اوصاف دقیق مهدی در آن تصویر شده بود در حالی که این احادیث به هیچ وجه در تألیفاتی که احادیث صحیح در آنهاست نیامده.»^۲

«متأسفانه نویسندگان بعدی دایره المعارف ها نیز تقلید وار حرفهای این افراد را تکرار کرده اند بدون آن که به تحقیق عمیق در این موضوع بپردازند.»

بالاخره عبدالرحمن ابن خلدون (۸۰۸ - ۷۳۲ هجری) در کتاب مشهور خویش «مقدمه» فصلی را با عنوان «داستان ان مرد فاطمی و آنچه مردم درباره او می گویند و روشنگری درباره آن» شروع نموده و درباره «المهدی بالله» سر سلسله فاطمیون مصر که از (۲۹۶ تا ۵۶۷) بر مصر و شمال آفریقا فرمانروائی داشتند و با شکست اغلبیان که سنی بودند به سال ۳۰۳ حکومت شیعی را با بنا نهادن شهر «مهدیه» بنیان گزارند به بحث نشسته و در این میان به مناسبت، یا پی مناسبت به بحث درباره مهدی و مهدویت پرداخته. البته به نحوی مبهم و غیر قابل قبول در احادیث مهدویت جرح کرده و به نظر می رسد تمام احادیث مهدی را برای خراب کردن «مهدی فاطمی = المهدی بالله» تخطئه می کند در عین حال لا به لای سخنانش باز اعتراضاتی به اصل مهدویت دارد.»^۳

۱. همان، ص ۳۸.

۲. مک دونالد، «متل: دایره المعارف اسلام انگلیسی»، ج ۳، ص ۱۱۱.

۳. ابن خلدون، «مقدمه»، ص ۳۱۱.

کدامین مبنا اصالت داشتن موضوعی در اعتقادات یک مکتب همچون کتاب آن مکتب و سخنان بنیانگذارش و رهبرانش می تواند که قاطع و برنده باشد؟
منکران به همه آنها پشت پا زده واقعیت را نادیده انگاشته اند در این میان نویسندگان خودی نیز به صرف دنباله روی مستی چند مستشرق، اعتقادات مؤمنان را به بازی گرفته اند.
آن مستشرقان نیز وجوه انحرافشان کاملاً روشن است: باید تصور کرد که یک مستشرق به چه انگیزه ای قصد بررسی اعتقادات مکتبی را دارد؟ مکتبی را که به آن ایمان ندارد شخصیت های آن مکتب را با افراد عادی برای او فرقی ندارد و به متون و منابع آن مکتب آشنائی کامل ندارد و روح ایمان آن مکتب در او نیست. و دهها اشکال دیگر... و تازه اگر سوء نیت هم نداشته باشد و به انگیزه خاصی تحقیق را شروع نکرده باشد. (مثل ترسیم زشت از یک مکتب برای آن که افراد را به مکتب یا هدف خود جلب کند).

علاوه بر همه اینها «دارمستتر» زمانی مأمور تحقیق در مهدویت می شود که مهدی نمای سودانی، ادعای مهدویت کرده و آشوبی پیا نموده و اذهان اروپائیان به خود مشغول داشته است. و او با این جهت گیری منفی ذهنی می خواهد مهدویت را بررسی کند. زیرا نمونه «مهدی» در ذهن او همان (مهدی نما) جلوه پیدا کرده است.

«از سوی دیگر همه منابع او در زمینه اسلامی بحث، منحصر می شده به سخن ابن خلدون - که غرض ورزی او نیز روشن شد - و ابدأ به منابع او شیعه در این زمینه مراجعه نداشته است حتی به منابع دیگر اهل سنن نیز سری نزده است و با این اوضاع در مورد مهدی علیه السلام به خود اجازه اظهار نظر داده است.»^۱

«و در چنین شرایطی که درباره اصیل ترین موضوعات اسلام اظهار نظر می کنند و عقاید شیعه را به مسخره می گیرند و باطل می شمردند و افسانه می پندارند، هرگز زحمت مراجعه به کتب شیعه را که از پیش نسبت به آن جبهه گیری منفی کرده اند، به خود نمی دهند و شاید در سیستم تحقیقاتی ایشان برای رد مکتبی لازم نیست بفهمیم آنها چه می گویند، بلکه

۱. حسین، منتظر، «ذهنیت مستشرقین و اصالت مهدویت»، ص ۶۶.

غرض ورزیهای از پیش تعیین شده و یا اظهار نظرهای دشمنان آن مکتب برای بررسی کافی است»^۱

« اما ابن خلدون که تعصب و عناد او نسبت به شیعه در کتابهایش هر جا که اشاره ای به شیعه دارد پیداست، هر جا که از مهدویت سخن رانده بطوری مبهم از کنار آن رد شده، به نوعی که بعضی از محققین نیز این موضوع را دریافته و عدم تتبع کافی و تنها کفایت به کتب مذهب خویش را در مورد این موضوع شمرده اند.»^۲

او در جایی از بحث خود می گوید: «مشهور میان کافه مسلمانان در همه عصور گذشته این است که در آخرالزمان به ناچار فردی از خاندان پیغمبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ظهور کند و دین را تأیید نماید و عدالت را آشکار سازد و همه مسلمانان پیرو او گردند و بر همه کشورهای اسلامی مسلط گردد و مهدی نامیده می شود.»^۳

اما در جای دیگر می گوید: «این ۲۸ حدیث» احادیث مهدی است که ائمه. حدیثی درباره او و خروجش در آخر الزمان نقل کرده اند و اینها همه مورد انتقادند جز اندک یا اندکتر از اندک آن. غافل از آنکه حتی در اعتقادات شیعه در همین موضوع، مبنای صحیحی را مورد مطالعه قرار نداده و به برخی خرافه ها و گفتارها مغرضین در مورد آنها کفایت نموده است مثلاً می گوید: «شیعه معتقد است امام زمان در سرداب حله غایب شده است.»^۴

« در حالیکه ابدأ چنین چیزی نیست و شیعه چنین اعتقادی ندارد. زیرا اصولاً در زمان تولد امام مهدی نه خبری از حله بوده و نه اثری و تازه حله سیف الدوله به سال ۴۵۹ بنیان نهاد. با این بی اطلاعی از تاریخ عرب و یا اعتقاد شیعه چگونه سخنش برای کسی می تواند حجیت داشته باشد؟ »^۵

۱. همان، ص ۶۷ و ۶۸.

۲. ابراهیم امینی، «دادگستر جهان»، ص ۲۳ و ۲۴.

۳. ابن خلدون، «مقدمه»، ص ۳۱۱.

۴. ابن خلدون، «مقدمه»، ص ۳۱۱.

۵. حسین منتظر، «ذهنیت مستشرقین و اصالت مهدویت»، ص ۷۰.

با این حساب مشی غیر علمی ابن خلدون و بعدهای تابع او در این زمینه مشخص می شود. با سخن یکی از دانشمندان نقد ابن خلدون را پایان می دهیم:

احمد محمد شاکر مصری در حاشیه جلد پنجم مسند امام احمد حنبل می نویسد:

«... اما ابن خلدون به آنچه که درباره آن چیزی نمی دانسته پشت کرده و امور سیاسی و دولتی او را مشغول کرده و خدمت به خدمتگزاران اهرآء و پادشاهان او را از واقعیت دور کرده است و لذا گمان کرده که مهدی پرداخته شیعه است...»^۱

با توجه به مطالب ارائه شده مربوط به نقد منکران اعم از مستشرقان و دیگر ناباوران به این نتیجه می رسیم که:

یکی از علل مهم انکار منکران، وجود عینی مهدی نماهائی است که در گوشه و کنار ظاهر شده علم مهدویت را برافراشته با توجه به شرایط زمانی و مکانی گروهی را فریفته، و خود را مهدی نامیده و با توجه به تاثیری که در مریدان خویش داشته اند به فساد برخاسته اند. بعضی از منکران، رفتار مهدی نماها را به بررسی کشیده نقطه ضعف ها و فساد ها و فریبکاری های ایشان را به دست آورده و سرانجام نتیجه گرفته اند که اگر مهدویت این است ما با آن مخالف بوده و آن را انکار می کنیم.

غافل از آنکه فریبکاری متمهدیان و فساد انگیزی ایشان در زمین و گرد آوردن مریدانی چند و سواری گرفتن از ایشان خود دلیل آنست که اصلی در اسلام وجود داشته که این اصل نماها اظهار وجود پیدا کرده اند. و با فریب مردم خود را به جای آن اصل جا می زنند. نفی مهدی نماها، هرگز نفی مهدی نیست. برای وجود چند جنس تقلبی هرگز وجود همه اجناس از آن نوع را نفی نمی کنند. پس باید کوشش بر این باشد که چهره واقعی مهدویت را انگونه که اسلام معرفی می کند شناساند و در این میان آگاه و هوشیار بود و دست فریبکاران مهدی نما را رو کرد. و در پاسداری از اعتقاد، آگاه و بیدار و راهنمای امت بود.

۱. محمد رضا، شمس الدین: «المصلح المنتظر»، ص ۳۲.

« دشمن به خوبی می داند که بهترین راه خراب کردن یک عقیده پر تحرک و پر جوشش مصنوعی کردن و ترسیم غلط و انحرافی از آن عقیده می تواند باشد. ملتی که با اعتماد به مهدی علیه السلام و انتظار و ظهور پیروزمند او در مقابله با تمامی ستم ها و ظلم ها هرگز راه نفوذی برای دشمن باقی نمی گذارد و آرزوی هر گونه استفاده ای را در قلب دشمن خفه می کند چگونه می تواند نفوذ ناپذیر باشد.»^۱

اهمیت تحقیق در موضوع «فلسفه انتظار حضرت مهدی «عج» و وظایف مردم در دوران غیبت» را می توان از وحشتی که به این وسیله در دل مستکبران عالم ایجاد می شود فهمید؛ چرا که امروزه تلاش استکبار جهانی به سرکردگی امریکا - خصوصاً بعد از فروپاشی نظام شوروی - در این است که خود را یکه تاز میدان قرار دهد و هر گونه ندای مخالف را سرکوب کند و در دل انسانهای آزاده عالم و مستشرقان عدالت، تخم یأس و پژمردگی بپاشد و افراد را از بهبودی اوضاع و دل بستن به انقلاب نا امید کند. مساله مهدویت و انتظار پس از پیروزی انقلاب اسلامی در راستای رسیدن به این اهداف مطرح شد.

فیلم سازان آمریکایی مساله مهدویت و انتظار را نشانه گرفته اند:

از آنجا که جهان امروز جهان تصویر است و عمده ترین بخش فعال در این میدان سینما و صنعت فیلم سازی است و از این طریق می توان بر افکار عمومی تاثیر فراوانی گذاشت فیلم سازان آمریکایی مساله مهدویت و انتظار را نشانه گرفته اند.

مساله آینده (فیوچرسم) برای بشر از اهمیت ویژه ای برخوردار است. امریکا با نشان دادن آینده ای تاریک و خونبار برای بشر در فیلمهایی که بوسیله هالیوود^۲ (مرکز فیلم سازی امریکا) به تصویر کشیده می شود سعی کرده است که خود را منجی بشریت معرفی کند.

۱. حسین، منتظر، «ذهنیت مستشرقین و اصالت مهدویت»، ص ۷۹.

۲. در هر سال تقریباً ۷۰۰ فیلم تولید می کند و سالانه حدود ۱۵ میلیارد دلار سود خالص دارد و نزدیک به ۷۸ درصد سینماها و شبکه های تلویزیونی جهان از آن تغذیه می کنند.

« در دهه ۱۹۹۰ دو نظریه جدی پیرامون مدینه فاضله یا آرمان شهر مطرح شد «یکی نظم نوین جهانی» که توسط جرج بوش ابراز شد و دیگری «پایان تاریخ» که از سوی فوکویاما مطرح شد. این دو نظریه به نحوی از نیت سیاسی عرب در ایجاد یک فرهنگ جهانی و تحمیل آن بر جهان پرده بر می دارد.»^۱

اهداف آنها در مجموعه فیلمهایی که ساخته اند به وضوح دیده می شود در فیلم هایی مثل «روز استقلال» که در مورد آن تبلیغات گسترده ای به راه انداختند. داستان فیلم از این قرار است که یک گروه فضایی به زمین حمله می کنند و آمریکایی ها دفاع می کنند و در نهایت در روز استقلال آمریکا این ها دشمن را دفع می کنند. پیام این گونه فیلمها این است که آمریکا تنها سیستمی است که جهان را از خطراتی که در آینده رخ می دهد حفظ می کند. در فیلم «نوسترا داموس» نیز این آمریکا است که در مقابل مسلمانان می ایستد و همین طور در بازی کامپیوتری مشهور «یا مهدی» که اسم اصلیش «جهنم خلیج فارس» است خلیج فارس را مرکز حرکت های تروریستی جهان جلوه می دهد و خود را سردمدار مبارزه با آن معرفی می کند.

« از بعد روان شناسی، این بازی افراد را نسبت به امام زمان علیه السلام و لفظ «یا مهدی» شرطی می کند. ولی باطن قضیه تلاش برای توجیه حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس است.»^۲

چنانکه در فیلم «نوسترا داموس» آمده این مطلب را به مخاطب القاء می کنند که امام عصر فردی بی رحم و خونریز است و در اثر جنگ تعداد زیادی بیوه و یتیم بر جای می گذارد آن حضرت را با لباس های عربی نشان می دهند که هرکاری بخواهد می تواند با فشار یک کلید انجام دهد ولی ما باید متحد شویم و جلوی او را بگیریم. دنیا باید مانع قیام او شود زیرا او برای مردم جز بلا و مصیبت چیزی به ارمغان نمی آورد. باید کاری کرد که مردم از او

۱. سید حسین، تقوی، «حضرت مهدی (ع) از ظهور تا پیروزی»، ص ۱۳۸ - ۱۳۷.

۲. سید حسین، تقوی، «حضرت مهدی (ع) از ظهور تا پیروزی»، ص ۱۳۸ - ۱۳۷.

متنفر شوند آنان می خواهند چهره فردی که مظهر رحمت و اسعه الهی است را خشن و خونریز جلوه دهد تا مردم از آن بزرگوار فاصله بگیرند و زمینه ظهور فراهم نشود.^۱

توطئه ها و تهاجم های سیاست مداران آمریکایی و اسرائیل به مساله مهدی باوری:
بحث های آخر الزمان که توسط افرادی چون «تافلر»، «فوکویاما» «هانتینگتون برژینسکی» و... مطرح می شود، خیلی جدی تر از فضای پیرامون ماست.

آینده نگری در غرب ریشه در روش تجربی علم دارد که به پیش بینی پدیده ها می پردازد. در تمدنهای علم گرا، روانشناسی، جامعه شناسی و سیاست نیز آینده نگر می شوند و به دنبال سیستم هایی می گردند که به آینده نفوذ کنند. فیلم «شبح» می خواهد بگوید: انسان معاصر شیدای شکستن دیوار تاریخ است و چون قدرت علمی دارد می خواهد آینده خودش را بسازد و بعد سیاسی هم می گوید حتی اگر پیش بینی های «نوستر آداموس» هم اتفاق بیفتد اما ما که قدرت حاکم هستیم می توانیم تغییرش دهیم.

گاسپاروان برگر - وزیر دفاع سابق آمریکا - کتاب «جنگ بعدی» را می نویسد و بخشی از آن را به سال (۱۹۹۹ و ۲۰۰۰) و بخشی از آنرا به ظهور «مهدی منتظر» در ایران اختصاص می دهد.

در کنفرانس تل آویو، افرادی مثل: «برنارد لوئیس»، «مایکل ام جی، جنشر» «بروبزگ»، «مارتین کرامر»، «میشل فوکو»، «کلربریر» و «براین نکتر» در تحلیل انقلاب اسلامی ایران تکیه می کنند؛ شیعیان دارای دو نگاه هستند: یکی «نگاه سرخ» یعنی عاشورا و شهادت و دیگری «نگاه سبز» یعنی انتظار.

جمله مشهوری که دارند این است که «اینها به اسم امام حسین علیه السلام قیام می کند و به اسم امام زمان قیامشان را حفظ می کنند.» و یکی از نتایج بحث آنها این است که: انتظار سبز شیعیان را باید سیاه کرد تصویری سیاه از آن به جهان عرضه کرد و آن را منفور جلوه داد و

پس از این کنفرانس، ساختن فیلم‌ها و بازی‌های رایانه‌ای که به نحوی با مسأله امام زمان علیه السلام ارتباط دارد گسترش یافت، آنها نمی‌توانند امام زمان علیه السلام را انکار کنند کتابها و فیلم‌هایی که عرضه کرده‌اند نظیر فیلم «صهیون آرماگدون» (یعنی نبرد نهایی حق و باطل در آخرالزمان) و همچنین نام شهری است در منطقه عمومی شام (که بنا به آنچه در باب شانزدهم مکاشفات یوحنا آمده؛ جنگ عظیمی در آن جا رخ خواهد داد. و این همان حادثه عظیمی است که در کلام ائمه ما به نام قرقیسا آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «در این جنگ بزرگ که میلیون‌ها نظامی از روم غرب و خاورمیانه (ایران، سوریه، لبنان و عراق) گرد می‌آیند. سفیانی پس از آن نیروها را چون کشتزاری درو کرده و در هم می‌کوبد و از صحنه نبرد پیروز بیرون می‌آید خود را برای کشتن آل محمد صلی الله علیه و آله و شیعیان آماده می‌کند و سپاهیانش وارد قرقیسا (آرماگدون) می‌شوند و جنگی سخت به راه می‌اندازد که صدها هزار نفر در آن کشته می‌شوند و خداوند سفره‌ای عالی در قرقیسا می‌گستراند که منادی آسمان بانگ می‌زند: هان ای پرندگان زمین بشتابید و از گوشت ستمگران شکمی سیر نمایید.»^۱ همه در پی اثبات برتری غربیان، در زمینه آینده جهان است.^۲

نظریه و تبلیغات منفی صهیونیست‌ها در زمینه‌ی آخرالزمان:

به نظر صهیونیست‌ها - در زمینه اعتقادات آخرالزمانی و موعود گرایانه - محل این نبرد، در بیست مایلی جنوب شرقی حيفا و ۱۵ مایلی دریای مدیترانه، میان مرز اردن و فلسطین اشغالی است. در این منطقه ارتشی بالغ بر ۲۰۰ میلیون از شرق و غرب و عالم در محل شهر باستانی میگدون در منطقه آرماگدون گردهم می‌آیند تا مسیحای موعود را شکست دهند به فرماندهی دجال، ولی شکست خواهند خورد و پیروزی از آن یهودیان خواهد بود. صهیونیست‌ها موسسات زیادی به راه انداخته‌اند و کتابهای زیادی در این باره نوشته‌اند کتابهای مانند: سیاره بزرگ مرحوم، جهان نوینی در حال فرا رسیدن است - شما و سال

۱. محمد بن ابراهیم، النعمانی «الغیبه» ترجمه: جواد غفاری، باب ۱۴، ص ۲۶۷.

۲. سید حسین، تقوی، «حضرت مهدی (ع) از ظهور و تا پیروزی» ص ۱۴۱.

۲۰۰۰ چه بر سر ما می آید؟ و آمادگی های فردی برای بحران سال ۲۰۰۰ همچنین ایستگاههای ماهواره ای جنگ آرماگدون

را در آمریکا و اسرائیل تبلیغ می کنند و شبکه چهارم تلویزیون اسرائیل دائماً از آرماگدون و جنگ آینده خبر می دهد.^۱

«گرس - هال - سل» در کتاب تدارک جنگ بزرگ می نویسد: «شبکه چهارم تلویزیون اسرائیل همواره می کوشد مردم را متقاعد سازد که لازم نیست در راه اصلاح بکوشند؛ بلکه باید به جای آن جنگ را بخواهند؛ زیرا خواست خداست؛ آنرا چنین توجیه می کنند که خداوند در ازل مقدر فرموده که دقیقاً همین ما مردمانی که در این نسل زندگی می کنیم باید به این جنگ هسته ای دست بزنیم. آیاتی از انجیل و گوشه هایی از کتاب حزقیال و دانیال نبی را نقل می کنند تا اثبات کنند ما دوره آخرالزمان هستیم؛ آنان هیچگاه به یاد مردم نمی آورند که مسیح پیام صلح به همراه داشت و از جنگ و خونریزی متنفر بود.»^۲

«سناریوی استراتژیست های صهیونیسم بین المللی در جنگ آرماگدون یک آینده خونین و سراسر بحران برای بشریت ترسیم می کند و دلیل این جنگ هسته ای را آیه ۱۲ باب ۱۴ سفر زکریای نبی (تورات) می داند، آن جا که آمده: «گوشت ایشان در حالی که بر پاهای خود ایستاده اند کاهیده خواهد شد و چشمان نشان از حدقه گداخته خواهد گردید و زبانشان در دهانشان کاهیده خواهد گشت»^۳

«مسیح همچون ژنرالی که ارتش خیری را رهبری می کند، نخست کسانی که شهر اورشلیم را غارت کرده اند را تار و مار خواهد کرد. سپس ارتش هایی را که در دره میگدون و منطقه آرماگدون جمع گشته اند به هلاکت خواهد رسانید. وی با سلاح های هسته ای ارتش دجال را خواهد کشت. به گونه ای که تا فاصله ۲۰۰ میلی اورشلیم خون تا دهان اسبان بالا می آید. تمام مرغانی که در آسمان پرواز می کنند می آیند و به جهت ضیافت عظیم و بخورند

۱. همان ص، ص ۱۴۱.

۲. همان، ص ۱۴۳ و ۱۴۲.

۳. همان، ص ۱۴۳ و ۱۴۲.

گوشت پادشاهان و سپهسالاران و جباران و اسبان و همگان را؛ تمامی شهرها - مثل: لندن، پاریس، توکیو، نیویورک، لوس آنجلس، با خاک یکسان خواهد شد؛ ۲/۳ یهودیان کشته خواهند شد، بارانهای سیل آسا و تکرگ و سخت آتش و گوگرد، تکان های سختی در زمین پدید خواهد آورد. کوه ها سرنگون خواهد شد؛ خاندان اسرائیل مدت ۸ ماه کشتگان آرماگدون را دفن خواهند کرد تا زمین از وجودشان پاک گردد. ^۱

مبدان نبرد آرماگدون از «میگدون» در شمال تا «آدوم» در جنوب کشیده شده و از دریای مدیترانه در غرب تا تپه های «موآب» در شرق خواهد بود. از نظر صهیونیست جبهه متحدین دجال عبارتند از؛ روسیه، ایران، مناطق جنوبی و شمالی آفریقا و عراق؛ اینک مسیحای یهود (مشیا) در هیبت ژنرال پنج ستاره به عنوان سر فرماندهی کل نیروهای خیر، فاتحانه از دره میگدون و از دروازه اصلی وارد شهر اورشلیم (بیت المقدس) می شود. تمامی ساکنان زمین بجز پیروان حقیقی مسیح مرده اند و از این پس حکومت ملکوتی مسیح در زمین به مرکزیت اورشلیم، برقرار خواهد شد.

« جالب این که ریگان - رئیس جمهور اسبق آمریکا - همواره تاکید می کرده که باید برای یک آرماگدون واقعی مسلح شویم. او در سال ۱۹۸۳ فاش کرد که آرماگدون همواره ذهن وی را به خود مشغول ساخته است. مؤسسه مذهبی (تل سن) طی یک نظر سنجی در مورد جنگ آرماگدون اعلام داشت که ۶۱ میلیون آمریکایی در انتظار واقعی آرماگدون می باشند بدین ترتیب مسیحیان آمریکایی و یهودیان اسرائیلی خود را برای جنگ آخر الزمان (آرماگدون) آماده می کنند. ^۲

« ولی با همه تلاش دشمن آنچه روشن و قطعی است این است که امروزه انقلاب اسلامی ایران که زمینه ساز ظهور می باشد به رغم توطئه های بیشمار شرق و غرب به پیروزی رسیده و طلوعه ظهور نمایان شده و اکنون ناقوس مرگ تمدن مادی را به صدا در آورده

۱. همان، ص ۱۴۳ و ۱۴۲.

۲. همان منبع، ص ۱۴۴ و ۱۴۳.

است. و مقدمات و زمینه های ظهور را فراهم می کند و فریاد دفاع از فلسطین و همه محرومان و مستضعفان عالم و نابودی اسرائیل و همه ظالمان و ستمگران را شعار خود قرار داده و می رود تا با تشکیل هسته های مقاومت حزب الله در سرتاسر عالم در برابر همه کسانی که مقابل دین ما ایستاده اند بایستند و عرصه را بر آنان تنگ کند و مسلمین را به عنوان اولین ابر قدرت جهانی معرفی می کند.

۳. اعتراف مخالفان شرقی و غربی اسلام به ظهور حضرت مهدی «عج»

« این حقیقت که انتظار ظهور حضرت مهدی «عج» بذر تمام انقلاب های شیعی در طول تاریخ حیات اسلام است، چنان مسلم و بدیهی است که حتی مخالفان شرقی و غربی اسلام نیز بدان معترفند و با همه عناد و لجاجتی که با اسلام و قرآن و مسلمانان و مکتب انسان ساز تشیع دارند و از هیچ گونه تهمت و دروغ و افتراء خودداری، افتراء خوداری نمی ورزند، بی پرده از سازندگی انتظار حضرت مهدی «عج» سخن می گویند و آن را یکی از عقاید انقلاب آفرین و کم نظیر تشیع می شمارند. ^۱»

« ای. پ. پروشفسکی » تاریخ دان و ایران شناس فرهنگستان علوم شوروی - که در توجیه تاریخ ما با معیارهای حزبی به زور مسخ و تحریف، سخت استاد - در این زمینه می نویسد «چشم به راه مهدی بودن. در عقاید مردمی که نهضت های قرن سیزدهم را در ایران به پا داشتند، مقام بلندی داشته است. ولی در قرن چهاردهم و پانزدهم میلادی این عقیده راسخ تر و مشهود تر گشت ... داتسانی که «یاقوت حموی» نقل می کند بسیار آموزنده است ... در شهر کاشان، سران شهر هر روز هنگام سپیده دم از دروازه خارج می شدند و اسب زین کرده ای را یدک می بردند تا مهدی قائم علیه السلام در صورت ظهور، بر آن سوار شود. در زمان فرمانروایی سربداران نیز ... در سبزوار ... به طوری که میر خواند در «روضه الصفا» می گوید: «هر بامداد و شب به انتظار صاحب الزمان اسب کشیدندی» ^۲

۱. سید اسد الله، هاشمی شهیدی «ظهور حضرت مهدی «عج» از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان»، ص ۲۳۹

۲. ای. پ. پروشفسکی، «نهضت سربداران خراسان»، ترجمه: کریم کشاورز، ص ۱۵.

« به عقیده اسلام هر چند که پتروشفسکی تاریخ دان و ایران شناس فرهنگستان علوم شوروی، تمام آموخته های خود را از افسانه های ساخته و پرداخته دست دشمنان تشیع فرا گرفته و در توجیه این افسانه ها سخت ماهی است؛ ولی در عین حال جای بسی تعجب است که گویا به خاطر ایشان نرسیده است که تمامی عبارات و گفته های ایشان حاکی از بیداری و آگاهی و روشن دلی و آمادگی و تلاش و کوشش ناشی از انتظار و نهضت آفرین تشیع است. و چنین بیداری اعتراف روشنی با مخدر خوردن دین و عامل انحطاط و عقب ماندگی بودن آن، سازگار نمی باشد. وگرنه حتماً در این تعابیر رسا و گویا که حاکی از سازندگی عقیده نجات بخش و تحرک آفرین انتظار است تجدید نظر می نمودند»^۱

و جمیز دار مستتر شرق شناس و زبانان معروف فرانسوی نیز که به شیوه غربیان سخت می کوشد تا در اصالت اعتقاد به ظهور حضرت مهدی «عج» خدشه وارد کند در این باره می گوید:

« در حله که نزدیک بغداد واقع است ... همه روزه پس از نماز عصر، صد نفر سوار با شمشیر برهنه می رفتند و از خاک شهر اسبی با زین و برگ می ستانند و ... فریاد می زند که تو را به خدایا صاحب الزمان، تو را به خدا بیرون بیا ... صفویه هر چند سید بودند و از اولاد علی علیه السلام به شمار می آمدند، خود را فقط نایب امام و حکام موقتی محسوب می داشتند. و مهدی غایب «عج» را بر خود مقدم می دانستند. پادشاهان صفوی در کاخ خود در اصفهان دو اسب با زین افزار مجلل و مجهز داشتند تا برای سواری مهدی علیه السلام حاضر باشد. »^۲

اینک سخنان این شرق شناس و زبانان سرای فرانسوی، تا چه اندازه حقیقت دارد چیزی نیست، ولی سخن در این است که این مستشرق نیز چون به خوبی دریافته است که انتظار و چشم به راهی قائم آل محمد صلی الله علیه و آله مایه سرسختی مقاومت و استقامت بی نظیر شیعیان در برابر استعمارگران و زورگویان چپاولگر است، از این رو به اروپائیان استعمار کننده و

۱. سید اسد الله، هاشمی شهیدی، «ظهور حضرت مهدی «عج»، از دیدگاه اسلام و مذاهب ملل جهان، ص ۲۴۰.

۲. دارمستر، «مهدی از صدر اسلام تا قرن ۱۳ هجری» ترجمه: محسن جهانسوز، ص ۳۸.

غارتگر هشدار می دهد که: «قومی را که با چنین احساسات پرورش یافته است می توان کشتار کرد؛ اما مطیع نمی توان ساخت»^۱.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَتَيْنِ، يُقَالُ فِي إِحْدَاهُمَا هَلْكَ، وَ لَا يُدْرَى فِي أُيُودِ سَلْكَ.»

«برای قائم دو غیبت است که در یکی از آنها گفته می شود: از دنیا رفته است، چون نمی دانند کجا گام سپرده است.»

الا ای حجت حق از جانب غیب بیرون آی

بشوی از چهره ی آئینه دین گرد مهدی جان

بیا و پیش دشمن با ظهورت رو سفیدم کن

بود تا کی عذار ما ز محنت زرد مهدی جان

فصل هشتم: وظایف شیعیان در دوران عمیت کبری

انتظار ظهور مصلح بزرگ آسمانی

طبق متون اصیل اسلامی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در همان عصر غربت و دوران تنهایی خویش و در روزگاری که هیچ کس باور نداشت که آیین توحید و یکتا پرستی از مرز جزیره العرب فراتر رود، از پیروزی اسلام و آینده جهان و سرانجام بشر سخن می راند. شاهد صادق این گفتار آیات متعددی است که در قرآن کریم وارد شده و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم علیهم السلام آنها را به وجود مقدس مهدی موعود و انتظار و زمان ظهور مبارک آن حضرت تفسیر و تاویل نموده اند، علاوه بر این در ضمن صدها حدیث معتبر و متواتر که بزرگان و محدثان شیعه و سنی در منابع خود آورده اند به معرفی مهدی موعود علیه السلام و پایه گذار حکومت واحد جهانی پرداخته اند.

یکی از مباحثی که در قرآن کریم از اهمیت خاص برخوردار است مساله فطرت است این کتاب الهی معتقد است که اسلام همان دین الهی است منطبق با فطرت یعنی خلقت و سرشت آدمی است و در دو محور تکوین و تشریح بشر را به سعادت و کمال نهایی خود می‌رساند و از آنجا که انسان هم مانند سایر موجودات در آغاز تکوین به سوی یک غایتی در حرکت است و توجه به سوی آن غایت دارد لاجرم این غایت جزء در پرتو جامعه ای صالح تحقق پیدا نمی‌کند و لذا بشر به سوی یک جامعه متمدن که اساس آن را توحید و نبوت و ولایت و معاد تشکیل بدهد در حرکت است.

آری، عقیده به انتظار ظهور یک مصلح بزرگ آسمانی در پایان جهان، یکی از مسائل بسیار مهم و حساسی است که نه تنها در آیین مبین اسلام، بلکه در همه ادیان آسمانی، و نه تنها در میان پیروان ادیان و مذاهب بلکه در نزد بسیاری از مکاتب مختلف جهان سابقه دیرین دارد و تمامی پیروان ادیان بزرگ عالم از مسیحیان، کلیمیان و زرتشتیان گرفته تا پیروان مکتب های الحادی همه و همه بدان عقیده دارند، ناگفته نماند که پیروان ادیان و مذاهب گوناگون و دیگر ملل و اقوام گذشته و مکاتب مختلف جهان درباره نام آن بزرگوار با هم اختلاف نظر دارند. مسلمانان او را «مهدی موعود منتظر عجله» و پیروان سایر ادیان و مکتبها و ملتها و توده های محروم وی را «مصلح جهانی» یا «مصلح غیبی» یا «رهاننده بزرگ» یا «نجات بخش آسمانی» و یا «منجی اعظم» می‌نامند؛ ولی درباره اوصاف کلی، برنامه های اصلاحی، تشکیل حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی، و ظهور او در آخر الزمان اتفاق نظر دارند.

مهمترین ویژگی های مشترک منجی موعود در ادیان، تقدیر الهی در پیروزی و حاکم شدن حق و شکست باطل، نقش رهبری دینی در برقراری وضعیت آرمانی و موعود، برقراری حکومت دینی به دست منجی موعود و نابودی حکومت های ظالمانه و ستمگر و حاکمیت دین بر زندگی انسانها و بسط و گسترش عدالت می باشد.

انتظار اگر واقعی باشد، انسان را می‌سازد؛ یک عقیده قلبی است که آثارش در اندیشه و اعمال، مشهود است؛ زیرا امیدواری به آینده زمانی خوب است که او را به کار و تلاش

و ادارد و اگر امید نباشد انسان از حرکت می ایستد؛ پس امید واقعی کجاست؟ در سایر ادیان می گویند: نجات بخش خواهد آمد؛ مثلاً یهود می گوید «مشیا» می آید؛ ولی در پاسخ به این سؤال که هویت او چیست؟ می گویند: نمی دانیم. و یا انجیل می گوید: «عیسی» خواهد آمد؛ ولی چه خواهد کرد؟ می گویند: نمی دانیم و حتی آنها می گویند: طبق نوشته انجیل، وقتی عیسی بیاید، قیامت بر پا می شود؛ بنابراین مسیحیان، نسبت به آینده، حیرت زده اند. پس انتظار واقعی نیست؛ انتظار مرگ است؛ چون قیامت به پا می شود. اکثر اهل سنت هم می گویند: مهدی خواهد آمد؛ ولی هنوز متولد نشده است. اما این که هویت او چیست؟ چه کسی او را انتخاب می کند؟ پاسخ درستی نمی دهند؛ پس منتظر واقعی نیستند و متحریند. ولی شیعه حضرت مهدی علیه السلام را مشخص می کند؛ می گوید: «او به دنیا آمده، پدر و مادرش معلوم است، اکنون در غیبت کبری است، خداوند او را حفظ کرده و کسانی او را دیده اند؛ بنابراین انتظار شیعه یک انتظار واقعی است.»

بر اساس تعالیم تمام مکاتب آسمانی، «انتظار» در همه انسانها وجود دارد و زمینه آن در همه جوامع بشری از متمدن و غیر متمدن به چشم می خورد؛ ولی استکبار پیشگان، پیوسته کوشیده و می کوشند تا مبانی اعتقادی جامعه ها را سست و بی اعتبار سازند، چنین تبلیغ می کنند که، «انتظار» عامل رکود و سستی است و ایمان به وجود یک آینده روشن بازتابی از محرومیت های طبقه شکست خورده و یک آرامش موقت است که در لباس مذهب خودنمایی می کند.

طبق نظر اسلامی، یکی از مسائل مهم اعتقادی اسلام که در طول چهارده قرن تاریخ اسلام بی رحمانه مورد هجوم دزدان عقیده قرار گرفته است، همین مسئله «انتظار» و عقیده به ظهور آخرین حجت خدا حضرت مهدی (عج) است؛ زیرا استعمارگران و شکم بارگان استثمارگر که این عقیده زیر بنایی را سد راه استعماری خود دیده اند، پیوسته کوشیده اند تا با انواع دسیسه ها، آن را از کار انداخته و بی ثمر سازند و گروهی هم ندانسته به پیروی از آنان پنداشته اند که انتظار فرج و عقیده به ظهور امام غایب، عامل رکود و عقب ماندگی

است. در حالی که بررسی این آرمان اصیل و سازنده و انگیزنده، نادرستی بینش و روش این استعمارگران را روشن می‌سازد.

آنچه از مجموع آیات و روایات اسلامی و مفهوم خود کلمه «انتظار» استفاده می‌شود این است که: انتظار در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی، عامل رشد و اصلاح و عامل مقاومت و پیشرفت و عامل بیداری و بقای جامعه و بالاخره عامل حرکت و جنبش و قیام و از عقاید تاریخ ساز و انقلاب آفرین اسلامی و بذر اصلی قیام جهانی حضرت مهدی (عج) است. ولی چنانکه گفتیم؛ متأسفانه دشمنان اسلام و گروهی از انسانهای فریب خورده و بی اطلاع یا اشخاص کج اندیش و سست عنصر، این انتظار و چشم به راهی را عامل رکود و عقب ماندگی دانسته و چنین می‌پندارند که آدمی باید از هر تلاش و کوشش اصلاحی دست بشوید و در برابر زور و فشار و ظلم و فساد، راه خاموش و سکوت در پیش گیرد. و بسان مردگان زنده نما در تابوت انتظار دراز کشیده و دست روی دست بگذارد و به خواب دائمی فرو رود و اگر می‌خواهد که موعود جهانی و مصلح غیبی زودتر از راه فرا رسد و به ظلم و جنایتها پایان دهد می‌بایست به گسترش جور و فساد کمک کند تا گیتی پر از ستم و تباهی گردد، و ظهور مهدی موعود علیه السلام نزدیک شود. در صورتی که چنین برداشتی از مفهوم انتظار، بدترین و نادرست ترین و گمراه کننده ترین مفهومی است که می‌توان به انتظار نسبت داد، زیرا این مفهوم انتظار نیست بلکه تحریف حقیقت و واقعیت است، چرا که: لازمه چشم به راهی مهیا شدن و مهیا ساختن برای ظهور است. تنبل ترین و بیحال ترین آدمها وقتی منتظر میهمان عزیزی باشند از پیش وسایل راحتی و پذیرایی او را از همه جهت آماده و فراهم می‌سازد به سر و وضع خود و خانه و اهل خانه رسیدگی می‌کند. حتی مسیر او را آب می‌پاشد و جارو می‌کشد. و بالاتر از این اگر بداند که به محض ورود میهمان دچار هجوم بدخواهان خواهد شد بر ترمیم و تحکیم خانه و کاشانه و تجهیز و تسلیح خود و خانواده می‌پردازد.

« دارمستتر »^۱ خاورشناس فرانسوی ضمن اعتراف به اصالت مهدویت و عقیده به انتظار ظهور منجی بزرگ، در بحث طولانی خود در پاریس چنین گفت: «در این دنیا به ویژه در جهان اسلام، تاریخ با چنان وضع غریبی تکرار می شود که اگر سرگذشت متمهدی^۲ های گذشته را برای شما نقل کنند، مثل این است که تاریخ ماضی و حال و آینده مهدی امروزی را بیان کرده باشند. متمهدی امروزی در نوع خود نمونه نخستین نیست که ظهور کرده است مسلماً آخرین نفر هم نخواهد بود. مدعیان مهدویت بسیار بوده اند و بعد از او نیز خواهند بود. تاریخچه و نفوذ سحر آسای این مردمان و نوید دادن و کامیابی آنان و نومییدی که ناچار در آخر کار رخ می دهد مکرر در عالم اسلام صورت گرفته و بعد از این هم مکرر صورت خواهد گرفت. ظهور مهدی علیه السلام را از نخستین ایام پیدایش اسلام انتظار داشته اند و تا زمانی که یک نفر مسلمان باقی باشد مهدی ها ظهور خواهند کرد.»

آری همانگونه که ملاحظه می شود با این که دارمستتر، خاورشناس و زبان‌دان فرانسوی ماموریت پیدا می کند تا در سخنرانی خود اعتقاد به انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام را از ریشه بی اعتبار سازد، با این همه وی در ضمن سخنرانی خود به اصالت مهدویت اعتراف می کند و می گوید (ظهور مهدی علیه السلام را از نخستین ایام پیدایش اسلام انتظار داشته اند.) و «هانری کرین» (اسلام شناس فرانسوی) می گوید: «مفهوم غیبت هرگز در چهارچوب درخواست های دنیای امروز در معرض تفکر قرار نگرفت. این امر، چشمه ای بی نهایت و ابدی از معنا و حقایق است؛ مفهوم امام غایب را با روح غربی خودم به گونه ای نو احساس می کنم و چنین به دلم الهام می شود که رابطه حقیقی آن را با حیات معنوی بشر وابسته می دانم ... سرزمین ایران از دید اخروی سرزمین انتظار است قلمرویی که در آن امام غایب دست اندرکار فرا رسیدن ساعت موعود در زمان غیبت است.»

۱. Darmesteter.

۲. منظور از « متمهدی » افراد کذابی هستند که در طول تاریخ با سوء استفاده از ساده لوحی افراد، خود را به دروغ « مهدی موعود » می نامیده اند.

از اینجا معلوم می شود که دلایل عقیده به انتظار ظهور مهدی علیه السلام تا چه اندازه قوی و محکم و قانع کننده است که حتی یک نفر غیر مسلمان نیز جرات انکار اصل مساله مهدویت را ندارد و آنرا از مسایل اعتقادی مسلمانان به شمار می آورند و یادآور می شوند که عقیده به انتظار ظهور حضرت مهدی موعود علیه السلام از نخستین دوران پیدایش اسلام در بین مسلمانان وجود داشته است.

پس اگر حتی سنگها ستبری که برخلاف مسیر رودخانه هستی بایستند و بخواهند با جریان طبیعی آب، به مبارزه برخیزند سرانجام خواهند شکست و ذره های وجودی آنها در سیلاب پر خروش آبها گم خواهند شد. این فلسفه حق است که می ماند و آن فلسفه باطل است که می رود.

با توجه به مطالب ارائه شده مربوط به نقد منکران اعم از مستشرقان و دیگر ناباوران به این نتیجه می رسیم که : یکی از علل مهم انکار منکران وجود عینی مهدی نماهائی است که در گوشه و کنار ظاهر شده علم مهدویت را برافراشته با توجه به شرایط زمانی و مکانی گروهی را فریفته، و خود را مهدی نامیده و با توجه به تاثیری که در مریدان خویش داشته اند به فساد برخواسته اند. بعضی از منکران رفتار مهدی نماها را به بررسی کشیده نقطه ضعف ها و فسادها و فریبکاری های ایشان را بدست آورده و سرانجام نتیجه گرفته اند که اگر مهدویت این است ما با آن مخالف بوده و آن را انکار می کنیم.

غافل از اینکه متمهیدیان و فساد انگیزی ایشان در زمین و گرد آوردن مریدانی و چند سواری گرفتن از ایشان خود دلیل آنست که اصلی در اسلام وجود داشته که این اصل نماها عرصه اظهار وجود پیدا کرده اند و با فریب مردم خود را به جای آن اصل جا می زنند. نفی مهدی نماها، هرگز نفی مهدی نیست. برای وجود چند جنس تقلبی هرگز وجود همه اجناس از آن نوع را نفی نمی کنند. پس باید کوشش بر این باشد که چهره واقعی مهدویت را آن گونه که اسلام معرفی می کند شناساند و در این میان آگاه و هوشیار بود و دست فریبکاران مهدی نما را رو کرد. و در پاسداری از اعتقاد، آگاه و بیدار و راهنمای امت بود.

دشمن به خوبی می داند که بهترین راه خراب کردن به یک عقیده پر تحرک و پر جوشش مصنوعی کردن و ترسیم غلط و انحرافی از آن عقیده می تواند باشد. ملتی که با اعتماد به مهدی و انتظار ظهور پیروزمند او در مقابله با تمامی ستمها و ظلمها هرگز راه نفوذی برای دشمن باقی نمی گذارند و آرزوی هرگونه استفاده ای را در قلب دشمن خفه می کند چگونه می توانند نفوذ ناپذیر باشد؟

وظایف مردم در دوران غیبت» را می توان از وحشتی که به این وسیله در دل مستکبران عالم ایجاد می شود فهمید؛ چرا که امروزه تلاش استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا - خصوصاً بعد از فروپاشی نظام شوروی - در این است که خود را یکه تاز میدان قرار دهد و هر گونه ندای مخالف را سرکوب کند و در دل انسانهای آزاده عالم و مشتاقان عدالت، تخم یأس و پژمردگی بیاشد و افراد را از بهبودی اوضاع و دل بستن به انقلاب ناامید کند. مساله مهدویت و انتظار پس از پیروزی انقلاب اسلامی در راستای رسیدن به این اهداف مطرح شد.

ولی با همه تلاش دشمن آنچه روشن و قطعی است این است که امروزه انقلاب اسلامی ایران که زمینه ساز ظهور می باشد به رغم توطئه های بی شمار شرق و غرب به پیروزی رسیده و طلیعه ظهور نمایان شده و اکنون ناقوس مرگ تمدن مادی را به صدا در آورده است و مقدمات و زمینه های ظهور را فراهم می کند و فریاد دفاع از فلسطین و همه محرومان و مستضعفان عالم و نابودی اسرائیل و همه ظالمان و ستمگران را شعار خود قرار داده و می رود تا با تشکیل هسته های مقاومت حزب الله در سرتاسر عالم در برابر همه کسانی که در مقابل دین ما ایستاده اند بایستند و عرصه را بر آنان تنگ کند و مسلمین را به عنوان اولین ابرقدرت جهانی معرفی کند.

این حقیقت که انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) بذر تمام انقلاب های شیعی در طول تاریخ حیات اسلام است، چنان مسلم و بدیهی است که حتی مخالفان شرقی و غربی اسلام نیز بدان معترفند و با همه عناد و لجاجتی که با اسلام و قرآن و مسلمانان و مکتب انسان ساز تشیع دارند و از هیچ گونه تهمت و دروغ و افتراء خوداری نمی ورزند، بی پرده از سازندگی انتظار

حضرت مهدی علیه السلام سخن می گویند و آن را یکی از عقاید انقلاب آفرین و کم نظیر تشیع می شمارند.

چیزی که در این عصر، که عصر غیبت است باید مطمح نظر مردم و منتظران باشد، همان اشاعه و ترویج فرهنگ مهدویت و فرهنگ سازی وسیع «انتظار صحیح» بین مردم علی الخصوص قشر جوان است. که این کار را از طریق تالیف کتب درسی، ساختن برنامه های مناسب و پخش از طریق رسانه های ارتباط جمعی، برگزاری جلسات علمی - عقیدتی پیرامون مساله مهدویت و بررسی فرهنگ انتظار می توان انجام داد

شناخت و آگاهی نسبت به حضرت ولی عصر (عج) :

از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده است که: روزی امام حسین علیه السلام بر اصحاب خود وارد شوند، بعد از حمد خدا و درود بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

« ای مردم ! خداوند بندگان را نیافرید مگر برای اینکه او را بشناسند ، زمانی که او را شناختند، او را پرستش کنند و هنگامی که او را پرستش کردند، با عبادت و پرستش او از بندگی غیر او بی نیاز گردند. مردی عرض کرد: ای پیامبر ! پدر و مادرم فدای شما باد، معرفت خداوند چیست ؟ فرمود: شناخت اهل هر زمانی نسبت به امامشان، امامی که اطلاعات او بر آنان واجب است. ^۱»

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است. ^۲»

توجه به مضامین دعاهایی که خواندن آنها در عصر غیبت توصیه شده است ما را به اهمیت شناخت حضرت ولی عصر علیه السلام راهنمایی می کند. در یکی از دعاهای معروف و معتبری که شیخ صدوق آن را در کتاب کمال الدین نقل کرده است، می خوانیم:

۱ . محمد حسن ، دنیوی ، « ماهنامه مبلغان » ، صاحب امتیاز : معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی مدیریت حوزه علمیه قم ، ش ۳۴ ، ص ۶۳ .

۲ . محمد باقر . مجلسی ، « بحارالانوار » ، مترجم : علی دوانی ، ج ۸ ، ص ۳۶۸ ، ج ۳۲ ص ۳۲۱ .

« بارالها ! خودت را به من بشناسان که اگر خود را به من نشناسانی پیغمبرت را نخواهم شناخت. بارالها ! پیغمبرت را به من بشناسان که اگر پیغمبرت را به من نشناسانی حجت تو را نخواهم شناخت. بارالها ! حجت خود را به من بشناسان که اگر حجت خود را به من نشناسانی از دینم گمراه می گردم. »^۱

تمسک به ریسمان ولایت اهل بیت علیهم السلام:

ولایت اهل بیت دو گونه است: الف) ولایت تکوینی ب) ولایت تشریحی
ولایت تکوینی بدین معناست که حضرات معصومین علیهم السلام به اذن و اراده الهی، می توانند در مقام تکوین و وعینیات خارجی، دخل و تصرف کنند، مانند معجزات انبیاء علیهم السلام و کرامات اولیاء علیهم السلام، و ولایت تشریحی، به معنای ولایت و سرپرستی جامعه و مومنین است. امامان معصوم علیهم السلام، هر کدام در زمان خود، ولی و سرپرست جامعه بوده و مردم را هدایت تشریحی می کنند. از جمله وظایف مهم منتظران در زمان غیبت، چنگ زدن به ریسمان (ولایت) اهل بیت علیهم السلام است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «خوشا بحال شیعیان ما ! آنان که در زمان غیبت قائم ما به ریسمان (ولایت) ما تمسک می جویند.»^۲

همچنین امام سجاد علیه السلام فرمودند: «هر کس در غیبت قائم ما بر دوستی {و عقیده به امامت ما} ثابت قدم باشد، خدای متعال اجر هزار شهید از شهدای بدر و احد به او عطا می کند.»^۳
و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: «زمانی بر مردم فرا می رسد که پیشوایشان از آنان غایب گردد. زراره پرسید: در آن زمان مردم چه کنند؟ امام علیه السلام فرمود: به همان امر {ولایتی} که بر آنند چنگ زنند، تا برایشان آشکار شود.»

۱. محمد، شیخ صدوق، «کمال الدین»، ج ۲، ص ۵۱۲

۲. محمد، شیخ صدوق، «کمال الدین»، ج ۲، باب ۳۴، ح ۵

۳. محمد بن یعقوب، کلینی، «کافی»، ج ۲، ص ۱۲۷.

انتظار در ظهور منجی از واجبات

امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی بندگان به خدای بزرگ نزدیک ترند و خدا از ایشان راضی تر است که حجت خدای متعال از میان آنان ناپدید گردد و ظاهر نشود و آنان جایش را هم ندانند. با این همه بدانند که حجت و میثاق خدا باطل نشده است. در آن زمان، هر صبح و شام چشم انتظار فرج باشید.»

آنچه در روایات مربوط به انتظار فرج حضرت ولی عصر (عج) بسیار به آن پرداخته شده، مساله صبر در این انتظار و پاداش صابران در این دوران است.

امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «پس از شما کسانی بیایند که یک نفر از ایشان پاداش پنجاه هزار نفر از شما را داشته باشد { اصحاب } گفتند: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله ! ما در جنگ بدر واحد وحنین با تو بودیم و درباره ما آیه نازل شده است ؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اگر آنچه { از حوادث ایام } به ایشان می رسد، به شما رسد، صبر آنان را ندارید. ^۱ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «انتظار فرج با صبر، عبادت است.»

امام حسین علیه السلام فرمودند: «برای او { مهدی } غیبتی است که اقوامی در آن از دین خارج شوند و گروهی بر دین ثابت قدم بمانند و آزار و اذیت می کشند و به آنها گفته می شود: این وعده { ظهور } چه وقت عملی می شود، اگر راست می گوئید ؟ بی تردید صبر کننده در زمان غیبت در برابر اذیت و آزار و تکذیب { مخالفان }، به منزله جهاد کننده با شمشیر در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله است.» ^۲

اصلاح فردی و اجتماعی در دوران غیبت:

یکی از وظایف مهم منتظران دولت حق، پارسائی و آراستگی به اخلاق خوب و پسندیده است.

۱. محمد تقی، موسوی اصفهانی «میکل المکارم»، ج ۲، ص ۲۹۰.

۲. محمد، شیخ صدوق، «کمال الدین» ج ۱، ص ۴۳۷.

امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس شادمان می گردد از اینکه از یاران حضرت مهدی علیه السلام باشد، باید منتظر باشد و به پرهیزگاری و اخلاق نیکو رفتار نماید و او منتظر {واقعی} است.»^۱ و همچنین می فرمایند: «به یقین برای صاحب این امر غیبتی است، پس بنده خدا باید تقوای الهی پیشه کند و به دینش چنگ زند.»^۲

یکی از وظایف مهم مردم در دوران غیبت کبری، داشتن روحیه اصلاح گری در سطح جامعه است. هر فردی باید در برابر آحاد جامعه اسلامی احساس مسئولیت کرده، در راه اصلاح و ساختن افراد تلاش نماید، تا جامعه و افراد آن آماده پذیرش حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) شوند.

اصلاح جامعه از راه امر به معروف و نهی از منکر تحقق می یابد و قانون امر به معروف و نهی از منکر در متن دین اسلام بسیار مورد تاکید قرار گرفته است.

امام باقر علیه السلام در بیان وظایف شیعیان در دوران غیبت فرمودند: «توانمندان شما باید به ضعیفان کمک کنند و اغنیاء شما باید به فقرایتان مهربانی کنند، هرکس باید برادر دینی اش را نصیحت کند، نصیحتی که به نفع برادرش باشد.»^۳

خداوند متعال می فرماید: «شما بهترین امتی بودید که به سود انسان ها آفریده شده اند؛ زیرا که امر به معروف و نهی از منکر می کنید و...»^۴

امام صادق علیه السلام فرمودند: «بی تردید امر به معروف و نهی از منکر راه انبیاء علیهم السلام و طریقه صالحان است. { امر به معروف و نهی از منکر } وظیفه ای سترگ و خطیر است که به وسیله آن سایر واجبات انجام می پذیرد و راه ها امنیت می یابد و درآمدها حلال و مشروع

۱. ابن ابی زینب، نعمایی، «الغیبه»، ترجمه: جواد غفاری، ص ۲۰۰، ج ۱۶.

۲. محمد بن یعقوب، کلینی، «کافی»، ج ۲، ص ۱۳۲.

۳. عماد الدین، طبری آملی الکنجی، «بشاره المصطفی لشیهه المرتضی»، ص ۱۱۳.

۴. سوره آل عمران / ۱۱۰.

می گردد، مظالم بازگردانده می شوند، زمین آباد می شود و از دشمنان انتقام گرفته می شود و امور سامان می یابد.^۱

آری، اگر همه مسلمانان خود را موظف به اجرای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی می بدانند، قدمهای اولیه برای نیل به جامعه ایده آل و مطلوب مهدوی برداشته می شود.

عبادت و پرستش خدای بزرگ، در دوران پیش از ظهور، چنان که شایسته است انجام نمی گیرد. نوع انسان ها

در اقیانوس مادیات غرق شده اند و به هدف و غرض خلقت خویش نمی اندیشند و از راز و رمز فلسفه حیات خویش بی خبرند. توجه ندارند که پدیده ای الهی هستند و به سوی او باز می گردند و در این دوران کوتاه زندگی، باید راهی به او بجویند، با نیایش و عبادت روح را صیقل دهند و آماده عروج به سوی خدا سازند.

آمادگی جانی و مالی در ظهور حضرت مهدی (عج):

به تصریح روایات، آماده کردن سلاح و کسب مهارت نظامی که مناسب با هر عصری باشد، برای شرکت در سپاه حضرت مهدی (عج) از وظایف منتظران است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «هریک از شما باید برای خروج حضرت قائم علیه السلام هرچند به اندازه یک تیر، مهیا کند، هرگاه خدای تعالی چنین نیتی از او ببیند، امیدوارم عمرش را طولانی کند تا آن حضرت را درک کند و در زمره یاران و همراهانش قرار گیرد.»^۲

همچنین امام کاظم علیه السلام فرمود: «هرکسی مرکبی را به انتظار امر ما نگاه دارد و به سبب آن دشمنان ما را خشمگین سازد در حالی که خودش به ما منسوب باشد، خداوند روزیش را

۱. حسن، حرانی، «تحف العقول»، ص ۲۲۷.

۲. ابن ابی زینب، نعمانی، «الغیبه» ترجمه: جواد غفاری، باب ماجاء فی ذکر الشیعه، ص ۱۷۳.

فراخ گرداند و به او شرح صدر عطا کند، او را به آرزویش برساند و در رسیدن به خواسته هایش او را یاری کند.»^۱

یکی از وظایف مهم دیگر شیعیان و علاقمندان آن حضرت، فراموش نکردن امام عصر خود، و همیشه به یاد و ذکر او بودن است.

امام علی علیه السلام فرمود: «هرکس چیزی را دوست بدارد، همواره نام آن را به زبان دارد.»^۱ دعای ندبه زمزمه ای است عاشقانه که در آن هر صبح جمعه بامعشوق خود ارتباط برقرار می کنیم و به یاد او سرشک از دیدگانمان جاری می گردد. چه زیباست نغمه های عاشقان مهدی (عج) آنجا که می گویند: «بسیار بر من سخت است که خلق را ببینم و تو را نبینم و از تو صدایی نشنوم.»^۲

« آیا کسی هست که مرا یاری کند تا به همراهی او ناله و گریه را طولانی کنم؟ آیا ناله کننده و بی تابی هست که من با زاری او را در هنگام تنهائیش یاری و همراهی می کنم؟ آیا درچشمی خار رفته که چشم من {درناراحتی و اشک} با او همدردی نماید؟ ای زاده احمد! آیا راهی به سوی تو هست که به ملاقات تو منتهی گردد؟ آیا روز { جدایی} ما به فردای { وصال} می رسد که از آن حظ بریم؟»^۳

امام زمان علیه السلام نیز از یاد شیعیان خود غافل نیست و اگر ارتباط با امام زمان علیه السلام برقرار شود و در همه امور زندگی به یاد و ذکر آن حضرت باشیم، یقیناً مورد لطف و عنایت ایشان قرار می گیریم، چنانکه در نامه امام زمان علیه السلام به شیخ مفید (قدس سره) به این موضوع اشاره شده است. آن حضرت می فرماید: «ما از رسیدگی به حال شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نمی بریم.»^۴

۱. محمد بن یعقوب، کلینس، «کافی» ج ۲، ص ۱۳۲.

۲. محمد بن یعقوب، کلینس، «کافی» ج ۲، ص ۱۳۲.

۳. شیخ عباس، قمی، «مفاتیح الجنان»، مترجم: مرحوم مهدی الهی قمشه ای «ره»، ص ۱۰۳۴.

۴. همان ف دعای ندبه، ص ۱۰۳۴.

۵. احمد، طبرسی، «الاحتجاج» ج ۲، ص ۵۹۸.

محبت به حضرت مهدی (عج) :

انسان وقتی به کسی علاقه داشته باشد، یاد و خاطره محبوب همیشه در فکر و ذهنش حضور دارد و این موجب می شود که زندگیش رنگ و بوی معشوق بگیرد اگر محبوب انسان موجودی متعالی و ملکوتی باشد، این الگو پذیری زمینه رشد و تعالی او را فراهم می سازد و اگر محبوب و معشوق او موجودی پست و فرومایه باشد، این الگو پذیری موجب سقوط و هلاکت وی خواهد شد. به خاطر اهمیت محبت به اهل بیت علیهم السلام خداوند در قرآن کریم، مزد رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله را مودت و دوستی خاندان او قرار داده است و می فرماید:

« بگو من از شما در برابر رسالتم مزدی طلب نمی کنم، به جز دوستی و مودت نسبت به اهل بیتم. »^۱

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ بنده ای ایمان { واقعی } نمی آورد مگر اینکه در نزد او من از خودش محبوبتر و اهل بیت من و خاندان من از اهل بیت و خاندان او محبوبتر باشند و ذات من از ذات خودش محبوبتر باشد.»^۲

امام حسن عسکری علیه السلام خطاب به حضرت مهدی علیه السلام فرمودند: «بدان که دل های اهل بندگی و اخلاص به سوی تو پر می کشند؛ همچنان که پرنده به سوی آشیانه پر می کشد.»^۳

البته این طور نیست که محبت یک طرفه باشد، بلکه امامان معصوم علیهم السلام نیز نسبت به شیعیان واقعی ابراز علاقه و محبت کرده و می کنند، و در غم و شادی آنان شریکند. امام مهدی (عج) فرمود: «از تردید گروهی از شمار شیعیان» در دین، و شک و سرگردان در مساله والیان امرشان آگاه شدم، پس این غم به خاطر شماست نه به خاطر خود ما، و برای شما متاثر شدیم نه برای خودمان»^۴

۱. سوره شوری / آیه ۲۳.

۲. محمد باقر، مجلسی، «بحار الانوار»، مترجم: علی دوانی، ج ۲، ص ۷۵.

۳. محمد، شیخ صدوق، «کمال الدین»، ج ۲، ص ۳۴۸، ح ۱۹.

۴. محمد باقر، مجلسی، «بحار الانوار»، مترجم: علی دوانی، ج ۵۳، ص ۱۷۸.

محزون بودن از فراق حضرت:

یکی از نشانه های دوستی، محزون بودن در فراق و دوری از دوست و محبوب است. بدیهی است است که علاقمندان به امام زمان (عج) در دوران غیبت در فراق او اندوهگین هستند و این حزن و اندوه را به گونه های مختلف بروز می دهند.

امامان معصوم علیهم السلام نیز به خاطر غیبت امام زمان علیه السلام می گریستند. به عنوان نمونه، سُدیر صیرفی می گوید: به خدمت مولایمان امام صادق علیه السلام رفتیم و امام در حال گریه و ناله دیدیم. او آنگاه حالت امام را اینگونه تشریح می کند: «او همچون مادر فرزند از دست داده می گریست، اندوه از گونه های مبارکش پیدا بود و رنگ چهره اش تغییر کرده بود. اشک های او لباسش را خیس کرده بود. و در این حالت می گفت: مولای من! غیبت تو، خواب را از چشمانم ربوده و زمین را بر من تنگ نموده و آسایش دلم را از من گرفته است. مولای من! غیبت تو، بلا و مصیبت مرا به فاجعه های ابدی پیوند داده است.»^۱

چگونگی دعا برای فرج و سلامتی امام زمان (عج):

در روایات معصومین علیهم السلام دعا برای فرج امام زمان (عج) به عنوان یکی از عوامل نجات انسان ها در دوران هلاکت بخش غیبت کبری مطرح شده است.

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند که او غیبتی {سخت} می کند. در آن غیبت، از هلاکت نجات نمی یابد مگر کسی که خدای عزوجل او را بر قول به امامت آن حضرت ثابت بدارد و او را در عصر غیبت بر دعای به تعجیل فرج او موفق بدارد.»^۲

از سوی دیگر امام زمان علیه السلام در موارد زیادی شیعیان را به دعای برای فرج خویش توصیه کرده. به عنوان مثال، آن حضرت در پایان توقیع به جناب اسحاق بن یعقوب می فرماید: «برای تعجیل در فرج، زیاد دعا کنید که همانا آن فرج شماست.»^۳

۱. محمد، شیخ صدوق، «کما الدین»، باب ۳۴، ص ۲۱.

۲. محمد، شیخ صدوق، «کمال الدین»، ج ۲، ص ۲۶۰.

۳. همان، ج ۲، ص ۳۶۱ و ۲۶۰.

دعا بهترین وسیله ارتباط انسان با خدای خویش، ناشی از شناخت انسان از عجز خویش و اظهار کرنش در برابر آفریدگار است انسان مؤمن امید خود را از غیر خدا قطع کرده است و دست نیا به سوی خداوند بی نیاز دراز می کند. و رفع مشکلات خویش را تنها از و می خواهد. در رابطه با موضوع امام زمان (عج) دعاها و زیارت‌های مخصوصی آمده است که به دو نمونه از آنها اشاره می کنیم:

الف) دعای ندبه: مستحب است در اعیاد چهارگانه (جمعه، عید فطر، قربان، غدیر) خوانده شود.^۱

ب) دعای عهد: امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که چهل بامداد خدای را با دعای عهد بخواند، از یاوران قائم ما خواهد بود. اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خداوند او را از قبر بیرون می آورد.^۲

ج: خواندن زیارت آل یاسین، زیارت سلام الله الکامل، زیارت جامعه کبیره^۳ یکی دیگر از وظایف منتظران دعا نمودن برای سلامتی امام زمان (عج) است. که از جمله دعا‌های وارده در این زمینه، دعای معروف و مبارک فرج «اللهم کن لولیک الحجه بن الحسن» است؛ ما همواره باید از خداوند بخواهیم که آن وجود مبارک را بلاها و آفات، حفظ نموده و در ظهور و فرج او تعجیل فرماید. و با قرائت قرآن و نماز به نیابت حضرت و صدقه دادن برای سلامتی ایشان یکی دیگر از وظایف برای تعجیل در فرج حضرت است.

سید بن طاووس، در کتاب المحجه، به فرزندش سفارش کرده که: «در پیروی و وفاداری به آن حضرت، به گونه ای باش که خدا و رسول صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام از تو می خواهند؛ حاجات آن بزرگوار را بر خواسته های خود مقدم کن؛ هنگامی که نمازهای حاجت را به جا می آوری، صدقه دادن برای حضرت را، پیش از صدقه دادن برای خودت و عزیزانت قرار ده و

۱. سید مرتضی، مجتهدی، «صحیفه مهدیه»، ترجمه: محمد حسین رحیمیان، ص ۲۱۷.

۲. محمد باقر، مجلسی، «بحار الانوار»، مترجم: علی دوانی، ج ۹۴ ص ۴۱.

۳. شیخ، عباس قمی، «مفاتیح الجنان»، مترجم: مرحوم مهدی الهی قمشه ای، نشر مصطفی، ص ۱۰۵۹.

دعا کردن برای آن حضرت را مقدم بدان که سبب می شود به سوی تو توجه فرموده و احسان نماید.»^۱

رعایت حقوق و پرداخت خمس:

از دیگر وظایف منتظران، رعایت حقوق امام علیه السلام و پرداخت خمس و داشتن حساب سال و رعایت حقوق مردم و حقوق کسانی که با امام نسبت دارند، مثل سادات و علمای دین می باشند.

قیام کردن، هنگام ذکر نام «قائم».

پاسداری کردن از دین مبین اسلام و ایمان به حق داشتن با وجود دشواریهای راه.

خلقی که در انتظار ظهور «مصلح» به سر می برد، باید خود «صالح و الگو» باشد.

تبلیغ کردن فرهنگ انتظار مهدویت در تمام جوامع.

امر به معروف و نهی از منکر از وظایف اصلی منتظران باشد چرا که با ترک آن باعث مسلط شدن دشمنان می شود.

آگاهی جوانان نسبت به مسئله انتظار و مهدویت را در جامعه رونق بیشتری دهند، و این وظایف منتظران است.

می دانم آدینه ای خواهی آمد

که سحرگاهانش سوی همه روزهاست

خورشید شادمانه ترین طلوعش را خواهد کرد

و دنیا رنگ دیگری خواهد گرفت

چهار فصل یکی خواهند شد

و در پیکر بهار به تو خوش آمد خواهند گفت

و جهان دوباره طعم

۱. تقوی سید حسین، «حضرت مهدی عجل از ظهور تا پیروزی»، ص ۳۹۰.

محبت و دوستی را خواهد چشید
تو خواهی آمد
و تشنگی قرن‌ها را فرو خواهی نشاند.



قرآن

- رضی، سید شریف، «نهج البلاغه»، مترجم: مرحوم محمد دشتی، انتشارات ارم، قم، ۱۳۸۲
- احمدی، حمید، «صحیفه فاطمیه»، ناشر - آستانه مقدسه قم، بهار ۱۳۸۴
- ابن عربی، محی الدین، «فتوحات مکیه» چاپ دارالاحیاء التراث العربی، ج ۵، بیروت ۱۴۰۸.
- آلویں، تاظر، «به سوی تمدن جدید»، ترجمه: محمد رضا جعفری، نشر سیمرغ، تهران، (بی تا)
- اردکانی، سید ابولفضل، «پیامد های عاشورا»، (بی تا).
- ای. ب، پتروشفسکی، «نهضت سرداران خراسان»، ترجمه: کریم کشاورز، نشر آفاق، تهران،

- ابن طاووس، علی، «الملاحم والفتن» موسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ هـ.
- امینی، ابراهیم، «دادگستر جهان»، انتشارات شفق، تهران، ۱۳۴۶.
- ابن حنبل، احمد، «مسند»، انتشارات دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۵.
- ابن خلدون، «مقدمه»، داراحیاء التراث العربی، بیروت، (بی تا)
- بندرریگی، محمد، «فرهنگ بندرریگی»، انتشارات علمی، تهران، ج ۲، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- بابویه، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین، «عیون اخبارالرضا»، ج ۱، نشر توس، قم، ۱۴۰۴ هـ - ق.
- بحرانی، سید هاشم، «تفسیربرهان»، چاپ علمی، ج ۲ و ۴، قم، ۱۳۳۸.
- پورسید آقایی، مسعود، «فصلنامه علمی - تخصصی انتظار»، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، تهران، ش ۲ زمستان ۱۳۸۰، ش ۴ تابستان ۱۳۸۱، ش ۵ پائیز ۱۳۸۱، ش ۶ زمستان ۱۳۸۱، ش ۱۰ زمستان ۱۳۸۲.
- پورسید آقایی، مسعود، «عاشورا و انتظار»، موسسه انتشارات حضور، قم، ۱۳۸۲.
- پورسید آقایی، حسین و دیگران، «درسنامه تاریخ عصر غیبت»، انتشارات شریعت، قم.
- تاجری، محسن، «انتظار بذر انقلاب»، انتشارات بدر، تهران، ۱۳۵۸.
- تقوی، سید حسین، «حضرت مهدی (عج) از ظهور تا پیروزی»، کتابسرای اصفیاء، قم، ۱۳۸۱.
- تاج لنگرودی، محمد مهدی، «پیامهای امام زمان علیه السلام»، نشر ممتاز، تهران، ۱۳۷۶.
- تنکابنی، فرید، «کلمات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله»، «نهج الفصاحه»، ترجمه ابوالقاسم پاینده، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۲.
- جر، خلیل، «فرهنگ لاروس عربی - فارسی»، مترجم: سید حمید طبیبیان، ج ۲، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۶.
- جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمد، «فرائد المسطین»، چاپ موسسه محمودی، ج ۲، بیروت، ۱۴۱۱.

جاسم، حسین، «تاریخ سیاسی غیبت امام دوزادهم علیه السلام»، مترجم: سید محمد تقی آیت اللهی، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۶.

جعفی بخاری، اسماعیل، «صحیح بخاری»، ج ۴، مکتبه عبد الحمید احمد حنفی، قاهره، ۱۳۱۴ هـ.ق.

حیدری نیک، مجید، «نگاهی دوباره به انتظار»، انتشارت بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، تهران، ۱۳۸۱.

حسینی شیرازی، صادق، «موعود قرآن»، مترجم موسسه الامام المهدی، انتشارات الامام المهدی (عج)، تهران، ۱۳۶۰.

حسینی بحرانی، سید هاشم، «سیمای حضرت مهدی (عج) در قرآن»، مترجم: مهدی حائری قزوینی، نشر آفاق، تهران، ۱۳۷۶.

حر عاملی، محمد بن الحسن، «اثبائه الهداه»، ج ۷، چاپخانه علمیه، قم، ۱۳۷۱.

حکیمی، محمد رضا، «خورشید مغرب»، دفتر نشر فرهنگ اسلامی تهران، ۱۳۶۰.

حیدری، عزیز الله، «انتظار و انسان معاصر»، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، (بی تا).

الحرانی، ابومحمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه، «تحف العقول»، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۳۶۳.

حافظ شیرازی، خواجه شمس الدین محمد، «دیوان حافظ»، ج اول، انتشارات گنجینه، تهران، ۱۳۷۹.

خلجی، محمد تقی، «تشیع و انتظار»، نشر پیام مهدی (عج)، قم، ۱۳۸۱.

دارمستتر، جیمز، «او خواهد آمد»، مترجم: محسن جهان سوز، کتابفروشی ادب، تهران، ۱۳۱۷.

- داوری دولت آبادی، صادق، «موج انتظار»، مترجم: سید احمد بحر العلوم میر داماد، انتشارات بهار قلوب، اصفهان، ۱۳۷۹.
- رضا پور، علی، «وظایف شیعیان در زمان غیبت»، نشر یاران مهدی (عج)، کاشان، ۱۳۸۲.
- شیخ صدوق، محمد، «کمال الدین»، ج ۲، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۵۹.
- شیخ مفید، محمدابن محمد، «ارشاد»، ج ۱، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۶ هـ. ق.
- شریعت زاده، محمود، «حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) از دیدگاه قرآن و عترت»، موسسه فرهنگی انصار الحسین، قم، ۱۳۷۵.
- شمس الدین، محمد رضا، «المصلح المنتظر»، مطبعه علمیه، نجف، ۱۳۷۵.
- شفیعی سروستانی، ابراهیم، «انتظار، باید ها و نباید ها»، ناشر: موعود عصر (عج)، تهران، ۱۳۸۴.
- شیخ طوسی، ابن جعفر محمدبن الحسن الطوسی، «الغیبه»، موسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۷ ق.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، «من لایحضره الفقیه»، دارالکتب الاسلامی، تهران، ۱۴۱۵ هـ. ق.
- صفائی کاشانی، علی، «اثبات مهدویت از دیدگاه قرآن»، انتشارات مفید، تهران، ۱۳۷۶.
- صادقی، محمد، «بشارت عهدین»، نشر دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۷۱.
- صاحب الزمانی، ناصرالدین، «دیباچه بر رهبری»، موسسه مطبوعاتی عطایی، تهران، ۱۳۱۷.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، «منتخب الاثر»، انتشارات صدر، تهران، ۱۳۷۸.
- طبرسی، احمد، «الاحتجاج»، ج ۲، دارالنعمان، نجف اشرف، ۱۳۸۶.
- طباطبایی، محمد حسین، «ترجمه رساله الوالایه»، انتشارات صدر فعال تهران، ۱۳۷۸.
- طبرسی، فضل بن حسن، «مجمع البیان»، ج ۲، انتشارات ناصر خسرو فعال تهران، ۱۳۷۳ ق.
- طباطبایی، محمد حسین، «شیعه در اسلام»، دفتر انتشارات اسلامی فعال قم، ۱۳۶۲ ش.

- طباطبایی، سید محمد حسین، «تفسیر المیزان»، ج ۱۶، انتشارات فرهنگی رجا، تهران، ۱۴۱۱ ق.
- العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه، «تفسیر نور الثقلین»، ترجمه: جواد حسینی، ج ۲، دارالکتاب العلمیه، قم، ۱۳۴۲.
- عبد المهدی، حسین، «راه وصال امام زمان (عجل الله تعالی فرجه شریف)، ناشر: مهتاب، تهران، ۱۳۸۰.
- عاملی، سید محسن امین، «اعیان الشیعه»، ج ۲، دارالتعارف، بیروت، ۱۹۸۶ م.
- عیاشی سمرقندی، محمد بن مسعود، «تفسیر عیاشی»، ج ۳، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۵۸.
- عمید، حسن، «فرهنگ عمید»، انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۷۰.
- غیائی کرمانی، محمد رضا، «حکومت مهدی (عج)»، و آخر الزمان از دیدگاه معصومین علیهم السلام، انتشارات نور گستر، تهران، ۱۳۸۰.
- قزوینی، محمد بن یزید، «سنن ابن ماجه»، ج ۲، دارالحیا التراث العربی، بیروت، ۱۳۸۹.
- قمی، ابوالحسن، «تفسیر قمی»، ج ۲، کتابفروشی الهدی، نجف اشرف، ۱۴۱۰.
- قندوزی، حنفی، سلمان، «ینایع الموده»، مترجم: علی محمدی، دارالکتب العرقیه، قم، ۱۳۷۵.
- قرشی، سید علی اکبر، «قاموس قرآن» ج ۵، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۲.
- قائمی، علی، «نگاهی به مساله انتظار»، انتشارات شناخت اسلام، تهران، (بیتا).
- قشیری نیشابوری، ابوالحسین، «صحیح مسلم»، ج ۲، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۲.
- قمی، شیخ عباس، «مفاتیح الجنان»، ترجمه: مهدی الهی قمشه ای، دفتر نشر مصطفی، قم، ۱۳۸۲.
- قاضی زاهدی، احمد، «شیفتگان حضرت مهدی (عج)»، موسسه نشر مطبوعات حاذق، قم، ۱۳۷۰.
- کلینی، محمد بن یعقوب، «اصول کافی»، ج ۲، دارالاضواء، بیروت، ۱۲۹۰.
- کسروی، احمد، «بهایگری»، نشر آفاق، تهران، ۱۳۷۸.

- گنجی، حسین، «اماده باش یاران امام زمان (عج)»، ناشر طوبای محبت، قم، ۱۳۸۳.
- کسروی، احمد، «بهائیگری»، نشر آفاق، تهران، ۱۳۷۸.
- گلدزیهر، محمد، «العقیده و الشریعه فی الاسلام» فعال ترجمه: محمد یوسف موسی، دارالکتب الحدیثه، تهران، ۱۹۵۹.
- موسسه المعارف الاسلامیه، «معجم احادیث الامام المهدی (عج)»، ج ۵، تحت اشراف: علی کورانی، موسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۱ ق.
- مجتهدی، سید مرتضی، «صحیفه مهدیه» ترجمه: محمد حسین رحیمیان، انتشارات العاس، قم، ۱۳۸۱.
- منتظر، حسین، «ذهنیت مستشرقین و اصالت مهدویت»، نشر آفاق، تهران، ۱۴۰۳.
- مسعودی، علی بن حسین علی، «مروج الذهب»، ج ۲، مترجم: محمد محی الدین، مطبعه السعاده، قاهره، (بی تا).
- مکارم شیرازی و جمعی از مولفان، ناصر، «تفسیر نمونه»، ج ۴، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۹.
- مولوی نیا، محمد جواد فعال «سیمای مهدویت در قرآن»، موسسه انتشاراتی امام عصر (عج)، قم، ۱۳۸۱.
- موسوی اصفهانی، محمد تقی، «مکیال المکارم»، ج ۲ و ۱، مترجم: سید مهدوی حائری قزوینی، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، تهران، ۱۴۱۲ ق.
- مسعودی، علی بن حسین، «اثباه الوصیه»، انتشارت الرضی، قم، ۱۴۰۴ ه ق.
- محمدی اشتهااردی، محمد، «حضرت مهدی (عج) فروغ تابان ولایت»، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۷۷.

- معلوف، لویس، «المنجد»، مترجم: محمد بندرریگی، ج ۲، انتشارات ایران، تهران، ۱۳۸۰.
- مطهری، شهید مرتضی، «آشنایی با علوم اسلامی»، انتشارات صدرا - قم، ۱۳۵۸.
- مکارم شیرازی، ناصر، «حکومت جهانی مهدی (عج)»، انتشارات نسل جوان، قم، ۱۳۸۰.
- موسوی، اصفهانی، آیت الله سید محمد تقی، «از نیایش منتظران»، انتشارات موسسه فرهنگی مکیال، تهران فعال ۱۳۸۰.
- محمدی ری شهری، محمد، «میزان الحکمه»، ج ۲، ترجمه: حمید رضا شفیعی، دارالحدیث، قم، ۱۳۷۷.
- مهیاری، رضا، «فرهنگ عربی - فارسی دانشیار»، انتشارات دانشیار، تهران، ۱۳۷۸.
- مجموعه رهنمود های امام خمینی (ره)، «صحیفه نور»، تهیه و جمع اوری مرکز و مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ج ۱۸ و ۷ و ۱۳۶۹ - ج ۵۹، ۱۳۵۸.
- مجلسی، محمد باقر، «بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار ائمه الاطهار»، مترجم، علی دوانی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۹.
- مصطفوی، حسن، «التحقیق فی الکلمات القرآن»، ج ۱۲، وزارت ارشاد اسلامی، تهران، (بی تا).
- مکارم شیرازی، ناصر، «مهدی انقلابی بزرگ»، انتشارات هدف، قم، ۱۳۷۹.
- نعمانی، ابن ابی زینب، «غیبت نعمانی»، مترجم: جواد غفاری، چاپ حیدری، تهران، ۱۳۶۳.
- ناصر، شیخ منصور علی، «التاج الجامع للاصول»، ج ۵، دارالاحیاء التراث عربی، ۱۴۰۶ هـ.
- نیشابوری، حاکم، «مستدرک علی الصحیحین»، ج ۴، طبع دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۰۶ هـ ق.
- نبوی، محمد حسن، «ماهنامه مبلغان»، معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی مدیریت حوزه علمیه قم، ش ۳۴، شعبان ۱۴۲۳ هـ ق.
- نسائی، ابو عبدالرحمن، «سنن» دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، (بی تا).

- واحد تحقیقات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، «مهدی (عج) در سنت نبوی صلی الله علیه و آله»، ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، قم، ۱۳۷۹.
- واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران، «امامت، غیبت، ظهور»، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۲.
- واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران، «وظایف منتظران»، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۲.
- هاشمی شهیدی، سید اسد الله، «ظهور حضرت مهدی (ع)، از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان»، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰.
- هاشم العمیدی، سید ثامر، «در انتظار ققنوس»، ترجمه: مهدی علیزاده، انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، تهران ۱۳۷۹.
- الیزدی الحائری، شیخ علی، «الزام الناصب» ج ۲، مکتبه الرضی، قم، ۱۴۰۴ ق.

دعای کسب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ،
وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ، وَبِعَظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِسُلْطَانِكَ الَّتِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ،
وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِيَ بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ، وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ، وَبِعِلْمِكَ الَّتِي
أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّتِي أَضَاءَ لَهُ كُلَّ شَيْءٍ، يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ، يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ،
وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي
تُنزِلُ النَّقْمَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ

الدُّعَاءُ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ الْبَلَاءَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ، وَكُلَّ خَطِيئَةٍ
أَخْطَأْتُهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ، وَأَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى نَفْسِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ
تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ، وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ، وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ
خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ، أَنْ تُسَامِحَنِي وَتَرْحَمَنِي، وَتَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا، وَفِي
جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا، اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ، وَأَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ
حَاجَتَهُ، وَعَظَّمَ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتَهُ، اللَّهُمَّ عَظِّمْ سُلْطَانَكَ، وَعَلَا مَكَانَكَ، وَخَفِي مَكْرَكَ،
وِظْهَرَ أَمْرَكَ، وَغَلَبَ قَهْرَكَ، وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ، وَلَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ، اللَّهُمَّ لَا
أَجِدُ لِدُنُوبِي غَافِرًا، وَلَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا، وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرَكَ،
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي، وَتَجَرَّاتُ بِجَهْلِي، وَسَكَنْتُ إِلَى قَدِيمِ
ذِكْرِكَ لِي، وَمَنْكَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ، وَكَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقْلَتَهُ،
وَكََمْ مِنْ عِثَارٍ وَقَيْتَهُ، وَكََمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ، وَكََمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَشَرْتَهُ،
اللَّهُمَّ عَظِّمْ بِلَاتِي، وَأَفْرِطْ بِي سُوءَ حَالِي، وَقَصِّرْتُ بِي أَعْمَالِي، وَقَعَدْتُ بِي أَغْلَالِي،
وَحَبَسْتَنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدَ أَمَلِي، وَخَدَعْتَنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا، وَنَفْسِي بِجِنَايَتِهَا وَمِطَالِي، يَا
سَيِّدِي فَاسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي، سُوءُ عَمَلِي وَفِعَالِي، وَلَا تَفْضَحْ حُنِي
بِخَفِيٍّ مَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي، وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَيَّ مَا عَمِلْتُهُ فِي خَلَوَاتِي، مِنْ
سُوءِ فِعْلِي وَإِسَاءَتِي، وَدَوَامِ تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِي، وَكَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَغَفْلَتِي، وَكُنِ اللَّهُمَّ
بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَوْفًا، وَعَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا، إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي

غیرک، اسئلہ کشفِ ضرّی والنظر فی امری، الہی ومولای اجریت علی حکماً اتبعت
 فیہ ہوی نفسی، ولم اخترس فیہ من تزین عدوی، ففرنی بما اھوی، وأسعدہ علی ذلک
 القضاء، فتجاوزت بما جرى، علی من ذلک بعض حدودک، وخالفت بعض اوامیرک،
 فلک الحمد علی فی جمیع ذلک، ولا حجة لی فیما جرى علی فیہ قضاؤک، والزمنی
 حکمک وبلاؤک، وقد آتیتک یا الہی بعد تقصیری واسرافی علی نفسی، معتذراً نادماً
 منكسراً مستقیلاً، مستغفراً منیباً، مقراً مدعناً مغترفاً، لأجد مفراماً کان منی، ولا مفرعاً
 أتوجه الیہ فی امری، غیر قبولک عذری، وادخالک ایای فی سعة رحمتک، اللھم فاقبل
 عذری، وارحم شدة ضرّی، وفکنی من شد وثاقی، یارب ارحم ضغف بدنی، ورقة
 جلدی، ودقة عظمی، یا من بدء خلقی وذرّی، وتربیتنی وبری وتغذیتنی، هبنی لابتداء
 کرمک، وسالف برک بی، یا الہی وسیدی وربی، اتراک معذبی بنارک بعد توحیدک،
 وبعد ما انطوی علیہ قلبی من معرفتک، ولهج به لسانی من ذکرک، واعتقدہ ضمیری من
 حبک، وبعد صدق اعترافی ودعائی خاضعاً لرؤیتک، هیئات انت اکرم من ان تضيع
 من ربیتہ، او تبعد من ادنیته، او تشرّد من اویته، او تسلّم الی البلاء من کفیتہ ورحمتہ،
 ولیت شعری یا سیدی والہی ومولای، اتسلط النار علی وجوه خرت لعظمتک ساجدة،
 وعلی السن نطقت بتوحیدک صادقة، وبشکرک مادحة، وعلی قلوب اعترفت بالہیتک
 محققة، وعلی ضمائر حوت من العلم بک حتی صارت خاشعة، وعلی جوارح سعت
 الی اوطان تعبک طائعة، وأشارت باستغفارک مذعنة، ما هكذا الظن بک، ولا أخبرنا

بِفَضْلِكَ عَنْكَ يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ، وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا،
وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى أَهْلِهَا، عَلَى أَنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْتَنٌ، يَسِيرٌ
بِقَاتِهِ، قَصِيرٌ مُدَّتُهُ، فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ، وَجَلِيلٌ وَقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا، وَهُوَ بَلَاءٌ
تَطُولُ مُدَّتُهُ، وَيَدُومُ مَقَامُهُ، وَلَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ، لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَأَنْتِقَامِكَ
وَسَخَطِكَ، وَهَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ، يَا سَيِّدِي، فَكَيْفَ لِي وَأَنَا عَبْدُكَ
الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ، يَا إِلَهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ لِأَيِّ الْأُمُورِ
الْيَاكُ أَشْكُو، وَلِمَا مِنْهَا أَضِجُ وَأَبْكِي، لِلْأَلِيمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ، أَمْ لَطُولِ الْبَلَاءِ وَمُدَّتِهِ، فَلَمَّا
صَيَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَغْدَانِكَ، وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بِلَاتِكَ،
وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيَاءِكَ، فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي، صَبْرْتُ عَلَى
عَذَابِكَ، فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ، وَهَبْنِي صَبْرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ
إِلَى كِرَامَتِكَ، أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَرَجَائِي عَفْوِكَ، فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ أَقْسِمُ
صَادِقًا، لَنْ تَرَكْتَنِي نَاطِقًا، لِأَضِجَنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِيجَ الْأَمْلِينَ، وَلَأَصْرُخَنَّ إِلَيْكَ
صُرَاخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ، وَلَأَبْكِينَ عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ، وَلَأُنَادِيَنَّكَ أَيْنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ
الْمُؤْمِنِينَ، يَا غَايَةَ أَمَالِ الْعَارِفِينَ، يَا غَايَةَ الْمُسْتَعِيثِينَ، يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ، وَيَا إِلَهَ
الْعَالَمِينَ، أَفْتَرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَبِحَمْدِكَ، تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِنَ فِيهَا
بِمُخَالَفَتِهِ، وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ، وَحُبِسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ، وَهُوَ يَضِجُ
إِلَيْكَ ضَجِيجَ مُؤْمِلٍ لِرَحْمَتِكَ، وَيُنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ، وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ،

یا مولای فکیف یبقی فی العذاب وهو یرجوا ما سلف من حلمک، أم کیف تؤلمه النار وهو یأمل فضلك ورحمتک، أم کیف یحرقه لهیبا وأنت تسمع صوته وترى مكانه، أم کیف یشتمل علیه زفیرها وأنت تعلم ضعفه، أم کیف یتقلقل بین أطباقها وأنت تعلم صدقه، أم کیف تزجره زبانیته وهو ینادیک یا ربّه، أم کیف یرجو فضلك فی عتقه منها فترکه فیها، هیات ما ذلک الظن بک، ولألمعروف من فضلك، ولا مشبه لما عاملت به الموحدين من برک وإحسانک، فبالیقین أقطع لولا ما حکمت به من تعذیب جاحدیک، وقضیت به من اخلاذ معاندیک، لجعلت النار کلها برداً وسلاماً، وما كان لأحد فیها مقراً ولا مقاماً، لكنک تقدست أسماؤک، أقسمت أن تملأها من الکافرين من الجنة والناس أجمعین، وأن تخلد فیها المعاندین، وأنت جل ثناؤک قلت مبتدئاً، وتطولت بالإنعام متکرمماً، «أفمن كان مؤمناً کمن كان فاسقاً، لا یستوون» الہی وسیدی فأسئلك بالقدرة الی قدرتها، وبالقضية الی حتمتها وحکمتها، وغلبت من علیه أجریتها، أن تهب لی فی هذه اللیلة وفی هذه الساعة، کل جرم أجرمته، وکل ذنب اذنبته، وکل قبیح أسررته، وکل جهل عملته، کتمته أو اعلنته أخفیته أو أظهرته، وکل سیئة أمرت بإبابتها الکرام الکاتبین، الذین وکلتهم بحفظ ما یكون منی، وجعلتهم شهوداً علی مع جوارحی، وکنت أنت الرقیب علی من ورأیهم، والشاهد لما خفی عنهم، وبرحمتک أخفیته وبفضلک سترته، وأن توفر حظی من کل خیر أنزلته، أو احسان فضلته، أو بر نشرته، أو رزق بسطته، أو ذنب تغفره، أو خطأ تستره، یا رب یا رب یا رب، یا الہی وسیدی

وَمَوْلَايَ وَمَالِكِ رَقِي، يَا مَنْ بِيَدِهِ نَاصِيَتِي يَا عَلِيماً بِضُرِّي وَمَسْكِنَتِي، يَا خَبيراً بِفَقْرِي
 وَفَاقَتِي، يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ، وَأَعْظَمِ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ، أَنْ
 تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً، وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً، وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ
 مَقْبُولَةً، حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْرَادِي كُلُّهَا وَرِزْقاً وَاحِداً، وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَداً، يَا
 سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعْوَلِي، يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالِي، يَا رَبُّ يَا رَبُّ يَا رَبُّ، قَوِّ عَلَى
 خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي، وَاشْدُدْ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَانِحِي، وَهَبْ لِي الْجِدَّ فِي خَشْيَتِكَ، وَالِدَوَامَ
 فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ، حَتَّى أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مِيَادِينِ السَّابِقِينَ، وَأُسْرِعَ إِلَيْكَ فِي
 الْبَارِزِينَ، وَأَشْتاقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُشْتاقِينَ، وَأَذْنُو مِنْكَ ذُنُوءَ الْمُخْلِصِينَ، وَأَخَافُكَ مَخَافَةَ
 الْمُوقِنِينَ، وَأَجْتَمِعَ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ، اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ، وَمَنْ كَادَنِي
 فَكِدْهُ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصيباً عِنْدَكَ، وَأَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ، وَأَخْصِهِمْ زُلْفَةً
 لَدَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ، وَجُدْ لِي بِجُودِكَ، وَأَعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ،
 وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ، وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجاً، وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِيماً، وَمُنَّ عَلَيَّ بِحُسْنِ
 إِجَابَتِكَ، وَأَقْلِنِي عَثْرَتِي، وَاعْفِرْ زَلَّتِي، فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَتِكَ بِعِبَادَتِكَ، وَأَمَرْتَهُمْ
 بِدُعَائِكَ، وَضَمَنْتَ لَهُمُ الْإِجَابَةَ، فَالِيكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي، وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي،
 فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي، وَبَلِّغْنِي مُنَايَ، وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي، وَأَكْفِنِي شَرَّ
 الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي، يَا سَرِيعَ الرُّضَا، اعْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءَ، فَإِنَّكَ فَعَّالٌ لِمَا
 تَشَاءُ، يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ، وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ، وَطَاعَتُهُ غِنَى، ارْحَمْ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ وَسِلَاحُهُ

الْبُكَاءُ، يَا سَابِغَ النِّعَمِ، يَادَافِعَ النُّقْمِ، يَأْنُورُ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ، يَا عَالِمًا لَا يُعَلِّمُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَصَلِّ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَالْأئِمَّةِ الْمَيَامِينِ مِنْ آلِهِ، وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا.

دعای عهد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ، وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ، وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ
وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ، وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ، وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ
وَالنَّبِيَّاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ، وَمُلْكِكَ
الْقَدِيمِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ، وَبِاسْمِكَ
الَّذِي يَصْلَحُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ، يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَيَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيًّا
حِينَ لَا حَيَّ، يَا مُخَيِّبَ الْمَوْتَى وَمُمِيتَ الْأَحْيَاءِ، يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا
الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ، عَنْ جَمِيعِ

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَعَنِّي
 وَعَنْ وَالِدِيَّ مِنَ الصَّلَوَاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَمَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ وَأَحَاطَ بِهِ
 كِتَابُهُ، اللَّهُمَّ أَنِّي أَجِدُّ لَكَ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي، عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً
 لَكَ فِي غُنْفِي، لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَالذَّابِقِينَ
 عَنْهُ، وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ، وَالْمُمْتَثِلِينَ لِأَوَامِرِهِ، وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ،
 وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ، اللَّهُمَّ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي
 جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرِّرًا كَفْنِي، شَاهِرًا سَيْفِي،
 مُجْرِدًا قَنَاتِي، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي، اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ، وَالغُرَّةَ
 الْحَمِيدَةَ، وَاكْحَلْ نَاطِرِي بِنَظَرَةِ مَنْى إِلَيْهِ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ، وَأَوْسِعْ مَنْهَجَهُ،
 وَأَسْلِكْ بِي مَحَجَّتَهُ وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ، وَأَشْدُدْ أَرْزَهُ، وَأَعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ، وَأَحْيِ بِهِ عِبَادَكَ،
 فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ، ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ، فَأَظْهِرِ
 اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيكَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ، حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ
 إِلَّا مَزَقَهُ، وَيُحِقِّقَ الْحَقَّ وَيُحَقِّقَهُ، وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ، وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ
 لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ، وَمُجَدِّدًا لِمَا عَطَلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ، وَمُشِيدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ،
 سُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ اللَّهُمَّ وَسِّرْ
 نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَيْتِهِ، وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ، وَارْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ،

اللَّهُمَّ اكشِفْ هَذِهِ الْغُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ، وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ، إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَنَرِيهِ قَرِيباً بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

«الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ»

«الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ»

«الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ»

دعای فرج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِلَهِي عَظُمَ الْبَلَاءُ، وَبَرِحَ الْخَفَاءُ، وَانْكَشَفَ الْغَطَاءُ، وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ، وَضَاقَتِ الْأَرْضُ وَمُنِعَتِ
السَّمَاءُ، وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَالْيَكُ الْمُشْتَكَى، وَعَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشِّدَّةِ وَالرَّخَاءِ، اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أُولَى الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ، وَعَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ،
فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ، فَرَجاً عَاجِلاً قَرِيباً كَلِمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ
يَا مُحَمَّدُ، أَكْفِيَانِي فَانْكُمَا كَافِيَانِ، وَأَنْصُرَانِي فَانْكُمَا نَاصِرَانِ، يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبِ الزَّمَانِ،
الْعَوْتُ الْعَوْتُ الْعَوْتُ، أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي، السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ، الْعَجَلَ الْعَجَلَ
الْعَجَلَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ،^١

آثار چاپ شده از این مولف:

زندگی اجتماعی سیاسی امام علی علیه السلام

آثار دوستی از منظر اسلام

سیمای جهان قبل از ظهور منجی

سیر گرایش خدا و معنویت در غروب

